



مرکز تحقیقات اسلامی

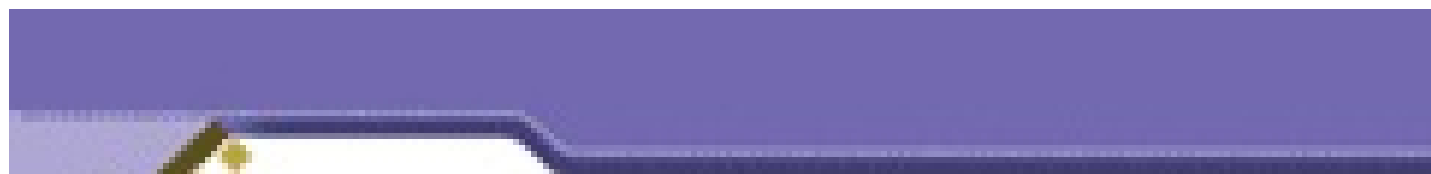
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



جمعه از نویسندگان

hodhodbook.ir

مجموعه آموزش عالی امام خمینی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

نویسنده:

ناصر رفیعی محمدی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلي الله عليه وآله) العالمية

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	مجموعه مقالات همایش صدف کوثر جلد ۳
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۲۱	فهرست اجمالی
۲۳	فهرست مطالب
۴۴	سخن دبیر علمی همایش
۴۶	حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن: معصومه بهرامی
۴۶	اشاره
۴۶	چکیده
۴۶	مقدمه
۴۷	واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن
۵۵	جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام
۵۷	محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله
۶۱	حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله
۶۴	نتیجه
۶۵	منابع
۶۶	حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت: ابوطالب علی نژاد
۶۶	اشاره
۶۶	چکیده
۶۷	مقدمه
۶۹	سلام خدا به خدیجه علیها السلام
۷۰	توضیح روایت
۷۲	قصر بهشتی برای خدیجه علیها السلام

۷۳	توضیح روایت
۷۳	الف) گریه برای خوف و خشیت الهی
۷۳	ب) خواندن نماز مستحی در شبهای رمضان
۷۴	ج) ساختن مسجد
۷۴	د) بنده مؤمن آزاد کردن
۷۴	و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحی در هر روز
۷۶	اظهار ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام
۷۶	الف) یاد همیشگی از خدیجه علیها السلام
۷۷	توضیح روایت
۷۸	۱-۵- سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۰	۲-۵- مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله
۸۱	۳-۵- فرزندان شدن حضرت خدیجه علیها السلام
۸۲	ب) گرمی داشت دوستان خدیجه علیها السلام
۸۳	روایت اول: از عایشه نقل می کند:
۸۳	توضیح روایت
۸۴	روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:
۸۴	روایت سوم: عایشه می گوید:
۸۵	توضیح روایت
۸۶	ج) محبت به خواهر خدیجه علیها السلام
۸۷	توضیح روایت
۸۸	صدیقه امت
۸۹	نتیجه
۹۰	منابع
۹۲	فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت: روح الله باقر
۹۲	اشاره
۹۲	چکیده

۹۳	مقدمه
۹۳	زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام
۹۳	فضیلت
۹۴	اهل سنت
۹۴	منابع
۹۴	پیشینه تحقیق
۹۵	الف) کتاب های فارسی
۹۷	کتاب های عربی
۹۷	فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت
۹۸	۱. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه علیها السلام
۹۸	۲. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام
۹۹	۳. با فضیلت ترین زنان اهل بهشت
۹۹	۴. بهترین زنان دو جهان
۱۰۰	۵. یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۱	۶. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت خدیجه علیها السلام
۱۰۳	۷. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه
۱۰۴	۸. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث
۱۰۴	۹. برترین بانوان امم
۱۰۵	نتیجه
۱۰۶	منابع
۱۰۷	حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه: عبدالمجید زهادت
۱۰۷	چکیده
۱۰۷	مقدمه
۱۰۹	خدیجه کبری علیها السلام در سخن ابن تیمیه
۱۰۹	توضیح و بررسی
۱۰۹	۱. امهات المومنین

- ۱۱۱ ۲. أزواج النبی فی الآخره خصوصاً خدیجه علیها السلام
- ۱۱۲ سایر مستندات اهل سنت
- ۱۱۵ ۳. ام اکثر اولاده
- ۱۱۶ ۴. اول من آمن به و عاضده
- ۱۱۶ ۵. لها منه المنزله العالیه
- ۱۱۷ ۱-۵- سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:
- ۱۱۸ ۲-۵- بیان رسول خدا و در مورد برتری خدیجه
- ۱۱۸ ۶. فَضِّلْ عَائِشَةَ عَلَى التَّيَّاسِ كَفَضِّلَ الشَّرِيدَ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ
- ۱۲۰ نقد سخنان ابن تیمیه
- ۱۲۵ نتیجه
- ۱۲۶ منابع
- ۱۳۰ ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت هندوستان: سید معراج مهدی رضوی
- ۱۳۰ چکیده
- ۱۳۱ مقدمه
- ۱۳۱ زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام
- ۱۳۱ ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام
- ۱۳۱ ۱. کاملترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت
- ۱۳۲ ۲. حضرت خدیجه علیها السلام پاک دامن ترین زنان قریش
- ۱۳۳ ۳. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش
- ۱۳۳ ۴. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی
- ۱۳۴ ۱-۴- سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر
- ۱۳۴ ۲-۴- سلسله نسب از ناحیه مادر
- ۱۳۵ ۵. حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش
- ۱۳۵ ۶. موحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت
- ۱۳۷ ۷. نخستین همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تنها همسر زمان خود
- ۱۳۷ الف) حضرت خدیجه علیها السلام اولین ام المؤمنین

- ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل سنت ----- ۱۳۸
- ج) طولانی ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ----- ۱۳۸
۸. حضرت خدیجه علیها السلام خدمتگزار واقعی همسر ----- ۱۳۸
۹. حضرت خدیجه علیها السلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت ----- ۱۳۹
- ۹-۱- ابن بطوطه می نویسد: ----- ۱۳۹
- ۹-۲- ابن مغازلی شافعی می نویسد: ----- ۱۳۹
۱۰. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام ----- ۱۳۹
۱۱. جلوه‌های فقاقت حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۴۰
۱۲. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق کننده رسالت ----- ۱۴۱
- ۱۲-۱- ابن شهاب بیان می کند: ----- ۱۴۱
۱۳. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و اله ----- ۱۴۱
۱۴. اولین زن نمازگزار و اقتداء کننده به پیامبر صلی الله علیه و آله ----- ۱۴۲
۱۵. حضرت خدیجه اولین راوی اسلام و محدثه ----- ۱۴۲
- ۱۵-۱- ابن حزم اندلسی می گوید: ----- ۱۴۳
- ۱۵-۲- مولانا محمد اویس فاروقی می نویسد: ----- ۱۴۳
۱۶. انفاق کننده و حامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ----- ۱۴۳
۱۷. عام الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۴۴
۱۸. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله ----- ۱۴۵
۱۹. ادامه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۴۶
۲۰. حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله ----- ۱۴۶
۲۱. حضرت خدیجه علیها السلام المحسود دیگران ----- ۱۴۸
۲۲. بهترین زن امت محمدی ----- ۱۴۹
۲۳. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت ----- ۱۵۰
- نتیجه ----- ۱۵۱
- منابع ----- ۱۵۲
- الف) منابع عربی و فارسی ----- ۱۵۲

- ب) منابع زبان اردو ----- ۱۵۴
- تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمد حسین جلال زاده میبیدی ----- ۱۵۶
- چکیده ----- ۱۵۶
- مقدمه ----- ۱۵۶
- تحریف و زدودن فضایل در کتاب ها ----- ۱۵۷
- کتمان یگانه پرستی حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۵۹
- بیوه نمایاندن حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۶۱
- افسانه دوبار دامادی عثمان ----- ۱۶۳
- بازتاب نیافتن ایثار مالی حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۷۰
- بزرگ نمایی در سن حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۷۳
- کوچک نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۷۵
- منابع ----- ۱۸۰
- نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه: هاجر رضایت ----- ۱۸۷
- اشاره ----- ۱۸۷
- چکیده ----- ۱۸۷
- مقدمه ----- ۱۸۸
- معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ ----- ۱۸۹
- نخست. نقد ساختاری ----- ۱۹۰
- دوم. نقد محتوایی ----- ۱۹۳
- الف) کاستی ها ----- ۱۹۳
۱. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت ----- ۱۹۳
۲. خدیجه سرور زنان عالم ----- ۱۹۳
۳. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۹۴
۴. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام ----- ۱۹۴
- ب) تحلیل برخی از گزارش ها ----- ۱۹۴
۱. خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال دهم بعثت ----- ۱۹۴

۲. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر ۱۹۵
۳. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام ۱۹۷
۴. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹۸
- ۴-۱. رسالت و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب ۱۹۹
- ۴-۲. بی‌اطلاعی پیامبر صلی الله علیه و آله از رسالت ۱۹۹
- ۴-۳. ترس پیامبر از جن زدگی ۲۰۱
- ۴-۴. معرفی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۰۱
۵. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام ۲۰۲
۶. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۰۴
۷. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام ۲۰۵
۸. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام ۲۰۵
- نتیجه ۲۰۶
- منابع ۲۰۸
- حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو: زهرا مهرجویی ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱
- چکیده ۲۱۱
- مقدمه ۲۱۱
- حضرت خدیجه علیها السلام نامی آشنا ۲۱۲
- گیورگیو خاورشناسی رمان نویس ۲۱۳
- علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله؟ ۲۱۴
- نتیجه ۲۱۷
- منابع ۲۱۹
- گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان: شهناز کریم زاده سورشجانی ۲۲۰
- اشاره ۲۲۰
- چکیده ۲۲۰
- مقدمه ۲۲۱

۲۲۳	الف) دوره قبل از بعثت
۲۲۳	۱. همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۲۵	۲. سن حضرت خدیجه علیها السلام
۲۲۶	۳. ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۲۶	اشاره
۲۲۹	ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۳۲	۴. ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیها السلام در ادوار زندگی او
۲۳۴	۵. سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان
۲۳۸	۶. منشأ ثروت خدیجه علیها السلام
۲۳۹	ب) دوران پس از بعثت
۲۳۹	۱. نقش خدیجه علیها السلام در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در صدور وحی
۲۴۲	۲. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت های مالی و اجتماعی
۲۴۴	۳. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام
۲۴۵	نتیجه
۲۴۷	منابع
۲۴۹	بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن: سکینه آخوند
۲۴۹	اشاره
۲۴۹	چکیده
۲۵۰	مقدمه
۲۵۰	ترجمه مقاله
۲۵۳	بررسی محتوای مقاله
۲۵۳	اشاره
۲۵۴	الف) ازدواج های پیشین حضرت خدیجه علیها السلام
۲۵۶	ب) سن خدیجه علیه السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۵۸	ج) خدیجه علیها السلام در قرآن
۲۶۱	د) جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم

۲۶۳	ه) جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت
۲۶۵	نتیجه
۲۶۶	منابع
۲۶۹	سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر: سیدجمال الدین موسوی
۲۶۹	اشاره
۲۶۹	چکیده
۲۷۰	مقدمه
۲۷۱	نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان
۲۷۳	شعر فارسی
۲۷۴	شعر آیینی
۲۷۴	بازخوانی رویدادهای سروده های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۲۷۴	اشاره
۲۷۵	۱. زینت بخش روزگار
۲۷۶	۲. بخشندگی با مال و جان
۲۷۶	۳. روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام
۲۷۹	۴. برترین زن
۲۸۰	۵. فخر بانوان
۲۸۱	۶. همسر رسول الله صلی الله علیه و آله
۲۸۲	۷. عطیه حق
۲۸۵	۸. گنج در ویرانه
۲۸۶	۹. پیوند دو نور
۲۸۷	۱۰. سرچشمه کوثر
۲۸۸	۱۱. گمشده
۲۹۱	۱۲. تکیه گاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله
۲۹۴	۱۳. بانوی دین و دنیا
۲۹۵	۱۴. رها تر از نسیم

۲۹۸	۱۵. بانوی ایثار
۲۹۹	۱۶. مادر و شفیع امت
۳۰۰	۱۷. گل باغ بهشت
۳۰۴	نتیجه
۳۰۶	منابع
۳۰۸	وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی
۳۱۰	بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دائره المعارف قرآن لیدن: جعفر هوشیاری، محمدحسن زمانی
۳۱۰	اشاره
۳۱۰	چکیده
۳۱۱	مقدمه
۳۱۲	ترجمه مقاله
۳۱۵	منابع مقاله
۳۱۵	اشاره
۳۱۵	الف)نقاط قوت و جنبه های مثبت
۳۱۶	ب)نقاط ضعف و اشکالات
۳۱۶	۱.عدم جامعیت در منابع
۳۱۷	۲.عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام
۳۱۸	۳.خطا در تفسیر معنای اهل بیت
۳۱۹	۴.بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام
۳۱۹	۵.وحی تجربه نبوی!
۳۲۱	۶.نقش ورقه بن نوفل
۳۲۱	اشاره
۳۲۲	بررسی روایات
۳۲۲	الف)سند روایات
۳۲۲	ب)تناقض آشکار روایات
۳۲۲	ج)سؤالاتی در مورد مضامین روایات

۳۲۳	دیدگاه درست
۳۲۵	۱. اول مسلمان حضرت علی علیه السلام یا خدیجه علیها السلام
۳۲۶	۸. برترین همسر رسول خدا کیست؟
۳۲۷	۹. سن حضرت خدیجه علیها السلام
۳۲۷	نتیجه
۳۲۸	منابع
۳۳۴	تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری
۳۳۴	چکیده
۳۳۵	مقدمه
۳۳۵	گونه شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام
۳۳۵	اشاره
۳۳۶	دسته اول روایات عام
۳۳۶	۱. روایت هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان
۳۳۸	۲. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیها السلام
۳۳۹	۳. روایاتی با مضمون برخورداری خدیجه کبری علیها السلام از خانه ای بهشتی
۳۴۰	دسته دوم، روایات خاص
۳۴۲	تحلیل گزاره های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»
۳۴۷	تحلیل گزاره درود جبرئیل
۳۴۹	تحلیل روایات دسته دوم
۳۵۲	نتیجه
۳۵۴	منابع
۳۵۷	سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام: بهاره رحیمی خلیل اللهی
۳۵۷	اشاره
۳۵۷	چکیده
۳۵۸	مقدمه
۳۵۸	مواد و روش پژوهش

۳۵۸	پیشینه پژوهش
۳۵۹	گذری بر زندگی امام علی علیه السلام
۳۶۰	گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام
۳۶۰	پردازش تحلیلی موضوع
۳۶۰	سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام
۳۶۱	۱. بی بدیل بودن حضرت خدیجه علیها السلام
۳۶۲	۲. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان
۳۶۴	۳. خدیجه ، پاک طینت و خوش اخلاق
۳۶۵	بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار
۳۶۵	۵. یاری گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
۳۶۷	نتیجه
۳۶۸	منابع
۳۷۰	تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری
۳۷۰	اشاره
۳۷۰	چکیده
۳۷۰	مقدمه
۳۷۲	همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۷۲	دیدگاه اول
۳۷۴	دیدگاه دوم
۳۷۵	دیدگاه سوم
۳۷۹	همراهی در زندگی مشترک
۳۸۳	همراهی در جریان بعثت
۳۸۹	نتیجه
۳۹۲	منابع
۳۹۴	درباره مرکز

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات همایش

صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد سوم

جامعه المصطفی العالمیه

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

*مراکز همکار:

جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

مجموعه مقالات همایش

صدف كوثر

حضرت خديجه عليها السلام

جلد سوم

جامعه المصطفى العالميه

ص: 3

دبیر علمی همایش: ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

* اعضای شورای علمی (به ترتیب الفبا):

رسول عبداللهی

علی نقی خدایاری

قاسم جوادی (صفری)

محمد جواد زارعان

محمد علی رضایی اصفهانی

محمد عظیمی

مهدی قائمی امیری

ناصر باقری بیدهندی

ناصر رفیعی محمدی

* مراکز همکار:

جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، مجتمع عالی بنت الهدی، پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 4

سخن دبیر علمی همایش... 18

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن: معصومه بهرامی... 19

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت: ابوطالب علی نژاد... 39

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت: روح الله باقر... 65

حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه: عبدالمجید زهادت... 80

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت هندوستان: سید معراج مهدی رضوی... 103

تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمد حسین جلال زاده میدی... 129

نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و آله:

هاجر رضایت... 160

حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو: زهرا مهرجویی... 184

گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان: شهناز کریم زاده سورشجانی... 193

بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن: سکینه آخوند... 222

سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر: سید جمال الدین موسوی... 242

بررسی مقاله "خدیجه" در دائره المعارف قرآن لیدن: جعفر هوشیاری، محمدحسن زمانی...277

تحلیل گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری...301

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام: بهاره رحیمی خلیل اللهی...324

تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری...337

ص: 6

سخن دبیر علمی همایش...18

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن...19

مقدمه...19

واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن...20

جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام...28

محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا رسول صلی الله علیه و آله...30

حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله...34

نتیجه...37

منابع...38

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت...39

مقدمه...40

سلام خدا به خدیجه علیها السلام...42

توضیح روایت...43

قصر بهشتی برای خدیجه علیها السلام...45

توضیح روایت...46

الف) گریه برای خوف و خشیت الهی...46

ب) خواندن نماز مستحبی در شب های رمضان...46

ج) ساختن مسجد...47

د) بنده مؤمن آزاد کردن...47

و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز...47

اظهار ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام...49

الف) یاد همیشگی از خدیجه علیها السلام...49

توضیح روایت...50

1-5- سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله...51

ص: 7

2-5- مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله...53

3-5- فرزندان شدن حضرت خدیجه علیها السلام...54

ب) گرمی داشت دوستان خدیجه علیها السلام...55

روایت اول: از عایشه نقل می کند...:56

توضیح روایت...56

روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید...:57

روایت سوم: عایشه می گوید...:57

توضیح روایت...58

ج) محبت به خواهر خدیجه علیها السلام...59

توضیح روایت...60

صدیقه امت...61

نتیجه...62

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت...65

واژگان کلیدی...65

مقدمه...66

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام...66

فضیلت...66

اهل سنت...67

منابع...67

پیشینه تحقیق

الف) کتاب های فارسی...:68

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت...70

1. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه علیها السلام...71

2. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام...71

ص: 8

3. با فضیلت ترین زنان اهل بهشت...72

4. بهترین زنان دو جهان...72

5. یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام...73

6. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت خدیجه علیها السلام...74

7. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام...76

8. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث...77

9. برترین بانوان امت...77

نتیجه...78

منابع...79

حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه...80

مقدمه...80

خدیجه کبری علیها السلام در سخن ابن تیمیه...82

توضیح و بررسی...82

1. امهات المومنین...82

2. ازواج النبی فی الاخره خصوصاً خدیجه علیها السلام...84

سایر مستندات اهل سنت...85

3. ام اکثر اولاده...88

4. اول من آمن به و عاصده...89

5. لها منه المنزل العالی...89

1-5-سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:...90

2-5-بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد برتری خدیجه علیها السلام...91

6. فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ...91

تقد سخنان ابن تيميه...93

نتيجه...98

منابع...99

ص: 9

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت هندوستان...103

مقدمه...104

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام...104

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام...104

1. کامل ترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت...104

2. حضرت خدیجه علیها السلام پاک دامن ترین زنان قریش...105

3. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش...106

4. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی...106

1-4- سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر...107

2-4- سلسله نسب از ناحیه مادر...107

5. حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش...108

6. موحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت...108

7. نخستین همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تنها همسر زمان خود...110

الف) حضرت خدیجه علیها السلام اولین ام المؤمنین...110

ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل سنت...111

ج) طولانی ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله...111

8. حضرت خدیجه علیها السلام خدمت گزار واقعی همسر...111

9. حضرت خدیجه علیها السلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت...112

10. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام...112

11. جلوهای فقاقت حضرت خدیجه علیها السلام...113

12. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق کننده رسالت...114

13. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و اله...115

14. اولین زن نمازگزار و اقتداء کننده به پیامبر صلی الله علیه و آله...115

15. حضرت خدیجه علیها السلام اولین راوی اسلام و محدثه...115

16. انفاق کننده و حامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله...116

ص: 10

17. عام الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام...117

18. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله...118

19. ادامه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام...119

20. حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله...119

21. حضرت خدیجه علیها السلام محسود دیگران...121

22. بهترین زن امت محمدی...122

23. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت...123

نتیجه...124

منابع...125

الف) منابع عربی و فارسی...125

ب) منابع زبان اردو...127

تحریف تاریخ درباره حضرت خدیجه علیها السلام...129

مقدمه...129

تحریف و زدودن فضایل در کتاب ها...130

کتمان یگانه پرستی حضرت خدیجه علیها السلام...132

بیوه نمایاندن حضرت خدیجه علیها السلام...134

افسانه دوبار دامادی عثمان...136

بازتاب نیافتن ایثار مالی حضرت خدیجه علیها السلام...143

بزرگ نمایی در سن حضرت خدیجه علیها السلام...146

کوچک نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیها السلام...148

منابع...153

تقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه و اله...160

مقدمه...161

معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ...162

ص: 11

نخست نقد ساختاری...163

دوم نقد محتوایی...166

الف) کاستی ها...166

1. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت...166

2. خدیجه سرور زنان عالم...166

3. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام...167

4. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام...167

ب) تحلیل برخی از گزارش ها...167

1. خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال دهم بعثت...167

2. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله...168

3. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام...170

4. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله...171

1-4-رسالت و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب...172

2-4-بی اطلاعی پیامبر صلی الله علیه و آله از رسالت...172

3-4-ترس پیامبر از جن زدگی...174

4-4-معرفی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور پیامبر صلی الله علیه و آله...174

5. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام...175

6. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله...177

7. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام...178

8. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام...178

نتیجه...179

منابع...181

حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو...184

مقدمه...184

حضرت خدیجه علیها السلام نامی آشنا...185

ص: 12

گیورگیو خاورشناسی رمان نویس...186

علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله...؟187

نتیجه...190

منابع...192

گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان...193

مقدمه...194

الف) دوره قبل از بعثت...196

1. همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه...196

2. سن حضرت خدیجه علیها السلام...198

3. ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله...199

ازدواج با پیامبر صلی الله علیه...202

4. ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیها السلام در ادوار زندگی او...205

5. سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان...207

6. منشأ ثروت خدیجه علیها السلام...211

ب) دوران پس از بعثت...212

1. نقش خدیجه علیها السلام در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در صدور وحی...212

2. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت های مالی و اجتماعی...215

3. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام...217

نتیجه...218

منابع...220

بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن...222

مقدمه...223

ترجمه مقاله...223

بررسی محتوای مقاله...226

الف) ازدواج های پیشین حضرت خدیجه علیها السلام...227

ص: 13

ب) سن خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله...229

ج) خدیجه علیها السلام در قرآن...231

د) جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم...234

ه) جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت...236

نتیجه...238

منابع...239

سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر...242

مقدمه...243

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان...244

شعر فارسی...246

شعر آیینی...247

بازخوانی رویکردهای سروده های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه علیها السلام...247

1. زینت بخش روزگار...248

2. بخشندگی با مال و جان...249

3. روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام...249

4. برترین زن...252

5. فخر بانوان...253

6. همسر رسول الله صلی الله علیه و آله...254

7. عطیه حق...255

8. گنج در ویرانه...257

9. پیوند دو نور...258

10. سرچشمه کوثر...259

11. گمشده...260

12. تکیه گاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله...262

13. بانوی دین و دنیا...264

ص: 14

14. رهاتر از نسیم...265

15. بانوی ایثار...267

16. مادر و شفیع امت...268

17. گل باغ بهشت...269

نتیجه...271

منابع...273

وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی...275

بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دائره المعارف قرآن لیدن...277

مقدمه...278

ترجمه مقاله...279

منابع مقاله...282

الف) نقاط قوت و جنبه های مثبت...282

ب) نقاط ضعف و اشکالات...283

1. عدم جامعیت در منابع...283

2. عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام...284

3. خطا در تفسیر معنای اهل بیت...285

4. یوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام...286

5. وحی تجربه نبوی!...286

6. نقش ورقه بن نوفل...288

بررسی روایات...289

الف) سند روایات...289

ب) تناقض آشکار روایات...289

ج) سؤالاتی در مورد مضامین روایات...289

دیدگاه درست...290

7. اول مسلمان حضرت علی علیه السلام یا خدیجه علیه السلام...292

ص: 15

8. برترین همسر رسول خدا کیست؟...293

9. سن حضرت خدیجه علیها السلام...294

نتیجه...294

منابع...295

تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام...301

مقدمه...302

گونه شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام...302

دسته اول روایات عام...303

1. روایت هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان...303

2. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیها السلام...305

3. روایاتی با مضمون برخورداری خدیجه کبری علیها السلام از خانه ای بهشتی...306

دسته دوم، روایات خاص...307

تحلیل گزاره های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»...309

تحلیل گزاره درود جبرئیل...314

تحلیل روایات دسته دوم...316

نتیجه...319

منابع...321

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام...324

مقدمه...325

مواد و روش پژوهش...325

پیشینه پژوهش...325

گذری بر زندگی امام علی علیه السلام...326

گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام...327

پردازش تحلیلی موضوع...327

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام...327

ص: 16

1. بی بدیل بودن حضرت خدیجه علیها السلام...328

2. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان...329

3. خدیجه علیها السلام، پاک طینت و خوش اخلاق...331

بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار...332

5. یاری گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله...332

نتیجه...334

منابع...335

تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری...337

مقدمه...337

همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله...339

دیدگاه اول...339

دیدگاه دوم...341

دیدگاه سوم...342

همراهی در زندگی مشترک...346

همراهی در جریان بعثت...350

نتیجه...356

منابع...359

ص: 17

بررسی ابعاد شخصیت ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک گوی، رسالت همسر و هم سر رسول خدا انیس تھی دستی کاشانه ام آبیه و مادر امت بود نقش مهم او در پیش برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی دریغش از اندیشه های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

علی رغم تلاش های درخور ستایشی که در معرفی این شخصیت آسمانی ارائه شده، پژوهش های جدید جامع و پویا هم چنان ضروری است تا ابعاد بیش تری از زندگی این شخصیت بزرگوار روشن شود و اندکی از غبار مظلومیت و غربت چهره نورانش زدوده گردد.

آن چه به مناسبت برگزاری همایش ملی صدف کوثر ارائه می شود گامی است کوچک در شناساندن حضرت خدیجه علیها السلام که شامل عناوین ذیل است:

1. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر 3 جلد

2. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (فارسی)، 2 جلد

3. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی انگلیسی) 1 جلد

4. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، 1 جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم از همه اساتید، فضلا و پژوهشگرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته اند قدردانی می کنم به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری، بیدهندی مهدی قائمی امیری، محمد علی رضایی اصفهانی قاسم، جوادی رسول، عبداللهی محمد عظیمی و علی نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته اند هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی آقایان: مهدی، برزگر علی جعفری منش محمد مراد خان بابا علی اصغر شریفی نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می نمایم.

ربنا تقبل منا إنك انت السميع العليم

دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر

ناصر رفاعى محمدى

17 ربيع الاول 1439

ص: 18

*حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن: معصومه بهرامی (1)

چکیده

کتب اصلی اهل تسنن مطالب بسیاری درباره شخصیت اعتقادات و عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام نوشته اند به طور کلی کتب معتبری چون صحیحین، کتب تاریخی و تفسیری همه در مورد این بانوی بزرگ اسلام سخن گفته اند آن حضرت از چنان جایگاه و موقعیتی در اسلام برخوردار بود که فکر و عقل سلیم و هم چنین مکاتب مذاهب و فرق مختلف اسلامی نتوانسته اند از ذکر فضایل او چشم پوشی کنند. البته در مواردی نسبت به این شخصیت ارزشمند جهان اسلام کم لطفیه ای دیده می شود که بخشی از آن به دلیل نگرش مغرضانه به آن حضرت و بیش تر به جهت بی توجهی و یا گاهی بالا بردن جایگاه بقیه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، منابع اهل تسنن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله

مقدمه

گسترش و شکل گیری اسلام با حمایت های مادی و معنوی بانویی بزرگوار انجام گرفته که حق بسیار عظیمی بر تمام مسلمانان دارد. اما متأسفانه در

ص: 19

شناخت و معرفی این شخصیت گران قدر کوتاهی شده است، عمل نشده است. هر سال در ایام وفات این بزرگوار فقط یادی از ایشان می شود و حتی شیعیان نیز گاهی از مقام والای آن حضرت غافل شده و کاری مناسب شأن ایشان است، صورت نداده اند.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زن در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ بشریت است که با تمام وجود از آرمانی الهی حمایت کرد. او در مسیر حمایت از دین خدا و پیروی از پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر تقدیم کل ثروت خود، از آبرو و حتی جان خود نیز دریغ نورزید حتی که این بانوی بزرگ بر مسلمان ها دارد قابل بیان و ارزش گذاری نیست؛ زیرا بقا و تداوم اسلام مرهون ایشان بوده است.

آن حضرت علاوه بر داشتن جایگاه خاص که در مکتب تشیع در کتب فرق اسلامی نیز مورد توجه ویژه ای قرار گرفته اند. مطالعه و بررسی زندگی حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن می تواند راهکار مناسبی برای شناخت شخصیت، نقش و عملکرد وی در پیشرفت اسلام باشد.

واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان ممتاز و مشهور عصر خود بود به همین جهت به شخصیت و ویژگی های ایشان توجه شده و در کتب مختلف بیان گردیده است. تاریخ نویسان اهل تسنن درباره نسب آن حضرت گفته اند.

خدیجه از قبیله، هاشم پدرش خویلد بن اسد قریشی و مادرش فاطمه دختر زائد بن اصم. بود پانزده سال قبل از عام الفیل (مطابق با سال 555 میلادی) در مکه به دنیا آمد خانواده او از نظر شرافت و نسب در شمار بزرگ ترین و با نفوذترین قبیله های عرب محسوب می شد.

(1)

زمان ولادت آن حضرت به طور دقیق مشخص نیست؛ اما با وجود اوضاع نامناسب قبل از اسلام به ویژه بی توجهی به ثبت دقیق تاریخ زندگی زنان،

ص: 20

تاریخ نگاران نامدار از آن بانو به عنوان زنی، پاک نجیب، شریف، عالم و بزرگوار یاد کرده اند. همین مقدار توجه به یک زن در عصری که زنان هیچ جایگاه و منزلتی نداشتند نشان می دهد که وی دارای شخصیتی متفاوت با زنان معاصر خود بوده است.

آن بانو از بزرگان قریش و مورد احترام همگان بود او نه تنها در بین اقوام خود، بلکه در میان زنان آن زمان نیز کم نظیر بود. دختر خوبلد در سجایا و کمالات، اخلاقی زبانزد مردم و نمونه شمرده شده است. او از جمله زنان کامل، عاقل والا، پای بند به دیانت و عقیف و کریم و از اهل بهشت بود. تعبیر تاریخ نگاران اهل تسنن در این مورد قابل توجه است: «كَانَتْ عَاقِلَةً، جَلِيلَةً، دَيِّنَةً، مَصُونَةً، كَرِيمَةً، مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

(1)

ابن هشام نیز به فضایل متعدد آن حضرت اشاره کرده است. وی خدیجه را زنی فاضل و جویای علم و حقیقت و آگاه از کتب آسمانی، معرفی می کند. بانویی که همواره در پی شناخت نشانه های نبوت بود و ظهور پیامبر آخرالزمان را انتظار می کشید. به همین جهت با دانشمندان آن عصر و پسر عمویش ورقه بن نوفل که فردی مسیحی و پژوهش گر بود و علاوه بر کتاب های آسمانی از علوم زمان نیز اطلاع داشت در این مورد گفت و گو می کرد. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام از چنان جایگاهی برخوردار بود که وی را قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله «طاهره» می خواندند. باید توجه داشت که تا آن زمان هیچ زن دیگری در بین زنان قریش ملقب به این صفت نشده بود: «كانت خدیجه تدعى فى الجاهلیة الطاهره» (3) فضایل اخلاقی وی در آن عصر بسیار معروف و مشهور بود و بدین جهت زنان مکه به وی حسد می ورزیدند. (4)

ایشان از بزرگ ترین بانوان اسلام به شمار می رود؛ زیرا اولین زنی بود که در

ص: 21

1- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110.

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 227

3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111

4- همان، ص 110

فضای اختناق عصر جاهلیت به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به دین اسلام گروید. وجود آن بانوسرشار از عشق به پروردگار و پیامبر صلی الله علیه و آله بود برای درک عظمت ایمان آن حضرت باید به اوضاع آن زمان توجه کرد. در عصری که به دلیل سلطه اوهام و رواج بت پرستی و ترس شدید از حاکمیت، حتی مردان جرأت مخالفت با سران قریش را نداشتند این بانونه تنها با مشرکان به مخالفت برخاست، بلکه عضویت خود در حزب خدا و پیروی و اطاعت محض از دشمن سرسخت آن ها را نیز آشکارا مطرح کرد؛ تا جایی که از طرف مردم و زنان قبیله و حتی خویشان خود طرد گردید. این شکل از نواندیشی برای یک زن، آن هم در آن جامعه و وضعیت زمانی آن دوره اگر نگوییم بی نظیر، به طور قطع کم ظیر است. شجاعت آن حضرت نیز در دفاع از حق در میان قبیله ای متعصب که احتمال تعرض جانی هم برایش وجود داشت بسیار نادر و ستودنی است اذعان به این مطلب در روایات اهل تسنن، جایگاه آن حضرت را در مورد ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی روشن می کند «کانت خدیجه اول من آمن برسول الله من النساء»⁽¹⁾.

ویژگی دیگر حضرت خدیجه علیها السلام، توان مندی اقتصادی و مدیریت ممتاز وی در امور بازرگانی بود تا حدی که آوازه شهرتش در این امر به شام هم رسید. او ثروتمندترین زن در مکه و با شرافت ترین زنان زمان خود بود.⁽²⁾ اهمیت و ارزش کاروان او به اندازه کاروان همه قریش بود شیوه تجارت و مدیریت ایشان هم قابل توجه است. ابن سعد از بزرگ ترین تاریخ نویسان اهل تسنن در توصیف این موضوع می نویسد:

وی مردان را به مزدوری می گرفت و اموالی برای مضاربه در اختیارشان قرار می داد⁽³⁾.

این حد از توانایی و مدیریت در بین مردان آن زمان به ندرت دیده می شد. اداره اموالی که با ثروت تمام قریش برابری می کرد و استفاده درست از آن،

حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل تسنن

ص: 22

1- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ص 203، ح 4844.

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 224

3- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 6، ص 11.

انتخاب راه مناسب، تجارت برای بهره‌وری اقتصادی و افزایش سرمایه و از طرفی اداره مردانی که هر کدام خود یک تاجر بودند بسیار عجیب و ستودنی است. وی با نظارت و کنترل فعالیت کارگزاران خود موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد استفاده از ناظر و بازرس از ابتکارات ارزشمند وی در امر تجارت و سبب کنترل رفتار کارگزارانش بود در سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله نیز غلامش «میسره» را مسئول ضبط وقایع و گزارش دقیق کتبی کرده بود. (1)

با تأمل در نحوه عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام و اصرار او بر این کار به نظر می‌رسد در این مورد خاص هدف اصلی وی با توجه به مطالبی که در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود تحقیق درباره علایم نبوت پیامبر آخرالزمان بود که دانشمندان در مورد آن سخن می‌گفتند

آن بانوی نمونه با شناخت کامل زمان و مکان و بررسی وضعیت بازار جهانی آن عصر و استفاده از اصل مشورت همگان را به شگفتی واداشت. عمق این اعجاب را باید با توجه به اوضاع آن روز جهان و به ویژه شبه جزیره عربستان و فرهنگ غالب آن دوران مبنی بر اسارت و محرومیت کامل زنان از حقوق اولیه انسانی و اجتماعی درک نمود وجود زنی با این ویژگی‌های فکری و اخلاقی در چنان عصری بی نظیر است.

علاوه بر توجه به ابعاد شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام، مسأله سن و دوشیزه بودن ایشان نیز از مسائلی است که تاریخ‌نگاران به آن توجه داشته‌اند. بی‌شک این موضوع، در اصل شرافت و جایگاه آن بانو هیچ تأثیری ندارد؛ اما به این علت که بعضی از این موضوع برای کمرنگ جلوه دادن فضایل آن حضرت در مقابل برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله استفاده کرده‌اند، لازم است به آن اشاره شود.

در مورد سن ازدواج آن حضرت با پیامبر صلی الله علیه و آله نقل‌های مختلف در تاریخ وجود دارد اما دو روایت به دلیل اتصال به صحابه در اهل تسنن مطرح است: روایت اول از هشام بن محمد بن سائب کلبی است که از ابن عباس نقل می‌کند

ص: 23

1- اصبهانی، دلائل النبوه، ج 1، ص 113؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 224.

که آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 سال داشتند و کابین ایشان دوازده وقیه؛ یعنی به اندازه بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. اما در نقل دوم محمد بن عمر واقدی اعتقاد دارد که خدیجه پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمده بنابراین در زمان ازدواج با رسول اکرم صلی الله علیه و آله، چهل ساله بوده است. (1)

در مورد ازدواج های قبلی حضرت خدیجه علیها السلام نیز عموم تاریخ نگاران اهل تسنن معتقدند که وی ابتدا با نباش بن زراره معروف به ابوهاله تمیمی و سپس با عتیق بن عائذ بن عبد الله مخزومی ازدواج نمود. در مقابل، در بین تاریخ نویسان و علمای شیعه، علاوه بر این، نظر دوشیزه بودن آن حضرت نیز مطرح است. (2)

بی شک در مقام بیان فضایل آن حضرت، نیازی به بررسی این گونه مسائل وجود ندارد؛ زیرا موضوع مهم، شرافت، فضیلت و جایگاه آن بانو در میان مردم آن زمان است و ازدواج های احتمالی قبلی خللی به این ارزش و جایگاه وارد نمی کند و نیازی به بحث هم ندارد. بنابراین دوشیزه بودن نمی تواند به عنوان ملاکی در تمایز و برتری بین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح گردد. با اینکه طبق آیه قرآن (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ)؛ (3) «معیار در فضیلت تقواست»، گویا پافشاری بعضی بر دوشیزه بودن آن حضرت برای کم رنگ کردن جایگاه ویژه ایشان در بین زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. این افراد سعی دارند دوشیزه بودن بعضی از آن ها را به عنوان فضیلتی در مقابل دوشیزه نبودن آن حضرت مطرح نمایند. در حالی که خود آنان به این مطلب معترف هستند که اگر فضایل همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله بدون تعصب و با دیدی منصفانه بررسی، گردد هیچ یک از این زنان هم طراز خدیجه علیها السلام نخواهند بود بنابراین همان طور که دوشیزه نبودن نقص محسوب نمی گردد دوشیزه بودن هم نمی تواند دلیل فضیلت و برتری باشد. لذا حتی اگر طبق نظر برخی تاریخ نویسان؛ در بین زنان آن حضرت فقط یک دوشیزه وجود داشته باشد این مسأله باعث محبوبیت بیش تر وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نمی گردد

ص: 24

- 1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 6، ص 12
- 2- مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 191.
- 3- سوره حجرات، آیه 13.

این استدلال را هیچ انسان منصفی نمی تواند بپذیرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن بزرگواریش زنی را تنها به این علت که دوشیزه است بر دیگر زنانش برتری دهد.

در فضای اختناق آن زمان بحث ایمان و اقامه اولین نماز بسیار اهمیت دارد نخستین زنی که به این شرافت نایل شد حضرت خدیجه علیها السلام بود. او انسانی روشن بین دورانیش باگذشت علاقه مند به معنویات، وزین و باوقار، معتقد به حق و حقیقت و متمایل به اخبار آسمانی بود همین شرافت برای او بس که همسر رسول خدا صلی الله علیه و اله بود و گسترش اسلام به کمک مال و ثروت او تحقق یافت.

علاوه بر تاریخ نویسان، مفسران اهل تسنن نیز به فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اذعان کرده اند. زمخشری در ذیل آیه (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَانَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقْتُ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتُمْ مِنَ الْقَائِمِينَ) (1) با ذکر روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به این موضوع اشاره می کند که بسیاری از مردان به کمال رسیدند و از زنان کسی جز آسیه، مریم، خدیجه و حضرت فاطمه علیها السلام به کمال نرسیدند:

و عن النبي صلى الله عليه وآله: كمل من الرجال كثير، ولم يكمل من النساء إلا أربع: آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون و مریم ابنة عمران، و خدیجه بنت خویلد، و فاطمه بنت محمد. (2)

این مفسر در ادامه می گوید:

و فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام؛ و فضیلت عایشه بر سایر زنان مانند فضیلت آبگوش بر سایر غذاهاست.

وی می گوید که این روایت را ثعلبی از دو طریق با همین مضمون نقل کرده است. یکی از طریق عمرو بن مرزوق و دیگری از طریق ابو موسی اشعری که در آن

ص: 25

1- سوره تحریم، آیه 12.

2- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج 4، ص 573.

نامی از حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه علیها السلام وجود ندارد، اما در حدیث ابن عباس نام آن دو بانو آمده است. نکته جالب توجه این که اولین بار یکی از مفسران اهل تسنن در قرن چهارم این روایت را ذیل آیه یاد شده نقل کرده و روایت (سَيِّدَاتُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ): «مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه» را نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله در ادامه آن آورده است. (1)

این حدیث در صحیح مسلم و بخاری از ابو موسی اشعری بدون ذکر نام حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت فاطمه آمده است:

كَمَلُ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٍ، وَ لَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ غَيْرَ مَرْيَمَ ابْنَةَ عِمْرَانَ وَ أَسِيَةَ بِنْتَ مِزَاحِمَ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَيَّ النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَيَّ سَائِرِ الطَّعَامِ (2)

عبارت «افضل نساء اهل الجنة اربع»، در صحیح بخاری نیامده و به جای آن جمله «وَإِنَّ فَضْلَ عَائِشَةَ عَلَيَّ النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَيَّ سَائِرِ الطَّعَامِ» بیان شده است.

عبارت انتهایی این روایت قابل تأمل است. هر چند «ثرید» غذای مورد علاقه اعراب بوده استفاده از این الفاظ و به کار بردن چنین تشبیهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله بعید به نظر می رسد. این مسأله را می توان با تأمل در جملات آن حضرت و نحوه گفتار ایشان در زمانی که در صدد بیان فضیلت افراد خاصی بودند آشکارا دریافت لذا این احتمال وجود دارد که خود راوی این مطلب را در ادامه حدیث اضافه کرده باشد.

نکته دیگر این که بخاری این مطلب را در سه حدیث همانند بدون کوچک ترین تفاوتی در الفاظ و یا سلسله روات، آن نقل کرده است. (3) گویا نویسنده هدف خاصی از تکرار آن داشته است. اگر در این سه روایت حتی نام یک راوی در یک روایت با بقیه متفاوت بود امکان داشت آن را به عنوان توجیهی برای این

ص: 26

1- طبرانی، التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم، ج 6، ص 309

2- بخاری، صحیح، ص 993، ح 5418؛ مسلم، صحیح، ح 2431

3- بخاری، صحیح، ج 4، ص 667 6100، حدیث 3411، 3433، 3769.

تکرار مطرح کرد؛ اما به نظر می‌رسد در این مسأله، هیچ توجهی غیر از القای فضیلت یکی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، بر بقیه در ذهن خواننده و تأکید بر آن وجود نداشته باشد.

در صحیح مسلم هم همین عبارت آمده است. (1) البته وی در روایت دیگری نام حضرت خدیجه علیها السلام را می‌آورد: «خَيْرُ نِسَائِهَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ». (2)

به اقرار بعضی از علمای اهل تسنن در متن اصلی روایت مورد بحث، نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است:

وفي الصحيحين وغيرهما من حديث أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وآله قال كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا آسية امرأة فرعون و مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد؛ و إن فضل عائشة على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام. (3)

شوکانی در حالی به وجود این روایت در کتاب صحیح مسلم و بخاری و غیر از صحیحین اقرار می‌کند که در صحیح بخاری نام حضرت خدیجه علیها السلام ذکر نشده و به نقل روایت فضیلت عایشه بر دیگر زن‌ها اکتفا شده است. طبق بیان و اقرار این عالم مشهور اهل تسنن نام آن حضرت در صحیح بخاری بوده؛ اما در حال حاضر اسم حضرت خدیجه علیها السلام در روایت مذکور در آن کتاب دیده نمی‌شود. لذا لازم است که دلیل حذف اسم ایشان، بررسی گردد.

بهترین و خوش بینانه‌ترین علتی که در این مورد می‌توان تصور نمود، این است که این اشتباه به طور سهوی و بر اثر بی‌دقتی و بی‌توجهی صورت گرفته باشد. البته این گونه بی‌دقتی‌ها در مورد شخصیت‌های مهمی چون امهات المؤمنین و آن‌هم در کتب مرجع و اصلی مانند صحیحین، پذیرفتنی و موجه نیست. به

ص: 27

1- مسلم، صحیح، ج 4، ص 1886، حدیث 2431

2- همان، حدیث 2430

3- شوکانی، فتح القدير، ج 2، ص 1048

ویژه که این بی دقتی در مورد شخصیتی باشد که 25 سال شبانه روز در کنار نبی مکرم صلی الله علیه و آله بوده و در تمام مراحل از ایشان حمایت کرده است؛ کسی که به تمام خواستگاران خود از میان قریش و شخصیت های بزرگ جواب رد داد، ولی خودش برای خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله اقدام نمود و در زمانی به حمایت از اسلام پرداخت که حتی مردان شجاع هم جرأت چنین کاری را نداشتند.

جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در اسلام

بر اساس آیه شریفه (وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) (1) همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مادران مؤمنان محسوب می شوند آن بانو نیز از این جایگاه عظیم در اسلام برخوردار بود. توجه به آیه (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) (2) حقیقت این ارزش و منقبت را تبیین می نماید شرط مذکور در آیه؛ یعنی تقوا داشتن به این مسأله اشاره دارد که همسر پیامبر بودن به خودی خود شرافتی برای انسان نیست؛ بلکه تقوا و عمل صالح است که وقتی با مقام همسری پیامبر توأم، گردد فضیلت محسوب خواهد شد. مفسران اهل تسنن به اهمیت تقوای زنان پیامبر اذعان دارند. سیوطی با نقل روایتی از قتاده به این مسأله اشاره کرده است:

و أخرج ابن أبي حاتم عن قتادة رضي الله عنه في قوله يا نساء النبي لستن كأحد الآية يقول أنتن أزواج النبي صل الله عليه و اله و معه تنظرن إلى النبي صلى الله عليه و سلم و إلى الوحي الذي يأتيه من السماء و أنتن أحق بالتقوى من سائر النساء. (3)

بنابراین، روایت زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل برخورداری از نعمت همراهی و هم نشینی با آن حضرت و هم چنین حضور در خانه ای که وحی الهی در آن نازل می گردید به تقوا داشتن اولویت دارند.

حضرت خدیجه علیها السلام زنی پاک دامن و با تقوا و نخستین زنی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 28

1- سوره احزاب، آیه 6

2- سوره احزاب، آیه 32.

3- سیوطی، الدر المنثور في التفسير بالماثور، ج 5، ص 196.

را تصدیق کرد و به او ایمان آورد؛ هم چنان که علی بن ابی طالب علیه السلام نخستین مردی بودند که اسلام آوردند. همچنین وی تمام اموالش را در راه پیشرفت اسلام بذل نمود. (1) تمام تاریخ نگاران به نقش اساسی و حیاتی آن بانو در پیشرفت اسلام و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله اذعان دارند. آن حضرت نه تنها با مال و ثروت بسیارش، بلکه با تمام وجود از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهداف ایشان حمایت می کرد و در این راه از آبرو و جایگاه خود در بین قریش گذشت و حتی جان شریفش را در این راه از دست داد.

در واقع گسترش اسلام پس از نزول وحی و تلاش های پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اصلی ثبات یافت؛ فداکاری و شهادت حضرت علی علیه السلام از یک سو و گذشت و ایثار حضرت خدیجه علیها السلام و پایداری آن بانو بر حمایت از دین با جان و مال خود از دلایل مهم پیشرفت اسلام شمرده می شود.

درباره جایگاه این بانوی بزرگوار در مکتب وحی از ابا هریره چنین نقل شده است

جبرئیل خدمت پیغمبر صلی الله علیه و اله رسید و عرضه داشت: (يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِنَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ) (2)

در این روایت خداوند توسط ملک مقرب خود؛ جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام با ظرفی از غذا و آب نزد او می رود. وقتی خدیجه علیها السلام آمد از طرف خدای عالم به او سلام برسان، از من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم خانه ای در بهشت برایش از تارهای طلا در نظر گرفته که در آن جا نه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.

ص: 29

1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 6، ص 12.

2- مسلم، صحیح، ج 4، ص 1886، حدیث 2432.

این روایت در کتاب صحیح بخاری با همان عبارات نقل شده است. (1) حاکم نیشابوری بعد از نقل این روایت آن را صحیح دانسته و معتقد است که حدیث مذکور شرایط صحیح مسلم و بخاری را دارد (2)

بشارت نبی مکرم صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام، علاوه بر صحیحین در تمام کتاب های سنن، مسانید و دیگر صحاح نیز آمده است. شاید اگر این مطلب در کتب معتبر اهل تسنن بیان نشده بود بیان و حتی تصور این جایگاه عظیم که خدای عالم به یک زن سلام برساند برای مردم سخت بود. باید توجه داشت که نمونه دیگری از سلام خدا و جبرئیل برای بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع اهل تسنن وجود ندارد؛ بنابراین همین روایت در بیان عظمت و جایگاه آن حضرت در اسلام کافی است

وفات آن بانو نیز آن قدر برای اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله سخت و جانکاه بود که آن اسوه صبر و بردباری آن سال را «عام الحزن» نامیدند.

محبوبیت حضرت خدیجه علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله

حضرت خدیجه علیها السلام به اذعان تاریخ نگاران محبوب ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و در مدت حیات ایشان آن حضرت زن دیگری اختیار نفرمودند. (3)

سجایای اخلاقی حضرت خدیجه علیها السلام آن چنان زیاد بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها او را مدح و ثنا می گفتند و بر سایر امهات مؤمنین ترجیح می دادند و از او بسیار تجلیل می کردند: «كان النبي يثنى عليها ويفضلها على سائر امهات المؤمنين ويبالغ في تعظيمها». (4)

این نوع برخورد، به حدی ویژه بود که عایشه می گفت:

بر هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه رشک نورزیدم و این بدان

ص: 30

1- بخاری، صحیح، ح 3609

2- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 204، ح 4851.

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 227.

4- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110

سبب بود که پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار او را یاد می کردند. (1)

بخاری در این مورد به نقل روایتی می پردازد:

(حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عُفَيْرٍ حَدَّثَنَا اللَّيْثُ، قَالَ كَتَبَ إِلَيَّ هِشَامٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ مَا غَرَّتْ عَلِيَّ امْرَأَةً لَلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا غَرَّتْ عَلِيَّ خَدِيجَةَ هَلَكْتُ قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَنِي، لِمَا كُنْتُ أَسْمَعُهُ يَذْكُرُهَا وَامْرَأَةَ اللَّهِ أَنْ يَسْتَبِرَّهَا بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ وَإِنْ كَانَ لِيَذْبَحُ الشَّاةَ فَيَهْدِي فِي خَالَئِهَا مِنْهَا مَا يَسْعُهُنَّ) (2)

عایشه می گوید:

بر هیچ زنی آن قدر حسادت نکردم که بر خدیجه حسد ورزیدم. او را درک نکردم و قبل از ازدواج من با رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود، ولی حسدم به این سبب بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را بیش تر یاد می کردند و خداوند او را به خانه ای بهشتی از طلا و در و یاقوت بشارت داده بود. هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله گوسفندی را ذبح می نمودند برای دوستان خدیجه هدیه می فرستادند.

بخاری در روایت دیگر نقل می کند:

(وَقَالَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ خَلِيلٍ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ مُسْهِرٍ، عَنْ هِشَامٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قَالَتْ إِنَّ تَأَذُّنَ هَالَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أُخْتُ خَدِيجَةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَرَفَ اسْتِنْدَانَ خَدِيجَةَ فَارْتَاعَ لِذَلِكَ فَقَالَ اللَّهُمَّ هَالَةَ قَالَتْ فَعِرْتُ فَقُلْتُ مَا تَذْكُرُ مِنْ عَجُوزٍ مِنْ عَجَائِزِ قُرَيْشٍ حَمَرَاءِ الشَّدَقِينَ هَلَكْتُ فِي الدَّهْرِ قَدْ أَبْدَلَكِ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا). (3)

در این حدیث از عایشه نقل شده که هاله خواهر خدیجه، اجازه شرف یابی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفت؛ آن حضرت به یاد خدیجه افتادند و بر افروخته شدند، فرمودند: «خدایا هاله آمده است». من ناراحت شدم و گفتم: «چقدر از پیرزنی از پیرزنان قریش که دندان هایش افتاده بود یاد می کنید، او مرده است و خدا بهتر از او را به شما داده است».

ص: 31

1- همان.

2- بخاری، صحیح، ج 3 ص 1388.

3- همان، ص 1389.

احمد بن حنبل همين روايت را به نقل از عايشه با عبارات بيش تری بيان می کند که به دلايل فضيلت حضرت خديجه عليها السلام اشاره دارد:

(حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا علي بن إسماعيل قال انا عبد الله قال انا مُجَالِدٌ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ أَتَيْتُ عَلَيْهَا فَأَحْسَنَ الثَّنَاءَ قَالَتْ فَعَزَّتْ يَوْمًا فَقُلْتُ مَا أَكْثَرَ مَا تَذْكُرُهَا حَمْرَاءَ السُّدُقِ قَدْ أَبَدَلَكِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا قَالَ مَا أَبَدَلَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا قَدْ آمَنْتُ بِبِي إِذْ كَفَرَبِي النَّاسُ وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَأَسْتَنِي بِمَا لَهَا إِذَا حَرَمَنِي النَّاسُ وَرَزَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِي أَوْلَادَ النِّسَاءِ). (1)

اين روايت تا عبارت (قد أبدلك الله عزوجل بها خيراً منها) با روايت قبل در صحيح بخاری يكسان است اما نکته قابل توجه ادامه روايت است که در مسند احمد آمده اما بخاری آن را ذکر نکرده است:

قال ما أبدلني الله عز وجل خيراً منها قد آمننت بي إذ كفر بي الناس وصدقني إذ كذبني الناس وأستني بما لها إذ حرمني الناس ورزقني الله عز وجل ولدها إذ حرمني أولاد النساء.

فرمايش پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ به اعتراض عايشه بسيار اهميت دارد. ايشان در ابتدا به پاسخی مبني بر اين که خداوند بهتر از او نصيبم نفرموده است، اکتفا می کنند و سپس به بيان ویژگی های حضرت خديجه عليها السلام می پردازند. جملاتی سرشار از عشق و محبت و قدردانی از مقام شامخ آن بانو و اسوه زنان جهان که هر انسان منصف غير متعصب را به حيرت وا می دارد:

وقتی همه مردم از من روی گردان، بودند او به من ايمان آورد؛ تصدیقم کرد وقتی دیگران مرا تکذيب کردند؛ مال و ثروتش را در اختيارم گذاشت، وقتی دیگران محروم کردند؛ خداوند از او به من فرزندی داد وقتی از دیگر زنان محروم بودم

هيثمی بعد از ذکر اين روايت راوی و سند آن را تأييد می کند: «رواه أحمد و

ص: 32

مسلم نیشابوری نیز همین روایت را نقل کرده اما متأسفانه او هم مانند بخاری، سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جواب عایشه را حذف کرده است. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام مایه آرامش و تسلاهی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. هر وقت آن حضرت از تکذیب قریش و اذیت های آنان محزون و آزرده می شدند، هیچ چیز ایشان را مسرور نمی کرد مگر یاد آن بانو و هر گاه او را می دیدند مسرور می شدند.

سجایا و فضایل اخلاقی خدیجه علیها السلام سبب شد تا برای همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شایسته شمرده شود. طبق روایات او برای رسول خدا صلی الله علیه و آله یاوری صدیق بود: (وَ كَانَتْ خَدِيجَةً وَ زَيْرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا) (3) تعبیر وزیر راستین اسلام بسیار ارزشمند است و انسان را به ستایش این شخصیت وادار می نماید؛ زیرا چنین تعبیری در مورد هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به کار نرفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله به یاری او و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش، بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شدند و با مهر و صفای وصف ناپذیر او، آرامش خاطر می یافتند

بررسی مسائل تاریخی آن عصر، مؤید این مطلب است که ضرورت ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان دیگر، در آن زمان هم وجود داشت؛ اما آن حضرت در زمان حیات خدیجه علیها السلام با زن دیگری ازدواج نکردند؛ زیرا هیچ زنی هم سطح وی نبود آن بانوی بزرگ اسلام از چنان ارزشی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بود که آن حضرت جوانی خود را به او بخشیدند و تا آن بانو زنده بود، زنی را در برابری قرار ندادند. شرافت ایشان تا حدی است که پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را جزء چهار زن برتر و سالار زنان روزگار بر شمردند.

أربع نسوة سادات عالمهن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم، و

ص: 33

1- هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 224

2- مسلم، صحیح، ج 4، ص 1889، حدیث 2437.

3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 114.

خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله و أفضلهن عالما فاطمه (1)

باید توجه داشت که این روایت در منابع اهل تسنن، نقل شده است.

احادیث حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مورد خدیجه علیها السلام فراوان و بسیاری از این احادیث مربوط به بعد از وفات آن با نوست. این مسأله براین مطلب دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله به دفعات از او یاد می کردند همچنین طبق روایاتی که ذکر گردید، هر گاه نام آن بانو در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برده می شد، گریان می شدند و از سجایا و فضایل ایشان به نیکی یاد می کردند.

آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله دارای سه فرزند پسر به نام های قاسم طیب و طاهر شد که هر سه در جاهلیت از دنیا رفتند و چهار دختر به نام های زینب، رقیه ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام که همه اسلام آوردند و با پیامبر صلی الله علیه و آله هجرت کردند. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام و زنان پیامبر صلی الله علیه و آله

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در طول حیات پر برکت خود با پانزده زن ازدواج کردند و در زمان وفات نه زن داشتند. البته هر یک از ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و آله بنا بر مصلحتی بود ابن هشام می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله با یازده زن خطبه عقد جاری کردند و آنان را به خانه بردند. از جمع زنان دو تن در زمان حیاتش درگذشتند. بالاترین شمار زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در یک زمان، نه نفر بود با دو تن دیگر به نام های اسماء کنده و عمره کلایه به خواندن خطبه عقد بسنده کردند. (3)

طبق روایات اهل تسنن خدیجه علیها السلام با فضیلت ترین زنان اهل بهشت است. ابن عباس می گوید:

خط رسول الله صلی الله علیه و آله فی الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله

ص: 34

1- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ج 2، ص 149

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 227.

3- همان، ج 4، ص 304-305.

و رسوله أعلم فقال رسول الله صلى الله عليه وآله أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد و فاطمه بنت محمد و مريم بنت عمران و آسياه بنت مزاحم امرأة فرعون. (1)

نبی مکرم صلی الله علیه و آله با انگشت شان روی زمین چهار خط کشیدند و فرمودند: «بگویم این چهار خط معنایش چیست؟» عرض کردند: «خدا و رسولش بهتر می دانند». حضرت فرمود: «با فضیلت ترین زنان اهل بهشت؛ خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است».

باید توجه داشت که در میان همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله، تنها اسم حضرت خدیجه علیها السلام جزء با فضیلت ترین زنان اهل بهشت آمده است. هم چنین حاکم نیشابوری، از عبدالله جعفر نقل می کند که نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

(أمرت أن أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ) (2)

خدا به من دستور داده که به خدیجه مژده بدهم که خانه ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته است.

وی اضافه می کند: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم»؛ این حدیث بنا بر شرط مسلم صحیح است.

او در روایت بعدی مشابه این حدیث را که عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است، بیان می کند:

(ان النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَمْرَتَانِ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ) (3)

روایت بعدی همان است که در مسند احمد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

افضل زنان بهشت؛ خدیجه دختر خویلد فاطمه دختر پیغمبر مریم دختر عمران مادر حضرت عیسی و همسر فرعون، آسیه است

ص: 35

1- ابن حنبل، مسند، ج 4، ص 77

2- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 204، ح 4849.

3- همان، حدیث 4850

وی سپس صحت اسناد این روایت را تأیید قرار می‌کند (1)

زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام در بین تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله اقرار داشتند. عایشه فضیلت حضرت خدیجه را این گونه مطرح می‌کند:

روزی به حضرت زهرا علیها السلام گفتم: «آیا به تو بشارت ندهم؟ من از پیغمبر شنیدم که فرمود: «سروران زنان بهشت چهار نفر هستند؛ مریم دختر، عمران فاطمه دختر پیغمبر خدیجه دختر خویلد و آسیه» (2)

خود او اقرار می‌کند:

ما غُرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ مَا غُرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَ مَا رَأَيْتُهَا وَ لَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ يَكْتَرُ ذِكْرَهَا وَ زُبْمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطِعُهَا أَغْضَاءً ثُمَّ يَبْعَثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ وَ كَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ؛

آن طوری که من به خدیجه حسد می‌ورزیدم، به هیچ زنی حسادت نمی‌کردم پیغمبر بعد از فوت خدیجه با من ازدواج کردند (در زمان حیات او با من ازدواج نکردند) اما خیلی به یاد خدیجه بودند و وقتی گوسفندی قربانی می‌کردند تکه تکه می‌نمودند به دوستان و بستگان حضرت خدیجه علیها السلام هدیه می‌دادند. به قدری پیغمبر صلی الله علیه و آله به یاد حضرت خدیجه علیها السلام بودند و ذکر خیر او را می‌کردند که گفتم: «یا رسول الله! گویا در دنیا و آخرت زنی غیر از خدیجه وجود ندارد؟» و می‌فرمودند: «چنان بود و چنان بود و من از او بچه داشتم». (3)

نکته جالب توجه در این روایت این است که در ذیل عبارت «فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ، وَ كَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ» از تعبیر «کانت و کانت» استفاده شده است. در حالی که روایات مشابه به ویژگی‌ها و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده اند. اما در این حدیث تنها ویژگی آن حضرت بچه دار شدن از پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 36

1- همان، حدیث 4852.

2- همان، ح 4853.

3- بخاری، صحیح، ج 3، ح 3818.

دانسته شده؛ در حالی که بچه داشتن یا نداشتن نمی تواند ملاک فضیلت قرار گیرد.

این مطلب که علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام فقط به سبب امور مادی همچون فرزند داشتن از او بوده بی اساس و مغایر با سیره نبوی است. این گونه تعبیر، اگر با هدف مخفی کردن فضایل حضرت خدیجه علیها السلام بیان شده باشد، به طور قطع از ظلم هایی است که در حق آن حضرت صورت گرفته است

نتیجه

شخصیت برجسته حضرت خدیجه علیها السلام به گونه ای بوده که در عصر جاهلیت که زنان هیچ گونه ارزش و هویت اجتماعی نداشتند توجه همگان را به خود جلب کرده است. در این بین علمای اهل تسنن اعم از مفسران و تاریخ نگاران، همه به بررسی و نقل زندگی ایشان پرداخته اند.

این بررسی ها گاه از تعصب و اعمال سلیقه شخصی عاری بوده، گاهی نیز در کمال تأسف، مغرضانه و غیر منصفانه صورت گرفته است. به همین دلیل در بعضی موارد سعی شده که زوایای زندگی این بانوی نمونه اسلام مخفی بماند. این پنهان کاری بزرگ -تاریخی- اگر نگوئیم تحریف تاریخی در حالی انجام شده که ویژگی های شخصیتی، قدرت و توان مندی عجیب وی زبانزد عام و خاص دوران خود بوده است. اعتقاد، اخلاق عملکرد و رفتار آن بانو در اوج خفقان شرک و خرافه پرستی انفجار نور و امید در دل حق جویان بود. ایمان به خدا حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و پایداری در راه حق آن گونه در وجود او متجلی بود که وجودش مایه فخر اسلام دلگرمی پیامبر صلی الله علیه و آله و اسوه و سرمشق مسلمانان شد حضرت خدیجه علیها السلام متعلق به عصر جاهلیت و ظهور اسلام نیست؛ بلکه واکاوی شخصیت او و بررسی زوایای فکری و اخلاقی او می تواند برای تمام مردم جهان بارقه امیدی در مسیر نجات از جاهلیت عصر حاضر باشد.

1. ابن حنبل احمد بن محمد ،مسند، بيروت، دارصادر، بي تا.
2. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، بيروت، دارالفكر، 1420 ق .
3. ابن هشام عبدالملك ، السيره النبويه ، چاپ ، جديد، بيروت، دارالاحياء التراث العربي، 1417 ق.
4. اصبهاني، ابى نعيم احمد بن عبد الله ، دلائل النبوه، چاپ اول، بيروت ، عالم الكتب، 1409 ق.
5. آلوسى، محمود بن عبد الله ، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع ،المثانى چاپ ،اول بيروت دارالكتب العلميه، 1415 ق.
6. بخارى، ابى عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح، چاپ اول، بيروت، داراحياء التراث العربى، 1422 ق.
7. حاكم نيشابورى، محمد بن عبد الله ، المستدرک على الصحيحين، چاپ دوم، بيروت: دارالكتب العلميه، 1422ق.
8. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ، سير اعلام النبلاء، چاپ نهم، بيروت: مؤسسه الرساله، 1413 ق.
9. زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل چاپ سوم، بيروت: دارالكتاب العربى، 1407 ق.
10. سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر، الدر المنثور في التفسير بالماثور، چاپ اول، قم: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى (رحمه الله)، 1404 ق.
11. شوکانى، محمد بن على بن محمد فتح القدير، چاپ دوم، بيروت: دار الكتاب العربى، 1422 ق.
12. طبرانى، سليمان بن احمد، التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم، چاپ اول، اردن دارالكتاب الثقافى، 2008 م.
13. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى ، بحار الأنوار، چاپ دوم، بيروت ، 1403 ق.
14. مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري ، ابى الحسين، صحيح، چاپ ،دوم، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1972م.
15. هيثمى، ابوالحسن على بن أبى بكر ، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بيروت، دارالريان للتراث، دار الكتاب العربى، 1407ق.

* حضرت خدیجه علیها السلام از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله در احادیث اهل سنت: ابوطالب علی نژاد (1)

چکیده

خدیجه علیها السلام، بانوی، با ایمان بافضیلت و بزرگوار قریش بود که در یکی از خاندان های اصیل و شریف حجاز چشم به جهان گشود. خاندان او از اقوام والاتباری بودند که همیشه از خانه کعبه و از محور خداپرستی حمایت و پاسداری می کردند

خدیجه علیها السلام که بانویی خردمند صاحب درک و شعور برخوردار از کمالات والای، انسانی دارای موقعیت بالای اجتماعی و بهره مند از زندگی مرفه دنیوی، بود پیشنهاد ازدواج با بزرگان و صاحب منصبان قریش را رد نمود و با فردی ازدواج کرد که از نعمت پدر و مادر و مال و ثروت محروم ولی به صداقت و امانت مشهور بود؛ یعنی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله.

آن بانو بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، تمام هستی اش را وقف آن حضرت و اهداف والایش نمود و لحظه ای در حمایت و یاری رساندن به آن حضرت درنگ ننمود او نه تنها تمام اموال خویش را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد بلکه اولین بانویی بود که به آن بزرگوار ایمان آورد و از ایشان پشتیبانی نمود براین اساس از جایگاه بلند و مقام رفیع نزد خداوند متعال برخوردار گردید تا جایی که خداوند تبارک و تعالی به وسیله جبرئیل برای او سلام فرستاد و او را به پاداشی عظیم و جایگاهی رفیع وعده داد که هیچ یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان مقام نرسیده بودند.

اوصاف و کمالات معنوی حضرت خدیجه علیها السلام و منزلت بالای وی

ص: 39

نزد خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله را وادار می کرد تا همیشه از همسر باوفایش به نیکی و شایستگی یاد نمایند و هیچ گاه وی را فراموش نکنند. پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام مدت عمر شریفش تنها از خدیجه علیها السلام به شایستگی یاد می کردند نام او را با احترام بر زبان جاری می نمودند و همواره خاطره او را گرمی و عزیز می داشتند و بارها از خدمات آن بانو و فداکاری هایش یاد می کردند.

در این مقاله سعی شده تا شخصیت ممتاز حضرت خدیجه علیها السلام در سنت گفتاری و رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس منابع معتبر اهل سنت، تحلیل و تفسیر گردد

واژگان کلیدی

سنت گفتاری، سنت رفتاری، حدیث، حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل سنت.

مقدمه

خدیجه علیها السلام بانوی گران مایه شریف و با فضیلت قریش بود که در بعد، فکری، فردی خردمند دورانیش و برخوردار از هوش و ذکاوت و در بعد اخلاقی و رفتاری، زنی عفیف و پاک دامن و برخوردار از موقعیت اجتماعی خاص بود. براین اساس در عصر جاهلیت با القاب «طاهره» (1) و «سیده قریش» (2) نامیده می شد او به جهت اطلاعاتی که از آینده درخشان پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، اشتیاق یافت با آن حضرت ازدواج کند؛ (3) بدان جهت پیشنهاد ازدواج داد، در حالی که چهل سال از عمر او می گذشت. (4)

پیامبر صلی الله علیه و آله که جوانی بیست و پنج ساله بودند و می توانستند با جوان ترین و زیباترین زنان عرب ازدواج کنند به جهت وجود کمالات انسانی در خدیجه علیها السلام

ص: 40

1- اسد الغابه، ج 5، ص 434؛ الاصابه، ج 4، ص 281.

2- سیره حلبی، ج 1، ص 224

3- بحار الانوار، ج 16، ص 21 - 23.

4- اسد الغابه، ج 5، ص 435؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 39.

این پیشنهاد را پذیرفتند و در یک جمع خانوادگی این ازدواج مبارک صورت گرفت (1).

بدین گونه زنی که دلی چون آینه و اندیشه ای چون باران های شفاف آبارهای زلال داشت با همان صفا و پاکی به همسری پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد که در آن زمان به «محمد امین» معروف بود.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زنی است که به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به ندای توحیدی اش لبیک گفت و با تمام وجود از آن حضرت پشتیبانی کرد و جان و مال و اعتبار خود را در راه این اعتقاد و ایمان، تقدیم داشت. وی در راه هم گامی و پشتیبانی پیامبر صلی الله علیه و آله، لحظه ای از تلاش و تکاپو باز نماند و لذا نه به عنوان یک همسر و زن خانه دار بلکه به عنوان یک هم سنگر، یک مجاهد مقاوم، یک مبارز کوشا و سخت کوش و یک الگوی زن مسلمان و مؤمن بارها تأیید و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله را جلب نمود و نشان پر افتخار «سیده نساء اهل الجنه» را از زبان مبارک آن حضرت دریافت کرد.

مقام والا و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را نمی شود با معیارهای ظاهری و معمولی سنجید و با عقل ناقص و دانش نارسای خود ارزیابی نمود؛ زیرا مقام و احترام آن بزرگوار چنان اوج گرفت و بالا رفت که خداوند تبارک و تعالی به وسیله جبرئیل بر او سلام فرستاد؛ سلامی که خداوند بر پیامبران بزرگ خود مانند نوح و ابراهیم و موسی فرستاده است. این بر مصونیت حضرت خدیجه علیها السلام از همه عیب های ظاهری و باطنی روحی و جسمی دلالت دارد که تالی تلو مقام عصمت است براین اساس حضرت خدیجه علیها السلام به جهت برخورداری از این اوصاف و فضایل والای انسانی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از احترام و محبوبیت خاصی برخوردار گردید

رسول گرامی، اسلام آن خاتون بزرگ را بسیار دوست می داشتند، به مهر و درایت او آگاه بودند و در کارهای خود با وی نه فقط مانند یک همسر، بلکه

ص: 41

1- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 16؛ الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 40

هم چون یک دوست فهیم و دل سوز و صمیمی مشورت می کردند و به نظریاتش احترام می گذاشتند.

امتیازات فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام و عطوفت و درایت کاردانی و شایستگی وی سبب شد پیامبر صلی الله علیه و آله، مادامی که آن بانو زنده بود، با زن دیگری ازدواج نکنند با وجودی که چند همسر گزینی در آن عصر و با آن وضعیت خاص زمانی و مکانی و سنت های قومی و منطقه ای موضوعی کاملاً عادی بود.

تجلیل و تکریم پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام، تنها به دوره ای حیات آن بانو مربوط، نبود بلکه بعد از وفات حضرت خدیجه علیها السلام نیز از او به نیکی یاد می کردند و یادش را گرامی می داشتند؛ با این که پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام، با برخی از زنان دیگر مانند عایشه صفیه، ام سلمه و... ازدواج کردند، همیشه از حضرت خدیجه علیها السلام با احترام و شایستگی نام می بردند و همواره خاطره او را گرامی و عزیز می داشتند.

این مقاله تلاش نموده تا جایگاه و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام را در گفتار و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با استناد به احادیث معتبر در منابع اهل سنت به تصویر کشاند و آن را از منظر فقه الحدیثی تفسیر و تحلیل کند و پیام های زیبا و نکات برجسته اش را استخراج کند و تقدیم شیفتگان مکتب حیات بخش اسلام، پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مجاهد مسلمان نماید که با الگو گرفتن از آن بانو رسالت انسانی و اسلامی خود را در عرصه های مختلف همسررداری تربیت فرزند، ایثار در راه آرمان های مقدس و والای الهی به احسن وجه ایفا نمایند.

سلام خدا به خدیجه علیها السلام

در منابع معروف اهل سنت مانند صحیح بخاری از ابن عباس، ابوهریره، عبدالرحمان بن ابی لیلی و سعید بن کثیر نقل شده است:

جبرئیل بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل شده عرضه داشت: سلام خدا را به

روایت به نقل بخاری چنین است:

ابن سعید حدثنا محمد بن فضیل عن عماره عن أبي زرعه عن أبي هريره رضی الله عنه قال أتى جبریل النبی صلی الله علیه و آله فقال یا رسول الله هذه خدیجة قد اتت معها اناء فیہ ادم أو طعام أو شراب فإذا هی أتتک فاقراً علیه السلام من ربها و منی؛

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و عرضه داشت: «این خدیجه علیها السلام است که با ظرفی از غذا و خورشیدنی می آید؛ پس هر گاه نزد شما آمد سلام پروردگار و مرا به او برسان!

توضیح روایت

تمام اقوام جهان هنگامی که به هم می رسند برای اظهار محبت به یک دیگر نوعی تحیت دارند که گاه جنبه لفظی دارد و گاه به صورت عملی است که رمز تحیت محسوب می شود در اسلام نیز سلام یکی از روشن ترین تحیت هاست؛ (2) بدان جهت واژه سلام در ده ها آیه قرآن و در موارد گوناگون به کار رفته؛ از جمله:

1. سلام خدا بر انسان های برگزیده خودش مانند: سلام خدا بر نوح، (3) سلام خدا بر ابراهیم (4) سلام خدا بر موسی و هارون، (5) سلام خدا بر الیاسین؛ (6)

2. سلام خدا بر بهشتیان؛ (7)

3. واوی سلام پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان؛ (8)

ص: 43

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، المعجم الکبیر، ج 15، ص 23، مجمع الزوائد، ج 9، ص 224 و 225

2- تفسیر نمونه: ج 4، ص 64

3- (سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ) (سوره صافات، آیه 79)

4- (سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ) (سوره صافات، آیه 109)

5- (سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ) (سوره صافات، آیه 120).

6- (سَلَامٌ عَلٰی اِلِیَاسِیْنَ) (سوره صافات، آیه 130).

7- (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِیْمٍ) (سوره یس، آیه 58).

8- (وَ اِذَا جَاءَكَ الَّذِیْنَ یُؤْمِنُوْنَ بِآیَاتِنَا قُلْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ) (سوره الانعام، آیه 54).

4. سلام فرشتگان بر اهل بهشت؛ (1)

5. سلام ساکنان اعراف بر بهشتیان؛ (2)

6. سلام بهشتیان به یک دیگر؛ (3)

7. سلام مؤمنین به یک دیگر؛ (4)

8. سلام سخن بهشتیان (5)

سلام چند معنا دارد:

اول آن که از اسماء الهیه است؛ (6) یعنی خدا دارای جمیع صفات کمالیه و جمالیه است و منزّه و مبری از جمیع عیوب و نواقص امکانیه؛

دوم سلام الهی بر بندگان که دلالت دارد بر سلامت از همه خطرهای بلیات دنیوی و اخروی و از تمام عیوب و نواقص ظاهریه و باطنیه، قلبیه و روحیه و جسمیه و از جهل و نسیان و سهو و شک و شبهه که تالی تلو مقام عصمت است

سوم، سلام ملائکه که دعا و طلب سلامت در پیشگاه عظمت باری تعالی است؛

چهارم سلام مردم به یک دیگر؛ یعنی وعده سلامت که از من هیچ گونه ناراحتی به شما نمی رسد. (7)

در میان اقسام گوناگون سلام که در آیات شریفه به آن ها اشاره شده سلام و تحیت الهی بر بندگان ویژه خودش و بر بهشتیان بزرگ ترین موهبت برای آنان به حساب می آید که در آیه شریفه (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ) (8) به آن اشاره شده است، زیرا این ندای روح افزا و نشاط بخش و مملو از مهر و محبت، چنان روح انسان را در خود غرق می کند و به او لذت و شادی و معنویت می بخشد که

ص: 44

1- (وَ الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) (سوره رعد آیه 23 و 24).

2- (وَ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلًّا بِسِيمَاهُمْ وَ نَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ) (سوره اعراف، آیه 46)

3- (وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ) (سوره ابراهیم، آیه 23).

4- (وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا) (آیه 86)

5- (لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَ لَا تَأْتِيهَا إِلَّا قِيَلًا سَلَامًا سَلَامًا) (26) (سوره واقعه، آیه 25 و 26).

6- (هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ) (سوره حشر، آیه 23).

7- تفسیر اطیب البیان، ج 11، ص 181.

8- سوره یس، آیه 58.

با هیچ نعمتی برابر نیست. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است: «و لقد جائت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاما قال سلام»
(1) می گویند لذتی که ابراهیم از سلام این فرشتگان، برد با تمام دنیا برابری نداشت. (2)

بنابراین سلام خدا به حضرت خدیجه علیها السلام، از جهات مختلف قابل توجه است: اولاً بر کمالات وی و منزله بودنش از هر عیب و نقص و قرار گرفتارش در مرز عصمت دلالت دارد؛ ثانیاً جایگاه والای او را در بهشت برین روشن می سازد؛ ثالثاً امنیت کامل را برای او از هر آسیب و عذابی تضمین می کند. (3)

قصر بهشتی برای خدیجه علیها السلام

روایات متعددی در منابع مختلف اهل سنت از جمله صحیح بخاری نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال مأمور شدند تا «خانه بهشتی» را به حضرت خدیجه علیها السلام بشارت دهند:

حدثني أحمد بن أبي رجاء حدثنا النضر عن هشام قال أخبرني أبي عن عائشة أنها قالت ما غرت على امرأة لرسول الله صلى الله عليه وآله كما غرت على خديجة لكثرة ذكر رسول الله صلى الله عليه وآله إياها و ثنائها عليها و قد أوحى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله ان يبشرها ببیت لها في الجنة من قصب (4)

عایشه می گوید: «به هیچ زنی از زنان رسول خدا غیرت زنانه نداشتم آن گونه که به خدیجه علیها السلام غیرت می ورزیدم به جهت یاد زیادی که پیامبر صلی الله علیه و آله از او می نمودند و ستایشش می کردند و خداوند به آن حضرت وحی نمود که خدیجه علیها السلام را به خانه ای (5) در بهشت بشارت ده که از طلا ساخته شده است.

ص: 45

1- سوره هود، آیه 69

2- تفسیر نمونه، ج 27، ص 186

3- تفسیر قمی، ذیل آیه (سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ)، قال: السلام منه تعالى هو الأمان.

4- صحیح بخاری، ج 6، ص 158 وج 4، ص 231 وج 7 ص 76 وج 8، ص 195.

5- به گفته خطابی مراد از بیت در این جا قصر است مسلم نووی، شرح صحیح، ج 15، ص 200 «قال الخطابي وغيره المراد بالبیت هنا القصر».

این روایت از اشخاص مختلف از جمله: عبدالله ابن ابی اوفی (1)، ابوهریره (2)، عایشه (3)، عبدالله بن جعفر بن عبد الله (4)، عبد الله بن عمر (5)، از رسول خدا گزارش شده است. ابن ماجه و، ترمذی، بعد از نقل این روایت از عایشه نوشته اند: «هذا حدیث حسن صحیح». (6) هیشمی نیز نوشته: «اسناد صحیح و رجاله ثقات». (7)

یادآوری می شود تعبیر «بیت فی الجنة»، (8) در قرآن نیامده بلکه تعبیر «الغرفة» (9) «الغرفات» (10) و «غرف» (11) هر کدام یک مرتبه در قرآن به کار رفته ولی در روایات، تعبیر «له بیت فی الجنة» در موارد ذیل به کار رفته است:

الف) گریه برای خوف و خشیت الهی

در وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام آمده است: «أوصیکَ یا علیُّ ... البكاء لله یبني لکِ بکُلِّ دَمْعَةٍ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ»؛ (12)

ب) خواندن نماز مستحبی در شبهای رمضان

«من یصلی فی لیلة منها یبني له بیت فی الجنة»؛ (13)

ص: 46

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.

2- صحیح بخاری، ج 4، ص 231، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.

3- صحیح بخاری، ج 4، ص 231 و ج 7 ص 76 و ج 8 ص 195، صحیح مسلم، ج 7، ص 133.

4- مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 205.

5- تاریخ مدینه دمشق، ق ج 70، ص 118

6- سنن ابن ماجه قزوین، ی ج 5، ص 366، سنن ترمذ، ی ج 5، ص 36

7- سنن ابن ماجه، ج 1، ص 643 به نقل از مجمع الزوائد.

8- فقط در سوره تحریم، آیه 11 از زبان آسیه همسر فرعون نقل شده است (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي

عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ)

9- سوره فرقان، آیه 75 (أُولَئِكَ يُجْرَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا)

10- سوره سبأ، آیه 37 (وَهُمْ فِي الْغُرْفَاتِ آمِنُونَ)

11- سوره زمر، آیه (لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ هُمْ عُرفٌ مِنْ فَوْقِهَا عُرفٌ مَبْنِيَّةٌ)

12- محاسن برقی، ج 1، ص 17.

13- فضائل الا شهر الثلاثة، ص 133.

(مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكَرَ اللَّهَ فِيهِ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ)؛ (1)

د) بنده مؤمن آزاد کردن

(مَنْ أَعْتَقَ نَسَمَةً مُؤْمِنَةً بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ)؛ (2)

و) خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز.

*خواندن دوازده رکعت نماز مستحبی در هر روز. (3)

تعبیر «بیت فی الجنة» در همه این موارد به گونه مطلق آمده و هیچ ویژگی برای آن ذکر نشده ولی برای خانه بهشتی حضرت خدیجه سه ویژگی ذکر گردیده که او را از دیگر خانه های بهشتی متمایز می سازد:

1. خانه طلایی؛ خانه ای که از مروارید و طلا ساخته شده است (من قصب)؛ (4)

2. خانه آرام؛ خانه بی سر و صدا (لا صخب فیه)؛ (5)

3. خانه شاد؛ خانه بدون غم و اندوه (و لا نصب). (6)

بعضی از شارحان، وجوه مختلفی را برای جمله «لا نصب فیه و لا صخب» ذکر کرده اند؛ از جمله: ابن جوزی می نویسد:

«لا- نصب فیه»، کنایه از این است که خانه بهشتی برخلاف خانه دنیوی است اولاً- همراه با رنج و سختی است، چه در ساختنش و

ص: 47

1- روضه الواعظین، ص 337

2- همان، ص 338.

3- وسائل الشیعة، ج 5، ص 236.

4- معانی مختلفی برای قصب ذکر شده است مانند ساقه گره گره و میان تهی «نی» که نوعی از آن سخت و محکم است که سقف خانه ها را می پوشانند و نوعی از آن راقلم درست می کنند استخوان، مغزدار گوهر دراز و مستطیلی مروارید آب دار تارهایی از طلا و نقره (الرائد ج 1، ص 1370). ابن اثیر می نویسد: «قصب جمع قصبه است و کاربردهای مختلف دارد؛ مثلاً قصب استخوان به معنای استخوان مغزدار است و نیز هر استخوان پهن و لوح را قصب، گویند و مقصود از «قصب» در این حدیث نبوی به معنای «لؤلؤ مجوف واسع کالقصر المنیف» است. (النهاية في غريب الحديث والاثر، ج 4، ص 67).

5- صخب: سر و صدا، صیحه داد و بیداد ضجه و شیون همهمه (الرائد، واژه «صخب»).

6- نصب: درد و رنج تعب و سختی (الرائد، واژه «نصب»).

چه در اصلاح و نگهداری آن؛ ولی خانه بهشتی اولاً خانه ای آماده است ثانیاً فرسودگی ندارد تا نیازمند اصلاح باشد.

«و لا صخب» کنایه از پاداش سختی هایی است که حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت فرزندان متحمل شدند؛ یعنی پاداش تحمل سختی ها در خانه دنیا، راحتی و آسایش در خانه آخرت است. (1)

مناوی در توجیه جمله «لا صخب فیه» و مقصود آن دو وجه دیگر ذکر کرده است:

1. خانه ای که اضطراب و ناامنی، ضجه و شیون و سرو صدا در آن نیست؛ زیرا هیچ خانه ای وجود ندارد که اهل آن خانه دور هم جمع شوند و سر و صدا در آن نباشد.

2. خانه در بست و اختصاصی، زیرا خانه چند نفری خالی از تنازع که به سر و صدا منجر شود، وجود ندارد

چنان که برای جمله «و لا نصب» نیز دو وجه ذکر نموده است:

1. نه کارهای روزانه که آن ها را به خود مشغول کند و از لذایذ بهشت باز بدارد در آن وجود دارد و نه رنجی که آن ها را غصه دار کند و غمگین نماید.

2. این خانه بهشتی ثواب و پاداش اعمال آن ها نیست، بلکه امتیاز ویژه است که علاوه بر پاداش اعمال آن ها خداوند متعال به حضرت خدیجه علیها السلام هدیه فرموده است. (2)

یادآوری می شود خانه بهشتی حضرت خدیجه علیها السلام، با سه ویژگی یاد شده برای حضرت زهرا علیها السلام نیز نقل شده و در مورد هیچ فرد دیگری گزارش نشده است. (3)

ص: 48

1- کشف المشکل عن حدیث الصحیحین، ج 2، ص 218.

2- فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر، ج 2، ص 241

3- مناقب ابن مغزلی، ص 292 (... و خدیجة سیدة نساء عالمها و أنت فاطمة سیدة نساء عالمك إنکن فی بیوت من قصب لا أذی فیه و لا نصب...) اکمال الدین و اتمام النعمة ص 160 (... إنما نسله من مباركة (یعنی فاطمه) لها بیت فی الجنة، لا صخب فیه و لا نصب)

اظهار ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام

ارادت و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به همسر گرامی اش وصف کردنی نیست؛ زیرا رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با آن بانو تنها یک رابطه زن و شوهری نبوده، و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به آن بانوی بزرگ، اسلام تنها از آن جهت نبوده که حضرت خدیجه علیها السلام یک همسر مهربان با وفا و خانه دار برای پیامبر صلی الله علیه و آله بودند بلکه این علاقه و عشق بر پایه ایمان و کمالات معنوی حضرت خدیجه علیها السلام بوده است؛ بدان جهت ارادت پیامبر صلی الله علیه و آله به آن بانو تنها به دوران حیاتش اختصاص نداشت، بلکه بعد از وفاتش نیز این علاقه بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت های گوناگون آن را ابراز می فرمودند.

الف) یاد همیشگی از خدیجه علیها السلام

یاد خدیجه علیها السلام هیچ گاه از خاطره پیامبر صلی الله علیه و آله محو نمی شد، بلکه چهره نازنین آن، بانو فداکاری هایش و فایش، صداقتش همراه بودنش تحمل سختی هایش و گذشتش همیشه در مقابل چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله مجسم بود. بدان جهت آن حضرت همیشه به یاد خدیجه علیها السلام بودند و از او به نیکی یاد می کردند و بهترین ستایش ها را از او انجام می دادند.

چند روایت در این زمینه وجود دارد که به یکی از آن ها بسنده می کنیم:

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا علي بن إسحاق انا عبد الله قال انا مجالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان النبي صلى الله عليه وآله إذا ذكر خديجة اثنى عليها فأحسن الثناء قالت فغرت يوما فقلت ما أكثر ما تذكرها حمراء الشدق قد أبدلك الله عز وجل بها خيرا منها قال ما أبدلني الله عز وجل خيرا منها قد آمنت بي إذ كفر بي الناس وصدقتنني إذ كذبتني الناس وواستني بمالها إذ حرمني الناس ورزقني الله عز وجل ولدها إذ حرمني أولاد النساء؛ (1)

عایشه می گوید: هر گاه از خدیجه علیها السلام یاد می شد پیامبر صلی الله علیه و آله با بهترین وجه او را می ستودند تا این که روزی غیرتی شدم و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم:

ص: 49

«چقدر از خدیجه سرخ لثه یاد می کنی در حالی که خداوند بهتر از او را نصیب تو کرده است؟» پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمودند: «هرگز! خداوند بهتر از او را نصیب من نکرده است. او روزی به من ایمان آورد که جهانیان به من کفر می ورزیدند و زمانی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می کردند و زمانی با ثروتش به کمکم آمد که دیگران مرا تحریم کردند و خداوند از او به من فرزندان عنایت کرده است

توضیح روایت

1. این روایت را تنها احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی ها) نقل کرده و سند آن معتبر است. (1)
2. عبارت «كان النبي صلى الله عليه وآله» بر استمرار و مداومت دلالت دارد؛ یعنی این سیره همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده که هر گاه از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می شد، به بهترین وجه از او تعریف و ستایش می کردند
3. جمله «حمراء الشدقين»، کنایه از کهولت و سن زیاد است که موجب ریختن تمام دندان ها و آشکار شدن لثه های سرخ می شود، زیرا شفق (به کسر شین) کناره های دهان را گویند و حمرا به معنای سرخ است. (2)
- این عبارت عایشه اوج حسادت او را نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام نشان می دهد تعبیری که دور از اخلاق و ادب اسلامی است.
4. منظور عایشه از عبارت «قد أبدلك الله خيرا منها» (خداوند بهتر از خدیجه علیها السلام را به شما داده است) خودش بوده که از حضرت خدیجه علیها السلام جوان تر بوده و آن را یک امتیاز و ارزش به حساب آورده و خواسته از این طریق ابراز وجود کند و شخصیت خودش را به رخ پیامبر صلی الله علیه و آله کشاند؛ در حالی که بر اساس

ص: 50

-
- 1- مجمع الزوائد، ج 9، ص 224 (رواه أحمد و اسناده حسن) البدایه و النهایه، ج 3، ص 158، السیره النبویه، ج 2، ص 135 (تقرده به أحمد، و اسناده لا بأس به).
 - 2- عمده، القاری، ج 16، ص 282 (و الشفق بالكسر جانب الفم، أرادت أنها عجوز كبيرة جداً قد سقطت أسنانها من الكبر ولم يبق بشدها بياض من الأسنان إنما بقيت فيه حمرة اللثات).

آموزه های دینی اخلاق و دین داری معیار و ملاک امتیاز و ارزش است و حضرت خدیجه علیها السلام در این دو امتیاز در حد اعلا بود؛ پس اعتراض عایشه بی مورد و ستایش همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام منطقی و حکیمانه است.

اخلاق و دین داری دو معیار در انتخاب همسر است که روایات به آن تأکید کرده اند.

5. مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از عبارت «قد آمنت بی إذ کفر بی الناس و صدقتنی إذ کذبتنی الناس و واستتني بمالها إذ حرمني الناس و رزقني الله ولدها إذ حرمني أولاد النساء»، بر شمردن امتیازات منحصر به فرد حضرت خدیجه علیها السلام است، از جمله:

1-5- سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله

*سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله (1)

به تصریح قرآن سبقت در ایمان و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله، یک فضیلت و امتیاز بسیار مهم است. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

و کسانی که بعد از آن ها آمدند و می گویند: پروردگارا! ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل های ما حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار! مده پروردگارا! تو مهربان و رحیمی (2)

بر این اساس، حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اولین مرد و زنی که در ایمان آوردن به پیامبر صلی الله علیه و آله و تصدیق رسالت آن حضرت بر دیگران پیشی گرفتند از مصادیق این آیه شریفه هستند حسکانی از سلمه بن اکوع نقل می کند:

پیامبر صلی الله علیه و آله در بقیع بودند و علی علیه السلام نیز همراه او بود. وقت نماز رسید، جعفر (جعفر بن ابی طالب) نیز از آن جا عبور می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جعفر! در کنار برادرت نماز بخوان!» پس پیامبر صلی الله علیه و آله با علی علیه السلام

ص: 51

1- آمنت بی إذ کفر بی الناس و صدقتنی إذ کذبتنی الناس

2- (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (سوره حشر، آیه 10).

و جعفر نماز خواندند و چون از نماز فارغ شدند فرمودند: «ای جعفر! این جبرئیل است و از سوی پروردگار جهانیان خبر می دهد که برای تو دو بال سبز با نگین های زبرجد و یاقوت قرار داده شده که صبح و شام به هر کجا که بخواهی پرواز کنی». (1) علی علیه السلام عرض کرد: «یا رسول الله این برای جعفر است پس برای من چیست؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود «یا علی! آیا نمی دانی که خداوند گروهی از امت مرا آفریده که تا روز قیامت برای تو استغفار می کنند؟» علی علیه السلام گفت: «آنان چه کسانی هستند یا رسول الله؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سخن خداوند در کتابش که بر من نازل شده: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ). یا علی! آیا کسی در ایمان بر تو پیشی گرفته است؟» (2)

اگر سبقت در ایمان موجب آن شد که حضرت علی علیه السلام مصداق بارز و کامل آیه شریفه باشند پس حضرت خدیجه علیها السلام نیز مصداق این آیه خواهد بود؛ زیرا به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که دیگران آن حضرت را تکذیب کرده بودند و به ایشان کفر ورزیدند، حضرت خدیجه علیها السلام ایشان را تصدیق کرد و به رسالتش ایمان آورد؛ در نتیجه هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی تواند جای حضرت خدیجه علیها السلام را بگیرد.

ص: 52

1- جعفر بن ابی طالب برادر حضرت علی علیه السلام در نبرد موته به شهادت رسید و دو دستش قطع شد که خداوند به جای آن دو بال به وی عطا نمود و به همین جهت معروف به جعفر طیار شد.

2- شواهد التنزیل، ج 2، ص 334 (أخبرنا أبو سعد محمد بن علی الحیري أخبرنا أبو سعید محمد بن أحمد أحمد بن شعيب الحافظ حدثنا أبو نصر منصور بن محمد بن أحمد البخاري حدثنا علی بن یوسف حدثنا أبو صفوان إسحاق بن أحمد النجاری حدثنا مكي بن إبراهيم حدثنا عثمان الشحام عن سلمة بن الأكوع قال: بينما النبي بقیع الغرقد و علی معه فحضرت الصلاة، فمر به جعفر فقال النبي صلی الله علیه و آله: یا جعفر صل جناح أخیک. فصلی النبي بعلی و جعفر، فلما انفتل من صلاته قال: یا جعفر هذا جبرئیل یخبرني عن رب العالمين أنه صیر لك جناحين أخضرين مفصصين بالزبرجد والیاقوت تغدو و تروح حيث تشاء قال علی: فقلت: یا رسول الله هذا لجعفر فما لي قال النبي صلی الله علیه و آله: یا علی أو ما علمت أن الله عزوجل خلق خلقا من أمتی یستغفرون لك إلى یوم القيامة؟ قال: علی: و من هم یا رسول الله؟ قال: قول الله عزوجل في كتابه المنزل علی: (وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ، وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ) فهل سبقك إلى الإيمان أحد یا علی؟).

2-5-مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله

*مواسات مالی با پیامبر صلی الله علیه و آله (1)

«مواسات» یعنی دیگری را در مال خویش شریک قرار دادن، تا آن جا که هر گونه خود از مال خویش استفاده و در آن تصرف می کند، دیگری نیز چنان باشد.

ابن منظور (م. 711 ق) درباره فعل «آسی» می نویسد:

آسأه بماله: انا له منه و جعله فيه أسوة؛

بخشی از مال خویش در اختیار او گذارد و او را در استفاده از مال خود مساوی با خود قرار دهد.

و برخی گفته اند:

مواسات وقتی است که شخص به اندازه کفاف خود داشته باشد نه بیش تر و دیگری را در همان مقدار کفاف شریک سازد؛ اما اگر افزون از اندازه کفاف داشت و از آن مال افزون به کسی داد، «مواسات» نیست (2)

یادآوری می شود بر اساس آموزه های دینی، مواسات به امور مالی اختصاص ندارد بلکه کمک رسانی به یک دیگر در حوزه های گوناگون است. اینکه انسان بخشی از مال و امکانات معیشتی و رفاهی و مسافرتی و تفریحی خویش را در اختیار دیگران بگذارد این عمل از جایگاه ارزشی بالایی برخوردار است و از قرآن و سنت نبوی سرچشمه می گیرد و یکی از صفات بارز و کامل پرهیزگاران شمرده شده است. خداوند متعال در قرآن می فرماید:

متقین کسانی هستند... در اموال آن ها حقی است برای سائل و محروم. (3)

مقصود از حق معلوم در این آیه غیر از زکات واجب است (4) و به تعبیر بعضی

ص: 53

1- و واستنی بمالها إذ حرمني الناس

2- لسان العرب، واژه «آسی».

3- سوره زاریات، آیه 91 (... وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) «سائل» کسی است که از مردم تقاضای کمک می کند، ولی «محروم» شخص آبرومندی است که برای معیشت خود نهایت تلاش را به خرج می دهد اما دستش به جایی نمی رسد و کسب و کار و زندگیش به هم پیچیده است و با این حال خویشتن داری، کرده از کسی تقاضای کمک نمی کند (برگزیده تفسیر نمونه، ج 4، ص: 935).

4- همان.

از محققان به معنای زکات باطنی و غیر رسمی است (1) و تفسیر آیه این است:

انسان های متقی که امکانات و ثروت مادی و اقتصادی دارند افراد نیازمند جامعه را شناسایی و به کمک آن ها بشتابند خصوصاً به کمک کسانی که صورت شان را با سیلی سرخ نگه می دارند و از سؤال کردن و دست نیاز به سمت دیگران دراز کردن دوری می نمایند.

حضرت خدیجه علیها السلام که از طریق تجارت، ثروت فراوانی به دست آورده بود و از ثروتمندان قریش به حساب می آمد، بعد از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایمان آوردن به آن، حضرت تمام ثروت خویش را در اختیار ایشان قرارداد تا در راه گسترش فرهنگ اسلام و حمایت از نیازمندان و بردگانی که به آن حضرت ایمان می آوردند و از ناحیه مشرکان در تحریم و فشار اقتصادی بودند، به مصرف رساند.

این عمل خداپسندانه حضرت خدیجه علیها السلام هیچ گاه از یاد پیامبر صلی الله علیه و آله نمی رفت بدان جهت به عایشه فرمود:

او با مالش مرا یاری کرد در زمانی که دیگران مرا تحریم نمودند.

3-5- فرزنددار شدن حضرت خدیجه علیها السلام

*فرزنددار شدن حضرت خدیجه علیها السلام (2)

هدف نهایی از ازدواج و انتخاب همسر حفظ حیات نوع بشر است؛ بر این اساس در قرآن زنان به مزرعه تشبیه شده اند؛ (3) یعنی زن فقط وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست بلکه وسیله ای است برای حفظ حیات نوع بشر. این سخن در برابر آن هایی که به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوس بازی می نگرند هشدار محسوب می شود؛ چنان که هدف نهایی از آمیزش، لذت، و کام جویی محض نیست بلکه باید از این موضوع برای ایجاد

ص: 54

1- محمدرضا حکیمی در «الحیات».

2- و رزقني الله ولدها إذ حرمني أولاد النساء.

3- (فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ) (سوره بقره آیه 223) دو همسر می توانند هر گونه و در هر زمان و مکان، از لذت جنسی بهره گیرند (جز آن چه در قانون شرع ممنوع شده است).

و پرورش فرزندان شایسته استفاده کرد و آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش فرستاد (1) بر این اساس باید در انتخاب همسر اصولی را رعایت نمود از جمله آن که زنی را به همسری برگزید که «ولود» باشد. رسول گرامی اسلام فرمود:

هنگامی که انسان می میرد امید او جز از سه چیز قطع می شود: صدقات جاریه (اموالی که از منافع آن مرتباً بهره گیری می شود) و علمی که از آن سود می برند و فرزند صالحی که برای او دعا می کند (2)

رسول خدا از حضرت خدیجه علیها السلام، دارای فرزندان متعددی بودند که در رأس همه آن ها ام الائمه صدیقه شهیده، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار دارند و بقای نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگ است؛ ولی از همسران دیگر فرزندی نداشته به جز ابراهیم از ماریه قبطیه که آن هم از دنیا رفته بود. (3) بر این اساس، هیچ زن دیگری از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانست جای حضرت خدیجه علیها السلام را بگیرد و بهتر از او باشد.

ب) گرامی داشت دوستان خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام بانویی بزرگ و دارای موقعیت بالای اجتماعی بود و دوستان فراوانی داشت که بعد از وفاتش به ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و آن حضرت احترام ویژه ای برای آنان قائل می شدند و آن ها را گرامی می داشتند؛ بلکه بالاتراز، آن هدایایی برای آنان می فرستادند و از این طریق ارادت شان را به همسر با وفای شان ابراز می کردند روایات متعددی در این زمینه در منابع اهل سنت وجود دارد که به

ص: 55

1- (..) وَقَدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ) (با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح آثار نیکی برای خود از پیش بفرستید)

2- مجمع البیان، ج 1، ص 321) (اذا مات الانسان انقطع امله الا عن ثلاث: صدقة جاریة و علم ینتفع به و ولد صالح یدعوا له).

3- رك: المناقب ابن شهر آشوب، ج 1، ص 140) (ولد من خدیجة القاسم و عبد الله و هما: الطاهر و الطیب و أربع بنات: زینب و رقیة، و أم كلثوم و هی آمنه، و فاطمة و هی أم أبیها. و لم یکن له ولد من غیرها إلا ابراهیم من ماریة، ولد بعالیة فی قبيلة مازن فی مشربة أم ابراهیم، و یقال ولد بالمدينة سنة ثمان من الهجرة و مات بها و له سنة و عشرة أشهر و ثمانية أيام و قبره بالبقیع).

روایت اول: از عایشه نقل می کند:

روزی پیرزنی به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله، آمد حضرت از او سؤال کردند: «کیستی؟» زن گفت: «جثامه مزنیه». رسول خدا فرمود: «بلکه شما حسانه مزنیه (1) هستی. حال شما چطور است؟ وضع زندگی تان چگونه است؟» زن گفت: «خوب است پدر و مادرم فدایت باد!» وقتی آن زن از پیش پیامبر صلی الله علیه و آله رفت، پرسیدم: «این پیرزن کی بود که این گونه با محبت با وی برخورد کردید و احترامش نمودید؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «او در زمان خدیجه علیها السلام به ما سر می زد و به دیدار خدیجه علیها السلام می آمد (وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ). (2)

توضیح روایت

در آموزه های دینی تأکید فراوانی به وفای به عهد شده و دارای مصادیق فراوانی است؛ از جمله، پیمان دوستی که افراد یا ملل و حکومت ها با یک دیگر می بندند و رعایت آن بر یک دیگر لازم است. این موضوع، به پیمان مسلمان ها با یک دیگر اختصاص ندارد، بلکه در مقابل دشمن نیز وفای به عهد واجب است. حضرت علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرماید:

ص: 56

1- حسانه مزنیه که نام اصلی اش «جثامه» بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به «حسانه» تغییر داده یکی از دوستان حضرت خدیجه علیها السلام بود و با آن بانوی بزرگ رفت و آمد داشت بدان جهت پیامبر احترام ویژه ای برای او قائل بودند و به او لطف محبت می کردند و هدایایی را برایش می فرستادند.

2- الاستیعاب، ج 4، ص 1811 (أخبرنا عبد الوارث بن سفیان، حدثنا قاسم بن أصبغ، حدثنا محمد بن یونس، حدثنا الضحاک بن مخلد، حدثنا صالح بن رستم، حدثنا ابن أبي ملیکه، عن عائشة قالت: جاءت عجزوز إلى النبي صلی الله علیه و سلم فقال لها: من أنت؟ قالت: أنا جثامة المزنية. قال: بل أنت حسانة المزنية، كيف حالكم؟ كيف كنتم بعدنا؟ قالت: بخير، بأبي أنت و أمی یا رسول الله! فلما خرجت قلت: یا رسول الله، تقبل علی هذه العجزوز هذا الإقبال! قال: إنها كانت تأتينا أيام خدیجة، وإن حسن العهد من الإيمان) حاکم نیشابوری بعد از نقل این حدیث نوشته است: هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین فقد اتفقا علی الاحتجاج برواته فی أحادیث كثيرة و لیس له علة (مستدرک صحیحین، ج 1، ص 16).

مالکا اگر میان خود و دشمنت تعهدی بستی یا ضمانتی از خود برای او پوشانیدی، عهد خود را با وفا حفظ کن و ضمانتی که نموده ای با امانت مراعات نما و شخصیتت را سپر وفای به عهدی که بسته ای قرار بده؛ زیرا در میان واجباتی که خداوند مقرر فرموده است، هیچ یک از آن ها مانند وفای به عهد مورد اتفاق مردم نیست. (1)

رسول گرامی اسلام که دارای خلق قرآنی بودند و خداوند متعال با تعبیر (أَنْكَ لَعَلِي خَلْقٍ عَظِيمٍ) ایشان را می ستاید نسبت به زنی که رابطه دوستی با حضرت خدیجه علیها السلام داشت و به ملاقات آن حضرت می آمد با تجلیل و تکریم برخورد می کردند و آن را از جزئی از ایمان به حساب می آوردند و می فرمودند: (إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ) و در بعض روایات آمده (إِنَّ كَرَمَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ) و در معنای آن گفته شده است: «ای رعایة المودة». (2)

نووی از بزرگان اهل سنت و شارح صحیح مسلم می نویسد:

وفي هذا الحديث ونحوه دلالة لحسن العهد و حفظ آلود و رعایة حرمة الصاحب و المعاشر حياً و ميتاً، و إكرام معارف ذلك الصاحب . (3)

روایت دوم: انس بن مالک خدمتگزار مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

هر گاه کسی هدیه ای برای پیامبر صلی الله علیه و آله می فرستاد و می فرمودند: «قسمتی از آن را برای فلان خانم ببرید؛ زیرا او از دوستان خدیجه علیها السلام بود و خدیجه علیها السلام را دوست می داشت» (4)

روایت سوم: عایشه می گوید:

ص: 57

1- نهج البلاغه ، نامه 53 (وَإِنْ عَقَدْتَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ عَدُوِّكَ عُقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ بِعَهْدِكَ بِالْوَفَاءِ...)

2- لسان العرب ، ج 3، ص 312

3- عمدة القاری، ج 16، ص 218 .

4- الاستیعاب، ج 4، ص 1811 و روی، ثابت، عن أنس، قال: كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا أهديت إليه هدية قال: اذهبوا ببعضها إلى فلانة، فإنها كانت صديقة لخديجة، وإنها كانت تحب خديجة.

به هیچ زنی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه علیها السلام غیرتی نبودم، در حالی که او را ندیده بودم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فراوان از وی یاد می کردند و هر گاه گوسفندی ذبح می فرمود بخشی از آن را برای دوستان خدیجه علیها السلام به عنوان هدیه می فرستادند و من از این رفتار ایشان غیرتی می شدم و از روی اعتراض به آن حضرت می گفتم: «گویا در دنیا هیچ زنی به جز خدیجه وجود نداشت» (که این همه به یادش هستید و به دوستانش محبت می کنید؟) پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب می فرمود: «آن ها کانت و کانت و کان لی منها ولد» (1).

در نقل دیگر آمده که عایشه گفت:

به هیچ زنی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه خدیجه علیها السلام غیرتی نبودم با این که او قبل از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با من از دنیا رفته بود؛ زیرا اولاً پیامبر صلی الله علیه و آله از وی یاد می کردند و ثانیاً از جانب خدا بشارت خانه بهشتی به خدیجه علیها السلام دادند و ثالثاً هر گاه گوسفندی ذبح می کردند هر چه قدر که نیاز داشتند برای دوستان خدیجه علیها السلام هدیه می فرستادند. (2)

توضیح روایت

این دو روایت، در صحیح بخاری نقل شده که از معتبرترین کتب حدیثی اهل سنت به حساب می آید.

ابن حجر عسقلانی در توضیح عبارت «انها کانت و کانت» می نویسد: «أی کانت فاضلة و کانت عاقلة و نحو ذلك». (3)

ص: 58

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 230 (حدیثی عمر بن محمد بن حسن حدیثا ابی حدیثا حفص عن هشام عن ابیه عن عائشة رضی الله عنها قالت ما غرت علی أحد من نساء النبی صلی الله علیه و آله و ما غرت علی خدیجة و ما رأيتها و لکن کان النبی یكثر ذکرها و ربما ذبح الشاة ثم یقطعها أعضاء ثم یبعثها فی صدائق خدیجة فرما قلت له كأنه لم یکن فی الدنیا الا خدیجة فیقول انها کانت و کانت و کان لی منها ولد)

2- همان: حدیثا سعید بن عفیر حدیثا اللیث قال کتب الی هشام عن ابیه عن عائشة رضی الله عنها قالت ما غرت علی امرأة النبی صلی الله علیه و سلم ما غرت علی خدیجة هلکت قبل أن یتزوجنی لما کنت اسمعه یذکرها و أمره اللہان یشرها بیت من قصب و إن کان لیذبح الشاة فیهدی فی خلائلها منها ما یسعهن.

3- فتح الباری، ج 7، ص 103

عینی نیز نوشته است: «أنها كانت أي أن خديجة كانت و كانت أي كانت فاضلة ، و كانت عاملة و كانت تقية و نحوها ذلك» (1)

بنابراین مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله از این جمله آن است که آن بانوی بزرگ و نمونه ، واجد همه فضایل و کمالات بوده است: در ایمان و دین داری در همسر داری در تربیت فرزند، در همراهی و همگامی در وفا در فضیلت و تقوا، در تدبیر و هوشمندی در عفت و پاک دامنی در عبادت و بندگی در ایثار و بخشندگی.

و مقصود از جمله: «و كان لي منها ولد» ممکن است همان مضمون عبارت قبلی «ورزقني الله ولدها إذ حرمني أولاد النساء» باشد که توضیح آن گذشت.

عینی از شارحان صحیح بخاری می نویسد: «قوله: (و كان لي منها) أي: من خديجة: (ولد) و قد ذكرنا أن جميع أولاده من خديجة إلا ابنه إبراهيم فإنه من مارية القبطية». (2)

و ممکن است اشاره به وجود مبارک حضرت فاطمه علیها السلام باشد که ام الائمه و کوثر قرآن بوده اند و حضرت خدیجه علیها السلام صدف این کوثر

ج) محبت به خواهر خدیجه علیها السلام

از موارد علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام ، محبت به خواهر آن بانو بود که با دیدن او به یاد همسر باوفایش می افتادند و احترام خاصی برای او قائل بودند.

بخاری می گوید:

وقال إسماعيل بن خليل أخبرنا علي بن مسهر عن هشام عن أبيه عن عائشة رضی الله عنها قالت استأذنت هالة بنت خويلد أخت خديجة على رسول الله صلى الله عليه و اله فعرف استئذان خديجة فارتاع لذلك فقال اللهم هالة قالت فغرت فقلت ما تذكر من عجوز من عجائز قريش حمراء الشدين هلكت

ص: 59

1- عمدة القاری، ج 16، ص 218.

2- همان

في الدهر قد أبدلك الله خيراً منها؛ (1)

عایشه می گوید: روزی هاله خواهر خدیجه علیها السلام به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و، اجازه ورود خواست آن حضرت با خوش حالی به استقبالش رفتند و با او با محبت برخورد کردند. من از این رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله غیرتی شدم و به آن حضرت گفتم: چه شده تو را که از پیرزنی از پیرزنان قریش یاد می کنی که بر اثر پیری گونه هایش سرخ و فرو رفته و سال هاست از دنیا رفته در حالی که خداوند بهتر از او را به شما داده است! (2)

توضیح روایت

«فعرف استئذان خدیجة»، یعنی به یاد استئذان خدیجه علیها السلام افتاد، چون صدای هاله شبیه صدای خواهرش خدیجه علیها السلام بوده است. (3)

«ارتاع»، از «روع»، به معنای «فزع» است و کنایه از تغییر و دگرگونی است که در چهره شخص ظاهر می شود و در بعضی نسخه ها «ارتاح» ثبت شده و به معنای سرور و خوش حالی خاصی است که در شخص ظاهر می شود (4)

اللهم هالة: این جمله را دو جور معنا کرده اند

یکم: خدایا او را هاله قرار بده یا- خدا کند که هاله باشد (5) (که از علاقه بسیار پیامبر صلی الله علیه و آله به هاله خواهر خدیجه علیها السلام حکایت دارد که آن حضرت مشتاق دیدار او بودند تا با دیدنش خاطرات حضرت خدیجه علیها السلام برایشان تجدید گردد).

دوم: این هاله است (6) (کنایه از شباهت زیاد صدای هاله با صدای حضرت

ص: 60

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 231.

2- صحیح بخاری، ج 4، ص 230.

3- فتح الباری، ج 7، ص 107 (أی صفتی لشیبه صوتها بصوت أختها فتذكر خدیجة بذلك).

4- همان (من الروع بفتح الراء أی فزع والمراد من الفزع لازمه و هو التغير، وقع في بعض الروایات ارتاح بالحاء المهملة أی اهتز لذلك سرورا).

5- (اجعلها هاله فعلی هذا فهو منصوب).

6- (هذه هالة وعلی هذا هو مرفوع).

خدیجه علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله فوراً متوجه این صدا می شوند و او را می شناسند).

صدیقه امت

صداقت و راست گویی از ویژگی های بسیار مهم مردان و زنان با ایمان است. نشانه صفای باطن قلب سلیم و نفس پاکیزه است. حضرت خدیجه علیها السلام از این ویژگی مهم برخوردار بود و پیامبر صلی الله علیه و آله با تعبیر «هذه صدیقه امتی» او را وصف می فرمایند و بر صدیقه بودنش گواهی می دهند.

ابن عساکر نقل کرده است:

عن ابن عمر قال: نزل جبریل علی رسول الله لا صلی الله علیه و آله بما أرسل به و جلس یحدث رسول الله صلی الله علیه و آله إذا مرت خدیجة بنت خویلد فقال جبریل من هذه یا محمد قال: "هذه صدیقه امتی" قال جبریل: معی إليها رسالة من الرب تبارک و تعالی یقرنها السلام و یبشرها ببیت فی الجنة من قصب بعید من اللهب لا نصب فیہ و لا صخب؛

عبدالله بن عمر می گوید: جبرئیل امین بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و وحی الهی را بر ایشان ابلاغ کرده و کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، نشست، مشغول صحبت کردن با آن حضرت گردید که در این هنگام خدیجه علیها السلام از کنار آنان رد شد. جبرئیل از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «این زن کیست؟» فرمود: «این صدیقه امتم است» جبرئیل گفت: «من حامل پیامی از جانب پروردگار برای او هستم و آن پیام این است که خداوند فرمود سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسان و او را به خانه ای در بهشت بشارت بده که از لهُو و لعب به دور است، خانه آرام بدون سر و صدا و بدون رنج و سختی» (1)

نکته جالب توجه این است که دختر این بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه علیها السلام نیز به «صدیقه» ملقب بودند مرحوم کلینی در یک روایت

ص: 61

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام از بانوان بزرگ جهان و از زنان نامور تاریخ اسلام به حساب می آید ایشان از جهات مختلف، الگوی بسیار مناسب برای تمام زنان عالم به ویژه زنان مسلمان هستند. وی دارای کمالات بسیار بالای انسانی و الهی بود و توانست به مقامات معنوی ویژه ای دست یابد و از جایگاه خاصی نزد رسول گرامی اسلام برخوردار گردد.

پیامبری که به گواهی، قرآن تمام رفتار و گفتارش از وحی سرچشمه می گیرد و مصون از هر گونه خطا و اشتباه تعلقات شخصی و خواسته های نفسانی است احترام ویژه ای برای آن بانو قائل بودند.

بر اساس روایات منابع مهم حدیثی اهل سنت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ارادت و وابستگی خاصی به حضرت خدیجه علیها السلام داشتند و با تمام وجود به او عشق می ورزیدند. این عشق و ارادت، اولاً بر اساس ملاک های دینی و ارزش های اسلامی بود نه به جهت همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودن و ثانیاً یک احساس درونی، نبود بلکه همیشه آن را اظهار می نمودند و به دیگران اعلان می کردند و ثالثاً تنها به دوره حیات حضرت خدیجه علیها السلام اختصاص نداشت، بلکه بعد از وفات آن بانو نیز این محبت ادامه داشت.

ص: 62

1- کافی، ج 1، ص 458 (محمد بن یحیی، عن العمرکی بن علی، عن علی بن جعفر أخیه، أبی الحسن علیه السلام قال: إن فاطمة صدیقة شهيدة و إن بنات الأنبياء لا یطمئن)

1. ابن اثير (م - 606)، النهاية في غريب الحديث، چاپ چهارم، مؤسسه اسماعيليان، قم، 1364 ش.
2. ابن الجوزى (م - 597)، كشف المشكل عن حديث الصحيحين، دارالوطن للنشر، رياض، 1418 ق.
3. ابن المغازلى (م - 483)، مناقب على بن ابي طالب، چاپ اول، انتشارات سبط النبي 1384 ش.
4. ابن حجر (م - 852)، فتح البارى، چاپ دوم، دار المعرفة للطباعة والنشر بيروت، بی تا.
5. ابن حنبل (م - 241)، مسند احمد دار صادر، بيروت لبنان، بی تا.
6. ابن شهر آشوب (م - 588)، مناقب آل ابي طالب، المكتبة الحيدريه نجف اشرف، 1376 ق.
7. ابن عبد البر (م - 463)، الاستيعاب، چاپ اول، دارالجيل، بيروت، 1412 ق.
8. ابن عساکر (م - 571)، تاريخ مدينه، دمشق، دارالفکر، بيروت، 1415 ق.
9. ابن كثير (م - 774)، البدايه والنهايه، دار إحياء التراث العربي، بيروت، 1408 ق.
10. ابن منظور (م - 711)، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، 1405 ق.
11. الإربلى (م - 693)، كشف الغمه، چاپ دوم، دار الأضواء، بيروت، 1405 ق.
12. بخارى (م - 256)، صحيح البخارى، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع استانبول، 1401 - 1981 م.
13. برقى (م - 274)، المحاسن، دار الكتب الإسلاميه، تهران، 1370 ش.
14. شيخ حر عاملى (م - 1104)، وسائل الشيعه، مؤسسة آل البيت، قم، 1414 ق.
15. شيخ صدوق (م - 381)، اكمال الدين وتمام النعمه، مؤسسه نشر اسلامى جامعه مدرسين، قم، 1363 ش.
16. شيخ صدوق (م - 381)، فضائل الا شهر الثلاثه، دار المحجة البيضاء

17. طبرانی (م - 360)، المعجم الكبير، دار إحياء التراث العربي، بيروت، بی تا.
18. طیب سید عبدالحسین (قرن پانزدهم)، اطیب البیان، انتشارات اسلام تهران 1378 ش.
19. عینی (م - 855)، عمدة القاری، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
20. فتال النیشابوری (م - 508)، روضة الواعظین، منشورات الشریف الرضی قم، بی تا.
21. محمد بن یزید القزوینی (م - 273)، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بی تا.
22. مسلم نیشابوری (م - 261)، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، بی تا.
23. مکارم شیرازی (معاصر)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران دار الکتب الإسلامیه، 1374 ش.
24. مناوی (م - 1031)، فیض القدر، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415 ق.
25. هیشمی (م - 807)، مجمع الزوائد، دار الکتب العلمیه، بیروت، 1408 ق.

*فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت: روح الله باقر (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ، اسلام اولین زن مسلمان دارای عظمت و شأن بالا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. از آن جایی که به فضایل این بانوی بزرگ کم تر توجه شده و یا حتی در حق این بانو در بعضی از موارد ظلم شده است در این مقاله به طور مختصر از فضایل آن حضرت از کتب اهل سنت مواردی ذکر می گردد؛ از جمله سلام خداوند و جبرئیل برایشان بشارت بهشت و خانه در بهشت برای حضرت خدیجه علیها السلام و از جمله بافضیلت ترین زنان بهشت بهترین زن دو، جهان یاد کردن زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله از این بانوی بزرگ و خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت حضرت خدیجه علیها السلام.

این موارد حاکی از شأن و عظمت آن بانوی بزرگ نسبت به دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد این تعابیر هستند این، مقاله هم چنین برتری این بانوی بزرگ اسلام را بر دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به اثبات می رساند.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، فضائل، اهل سنت افضلیت، بهترین زنان.

ص: 65

حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه والایی داشتند؛ از این رو برای تکریم این بانوی بزرگوار برخی از فضایل ایشان را از منابع اهل سنت به رشته تحریر درآوریم تا کمی از زحمت های این بانوی بزرگوار قدردانی شود.

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام دختر خویلد (68-3ق) نخستین همسر حضرت محمد صلی الله علیه و اله مادر حضرت فاطمه علیها السلام و اولین زن ایمان آورنده به اسلام بود. نام کامل وی خدیجه علیها السلام بنت خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لؤی بن غالب به فهر بن مالک بن نصر بن کنانه مادرش فاطمه بنت زائده بن الأصم بن الهرم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیض بن عامر بن لؤی بن غالب بن فهر بن مالک. خدیجه علیها السلام در سال 68 قبل از هجرت در مکه به دنیا آمد از القاب او در زمان جاهلیت «طاهره» و «سیده قریش» بود.

طبق عقاید شیعه و برخی دیگر از مسلمانان و تاریخ نویسان اسلامی، خدیجه علیها السلام عزیزترین زن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. به گفته عایشه پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را بهترین همسر خود می دانست (1).

فضیلت

فضیلت [ف ض ل] [ع امص] به معنای رجحان، برتری، مزیت و فزونی است. (2) «آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید». (3) «چه هر که از خرد بهره دارد فضیلت او بروی پوشیده نماند». (4) «چندانک اندک

ص: 66

1- مسند احمد بن حنبل، ج 6، ص 117.

2- عبدالرحیم صفی پور شیرازی، منتهی الارب، چاپ، اول، تهران، دانشگاه تهران، 1388ش.

3- کلیله و دمنه

4- همان.

مایه وقوف افتاده و فضیلت آن را بشناختم به رغبتی صادق و حرص غالب در تعلم آن می کوشیدم».⁽¹⁾

اهل سنت

مذهب سنی، یکی از مذاهب دین اسلام است. اهل سنت و جماعت معتقدند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پس از خود جانشینی تعیین نکردند، با وجود این، آن‌ها احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله هم چون حدیث منزلت، حدیث ثقلین و وقوع غدیر خم را رد نمی‌کنند ولی مناسبت آن‌ها را در مورد تعیین جانشینی علی بن ابی طالب تأیید نمی‌نمایند و معتقدند باید مسلمانان با تشکیل شورا یکی از افراد جامعه را به عنوان خلیفه خود برگزینند هر چند برای تعیین خلفای بعدی این اصل زیر پا گذاشته شد و اجماع صورت نگرفت. از این رو، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و قبل از تدفین ایشان، نخست با تشکیل شورا در سقیفه بنی ساعده با این که همه مسلمانان یا نمایندگان شان در شورا شرکت نداشتند (از جمله عباس عموی پیغمبر و علی بن ابی طالب داماد ایشان)، طبق سنت شورا و بیعت ابوبکر را که از صحابه و نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله بود، برای خلافت انتخاب کردند.

منابع

مقصود از منابع کتبی است که احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامیش در آن‌ها گرد آمده باشد.

پیشینه تحقیق

کتب بسیاری به زبان‌های عربی و فارسی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام به چاپ رسیده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

ص: 67

1- همان

1. زنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نوشته عمادالدین حسین اصفهانی، چاپ ششم، تهران، نشر، محمد، 456 صفحه، 1368.

در این کتاب جایگاه زن در جنبه ها و ادیان گوناگون، به ویژه از دیدگاه اسلام بررسی و تبیین شده است. نویسنده این کتاب پر محتوا به چند مبحث از جمله: «زنان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله»، «زنان پیامبر صلی الله علیه و آله»، و نیز «شخصیت والای حضرت خدیجه علیها السلام» پرداخته است.

2. بزرگ زنان صدر اسلام نوشته احمد حیدری، چاپ اول، قم، انتشارت زمزم هدایت 336 صفحه، 1383.

نویسنده در این کتاب شرح حال و سیره سیاسی، اجتماعی زنان صدر اسلام در دوران نبوت و امامت را گردآوری کرده است. برخی سر فصل های این اثر عبارتند از: «بانوان برگزیده جهان»، «همسران رسول خدا»، «مادران امامان علیهم السلام»

3. شیوه همسررداری پیامبر صلی الله علیه و آله به گزارش قرآن و سنت، نوشته احمد و، عابدینی چاپ، اول، تهران انتشارات هستی، نما 159 صفحه، 1380.

نویسنده در این کتاب با استناد به آیات و روایات شیعه و اهل سنت، به بررسی چگونگی رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با همسران خود پرداخته و به مسائلی چون: عدالت مدارا، سازگاری و گذشت در محیط خانواده اشاره کرده است.

4. فروغ آسمان حجاز، نوشته علی کرمی، فریدنی خدیجه علیها السلام، چاپ اول، قم، نشر حاذق، 584 صفحه، 1382.

این کتاب تحقیقی است درباره زندگی نامه فعالیت ها و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام. نویسنده نخست به ترسیم کلی سیمای ایشان مراحل زندگی نام ها و خاندان وی پرداخته و سپس رابطه عاطفی، و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را تحلیل کرده است. سیره خانوادگی خدیجه علیها السلام، دفاعیات او از پیامبر صلی الله علیه و آله و مقام معنوی و روحانی خدیجه علیها السلام، از مباحثی است که نویسنده، با تشریح آن ها کوشیده تا نقش حضرت را در دفاع از آزادی در آینه حق و عدالت

و گسترش اسلام بیان کند نویسنده در بخش دیگر، به نوگرایی و روشن فکری، قدرت مدیریت، فداکاری پاک دامنی خردمندی آن بانو در آخر به سخنان برخی امامان معصوم علیهم السلام درباره ایشان اشاره کرده است.

5. حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت نوشته محمد محمدی اشتهاردی چاپ دوم مؤسسه انتشارات نبوی بهار 287 صفحه، 1384.

این اثر، نفیس در سه فصل تنظیم شده است: فصل اول: «حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز ولادت تا آغاز بعثت» (55 سال)؛ فصل دوم: «خدیجه علیها السلام. نخستین بانوی مسلمان و فداکاری های او در راه اسلام» (ده سال) و فصل سوم: «فضایل خدیجه علیها السلام، فرزندان، او وصیت و رحلت جان سوز و مقامات او».

نویسنده در برگ های آغازین کتاب می نویسد: «قبل از نگاشتن این کتاب تصویری که از مقام حضرت خدیجه علیها السلام در ذهن داشتم، مثلاً اگر دارای صد درجه بود پس از بررسی ها و نوشتن این، کتاب با این که فهرستی از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام است آن صد درجه به هزار درجه رسید و قبلاً در آن دعای معروف که می گفتم: «الهی به حق فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها»، می افزایم: «و بحق امها».

6. هم سفر آفتاب، واحد مطالعات و تحقیقات زنان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، قم، 46 صفحه، 1377.

این نوشتار ویژه نامه ای است که به مناسبت درگذشت آن بزرگ بانو تدوین شده و به تبیین شخصیت والا و نقش ایشان در گسترش پیام الهی و آسمانی و استحکام پایه های اسلام با این سرفصل ها می پردازد: «حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ»؛ «زندگانی آن حضرت»؛ «فضایل ایشان»؛ «حمایت های اجتماعی و عملی و مالی از پیامبر صلی الله علیه و آله» و «نخستین خانواده اسلامی و برگزیده ای از ادب فارسی».

1. زنان، پیغمبر نوشته عایشه بنت الشاطی ترجمه محمدعلی خلیلی، 268 صفحه چاپ اول، تهران، انتشارات دنیای کتاب، 1383.

در این کتاب شرح حال دوازده تن از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله درج شده است. از جمله خدیجه علیها السلام دختر خویلد، سوده دختر، زمه عایشه دختر ابوبکر، حفصه دختر عمرو....

2. حضرت خدیجه علیها السلام نوشته علی محمد علی دخیل ترجمه: فیروز حریرچی، 38 صفحه چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر 1363.

در این نوشتار جنبه های گوناگون، زندگی شخصیت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام همسر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله با این عنوان بررسی شده است: «معرفی خدیجه علیها السلام در چند سطر»، «اسلام خدیجه علیها السلام در دوره رسالت»، «سیرت خدیجه علیها السلام»، «خدیجه علیها السلام در احادیث رسول گرامی»، «منزلت خدیجه علیها السلام نزد رسول» و «سخنان بزرگان و دانشمندان درباره خدیجه علیها السلام».

3. زن در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله، نوشته بنت الهدی، صدر ترجمه: محمود شریفی 88، صفحه چاپ اول تهران شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1383.

در این نوشتار نقش زنانی بررسی شده که در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله مؤثر بوده اند. هم چنین نظریه ها و دیدگاه های حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره زنان و دختران در کتاب درج شده است.

فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت

با مراجعه به کتب اهل سنت در می یابیم که مقام حضرت خدیجه علیها السلام به خوبی در کتب آن ها بیان شده است؛ مواردی از فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در این کتب عبارتند از:

1. سلام خداوند و جبرئیل بر حضرت خدیجه علیها السلام

در صحیح مسلم از ابوهریره نقل شده که جبرئیل پیش پیغمبر آمد و عرضه داشت:

(يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِيجَةٌ قَدْ أَتَتْكَ مَعَهَا إِثَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ مِنْ رَبِّهَا عَزَّوَجَلَّ وَمَنِي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ)؛ (1)

حضرت خدیجه علیها السلام دارد پیش تو می آید و ظرفی از غذا و آب می آورد. وقتی حضرت خدیجه علیها السلام، آمد از طرف خدای عالم به او سلام برسان؛ از من جبرئیل هم به او سلام برسان و به او بشارت بده که خدای عالم خانه ای در بهشت برای او از تارهای طلا در نظر گرفته که در آن خانه اضطراب و خستگی وجود دارد و نه زوال نعمت.

از این حدیث می توان دریافت: که مقام و جایگاه این بانوی بزرگوار، به قدری والا و عزیز است که خداوند و فرشته وحی به او سلام می رسانند و به او بشارت خانه در بهشت می دهند

2. بشارت بهشت دادن خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام

در کتاب صحیح بخاری حدیث 7497 هم از ابوهریره نقل شده که جبرئیل گفت خدیجه علیها السلام دارد می آید:

(قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِثَاءٌ فِيهِ إِدَامٌ أَوْ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ فَأَقْرَأْ مِنْ رَبِّهَا وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ). (2)

همین یک روایت برای مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام کافی است که خداوند به ایشان بشارت بهشت می دهد در این جا از اهل سنت باید پرسید در قضیه عشره مبشره که با آن آب و تاب بیان می شود که خداوند به ده نفر از صحابه بشارت بهشت داده که یک سند صحیح برای آن نمی شود پیدا کرد، چرا حتی

ص: 71

1- صحیح مسلم چاپ دارالطیبه ریاض، حدیث 2432

2- صحیح بخاری، ج 3، ص 1389، حدیث 3609.

یک دفعه با وجود احادیث در مورد بشارت بهشت از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام این فضیلت بیان نمی شود و نام ایشان در عشره مبشره موجود نیست؟

3. با فضیلت ترین زنان اهل بهشت

در کتاب مسند احمد از ابن عباس آمده:

خط رسول الله صلی الله علیه و آله في الأرض أربعة خطوط قال أتدرون ما هذا قالوا الله ورسوله أعلم فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون؛ (1)

نبی مکرم با انگشت شان روی زمین چهار خط کشیدند و فرمودند: «بگویم معنای این چهار خط چیست؟» عرض کردند: «خدا و رسولش بهتر می دانند». حضرت فرمود: «با فضیلت ترین زنان اهل بهشت؛ خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله، مریم بنت دختر عمران و آسیه بنت مزاحم همسر فرعون هستند».

نکته جالب در این روایت این است که از میان همسران پیغمبر صلی الله علیه و آله فقط نام گرامی حضرت خدیجه علیها السلام در این روایت ذکر شده که جایگاه ویژه این بانوی بزرگ اسلام را نشان می دهد.

در ضمن از لحاظ سند روایت نیز محقق آن می گوید:

«اسناد صحیح رجاله ثقات رجال الصحیح؛ سند این روایت و رجال آن صحیح است و رجال آن از افراد مطمئن هستند».

4. بهترین زنان دو جهان

ذهبی از انس چنین نقل می کند:

خير نساء العالمين مريم و آسية و خديجة بنت خويلد سيدة نساء أهل

ص: 72

1- مسند احمد بن حنبل، ج 4، ص 77، حدیث شماره 2901

بهترین زنان دو جهان، مريم، آسياه خديجه عليها السلام و فاطمه زهرا عليها السلام سرور زنان اهل بهشت بعد از مريم فاطمه و خديجه عليها السلام و همسر فرعون آسياه هست.

محقق اين روايت رجال آن را هم ثقة مي داند.

5. ياد کردن زياد پيامبر صلى الله عليه و آله از حضرت خديجه عليها السلام

عروه خواهرزاده عايشه به نقل از وي مي گويد:

ما غَرْتُ لِلنَّبِيِّ عَلَى امْرَأَةٍ مِنْ نِسَائِهِ مَا غَرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ لِكَثْرَةِ ذِكْرِهِ إِيَّاهَا وَ مَا رَأَيْتُهَا قَطُّ (2)

به هيچ کدام از همسران پيغمبر مانند خديجه عليها السلام حساسيت نداشتم؛ پيغمبر او را زياد ياد مي کردند در حالي که اصلاً در عمرم خديجه عليها السلام را نديدم

ما غَرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ مَا غَرْتُ عَلَى خَدِيجَةَ وَ مَا رَأَيْتُهَا وَ لَكِنْ كَانَ النَّبِيُّ يَكْتَرُ ذِكْرَهَا وَ رَبَّمَا ذَبَحَ الشَّاةَ ثُمَّ يَقَطُّعُهَا أَغْضَاءً ثُمَّ يَبْعُثُهَا فِي صَدَائِقِ خَدِيجَةَ فَرَبَّمَا قُلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِي الدُّنْيَا امْرَأَةً إِلَّا خَدِيجَةَ فَيَقُولُ إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ وَ كَانَ لِي مِنْهَا وَلَدٌ؛ (3)

به هيچ کدام از زن های پيغمبر مانند حضرت خديجه عليها السلام حساسيت نداشتم. پيغمبر خیلی به ياد خديجه عليها السلام بودند؛ وقتی گوسفندی قربانی مي کردند تکه تکه مي نمودند و به دوستان و بستگان حضرت خديجه عليها السلام هديه مي دادند به قدری پيغمبر به ياد حضرت خديجه عليها السلام بودند و ذکر خير او مي کردند که گفتم: «يا رسول الله گویا در دنيا و آخرت زنی غير از خديجه عليها السلام وجود ندارد؟ او می فرمودند: «چنان بود و چنان بود و من از او بچه داشتم».

همان طور که در روايت واضح است پيامبر صلى الله عليه و آله بسيار از خديجه عليها السلام ياد

ص: 73

1- سير اعلام النبلاء، ج 2، ص 117

2- صحيح مسلم، چاپ دار الطيبة عربستان سعودی، حديث 2435

3- صحيح بخاری، حديث 3818.

می کردند، به طوری که حسادت عایشه برانگیخته می شد. (1)

حاکم نیشابوری می گوید: «این روایت صحیح هست و شرایط مسلم و بخاری را دارد».

ابن عبد آلبر نیز از عایشه نقل می کند:

كان رسول الله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدركتني الغيرة فقلت هل كانت إلا عجوزا (2) پیغمبر هر وقت می خواستند از خانه بیرون بروند، به یاد حضرت خدیجه علیها السلام بودند و از او تعریف می کردند روزی خیلی از او یاد کردند غیرتم به جوش آمد و گفتم: «آیا خدیجه علیها السلام پیرزنی بیش تر بود که این همه از او تعریف می کنید؟!»

6. خشم پیامبر صلی الله علیه و آله از مذمت خدیجه علیها السلام

از آن جایی که حضرت خدیجه علیها السلام از جایگاه والایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بودند، نمی توانستند مذمت را کسی درباره او تحمل کنند و سریع عکس العمل نشان می دادند. روایات ذیل از منابع اهل سنت بیان می شود.

ابن عبد البر می گوید:

فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب لا والله ما أبدلني الله خيرا منها آمنت بي إذ كفر الناس و صدقتني إذ كذبني الناس و واستتني في مالها إذ حرمني الناس و رزقني الله منها أولادا إذ حرمني أولاد النساء و كان لي منها و آد فقلت في نفسي لا أذكرها بسيئة أبدا؛

هنگامی که عایشه گفت: «خدا بهتر از او را به شما داده است!» حضرت به قدری غضبناک شدند که موهای جلو سرشان از شدت غضب راست شد و فرمود: «به خدا قسم خدای عالم بهتر از خدیجه علیها السلام نصیب من

ص: 74

1- المستدرک، ج 3، ص 205، حدیث 4855

2- الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبد البر با تحقیق علی محمد البجاوی، ج 4، ص 1823.

نکرده است او به من ایمان آورد آن زمانی که مردم به من کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد، آن وقتی که مردم تکذیب کردند و تمام اموالش را در اختیار من گذاشت آن وقتی که مردم مرا محروم کردند و خدای عالم اولادی از او به من داد و از فرزندان دیگر زنان مرا محروم کرد. پس من در دلم گفتم: دیگر من از حضرت خدیجه علیها السلام بدی نخواهم گفت.

معلوم می شود که خود عایشه اعتراف دارد به اینکه به حضرت خدیجه علیها السلام بدی کرده و از او به بدی یاد نموده است.

ذهبی هم از عایشه نقل می کند:

وقتی پیغمبر از حضرت خدیجه علیها السلام نام می بردند، نمی توانستند ثنای او را بگویند و برای او استغفار نکنند روزی از حضرت خدیجه علیها السلام سخن می گفتند که غیرت من به جوش آمد و گفتم: لقد عوضك الله من كيرة السن فرأيت غضبا غضبا أسقطت في خلدی أسقطت في خلدی وقلت في نفسي إن أذهب غضب رسولك عنی لم أعد أذكرها بسوء فلما رأى النبي ما لقيت قال كيف قلت والله لقد آمنت بي إذ كذبتني الناس و أوتني إذ رفضني الناس و رزقت منها الولد و حرمتوه مني قالت فغدا و راح على بها شهرا؛ (1)

عوض این پیرزن خدا زن جوانی نصیبت کرده! دیدم پیامبر صلی الله علیه و آله چنان غضبناک شدند که من از حال طبیعی بیرون رفتم (غضب پیغمبر به قدری بود که دیگر فکرم کار نکرد)، پیش خودم گفتم: خدایا اگر غضب پیغمبر نسبت به من آرام، بشود دیگر از حضرت خدیجه علیها السلام بد نخواهم گفت! پیغمبر دیدند من خیلی حالم خراب و دگرگون شد، فرمودند: «چطور چنین حرفی زدی؟! خدای عالم خدیجه علیها السلام را به من داد. او به من ایمان آورد، در حالی که مردم تکذیب می کردند به من پناه داد در حالی که مردم مرا ترک کردند خدای عالم از او به من فرزند، داد حال آن که از شما محروم شدم» پیغمبر به خاطر این اعتراض من یک ماه با من قهر بودند.

ص: 75

محقق این حدیث هم در پاورقی روایتش را معتبر می داند.

ابن جوزی باز همین تعبیر را می آورد:

كان رسول الله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجة فيحسن عليها الشاء فذكرها يوماً من الأيام فأدركتني الغيرة فقلت هل كانت إلا عجزوا قد أخلف الله لك خيراً منها قالت فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب ثم قال: لا والله ما أخلف الله لي خيراً منها؛ (1)

پیغمبر اصلاً از خانه بیرون نمی رفتند مگر اینکه از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می کردند و از او به خوبی تعریف می نمودند روزی که از حضرت خدیجه علیها السلام یاد کردند غیرت من به جوش آمد و گفتم: «مگر خدیجه علیها السلام پیرزنی بیش تر بود؟! خدا بهتر از او را به شما داده است!» پیغمبر غضبناک شدند به طوری که موهای جلو سرشان از شدت غضب راست شد و فرمودند: «قسم به خدای عالم خدای عالم همسری بهتر از خدیجه علیها السلام نصیب من نکرده است».

7. امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

به خدا سوگند! هرگز همسری بهتر از خدیجه علیها السلام به من ارزانی نشد؛ روزگاری که مردم به من کفر ورزیدند او ایمان آورد، هنگامی که مردم مرا دروغ گو می شمردند، به رسالتم شهادت داد و آن گاه که مردم مرا در محاصره قرار دادند ثروت هنگفت خود را در راه هدف های من خرج کرد و خدا فرزندان مرا از نسل او قرار داد؛ نه دیگر زنان (2)

در این حدیث، به یکی از دیگر از فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده و آن این که خداوند این لطف را در حق حضرت خدیجه علیها السلام کرد و ایشان را واسطه ای برای امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد این فضیلت نیز از کتب

ص: 76

1- المنتظم في تاريخ الملوك، ابن جوزی، ج 3، ص 18.

2- به نقل از: سیره ابن هشام، ج 1، ص 80.

اهل سنت آمده که از جایگاه والای این بانوی بزرگ حکایت می کند.

8. حضرت خدیجه علیها السلام راوی حدیث

بیهقی تأکید دارد که روایت هایی از حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب های اهل سنت موجود است. او نقل می کند:

خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! در حال طواف برگرد خانه خدا چه دعایی را زمزمه کنم؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو: بار خدایا! گناهانم را بیامرز و لغزش های خواسته و ناخواسته و زیاده روی در کارهایم را ببخشای». (1)

9. برترین بانوان امت

منابع اهل سنت حضرت خدیجه علیها السلام او را یکی از برترین زنان امت محمدی یاد کرده اند؛ از جمله پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

برترین بانوان، امتم خدیجه علیها السلام است و برترین بانوان امت های گذشته، مریم بود. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها به سبب همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودن بلکه به جهت داشتن عظمت و روح بلند از جایگاه ویژه ای نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بودند و آن حضرت بیش تر به او توجه می کردند. اگر کسی او را مذمت می کرد، خشمگین می شدند و نمی گذاشتند کوچک ترین بی حرمتی به آن بانوی بزرگوار شود. ایشان حتی سال رحلت آن بانو را سال حزن قرار دادند؛ زیرا از فقدان خدیجه علیها السلام بسیار غمگین بودند.

اگر بدیده انصاف بنگریم چنین بانوی بافضیلتی عادی نبود، بلکه برگزیده بانوان آن زمان و چنان لایق بود که امتداد نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق ایشان صورت پذیرفت

ص: 77

1- به نقل از: الانوار الساطعة من الغزاء الطاهره، ص 330.

2- مسند احمد بن حنبل به نقل از: محمد باقر ملبویی، وقایع و الحوادث.

از فضایی که منابع اهل سنت برای حضرت خدیجه علیها السلام بیان کرده اند، ثابت می شود که این بانوی بزرگ از شأن و جایگاه والایی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برخوردار بودند. این فضایل فقط مختص آن بانوی بزرگ اسلام بود که در دوران سختی و مشکلات، پیامبر صلی الله علیه و آله را همراهی کرد و باعث گسترش دین اسلام شد. لذا شایسته است در این زمینه تحقیقات بیش تری صورت پذیرد.

1. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، 1412 ق.
2. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، با تحقیق علی محمد، البجاوی، بی جا بی تا
3. ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری المعافری مشهور به جمال الدین (متوفی 213 یا 218 ق)، سیره ابن هشام، دارالکتب العلمیة، بیروت، لبنان، 1971 م.
4. احمد بن حنبل، مسند احمد (241 ه)، دار صادر، بیروت.
5. حاکم نیشابوری، المستدرک، تهران، چاپ اول، بی تا.
6. شمس الدین الذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دهم، 1414 ق.
7. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری (256 ه)، دار الفکر، بیروت، بی تا.
8. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، چاپ دارالطیبه، ریاض، بی تا.
9. نیشابوری، حاکم، مستدرک علی الصحیحین، جلد 3، ص 186، 186، بی تا.
10. شیخ غالب سیلاوی، انوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه علیها السلام بنت خویلد علیها السلام، چاپ اول، 1421 ق، ناشر: نویسنده
11. صفی پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی الارب فی الغه العرب، دانشگاه تهران، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر، چاپ اول، 1388 ش.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام در سخنان ابن تیمیه: عبدالمجید زهادت

چکیده

مقام منیع و جایگاه رفیع حضرت خدیجه کبری علیها السلام نزد مسلمانان بسیار آشکار است. او همسر با ایمان فداکار و ایثارگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود و به اتفاق فریقین و بر اساس روایات موثق یکی از چهار بانوی با کرامت و عظمی است که سرور زنان بهشتی اند

ابن تیمیه حرانی در سخنان خویش در عین اعتراف به مقام و منزلت ویژه این بانو لغزش هایی دارد؛ مانند بهشتی بودن تمام همسران نبی گرامی اسلام که با مراجعه به قرآن کریم و آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله خواهیم دید که همسری پیامبر به تنهایی نمی تواند موجب امتیاز و برتری. باشد دوم مفاضله بین خدیجه کبری علیها السلام و عایشه که در این مسأله نیز حتی با مراجعه به سخنان عایشه روشن می شود که مقایسه و مفاضله از اساس ناتمام است.

واژگان کلیدی

خدیجه، امهات المومنین، ازواج النبی، افضلیت، ابن تیمیه، منهاج السنه عقیده واسطیه.

مقدمه

حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ام المؤمنین، دختر خویلد بن عبد العزی بن قصى بن کلاب جد چهارم نبی گرامی اسلام بود. و

ص: 80

از طرف مادری نیز دختر فاطمه دختر زانده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن عامر بن لوی بن غالب جد هشتم پیامبر اعظم بود. زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بودند. (1)

آن بانو قبل از اسلام خود دارای جلالت شأن و عظمت جایگاه بود؛ حتی در زمان جاهلیت به او صفت «طاهره» داده بودند: «كَانَتْ خَدِيجَةَ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَةِ الطَّاهِرَةَ» (2) و نیز به او «سیده قریش» گفته می شد: «و يقال لها: سيدة قریش». (3) این لقب برای خدیجه کبری علیها السلام به قدری معروف بود که وقتی وی در سفر شام از بحیرا درباره جبرئیل سؤال کرد وی در پاسخ او را «سیده قریش» خطاب نمود. بدرالدین عینی در شرح صحیح بخاری می نویسد:

أنها ركبت إلى بحيرا بالشام فسألته عن جبريل فقال لها قدوس يا سيدة قریش أنى لك بهذا الاسم (4)

از نظر شوکت ظاهری نیز دارای مال فراوان همراه با بخشش و عطا به نیازمندان بود به طوری که او را «ام الصعاليك» و «ام الیتامی» می خواندند. (5)

اما علو مقام و رفعت جایگاه او، آن گاه به اوج می رسد که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر صدیقه کبری «ام الائمه» و اول مؤمنه بود او به اتفاق فریقین، یکی از چهار بانویی است که سرور زنان بهشت هستند به نقل اسقف نصارای نجران در داستان مباحله در معرفی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت عیسی علیه السلام از همسرش خدیجه کبری علیها السلام به مبارکه و همدم و همنشین با مریم در بهشت تعبیر شده است: «نسله من مبارکه و هی ضره امک فی الجنة». (6)

در این نوشتار بانوی با مجد و کرامت و خاتون دو سرا از دیدگاه ابن تیمیه

ص: 81

-
- 1- ابونعیم اصفهانی، معرفة الصحابة، ج 6، ص 320.
 - 2- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 131
 - 3- عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 191.
 - 4- عینی، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج 1، ص 64
 - 5- محمد محمدی، حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و اسوه مقاومت، 1384.
 - 6- مفید، الاختصاص، ص 113؛ کورانی، جواهر التاريخ السیره النبویه عند اهل البيت عليهم السلام، ج 3، ص 477.

حرانی (م 828) بررسی می‌گردد. وی شیخ الاسلام گروهی از اهل سنت است به برخی از آثار او مانند عقیده واسطیه و بعضی از شروح آن و منهاج السنه و مجموعه فتاوا پرداخته می‌شود ابن تیمیه نیز مانند سایر سنی‌ها به مقام و منزلت این بانوی باعظمت اسلام اعتراف دارد اما لغزش‌هایی از جمله در مفاضله او و برخی از همسران نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در سخنانش دیده می‌شود که به روشن‌گری نیاز دارد.

خدیجه کبری علیها السلام در سخن ابن تیمیه

ابن تیمیه جایگاه والای حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان زوجه پیامبر هم در دنیا هم در آخرت و به عنوان مادر اکثر فرزندان پیامبر و اولین شخصی معرفی کرده که به ایشان ایمان آورد و آن حضرت را یاری نمود و دارای جایگاه والایی به خاطر پیامبر بود:

وَ (اهل السنه) يَتَوَلَّوْنَ أَزْوَاجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يُؤْمِنُونَ بِأَنَّهُنَّ أَزْوَاجُهُ فِي الْآخِرَةِ خُصُوصًا خَدِيجَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أُمُّ أَكْثَرِ أَوْلَادِهِ وَأَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ عَاصَدَهُ عَلَى أَمْرِهِ وَ كَانَ لَهَا مِنْهُ الْمَنْزِلَةُ الْعَالِيَةُ وَالصِّدِّيقَةُ بِنْتُ الصِّدِّيقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا الَّتِي قَالَ فِيهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَضَّلْتُ عَائِشَةَ عَلَى النَّسَاءِ كَفَضَّلْتُ الشَّرِيدَ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ . (1)

توضیح و بررسی

ابن تیمیه مطالبی در این عبارت مطرح کرده که هر یک به صورت جداگانه، به توضیح و بررسی نیاز دارد:

1. امهات المومنین

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم (وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)، (2) همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله

ص: 82

1- ابن تیمیه مجموع الفتاوی، ج 3، ص 154؛ العثیمین شرح العقیده الواسطیه، ص 387.

2- سوره احزاب، آیه 6

را ام المومنین می خوانند این لقب متضمن احکام فقهی خاصی است؛ از جمله حرمت ازدواج با آنان بعد از وفات پیامبر همان گونه که بعد از مرگ پدر ازدواج با مادر حرام است و نیز سؤال از آنان از پشت پرده و عدم رویارویی با آنان. قرآن کریم می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنَسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسَّ تَحِييَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسَّ تَحِييَ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَّ تَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا) (1)

یکی از احکام خاص آنان منع خروج از خانه بعد از نبی گرامی اسلام است و خدای تعالی به آنان ملازمت در خانه را امر می کند:

(وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) (2)

این معنا برای امهات المومنین و احکام فقهی خاص و جایگاه ویژه آنان، نزد فریقین مسلم است. (3)

باید توجه داشت که همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله در عین حال که افتخاری بس ارجمند است به هیچ وجه مصونیت و سلب مسئولیت از آن ها نمی کند؛ بلکه در صورت تخلف از موازین دینی، کیفر آنان دو چندان است؛ همان گونه که به واسطه جایگاه انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و سلم پاداش کارهای نیک هم برای آنان دو چندان خواهد بود. قرآن کریم می فرماید:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يَصَاعِقْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ

ص: 83

1- سوره احزاب آیه 53

2- سوره احزاب، آیه 33

3- قاری حنفی شرح الشفاء، ج 2، ص 82؛ عبد المنعم، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية، ج 1، ص 298؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 389.

وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا* وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكَ اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (1)

علاوه بر بیان ملاک و ضابطه کلی قرآن کریم به برخی از مصادیق نیز پرداخته و به روشنی حکایت همسر نوح و همسر لوط را بیان می کند که اهل نجات نیستند؛ در مقابل زنی که اهل نجات است ولی همسر فردی به شمار می آید که مخالف سرسخت دعوت توحیدی پیامبران است:

(صَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَاتَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ* وَصَدْرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) (2)

2. ازواج النبي في الاخره خصوصاً خديجه عليها السلام

بهشتی بودن خدیجه کبری علیها السلام نزد فریقین از مسلمات است و روایات فراوانی، دلالت دارد بر این که خدیجه کبری علیها السلام یکی از چهار بانویی است که سرور زنان بهشتی. اند حال درباره وضعیت دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرت چه عقیده ای باید داشته باشیم؟

اگر دلیل خاصی بر بهشتی بودن فردی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتیم، راه چاره رجوع به ضابطه کلی است و قرآن کریم تقوای الهی را ملاک قرار داده است: (يا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسَدْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) یعنی زنان پیامبر صلی الله علیه و آله در صورتی مقام و جایگاه شان از دیگر زنان بالاتر است که بیش تر از دیگران تقوا را رعایت کنند و درباره دین خداوند با احتیاط تر باشند و صرف انتساب کافی نیست. (3)

ص: 84

1- سوره احزاب آیه 30 و 31

2- سوره تحریم آیات 10 و 11

3- طباطبایی، المیزان في تفسير القرآن، ج 16، ص 309؛ ابن جوزی، زاد المسیر في علم التفسیر، ج 3، ص 461

اما ابن تیمیه مانند دیگر سنیان همه زنان پیامبر را بهشتی می داند و این را از عقاید اهل سنت می شمارد: (وَيُؤْمِنُونَ بِأَنَّهُنَّ أَزْوَاجُهُ فِي الْآخِرَةِ).

محمد بن صالح العثيمين می گوید:

لِقَوْلِهِ تَعَالَى: (الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (1). فقال: وَأَزْوَاجِهِمْ، فأثبت الزوجية لهن بعد دخول الجنة، وهذا يدل على أن زوجة الإنسان في الدنيا تكون زوجته في الآخرة إذا كانت من أهل الجنة. (2)

پاسخ: انتساب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرض ایمان و عمل صالح، امتیاز ویژه دارد، اما آیا صرف انتساب و همسری بدون ایمان و عمل صالح (وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ) و تقوای الهی (إِنْ اتَّقَيْتُنَّ) می تواند امتیاز خاص برای زنان پیامبر و سبب بهشتی شدن آنان باشد؟

همراهی و همسری در بهشت مشروط به اهلیت است و بر همین اساس شارح می گوید: «أن زوجة الإنسان في الدنيا تكون زوجته في الآخرة إذا كانت من أهل الجنة» بنا براین تمسک به آیه 7 و 8 سوره غافر در کلام، العثيمين از باب تمسک به عموم عام در شبهه مصداقيه است.

سایر مستندات اهل سنت

اگر برای بهشتی بودن همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به آیه تطهیر استناد شود، همان گونه که ملاعلی قاری حنفی (م 1014 ق) برای توقیر و بزرگداشت آنان در شرح الشفا بتعريف حقوق المصطفى نوشته، قاضی عیاض (م 544) می گوید: «و

ص: 85

1- سوره غافر، آیات 7 و 8.

2- العثيمين شرح العقيدة الواسطية، ص 388.

أراد بأهل البيت نساء النبي صلى الله عليه و اله لأنهن في بيته و روى ذلك». آن گاه قاری، با توجه به ادله مسلم بر اختصاص عنوان اهل بیت بر خمسه طيبه برای گریز از اختصاص به سیاق آیه تمسک کرده، می گوید:

و عن ابن عباس و عن أبي سعيد الخدري و جماعه من التابعين أنهم على و فاطمه و الحسن و الحسين قول و لا- منع من الجمع و أما تخصيص الشيعة أهل البيت بفاطمه و على و ابنيهما لما ورد أنه عليه الصلاة و السلام خرج غداه غداه يوم و عليه مرط مرجل من شعر أسود فجاء الحسن فأدخله فيه ثم الحسين فأدخله ثم فاطمه فأدخلها ثم على فأدخله ثم قال إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيراً و احتجاجهم على عصمتهم و كون إجماعهم حجه، فمردود بأن تخصيصهم بكونهم أهل البيت يكذبه ما قبل الآيه و ما بعدها و الحديث إنما هو مؤذن بأنهم من أهله لا أن غيرهم ليس بأهله (1)

با وجود ادله قطعی بر اختصاص اهل بیت در آیه تطهیر به خمسه طيبه، ادعای عدم اختصاص در سخنان قبل از قاری هم دیده می شود. بیضاوی (م 685 ق) در انوارالتنزیل و اسرار التأویل می گوید: «لأن التخصيص بهم لا يناسب ما قبل الآيه و ما بعدها، و الحديث يقتضى أنهم من أهل البيت لا أنه ليس غیرهم». (2)

در پاسخ می گوئیم:

اولاً از صنایع ادبی التفات در اثنای کلام است که در قرآن کریم نیز صنعت التفات وجود دارد امین الاسلام طبرسی (م 548 ق) در مجمع البیان می گوید:

و متى قيل أن صدر الآيه و ما بعدها في الأزواج فالقول فيه أن هذا لا ينكره من عرف عادة الفصحاء في كلامهم فإنهم يذهبون من خطاب إلى غيره و يعودون إليه و القرآن من ذلك مملوء و كذلك كلام العرب و أشعارهم. (3)

ص: 86

1- قاری شرح الشفاء، ج 2، ص 82.

2- بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج 4، ص 231

3- طبرسی، مجمع البیان، ج 8، ص 560.

ثانياً، شمول اهل البيت برای همسران خلاف ظهور آیه است؛ زیرا صدر و ذیل آیه ضمائر مؤنث مانند (یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ وَإِنْ اتَّقَيْتُنَّ وَفَلَا تَخْضَعْنَ غَبْنَ وَبُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ وَ أَفْمَنَ وَ آتِينَ وَ أَطْعَنَ) اما جمله میانی آیه، با ضمیر جمع مذکر «عَنْكُمْ» و «يَطَهِّرْكُمْ» است؛ بنابراین جمله میانی نمی تواند درباره زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

ثالثاً، بر فرض تنزل از ظهور آیه در عدم شمول نسبت به همسران، روایات صحیحه فراوانی که نزد فریقین دارای اعتبار است بر اختصاص دلالت دارد و مبین مراد از آیه می گردد علامه حلی (م 726 ق) در نهج الحق ذیل آیه تطهیر می گوید:

(أجمع المفسرون و روی الجمهور كأحمد بن حنبل وغيره أنها نزلت في رسول الله و علي و فاطمه و الحسن و الحسين و روى أبو عبد الله مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ الْمَرْزُبَانِي عَنْ أَبِي الْحَمْرَاءِ قَالَ: خَدَمْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ أَوْ عَشْرَهُ وَ كَانَ عِنْدَ كُلِّ فَجْرٍ لَا يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْخُذَ بِعِضَادَتِي بَابِ عَلِيٍّ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَيَقُولُ عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيَّ السَّلَامُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ ثُمَّ يَقُولُ الصَّلَاةَ رَحِمَكُمُ اللَّهُ إِنْ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ثُمَّ انصَرَفَ إِلَى مُصَلَّاهُ).
(1)

رابعاً، روایات معتبری که در پاسخ به برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله صریحاً آنان را خارج از شمول این آیه می داند به روشنی بر عدم شمول آیه تطهیر بر غیر خمسه طیبه دلالت دارد. (2)

پاسخ های دیگری در کتب تفسیری و کلامی به این شبهه داده شده است که برای رعایت اختصار از ذکر آن صرف نظر شد. (3)

ص: 87

1- حلی، 1414، ص 173؛ حسکانی، شواهد التنزیل القواعد التفضیل، ج 2، ص 82.

2- همان ص 53 و 119؛ حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 416؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 3، ص 494

3- کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج 7، ص 286؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، ص 312؛ مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ج 4، ص 351

اما استناد به جمله منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (زوجاتی فی الدنيا هن زوجاتی فی الآخرة) و هم چنین (کل سبب و نسب یقطع إلا سببی و نسبی فإنه باق إلى یوم القیامة) (1) بعد از چشم پوشی از سند نمی تواند در برابر ضابطه و معیار قرآنی تقوا و عمل صالح دلیل بر جایگاه ویژه باشد. علاوه بر آن چه تاکنون بیان شد، روایت امام رضا علیه السلام هم دلیل است بر این که صرف همسر پیامبر صلی الله علیه و آله کافی نیست و همسران آن حضرت در دنیا همگی در آخرت با او همسر نیستند: (فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَرَفَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَأَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الْآخِرَةِ). (2)

3. ام اکثر اولاده

العثمین در شرح می گوید:

و لم یقل المؤلف: أم أولاده، لأن من أولاده من لیس منها، و هو ابراهیم، فإنه کان من ماریه القبطیه . و أولاده الذین من خدیجه هم ابنان و أربع بنات: القاسم، ثم عبدالله، و یقال له: الطیب، و الطاهر. و أما البنات، فهن: زینب، ثم أم کلثوم، ثم فاطمه، ثم رقیه. و أكبر أولاده القاسم، و أكبر بناته زینب. (3)

مقریزی (م 845 ق) در امتاع الاسماع یکی از ویژگی ها و فضایل خدیجه کبری علیها السلام را این می داند که همه فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله به جز ابراهیم که از ماریه قبطیه بود، همگی از حضرت خدیجه علیها السلام هستند («و أولاده کلهم منها ما عدا ابراهیم و هذه فضائل لم تکن لامرأه سواها»). (4)

در روایات اهل سنت از نبی اکرم صل الله علیه و آله در مقام بیان افضلیت خدیجه علیها السلام بر سایر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله همین معنا با عبارات گوناگون نقل شده است مانند:

ص: 88

1- قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج 14، ص 229

2- صدوق، عیون أخبار الرضا، ج 1، ص 195.

3- العثمین شرح العقیده الواسطیه، ص 388

4- مقریزی، امتاع الأسماع بما للنبی ص من الاحوال و الاموال و الحقد و المتاع، ج 10 ص 272

(وَرَزَقْنِي اللّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِي أَوْلَادَ النِّسَاءِ)، (1) ممکن است این سخن، به قبل از ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ماریه قبطیه مربوط باشد.

مقریزی درباره فرزندان نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از خدیجه می گوید:

فولدت له أربع بنات هن: زينب وفاطمه ورقيه، وأم كلثوم، وولدت له القاسم وعبد الله، ولم يتزوج عليها حتى ماتت، وهي أول من آمن بالله رسوله على الصحيح. (2)

توجه به این نکته لازم است که از جهت مادر بودن مهم ترین فضیلت برای حضرت خدیجه کبری علیها السلام آن است که صدف کوثر یعنی مادر حضرت زهرا ام الائمه علیهم السلام، هستند.

4. اول من آمن به و عاضده

این دو ویژگی یعنی اولین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله و یاور و همراه باوفا برای آن حضرت نیز مورد اتفاق همه مسلمانان است. در روایات فراوانی در منابع معتبر اهل سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان فضایل و برتری های خدیجه علیها السلام بر دیگر همسرانش به این معنا تنبه داده اند از جمله:

(مَا أَبْدَلَنِي اللّهُ عَزَّوَجَلَّ خَيْرًا مِنْهَا، قَدْ آمَنْتُ بِبِي إِذْ كَفَرَبِي النَّاسُ، وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَوَأَسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ). (3)

5. لها منه المنزله العالیه

العثمین در شرح می گوید:

قوله: "وكان لها منه المنزله العالیه": حتى إنه كان يذكرها بعد موتها صلوات الله و سلامه عليه، و يرسل بالشيء إلى صديقاتها، و يقول: "إنها كانت و كانت و كان لي منها ولد فكان يثني عليها، و هذا يدل على معظم منزلتها

ص: 89

1- احمد ابن حنبل، المسند، ج 6، ص 118

2- مقریزی، امتاع الاسماع بما للنبي صلی الله علیه و اله من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، ج 6، ص 23

3- مقریزی، امتاع الاسماع بما للنبي ص من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، ج 6، ص 23. 3. ابن حنبل، المسند، ج 6، ص 188

عند الرسول صلى الله عليه وآله. (1)

جایگاه ویژه و اختصاصی خدیجه نزد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله از مسلمات نزد مسلمانان است و در کتب روایی و تاریخ و سیره، باب مستقلی با عنوان «باب فضل خدیجه» باز شده است؛ مانند: «باب تزویج النبی صلی الله علیه و آله خدیجه و فضلها» و باب «فضل خدیجه بنت خویلد زوجه رسول الله صلی الله علیه و آله». (2) از میان روایات فراوان مورد قبول فریقین درباره مقام و منزلت خدیجه کبری علیها السلام برای رعایت اختصار به دو مورد بسنده می شود:

1-5-سلام خداوند تعالی و بشارت به جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت:

احمد حنبل (م 241 ق)، بخاری (م 256 ق)، مسلم (م ق 261)، ابن حبان (م 354 ق) و برخی از نویسندگان اهل سنت این روایت را به شکل های مختلف، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که خداوند تعالی به حضرت خدیجه علیها السلام سلام فرستاده و جایگاه ویژه بهشت به او بشارت داده است:

(أَتَى جِبْرِيلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذِهِ خَدِيجَةُ قَدْ أَتَتْكَ بِإِنَاءٍ مَعَهَا فِيهِ إِدَامٌ، أَوْ طَعَامٌ، أَوْ شَرَابٌ، فَإِذَا هِيَ أَتَتْكَ، فَأَقْرَأُ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمَنِّي، وَبَشِّرُهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ، لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ) (3)

شارحان حدیث از جمله محیی الدین نووی (م 676 ق) در شرح صحیح مسلم باب فضایل خدیجه علیها السلام، اعتبار و حجیت این حدیث را تبیین کرده و مفردات آن را توضیح داده است. (4)

هیثمی (م 807 ق) در مجمع الزوائد می گوید: «رواه الطبرانی و رجاله رجال

ص: 90

1- العثیمین شرح العقیده الواسطیه، ص 389.

2- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 218.

3- ابن حنبل، المسند، ج 2، ص 231؛ بخاری، 1401، ج 4، ص 231؛ مسلم بی تا، ج 7، ص 133؛ ابن حبان، 1414 ج 15، ص 469

4- نووی، شرح صحیح مسلم، ج 15، ص 199

صحیح». (1) و البانی (م1420ق) نیز در سلسله، صحیحه، همین بشارت به خدیجه علیها السلام را با طرق مختلف آن صحیح دانسته است. (2)

ابن تیمیه نیز در کتاب، الاستقامه حدیث بشارت به جایگاه ویژه خدیجه کبری علیها السلام در بهشت را نقل کرده است: «وَفِي الصَّحِيحِ أَيْضًا أَنَّهُ أَمْرَانِ يَبْشُرُ خَدِيجَةَ بَيْتِ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ». (3)

2-5- بیان رسول خدا و در مورد برتری خدیجه

احمد حنبل در مسند از عایشه نقل می کند:

(قَالَتْ : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ أَتَى عَلَيْهَا، فَأَحْسَنَ الشَّنَاءَ، قَالَتْ: فَغَرْتُ يَوْمًا، فَقُلْتُ: مَا أَكْثَرَ مَا تَذَكُرُهَا حَمْرَاءَ الشَّدَقِ، قَدْ أَبَدَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا، قَالَ : مَا أَبَدَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَيْرًا مِنْهَا، قَدْ آمَنْتُ بِي إِذْ كَفَرَ بِي النَّاسُ، وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَوَأَسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ، وَرَزَقَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَدَهَا إِذْ حَرَمَنِي أَوْلَادَ النِّسَاءِ) (4)

هیثمی (م807ق) نیز بعد از بیان احادیثی مشتمل بر مدح و ثنای فراوان پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به خدیجه علیها السلام می گوید: «رواه الطبرانی و اسانیده حسنه». آن گاه بعد از ذکر حدیث مسند احمد می گوید: رواه احمد و اسانیده حسنه». (5)

6. فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الشَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ

آخرین مطلبی که ابن تیمیه در شرح عقیده واسطیه مطرح کرده، برتری عایشه بر دیگر زنان است با توجه به صدر کلام که سخن درباره همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود ممکن است گفته شود مراد او برتری نسبت به تمام همسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله است. لذا شارح می گوید:

ص: 91

1- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 224

2- البانی، سلسله صحیح، ج 4، ص 128.

3- ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج 1 ص 336.

4- ابن حنبل، المسند، ج 4، ص 117.

5- هیثمی، مجمع الزوائد، ج 9، ص 224.

قوله: "على النساء": ظاهره العموم، أي: على جميع النساء. وقيل: إن المراد: فضل عائشه على النساء أي من أزواجه اللاتي على قيد الحياه فلاتدخل في ذلك خديجه لكن ظاهر الحديث العموم، لأن الرسول صلى الله عليه وآله قال: كمال من الرجال كثير، ولم يكمل من النساء إلا- آسياه امرأه فرعون و مريم بنت عمران و خديجه بنت خويلد و فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر أفضل النساء مطلقاً. (1)

العثيمين در پایان مانند سایر شراح عقیده واسطیه و دیگر پیروان ابن تیمیه در مسأله تفضیل بین خدیجه و عایشه، سخنان شیخ الاسلام اموی را در منهاج السنه فصل الخطاب قرار می دهد بنابراین لازم است قبل از بررسی سخن منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و سلم فَضْلُ عَائِشَةَ عَلَى النِّسَاءِ كَفَضْلِ الثَّرِيدِ عَلَى سَائِرِ الطَّعَامِ، گفته ابن تیمیه در منهاج السنه بررسی شود.

علامه حلیم (726 ق) در منهاج الكرامه می گوید:

و عظموا أمر عائشه على باقى نسوانه، مع أنه صلى الله عليه و اله كان يكثر من ذكر خديجه بنت خويلد، وقالت له عائشه: إنك تكثر من ذكرها و قد أبدلك الله خيرا منها! فقال لها: والله ما بدلت بها من هو خير منها: صدقتني إذا كذبتني الناس، و أوتني إذ طردني الناس، و أسعدتني بما لها، و رزقني الله الولد منها و لم أرزق من غيرها. (2)

ابن تیمیه در منهاج السنه برای رد سخن علامه می گوید:

برتری عایشه بر خدیجه علیها السلام سخن همه اهل سنت نیست بلکه جمع زیادی از اهل سنت (نه همه) عایشه را برتر از همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند و مستند آنان دو روایت به نبی اکرم صلی الله علیه و آله منسوب است که به نقل صحیحین فرمود: «فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على سائر الطعام» و ثريد بهترین غذاهاست. از عمرو عاص نقل شده «قلت يا رسول الله أى الناس أحب إليك قال عائشه قلت من الرجال قال أبوها قلت ثم من قال عمر و سمة رجالا» اما در مورد استناد به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره

ص: 92

1- العثيمين شرح العقيدة الواسطيه، ص 387.

2- حلی، 1379 ش، ص 75.

خدیده «ما أبدلني الله بخير منها» بر فرض صحت، بر نفع و فایده برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله دلالت دارد در حالی که فایده و نفع عایشه به امت رسیده است. پس هر کدام از جنبه خاصی خیر هستند.

وی در پایان می گوید:

وفي الجملة الكلام في تفضيل عائشه و خديجه ليس هذا موضع استقصائه. (1)

نقد سخنان ابن تیمیه

قبل از نقد سخنان ابن تیمیه، ذکر این نکته لازم است که مراد علامه حلی از ضمیر جمع در عبارت «عظموا امر عائشه»، قول غالب است؛ همان گونه که آمدی (م 623 ق) در ابکار الافکار قول به برتری عایشه را به اهل سنت و اصحاب حدیث نسبت می دهد:

و أما زوجات النبي صلى الله عليه و آله فقد ذهب أهل السنه ، و أصحاب الحديث إلى أن عائشه أفضل نساء العالمين. وقال الشيعة: أفضل زوجات النبي صلى الله عليه و آله خديجه ، و أفضل نساء العالمين فاطمه و مريم ابنة عمران و آسيه امرأه فرعون .

وی در نهایت مستندات طرفین را تمام نمی داند و در پایان به نوعی توقف می کند:

والحق أن كل هذه الأدله ظنيه ، و مع كونها ظنيه؛ فمتعارضه، و لا سبيل إلى القطع بشيء منها ، و إن غلب على ظن بعض المجتهدين منها شي فلا حرج. (2)

بنابراین سخن علامه حلی با وجود اختلاف بین اهل سنت منافاتی ندارد چنان که سبکی (م 756 ق) و آلوسی (م 1270 ق)، به این اختلاف تصریح

ص: 93

1- ابن تیمیه منهاج السنه النبويه في نقض كلام الشيعة القدرية ، ج 4، ص 304.

2- آمدی، ، أبكار الأفكار في أصول الدين، ج 5، ص 291

کرده اند، هر چند آنان خود قول به برتری خدیجه علیها السلام را ترجیح داده اند. (1)

در مقابل گروهی مانند ملاعلی قاری حنفی (م 1014 ق) بعد از نقل ادله طرفین برتری عایشه را ترجیح داده اند. (2)

به هر صورت بررسی آراء اهل سنت مجال دیگری می طلبد. این مقاله صرفاً به سخنان ابن تیمیه حرانی می پردازد. وی در منهاج السنه درباره مفاصله و مقایسه خدیجه کبری علیها السلام و عایشه اشکالاتی وارد کرده است:

اول همان گونه که در عنوان قبل گذشت منابع معتبر اهل سنت، روایت برتری خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول دارند و تردید ابن تیمیه در صحت و اعتبار حدیث قابل اعتنا نیست

دوم: تأویل و توجیه او با توجه به صراحت حدیث در برتری بر تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، اظهار نظر و مخالفت با سخن صریح رسول الله صلی الله علیه و آله است. توضیح این که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم سخن عایشه «قَدْ أَبَدَلَكِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا خَيْرًا مِنْهَا» را با تأکید و قسم جلاله رد می فرماید:

قال لا والله ما أبدلني الله خيرا منها آمنت إذ كفر الناس و صدقتني و كذبنى الناس. (3)

بلکه در مواردی رسول خدا صلی الله علیه و آله با خشم و غضب به سخن عایشه درباره خدیجه علیها السلام پاسخ می دهند.

احمد حنبل (م 241 ق) در مستند، بعد از بیان اصل ماجرا از عایشه، غضب پیامبر صلی الله علیه و آله را نقل می کند:

قالت: فتمعر وجهه تمعرا ما كنت أراه إلا عند نزول الوحي أو عند المخيلة حتى ينظر ارحمه ام عذاب. (4)

ابن اثیر (م 606 ق) در النهایه در ماده معر می نویسد: «وَجْهَهُ أَيْ تَغْيِيرِ».

ص: 94

1- آلوسی، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، ج 2، ص 150.

2- قاری، شرح الفقه الأكبر، ص 210

3- ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، ج 8، ص 103.

4- احمد بن حنبل، المسند، ج 6، ص 150.

وأصله قلّه النَّضارَه و عدمُ إشراقِ اللَّونِ». (1)

نیز ابن کثیر (م 774ق) در سیره بعد از نقل احمد می نویسد: «تفرد به أحمد. و هذا إسناد جيد». (2)

حاکم نیشابوری (م 405ق) می گوید:

حدثني أبو بكر محمد بن أحمد بن بالويه ثنا إسحاق بن الحسن الحربي ثنا عفان ثنا حماد بن سلمه عن عبد الملك بن عمير عن موسى بن طلحة عن عائشة رضی الله عنها: أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يكثر ذكر خديجه رضی الله عنها فقلت: لقد أخلفك الله . وربما قال حماد أعقبك الله . من عجوز من عجائز قريش حمراء الشدقين هلكت في الدهر الأول قال: فتمعر وجهه تمعرا ما كنت أراه إلا عند نزول الوحي وإذا رأى مخيله الرعد والبرق حتى يعلم أرحمه هي أم عذاب. هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه. (3)

ابن اثیر در اسد الغابه می گوید:

وروى مجالد عن الشعبي عن مسروق عن عائشة قالت كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يكاد يخرج من البيت حتى يذكر خديجه فيحس الثناء عليها فذكرها يوما من الأيام فأدرکتني الغيره فقلت هل كانت الا عجوز فقد أبدلك الله خيرا منها فغضب حتى اهتز مقدم شعره من الغضب. (4)

هیثمی در مجمع الزوائد می نویسد:

وعن عائشة أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يكثر ذكر خديجه فقلت ما أكثر ما تكثر من ذكر خديجه وقد أحلف الله تعالى لك من عجوز حمراء الشدقين وقد هلكت في دهر فغضب رسول الله صلى الله عليه وآله غضبا ما رأيتَه غضب مثله قط (5)

سوم: روایات حسادت عایشه به خدیجه علیها السلام بهترین دلیل برای بی اساس بودن مقایسه و مفاضله بین خدیجه علیها السلام و سایر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛

ص: 95

1- ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 4، ص 342.

2- ابن کثیر، تفسير القرآن العظيم، ج 2، ص 135.

3- حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 318.

4- ابن اثیر، النهاية في غريب الحديث والأثر، ج 5، ص 438.

5- هیثمی مجمع الزوائد، ص 224.

زیرا غبطه فقط در صورتی رواست که خود عایشه برتری خدیجه را معترف باشد. اگر عایشه برتری داشت آیا جای این حسادت بود؟

ابن تیمیه در کتاب الاستقامه این عبارت معروف را از قول عایشه نقل می کند: «وقالت ما غرت علی امرأه ما غرت علی خدیجه». (1)

چهارم: هر چند تأویل ابن تیمیه و اجتهادش در مقابل نص پیامبر صلی الله علیه و آله درباره برتری خدیجه علیها السلام بر همه زنان و همسران آن حضرت خصوصاً از حیث ایمان و همراهی با اهداف الهی ارزش و اعتبار ندارد در ذات خود گزافه گویی و خلاف واقع است؛ زیرا ابن تیمیه رابطه ایمانی و معنوی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام را به یک ارتباط زناشویی صرف تنزل می دهد؛ حتی در مواضع دیگر از کتاب منهاج این شیوه غلط در گفتار و نگاه انحرافی را اعمال می کند بر همین اساس انفاق خدیجه علیها السلام را یک امر خانوادگی و کمک زن به شوهر خود دانسته و به اخلاص در عمل و انگیزه ایمانی صرف او بی توجه بوده، حتی آن را انکار می کند.

وی حمایت های ابوطالب را صرفاً به لحاظ خویشاوندی - نه به خاطر ایمان به صدق دعوت - دانسته می گوید: «و كذلك خدیجه كانت زوجته و الزوجه قد تنفق مالها علی زوجها و إن كان دون النبی صلی الله علیه و آله». (2)

او بر همین منوال و با همین نگاه متنزل حتی ایمان ابوبکر را بر ایمان خدیجه علیها السلام و امیر مومنان علیه السلام و زید برتری داده است. (3) حال آن که جایگاه خدیجه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله یک مقام معنوی و بالاتر از یک ارتباط زناشویی بود؛ حتی خود ابن تیمیه در آثارش از جمله منهاج السنه، ماجرای وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سخنان مشحون از معرفت و آگاهی و ایمان خدیجه علیها السلام را نقل می کند:

وصفت به خدیجه النبی صلی الله علیه و آله لما نزل علیه الوحی وقال لها لقد خشیت علی عقلی فقالت له کلا والله لن یخزیک الله أبدا
إنک لتصل الرحم و تحمّل

ص: 96

1- ابن تیمیه، الاستقامه، ج 2، ص 8

2- ابن تیمیه منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج 8، ص 500

3- همان، ص 424.

توجه دیگر ابن تیمیه که نفع خدیجه علیها السلام را تنها برای شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله می داند و نفع عایشه را برای امت تصور می کند، پذیرفتنی نیست؛ زیرا همراهی آن بانو با نبی مکرم صلی الله علیه و آله و کمک به ایشان آن هم در زمانی که همه دعوت الهی حضرت را تکذیب می کردند، بهترین سند برای رابطه محکم و قوی ایمانی و اعتقادی است که خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله داشتند. آیا کمک به فرستاده و پیام آور الهی در همه مراحل زندگی را فایده شخصی - در مقابل نفع برای امت دانستن - برای انسان منصف پذیرفتنی است؟

پنجم: ابن تیمیه هر دو مستندی که به ادعایش برای برتری عایشه از بسیاری اهل سنت نقل کرده بر فرض تمامیت و صحت در برابر احادیث فراوان و مقبول فریقین درباره برتری خدیجه علیها السلام قابل طرح نیست؛ حتی آلوسی در روح المعانی، بعد از بررسی ادله مفاضله می گوید:

و بعد هذا كله الذي يدور في خلدی أن أفضل النساء فاطمه . ثم أمها، ثم عائشه . بل لوقال قائل إن سائر بنات النبي صلی الله علیه و آله أفضل من عائشه لا أرى عليه بأسا.

وی در پاسخ به حدیث ثرید هم می گوید:

و أشكل ما في هذا الباب حدیث الثريد و لعل كثره الأخبار الناطقه بخلافه تهون تأويل واحد لكثير أهون من تأويل كثير لواحد، والله تعالى هو الهادي إلى سواء السبيل (2)

این حدیث بعد از چشم پوشی از سند در ذات خود نیز خدشه پذیر است. استاد سبحانی در کتاب الحدیث النبوی بین الروایه والدرایه می نویسد:

إنّ النبي صلی الله علیه و آله آیه في الفصاحه والبلاغه و كلماته القصار و خطبه الطوال و رسائله إلى الرؤساء والقبائل كلها تعرب عن قوه بيانه و فصاحته و بلاغته

ص: 97

1- همان، ص 549؛ همان، ج 2، ص 419 و ج 3، ص 87 و ج 5، ص 438.

2- آلوسی، روح المعانی في تفسير القرآن العظيم، ج 2، ص 151.

فلا يمكن له صلى الله عليه وآله أن يتفوه بهذا التشبيه الفارغ. (1)

نویسنده معاصر مصری نیز درباره حدیث ثرید می گوید:

و يبدو أن القوم أرادوا أن ينتزعوا لعائشه منقبه على لسان الوحي بعد أن عجزوا عن انتزاعها من لسان الرسول . حتى أن أنس بن مالك يروى على لسان الرسول قوله : فضل عائشه على النساء كفضل الثريد على الطعام. ألم يجد الرسول شيئاً يفضل به عائشه على غيرها سوى الطعام ؟ هل كان الرسول أكلوا وعاشقا للطعام إلى الحد الذي يضرب به المثل ؟ (2)

نیز روایت عمرو عاص «قلت يا رسول الله أي الناس أحب إليك قال عائشه قلت من الرجال قال أبوها قلت ثم من قال عمر وسمه رجالا»، با آن چه درباره حدیث ثرید گفته شد به بررسی جداگانه نیاز ندارد.

مناقشات و اشکالات دیگری بر سخن ابن تیمیه در منهاج السنه شده است که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف نظر می شود. (3)

نتیجه

همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله به تنهایی و بدون عمل صالح و داشتن تقوا، نمی تواند مایه برتری باشد. ابن تیمیه به نمایندگی از اسلام اموی، به جایگاه و منزلت خاص ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام اعتراف دارد و در مقام مفاضله نسبت به برخی از متعصبان اهل سنت به برتری عایشه بر خدیجه کبری علیها السلام تصریح نکرده، اما با نگاه به روایات فراوان و مورد قبول فریقین، مشاهده می شود که صرف مقایسه و مفاضله در این باب ناتمام است

ص: 98

1- سبحانی الحدیث النبوی بین الروایه والدرايه ، ص 452

2- الوردانی ، السیف والسیاسه ، ص 25.

3- میلانی ، شرح منهاج الکرامه فی معرفه الامامه والرد علی منهاج السنه، ج 2، ص 134.

1. ابن اثير على بن أبي الكرم عز الدين اسد الغابه في معرفه الصحابه، دار الكتاب العربى بيروت، بى تا
2. ابن اثير مبارك بن محمد جزري، النهايه في غريب الحديث والأثر، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى و محمود محمد الطناحى بيروت، المكتبه العلميه ، 1399 ق.
3. ابن تيميه احمد بن عبد الحليم بن تيميه الحراني مجموع الفتاوى، تحقيق: عبد الرحمان بن محمد بن قاسم مدينه، مجمع الملك فهد لطباعه المصحف الشريف، 1416 ق.
4. -الاستقامه ، محقق محمد رشاد سالم، الطبعة الأولى، مدينه منوره جامعه الإمام محمد بن سعود، 1403 ق.
5. -منهاج السنه النبويه في نقض كلام الشيعة القدرية، الطبعة الأولى تحقيق: محمد رشاد سالم مؤسسه قرطبه، 1406 ق.
6. ابن جوزى، عبدالرحمان بن على زاد المسير في علم التفسير، بيروت، دار الكتاب العربي، 1422 ق.
7. ابن حبان، محمد بن حبان ، صحيح ابن حبان ، تحقيق: شعيب الارنؤوط مؤسسه الرساله، 1414 ق.
8. ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه تحقيق عادل احمد، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
9. ابن حنبل، احمد بن محمد بن حنبل الشيباني، المسند، محقق: سيد ابوالمعاطى النورى، الطبعة الأولى، بيروت، عالم الكتب، 1419 ق.
10. ابن عساكر على بن حسن، تاريخ مدينه دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالفكر، 1415 ق.
11. ابن كثير، اسماعيل ، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالمعرفه ، 1412 ق.

12. ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبد الله ، معرفه الصحابه ، تحقيق: عادل بن يوسف العزازی، رياض، دار الوطن للنشر 1419 ق .
13. آلوسی، محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم، تحقيق: على عطيه 1415 ق.
14. آمدی سيف الدين ، أبكار الأفكار في أصول الدين، تحقيق: احمد محمد مهدي، قاهره دارالكتب، 1423 ق.
15. بخاری، محمد بن اسماعيل صحيح بخاری، بيروت، دارالفكر، 1401 ق.
16. بيضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل وأسرار التأويل (تفسير البيضاوی)، لبنان، دار إحياء التراث العربي، 1418 ق.
17. حاكم نيشابوري، محمد بن عبد الله ، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: يوسف عبدالرحمان بی تا
18. حسكاني عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل تحقيق: محمد باقر محمودی، قم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1411 ق.
19. حلی، حسن بن يوسف بن المطهر ، نهج الحق و كشف الصدق، چاپ اول، قم، دار الهجره، 1414 ق.
20. -منهاج الكرامه في معرفه الامامه ، مشهد ، مؤسسه عاشورا، 1379 ش
21. سبحانی، جعفر، الحديث النبوی بين الروايه والدرايه ، قم، مؤسسه الامام الصادق عليه السلام، 1419 ق.
22. شعراوی، محمد متولی، زوجات النبي صلى الله عليه و آله و آل البيت، بيروت، المكتبه العصریه، 1426 ق.
23. صدوق، محمد بن علی ابن بابويه عيون أخبار الرضا عليه السلام، تهران، 1378 ق.
24. طباطبایي محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات 1390 ق.
25. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن ، 10 جلد، تهران،

26. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبي الاعظم، قم، دار الحديث، 1426 ق.
27. عبدالمنعم محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهيه القاهره، دار الفضيله للنشر، بي تا.
28. العثيمين، محمد بن صالح، شرح العقيدة الواسطيه، تحقيق: صلاح الدين بن محمود سعيد، قاهره دارالغد الجديد، 1427 ق.
29. عيني بدرالدين، عمده القارى شرح صحيح البخارى، بيروت، داراحياء التراث العربي بي تا
30. قارى، ملأ على حنفى شرح الشفاء، بيروت، 1421 ق .
31. - شرح الفقه الأكبر، بيروت، 1428 ق.
32. قرطبي، محمد بن احمد الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو 1364 ض.
33. كاشانى، فتح الله بن شكر الله، منهج الصادقين في الزام المخالفين، تهران، كتابفروشى اسلاميه بي تا.
34. كورانى، عاملى، على، جواهر التاريخ السيره النبويه عند اهل البيت عليه السلام، باقيات للطباعة و النشر 1430 ق.
35. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1403 ق.
36. محمدى، محمد، حضرت خديجه همسر پیامبر صلى الله عليه وآله و اسوه مقاومت، انتشارات نبوى، 1384 ش.
37. مسلم، ابو الحسين مسلم بن الحجاج النيسابورى، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر بي تا
38. مظفر، محمد حسن، دلائل الصدق لنهج الحق، قم، 1422 ق.
39. مفيد محمد بن نعمان الاختصاص، تحقيق: على اكبر غفارى

دار المفيد، 1414 ق.

40. مقریزی ، امتاع الأسماع بما للنبي صلى الله عليه وآله من الاحوال والاموال والحفده والمتاع، تحقيق: محمد عبد الحميد النميسى ،بيروت، دارالكتب العلميه، 1420ق.

41. ميلانى، سيد على ، شرح منهاج الكرامه في معرفه الامامه والرد على منهاج السنه، قم، مركز الحقائق الاسلاميه، 1428 ق.

42. نووى ، محى الدين، شرح صحيح مسلم، بيروت، دارالكتب العربى، 1407 ق.

43. الورداني صالح السيف والسياسه ، قاهره، دار الاجسام، 1996 م.

44. هيثمى، مجمع الزوائد، دار الكتب العلميه ، بيروت، 1408 ق.

ص: 102

حضرت خدیجه اولین ام المؤمنین و همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله دارای ویژگی های مختلف دنیایی و اخروی مادی و معنوی، کسبی و وهبی حسبی و نسبی، اخلاقی و انسانی، دینی و ایمانی بودند که هیچ کدام از همسران پیامبر در آن سهیم نبود این ویژگی های بی نظیر در منابع فریقین (شیعه و سنی) آمده است ویژگی هایی که شخصیت حضرت خدیجه را در دنیا و آخرت از سایر زنان و همسران پیامبر ممتاز می سازد از قبیل داشتن جمال و کمال و مال بسیار، پاک دامن ترین زن قریش، و مکه سالار زنان، قریش نسب، بلند ثروتمندترین زنان، قریش ایمان به خدای یکتا در زمان جاهلیت اولین و تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان، خود خدمت گزار، واقعی محرم اسرار و شاهد رویداد، وحی قابل درود و سلام صاحب فقاها، اولین زن مسلمان و مؤمن اولین، نمازگزار نخستین محدثه اسلام، کسی که دارای خود را در راه خدا انفاق کرد و مایه تسکین قلب پیامبر شد؛ خدا او را شرف مادری داد نیز ذریه پیامبر از او ادامه یافت؛ بهترین همسر و بهترین زن امت و همسر پیامبر در دنیا و آخرت این همه کمالات در وجود حضرت خدیجه علیها السلام جمع بود که در تاریخ بی نظیر است

واژگان کلیدی

خدیجه علیها السلام، ام المؤمنین زوجه، ذریه، اهل سنت.

هدف از این نوشتار در معرض قرار دادن دیدگاه های اهل سنت هندوستان درباره حضرت خدیجه علیها السلام است که با

روش توصیفی دیدگاه های دانشمندان اهل سنت هندوستان درباره حضرت خدیجه علیها السلام را برای دانشمندان جهان روشن می سازد. لذا ابتدا به زندگی نامه ایشان و سپس به ویژگی های آن حضرت و دیدگاه های اندیشه وران اهل سنت درباره این بانو می پردازد.

زندگی نامه حضرت خدیجه علیها السلام

وی دختر خویلد بن اسد و مادرش فاطمه بنت زانده بود. لقب های وی مبارکه، طاهره کبری، غزّا (شامخ و ارجمند) و صدیقه و کنیه اش ام المؤمنین و ام الزهرا بود. او در سال 55 قبل از بعثت در مکه معظمه چشم به جهان گشود و در سال 25 عام الفیل یعنی پانزده سال قبل از بعثت به زوجیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درآمد و تا لحظه آخر زندگی، حدود 25 سال کنار حضرت بود و در دهم رمضان سال دهم بعثت در مکه معظمه از دنیا رفت و در قبرستان جنت المعلی در مکه با دست مبارک حضرت به خاک سپرده شد. تمام سادات از نسل حضرت خدیجه هستند.

ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام

برخی از ویژگی های این بانوی ارجمند عبارتند از:

1. کاملترین بانوی زمان از لحاظ عقل، زیبایی و ثروت

یکی از ویژگی ها و امتیازات حضرت خدیجه علیها السلام این بود که خداوند این ویژگی سه گانه «مال و جمال و کمال» را در ذات ایشان جمع کرد. جمع شدن این صفات سه گانه در یک جا و در یک ذات معمولاً کم نظیر است و به زن آثاری از

عظمت و بلندی مقام میدهد و خدیجه نیز این چنین بود. (1)

عایشه به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

«خدیجه» در، زیبایی یکی از نیکوترین، زنان و در خردمندی یکی از کامل ترین زنان و در دانایی یکی از داناترین زنان، یکی از عقیف ترین متدین ترین با حیاترین با شخصیت ترین و یکی از ثروتمندترین زنان بود (2)

عبدالمالک مجاهد می گوید:

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی با عقل و خرد بود عقل و فراست او از تدبیر امور زندگی اش پیداست و زیبایی او در سراسر مکه معروف بود. (3)

2. حضرت خدیجه علیها السلام پاک دامن ترین زنان قریش

از برجسته ترین ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام آن است که به جهت نجابت، عفت و پاک دامنی از سوی قریش به «طاهره» مقلب شد. اهمیت موضوع این جاست که این لقب، در عصر جاهلیت به حضرت خدیجه علیها السلام داده شد:

كانت تدعى في الجاهلية بالطاهرة لشدۀ عفافها و صيانتها. (4)

مولانا ثناء الله محمود می گوید:

حضرت خدیجه علیها السلام در زمان جاهلیت که زنان اقتدار خود را از دست داده بودند؛ به طاهره معروف بوده (5)

عبدالمالک مجاهد می گوید:

به راستی هر کس او را اولین بار به نام «طاهره» صدا کرد صد در صد کار مناسبی نمود. او سزاوار این لقب بود.

ص: 105

1- علی ابراهیم حسن ، نساء لعن في التاريخ الاسلامي، ص 21

2- كانت من احسن النساء جمالا و اكملهن عقلا و اتمهن رايًا و اكثرهن عفة دينا و حياء و مروة و مالا. (طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج 10، ص 680).

3- عبدالمالک مجاهد، خاتون اول سیده خدیجه، ص 44

4- ابن حجر عسقلانی، الاصابه في تمیيز الصحابه، ج 8، ص 99؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 2 ص 157

5- مفتی ثناء الله محمود سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 50.

3. حضرت خدیجه علیها السلام سالار زنان قریش

یکی از ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام این بود که او در دوران جاهلیت هم به سالار زنان قریش معروف بود.

توفیق ابوعلم در این باره می‌گوید:

بانو خدیجه در زمان جاهلیت هم به نام طاهره و سیده زنان قریش معروف بود. (1)

نویسنده خاتون اول سیده خدیجه می‌گوید:

اهل مکه به خاطر شرف و مقام والا حضرت خدیجه علیها السلام را به سالار زنان قریش ملقب کردند (2)

مدنی علما می‌گویند: «در زمان جاهلیت حضرت خدیجه علیها السلام به لقب سیده قریش معروف بود». (3)

4. حضرت خدیجه علیها السلام دارای نسب عالی

حضرت خدیجه هم از لحاظ نسب شخصیتی محترم و مکرم به شمار می‌آمد و هم از لحاظ شرف شخصیتی بی‌نظیر بود. ابن کثیر در این باره می‌نویسد:

او یک زن اوسط النسب و اعظم الشرف بود و در مال و ثروت هم بی‌نظیر بود. (4)

عبدالمالک مجاهد می‌نویسد:

همسر اول محمد مصطفی صلی الله علیه و آله که اسمش خدیجه است از خانواده ممتاز و شریف قبیله قریش از بنی اسد بن العزی بن قصی بود. او از جهت

ص: 106

1- «کانت سیده خدیجة تسمى في الجاهلية بالطاهرة و سيدة نساء قریش» (توفیق ابوعلم، فاطمة الزهراء، ص 36)

2- عبد المالک مجاهد خاتون اول سیده خدیجه، ص 21

3- «کانت اوسط نساء قریش نسبا و اعظمهن شرفا و اکثرهن مالا» (ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 2، ص 294).

4- خاتون اول سیده خدیجه، ص 21

شرف و نسب بلندترین خاتون است. (1)

1-4- سلسله نسب حضرت خدیجه از ناحیه پدر

«خدیجه بنت خویلد بن اسد بن العزی بن قضی بن کلاب» و «محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف بن قضی بن کلاب». به این ترتیب «قضی ابن کلاب» جد سوم حضرت خدیجه وجد چهارم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود.

2-4- سلسله نسب از ناحیه مادر

«خدیجه بنت فاطمه بنت زانده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیص بن لوی بن غالب» (2) «لوی بن غالب» جد هشتم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بود، به این ترتیب «محمد بن عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قضی بن کلاب بن کعب بن لوی بن غالب». (3)

نویسنده کتاب سیره خدیجه الکبری اوصاف عالی خانواده عزیز حضرت خدیجه را چنین بیان می کند:

در این خانواده اخلاق و محبت سخاوت و مروت عقل و فراست عصمت و عفت، غیرت و خودداری وجود داشت. این ویژگی ها در زمان جاهلیت در خانواده های شریف یافته می شد اما خانواده های عادی از آن محروم بودند.

حضرت خدیجه از ناحیه نسب در مقایسه با همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت نزدیک تر بود. (4)

ص: 107

-
- 1- مامقانی ، تنقیح المقال، ج 3 ص 77؛ مدنی علما، گروه فیضان خدیجه الکبری، ص 34.
 - 2- سیره ابن هشام، ج 1 ص 201 فیضان خدیجه الکبری، ص 36؛ مفتی ثناء الله محمود، سوتریزاهد خواتین آوران کی سردار فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله، ص 51
 - 3- همان؛ منتخب التواریخ، ص 82 ، اقتباس از این کتاب ها؛ عبد المالک مجاهد، خاتون اول سیده خدیجه، ص 25
 - 4- حکیم محمد اویس فاروقی ، سیرت خدیجه الکبری، ص 30

5. حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین خاتون قریش

یکی از امتیازات و ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام دارا بودن ثروت کلان است. هند مولانا ثناء الله محمود از دانشمندان اهل سنت می گوید:

ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دارای اموال زیادی بود و از ثروتمندترین زنان مکه به شمار می آمد. او پس از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم جان و مال خود را فدای همسرش کرد (1)

مدنی علما در این باره می گویند:

حضرت سیدتنا خدیجه ثروتمندترین بانوی قریش به شمار می رفت و درآمد اساسی او مثل دیگر قریش از تجارت بود و متاع تجارت او از همه قریش بیش تر بود او مردم را برای کار تجارت اجیر می کرد و مال را به صورت مضاربه در اختیار آن ها قرار می داد. (2)

یکی از دانشمندان سنی هند درباره موروثی بودن تجارت و ثروت حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

خویند پدر خدیجه یک تاجر برجسته بود او با چند کشور ارتباط تجاری داشت و اجناس بازرگانی را به این کشورها می فرستاد و اجناس دیگری را به حجاز می آورد و به فروش می رساند جایگاه او در میان قبایل عرب ویژه بود. او به سبب اموال زیاد زندگی خوبی داشت و از فقرا هم حمایت می کرد. (3)

اموال ثروتمندان آن زمان مثل ابوجهل، عقبه بن ابی معیط، صلب بن ابی بهاب و ابوسفیان در مقابل ثروت خدیجه بسیار ناچیز بود. (4)

6. موحد بودن خدیجه علیها السلام و خانواده او در عصر جاهلیت

از گزارش های تاریخی و روایت های زیادی روشن می گردد که حضرت

ص: 108

1- مفتی ثناء الله محمود، صد خواتین بزرگ اسلام و سردار آنان فاطمه، ص 59.

2- مدنی علما، گروه فیضان خدیجه الکبری، ص 4 به نقل از طبقات الکبری، ج 8، ص 12.

3- حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 30

4- الوقائع والحوادث (رمضان) ج 1 ص 130

خدیجه و خانواده او یکتاپرست بودند و از بت و بت پرست بیزاری می جستند درباره ایمان و عقیده او نوشته اند:

یکی از دانشمندان مسیحی از حضرت خدیجه سؤال کرد: دخترم! درباره حضرت عیسی علیه السلام چه عقیده دارید؟» جواب داد: «خانواده ما به حضرت عیسی علیه السلام محترمانه نگاه می کنند و او را بنده خدا و نبی بزرگ خدا و صاحب کتاب انجیل می دانند. من هم به احترام وی معتقدم ولی به پسر خدا بودن عیسی و تثلیث معتقد نیستم».

نویسنده پس از نقل این واقعه می گوید:

حضرت خدیجه صحیح العقیده و بیزار از شرک و بت پرستی بود. (1)

هم چنین می نویسد:

خانواده حضرت خدیجه از سخت ترین مخالفان بت پرستی بودند پدر خدیجه خویلد بن اسد و عموزاده خدیجه ورقه بن نوفل از رسومات جاهلی و آداب و اعمال مشرکانه بیزار بودند همین در شخصیت حضرت خدیجه تأثیر داشت. لذا هیچ کجا در تاریخ نیست که او بت پرستی کرده یا به غیر خدا متوسل شده باشد. (2)

او در جای دیگر می نویسد:

حضرت خدیجه خدای یکتا را می پرستید و هیچ گاه غیر خدا را عبادت نکرد... (3)

وی نکته ای جالب درباره یکتاپرستی حضرت خدیجه بیان می کند:

پژوهش گران درباره حضرت خدیجه می گویند: او قبل از اسلام از بت و بت پرستی بیزار بود و عبادت بت ها را خلاف عقل سلیم و فطرت انسانی می دانست؛ نیز از تمام رسومات جاهلی و مشرکانه بیزار بود. پس از آیات (أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَ مَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ) (4) حضرت خدیجه به بت پرستان

ص: 109

1- سیرت خدیجة الكبرى، ص 35

2- همان، ص 69

3- همان، ص 102

4- سوره نجم، آیه 19-20.

می گفت: «از این بت های گل و سنگ و چوب دوری کنید و ببینید خدای یکتا درباره آنان چه می گوید» (1)

7. نخستین همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و تنها همسر زمان خود

این شرف و امتیاز تنها نصیب حضرت خدیجه علیها السلام شد که قبل از دیگران به ازدواج رسول گرامی صلی الله علیه و آله در آمد. نویسنده سیره اعلام النبلاء می گوید:

یکی از کرامات و امتیازات حضرت خدیجه این است که او نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. نیز او دامن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با گوهر اولاد پر کرد و تا وقتی زنده بود، پیامبر اعظم صلی الله علیه و سلم با هیچ زنی ازدواج نکردند. (2)

نویسنده اسد الغابه نیز می نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با او ازدواج کردند و تا وقتی زنده بود، با هیچ زنی ازدواج نکردند. (3)

طاهر القادری از عایشه چنین نقل می کند:

تا خدیجه در قید حیات بود، پیامبر صلی الله علیه و آله ، با هیچ زنی ازدواج نکردند. (4)

سه ویژگی عمده دیگر پیرو این ویژگی است:

الف) حضرت خدیجه علیها السلام اولین ام المؤمنین

حضرت خدیجه پس از ازدواج با حضرت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله مصداق اول ام المؤمنین را به دست آورد. (5)

ص: 110

1- سیرت خدیجه الكبرى، ص 119

2- «من کرامتها انه لم یتزوج امرأة قبلها و جائه اولاد و لم یتزوج علیها قط» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء)، ج 2، ص 91

3- «أول امرأة تزوجها رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجة، و لم یتزوج علیها حتی ماتت» (ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج 1، ص 40)

4- «عن عایشه قالت: لم یتزوج ابنی علی خدیجه حتی ماتت» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 14).

5- فیضان خدیجه الكبرى، ص 59؛ عبد المالک مجاهد، خاتون اول سیده خدیجه، ص 21

ب) صدیقه امت و اولین صدیقه از دیدگاه برخی از اهل سنت

در کنار لقب های کبری و طاهره «صدیقه» هم به ایشان اطلاق شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

هذه صدیقه امتی؛ (1) این صدیقه امت من است.

ج) طولانی ترین مدت شرف زوجیت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام بیش از همسران دیگر کنار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زندگی کرد. این مدت حدوداً 25 سال بود. (2)

8. حضرت خدیجه علیها السلام خدمتگزار واقعی همسر

ابن حجر عسقلانی در الاصابه می نویسد:

یکی از ممتازترین اوصاف حضرت خدیجه این بود که همیشه به پیامبر صلی الله علیه و آله تعظیم و خدمت می کرد و قبل از مبعث و بعد

از آن همیشه در تصدیق و حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (3)

فاروقی درباره خدمتگزاری حضرت خدیجه می نویسد:

او چهل سال اول زندگی را در رفاه عالی گذراند که در این دوران برده ها و کنیزها و خادمان زیادی زیر فرمان او بودند؛ ولی پس از ازدواج

با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم سبک زندگی عوض گردید. جاه و حشمت ثروتمندی را کنار زده ، امور خانه داری را به دست گرفت و

دنبال خشنودی همسر بود و خودش را پای بند فرمان حضرت قرار داد خودش را در اطاعت و خدمت به همسر مشغول کرده بود و نیاز

خانه و حضرت را با دست خود انجام می داد و این را برای خود سعادت می دانست. (4)

فاروقی در ادامه می نویسد:

ص: 111

1- فیضان خدیجه الکبری، ص 36

2- همان.

3- مدنی، گروه فیضان امهات المؤمنین، ص 62

4- حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 60

حضرت خدیجه باوجود این که ثروتمندترین بانو بود، پس از ازدواج با آن حضرت ثروت و رفاه زندگی را ترک گفت و مشغول اطاعت و خدمتگزاری شد. در حالی که قبلاً برده ها و کنیزهایی در خانه داشت، این خدمت را سعادت بزرگی برای خود می شمرد. (1)

9. حضرت خدیجه علیها السلام تنها شاهد رویداد مبعث و وحی و محرم اسرار نبوت

درباره این موضوع گزارش های تاریخی و روایی بسیار است. از جمله:

1-9-9-1- ابن بطوطه می نویسد:

و من المشاهد المقدسه بمقربه من المسجد الحرام قبه الوحي و هي في دار خديجه ام المؤمنين. (2)

2-9-9-2- ابن مغازلی شافعی می نویسد:

خداوند قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می کرد در حالی که خدیجه کنار او بود. (3)

مدنی علما نیز می گویند:

اولین کسی که از ظهور نبوت خبردار شد خدیجه علیها السلام بود. (4)

نویسنده سیره خدیجه الکبری می نویسد:

آن حضرت تصمیم خود را برای حضرت خدیجه علیها السلام آشکار کرده، فرمود: «ای خدیجه! می خواهم دور از مردم به بارگاه خدای یکتا حاضر شوم و در ذات کبریایی او فکر کنم؛ اگر شما در این امر هم کاری کنید، ریاضت انجام دهم». (5)

10. درود و سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام

خداوند خدمت حضرت خدیجه علیها السلام را پذیرفت و جبرئیل را برای درود و سلام

ص: 112

1- همان، ص 118.

2- شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110

3- «انزل الله علی رسولہ صلی الله علیه و آله، القرآن والهدی و عنده خدیجة» (ابن مغازلی الشافعی، مناقب علی ابن ابی طالب، ص 336)

4- فیضان امهات المؤمنین، ص 61

5- حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری

خدمت او فرستاد. ابن هشام می نویسد:

یک نفر موثق برایم بیان کرد که جبرئیل از طرف خدا خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید تا سلام خداوند را به خدیجه برساند. حضرت به خدیجه فرمود «جبرئیل سلام خداوند را برای شما آورده». حضرت خدیجه جواب داد: «از طرف من هم سلام به جبرئیل!».

(1)

یکی از دانشمندان معاصر اهل سنت طاهر القادری، روایت بالا را از کتاب صحیح بخاری و مسلم از ابوهریره آورده که در آن به قصر مروارید در بهشت برای خدیجه بشارت داده شده است.

11. جلوهای فقاقت حضرت خدیجه علیها السلام

جلوه فقاقت وی در جواب سلام ایشان در برابر سلام خداوند و جبرئیل ستودنی است:

ان الله هو السلام و علی جبرئیل السلام و علیک السلام و رحمه الله و بركاته.

این جواب بر فقاقت و فهم حضرت خدیجه علیها السلام دلالت می کند؛ چون در جواب سلام خدا به جای علیه السلام «السلام» گفت؛ زیرا با فقاقت و بصیرت، مقام و عظمت خدا را درک کرد و فهمید «السلام» برای خداوند وصف ذات و مقام ثنا است نه دعای سلامت؛ در حالی که «السلام» برای بندگان دعای سلامت است لذا در جواب سلام حضرت جبرئیل و پیامبر علیه السلام گفت. این جواب سلام مطابق شریعت اسلامی است که مسلمانان پس از تبیین

ص: 113

1- «وقد روی السلام من الله تعالی علی خدیجة ایضاً كما روی ابن هشام فقال حدثني من اثق به: ان جبرئیل أتى النبي فقال: اقرا خدیجة من ربها السلام فقال يا رسول الله يا خدیجه هذا جبرئیل یقرئک السلام من ربها السلام قالت خدیجه الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام..» (سید حسین شیخ الاسلامی، مسند فاطمه زهرا ص 247؛ مفتی ثناء الله محمود سوتریزاهد خواتین آور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 63 به نقل از مستدرک حاکم، ج 3، ص 186؛ مدنی علما گروه فیضان امهات المؤمنین، ص 53.40. «.. و بشرها بیت فی الجنة من قصب لاسحب فيه و لا نصب متفق علیه» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 10؛ حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 117).

12. حضرت خدیجه علیها السلام اولین مومنه و تصدیق کننده رسالت

طاهر القادری چندین روایت در این مورد آورده از جمله:

1-12-1 ابن شهاب بیان می کند:

اولین نفر که به خدا ایمان آورد و رسالت حضرت را تصدیق کرده، خدیجه بود. (2) هیچ گاه خدا بهتر از او «خدیجه» ارزانی نداشت؛ زیرا او زمانی به من ایمان آورد که همه انکارم می کردند و موقعی مرا تصدیق نمود که همه تکذیبم می کردند هنگامی در مال خودش مرا شریک قرار داد که دیگران محروم ساختند و خداوند توسط او مرا صاحب اولاد کرد. (3)

13. نخستین پیرو رسول گرامی صلی الله علیه و اله

این شرف و امتیاز نیز نصیب حضرت خدیجه شد. او نه تنها تصدیق کننده رسالت بود و به خدا و رسول ایمان آورد بلکه تن به اطاعت و پیروی حضرت داد. این پیروی از روز ازدواج تا آخر عمر وی ادامه داشت. روز اول که عروس به خانه رسول گرامی صلی الله علیه و آله آمد خودش را کنیز آن حضرت معرفی کرد. پس از اعلام رسالت، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطاعت و پیروی می کرد؛ حتی در وضعیت دشوار های الهی هم با صبر و استقامت کنار حضرت بود و آزار و اذیت مشرکان را تحمل می نمود زندگی دشوار در شعب ابوطالب را هم با خشنودی گذراند. نمونه های زیادی از اطاعت وی در کتاب های تاریخ و سیره ثبت گردیده است؛ از جمله:

ص: 114

1- فیضان خدیجه الکبری، ص 53

- 2- «عن ابی شهاب قال كانت خدیجه اول من آمن بالله و صدق برسوله قبلان تفرض الصلاة.» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 19).
- 3- «ما أبدلني الله خيرا منها لقد آمنت بي حين كفر بي الناس، و صدقتني حين كذّبي الناس، و أشركتني في مالها حين حرمني الناس و رزقني الله ولدها و حرمني ولد غيرها ..» (ابن عبد البر، الاستيعاب في معرفة الاصحاب، ج 4، ص 1814؛ ابن اثیر، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 6، ص 85؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة في تمییر الصحابة ج 8، ص 103؛ ابن کثیر دمشق، البدایه و النهایه، ج 3، ص 128).

خدیجه اولین زن اطاعت کننده رسول گرامی صلی الله علیه و آله بود. علامه امینی نیز نمونه ای دیگر از امام کاظم علیه السلام نقل می کند.

14. اولین زن نمازگزار و اقتداء کننده به پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام اولین زن و همسری بود که در نماز به پیامبر صلی الله علیه و آله اقتدا کرد و فریقین در این موضوع اتفاق نظر دارند.

در این اختلافی وجود ندارد که حضرت خدیجه علیها السلام همراه پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نماز را ادا کرد و این پس از واجب شدن نماز بود. در این همه متفقند. او سه سال قبل از هجرت از دنیا رفت. (1)

مفتی ثناء الله هندی می گوید:

قبل از سفر معراج پیامبر صلی الله علیه و آله نماز پنج گانه واجب نشده بود، ولی در آن زمان هم نماز خوانده می شد.

ابن کثیر و ابن هشام در این باره آورده اند:

جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و پای خود را به زمین زد. چشمه ای از زمین جاری شد. جبرئیل از آن وضو گرفت و نماز خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل نماز یاد گرفتند و به منزل تشریف بردند و دست خدیجه را گرفته نزد چشمه آوردند وضو گرفتند و دو رکعت نماز خواندند پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه مخفیانه نماز می خواندند. (2)

15. حضرت خدیجه اولین راوی اسلام و محدثه

حضرت خدیجه نخستین راوی از میان زنان به شمار می آید این نیز امتیاز ویژه ایشان را نمایان می سازد و چه کسی حادثه وحی و واقعه اعلام رسالت را بهتر از حضرت خدیجه درک و بیان کند؟ او این وقایع را از نزدیک مشاهده

ص: 115

1- «اذا لم یختلفوا ان خدیجة رضی الله عنها صلت مع النبی بعد فرض الصلاة علیه ولا خلاف فی انها توفیت قبل الهجرة بمدة قبل بثلاث سنین» (ابن اثیر، اسد الغابه، فی معرفة الصحابه، ج 1، ص 16).

2- غالب سیلاوی، الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة، ص 329

کرده بود؛ زیرا غیر از او و حضرت علی علیه السلام کسی دیگری حضور نداشت. تمام تاریخ نگاران و دانشمندان درباره این مسأله اتفاق دارند؛ از جمله:

1-15-1- ابن حزم اندلسی می گوید:

حضرت خدیجه اولین زنی بود که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نقل کرد. (1)

2-15-2- مولانا محمد اویس فاروقی می نویسد:

حضرت خدیجه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت هم نقل کرده ولی تعداد آن خیلی کم است؛ زیرا او پس از بعثت ده سال اول را درک کرد و این ده سال اول دشوارترین دوره و زمان مصیبت بود لذا فرصت نقل روایت به دست نیامد. (2) روایات موجود جامع و مستند هستند و مربوط به احکام اسلامی اند.

16. انفاق کننده و حامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه همه چیز خود را در راه خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ایثار کرد. او همه اموال خود را خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آورد و در اختیار ایشان قرار داد تا هر طوری که خواستند مصرف کنند و عرض کرد: «سرورم! شما مالک این اموال هستید؛ هر کجا که می خواهید خرج کنید». (3)

مفتی ثناء الله محمود، انفاق حضرت خدیجه را با استناد به تفسیر بزرگان چنین نقل می کند:

پس از ازدواج با حضرت تمام اموال خود را در اختیار ایشان قرار داد قرآن مجید احسان حضرت خدیجه را چنین بیان می فرماید: (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي). (4)

امام عبد الله بن احمد محمود نسفی در تفسیر این آیه می گوید: «فاغناک

ص: 116

1- سیرت خدیجه الکبری، ص 106

2- همان

3- همان، ص 61

4- سوره الضحی

بمال خدیجه» (1)

امام قرطبی نیز در تفسیر این آیه می گوید «فاغناک بخدیجه» (2)

خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: (فاعطتی مالها فانفقته فی سبیل الله)؛ (3) خدیجه مال خودش به من داد و من آن را در راه خدا خرج کردم. (4)

هم چنین فرموده اند:

دین اسلام برپا نشد مگر به دو چیز اموال حضرت خدیجه علیها السلام و شمشیر حضرت علی علیه السلام. (5)

17. عام الحزن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام

نامیدن سال وفات حضرت خدیجه علیها السلام به «عام الحزن»، جایگاه او را نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نشان می دهد زیرا حضرت از فراق او آن را سال حزن قرار دادند. در این باره گفته اند:

هنگامی که خدیجه از دنیا رفت زندگی بر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله سخت شد و غم و اندوه ها بر ایشان فرود آمد. لذا به میان مردم رفتند و این سال را «عام الحزن» قرار دادند. (6)

یکی از علمای اهل سنت هند می گوید:

سال دهم نبوت، سال عام الحزن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا در این سال پس از برون آمدن از شعب ابی طالب چند روز نگذشت که حضرت خدیجه علیها السلام از دنیا رفت وفات وی در ماه مبارک رمضان بود هنوز سه سال برای هجرت به طرف مدینه مانده بود و زخم فقدان عمویش هم در قلب

ص: 117

1- تفسیر نسفی، ج 4، ص 364

2- تفسیر قرطبی، ج 10، ص 9

3- طبقات ابن سعد.

4- مفتی ثنائی الله محمود سوتر یزاهد خواتین آور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 60

5- «ما قام و ما ستقام الدین الایسیف علی و مال خدیجه...» (عبد الله مامقانی، تنقیح المقال، ج 3، ص 33).

6- «لما توفیت خدیجه اشتد البلا علی رسول الله و تراکمت علیه الهموم و الغموم بحیث احتجب عن الناس مده مدیده و سمی ذالک عام الحزن...»

حضرت تازه بود. (1)

به گفته ابن عبد، آلبر، پس از گذشت سه روز از وفات ابوطالب، حضرت خدیجه علیها السلام هم از دنیا رفت. (2)

نیز گفته اند:

حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه علیها السلام با فاصله چند روز از دنیا رفتند، وفات این دو شخصیت بزرگ برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن قدر سخت و ناگوار بود که آن سال را سال غم و اندوه خواندند. (3)

18. شرف مادری فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله

این شرف در میان تمام زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها به حضرت خدیجه رسید و مادر فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شد.

ابوالفدا دمشقی می گوید:

خداوند از خدیجه صاحب اولاد شد در حالی که همسران دیگر از این فیض محروم بودند. (4)

پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه به عایشه فرمودند:

خدیجه دامن مرا از گوهر اولاد پر کرد. (5)

مدنی علما می گویند:

جز ابراهیم تمام اولاد از بطن پاک حضرت خدیجه بودند. (6)

ص: 118

1- همان ص 12

2- همان.

3- فیضان خدیجه الکبری، ص 65 و 64؛ حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 122؛ مفتی ثناء الله محمود سوتر بزاهد خواتین اوران کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 61.

4- «ارزقنی الله ولدها و حرمنی ولد غیرها» (ابوالفداء دمشقی، البدایه والنهایه، ج 3، ص 28).

5- «فیقول: انها کانت و کانت و کان لی منها ولد» (طاهر القادری، العقد الثمین، ص 12).

6- مدنی علما، گروه فیضان خدیجه الکبری، ص 60 و 69؛ حکیم محمد اویس فاروقی، سیرت خدیجه الکبری، ص 112.

19. ادامه ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام

خداوند به ذات حضرت خدیجه علیها السلام عنایت زیادی فرمود از جمله ذریه پیامبر را از او قرار داد؛ زیرا او زن نیک و صالح پیامبر صلی الله علیه و آله بود که جان و مال خود را فدای حضرت کرد.

بزرگان اهل سنت هند نیز در این باره اظهار نظر کرده اند:

الغرض از بین یازده همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله این سعادت و فضیلت را تنها حضرت خدیجه علیها السلام همسر اول رسول گرامی دارد که جز ابراهیم که از بطن ماریه قبطیه، بود بقبه فرزندان از حضرت خدیجه هستند و نسل پاک پیامبر از حضرت فاطمه علیها السلام ادامه یافت نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله تنها از طریق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دامه یافت. ایشان دو پسر به نام های امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام داشتند. سیدنا حسن بن علی الا علیه السلام صاحب فضل و علم و کمالات بود که او را با سم شهید کردند. امام حسین علیه السلام که فرزند کوچک بود که در سال 61 هجری در کربلا به دست لشکر یزید به شهادت رسید.

(1)

20. حضرت خدیجه علیها السلام بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله

درباره این موضوع دو نوع روایت وجود دارد: دست های حضرت خدیجه علیها السلام را بهترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند و دسته دیگری برتری وی را بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ثابت می کنند دسته اول که از طریق شیعه و اهل سنت وارد شده این حقیقت را آورده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله بارها حضرت خدیجه علیها السلام را بهترین زن معرفی فرمودند.

طاهر القادری با استناد به کتاب صحیح بخاری می نویسد:

عایشه می گفت: «بیش از همه به حضرت خدیجه رشک می بردم پیامبر صلی الله علیه و آله همیشه از او یاد می نمودند هر موقع قربانی می کردند، بخشی از گوشت آن را برای دوستان خدیجه هدیه می فرستادند». من پرسیدم:

ص: 119

«این قدر به او علاقه دارید مثل این که جز او زنی برای شما در دنیا نبود». آن حضرت صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «واقعاً همین طور است؛ او صاحب فرزند بود (1) هنگامی مرا تصدیق کرد که همه تکذیب می کردند. او وزیر دین خدا بود و با مال خود مرا یاری کرد». (2)

این حدیث را یکی از دانشمند سنی هندی نیز با اسناد به کتب اهل سنت آورده است. (3)

مفتی ثناء الله می گوید: آن حضرت فرمودند:

ما ابدلني الله خيرا منها بهتر از خدیجه همسری به من داده نشد. او به من ایمان آورد، در حالی که مردم انکار می کردند؛ هنگامی مرا تصدیق کرد که کفار و مشرکان تکذیب می کردند در زمانی کمکم (با مال) کرد که دیگران مرا محروم کرده بودند؛ او موقعی دامن من با گوهر اولاد پر کرد که زنان دیگر این توان را نداشتند. (4)

نویسنده کتاب در صفحات بعد می گوید: «حضرت خدیجه علیها السلام زنی بود که همتا نداشت».

گفتیم دسته دوم روایات به برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر دیگر همسران، پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کنند این فرق و امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده اند:

ای خدیجه شما بهترین امهات المؤمنین و افضل همسران من و سالار زنان

ص: 120

1- «عن عائشة قالت: ما غرت على أحد من نساء النبي صلى الله عليه و اله ما غرت على خديجة - و ما رأيتها - ولكن - كان يكثر ذكرها و ربما ذبح الشاة فيقطعها أعضاء ثم يبعثها في صدائق خديجة فربما قلت كأنه لم يكن في الدنيا امرأة إلا خديجة فيقول: «إنها كانت و كانت و كان لي منها ولد» طاهر القادري ، العقد الثمين، ص 12، به نثل از صحيح البخاري فضائل الصحابة).

2- «قال النبي: خديجة و این مثل خدیجه صدقتی حين كذبنى الناس و وازرتنی على دين الله و اعانتي عليه بما لها.» (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 232؛ مفتی ثناء الله محمود سوتری زاهد خواتین اور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 49).

3- مفتی ثناء الله محمود، سوتر بزاهد خواتین اور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص 49؛ مسند احمد، ج 6، ص 117؛ طبرانی کبیر، ج 23، ص 13؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 264، صحيح بخاری، ج 1.

4- سوتری زاهد خواتین اور ان کی سردار فاطمه بنت محمد، ص؛ مسند احمد، ج 6، ص 117.

طاهر القادری روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را چنین معنا می کند:

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مریم» برترین زنان زمان خود و خدیجه بهترین زنان زمان خود است». این روایت مورد اتفاق همه است. (2)

نویسنده سیرت خدیجه الکبری نیز این روایت را از کتاب بخاری نقل می کند و برتری حضرت خدیجه را بر تمام زنان امت نشان می دهد: (3)

حضرت خدیجه در میان تمام زنان امت بهترین زن است. این عنوان را پیامبر صلی الله علیه و آله به وی داده اند. (4)

وی در ادامه روایت پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان سند ذکر می کند: «قال انها كانت و كانت و كان لی منها ولد». (5)

21. حضرت خدیجه علیها السلام المحسود دیگران

حضرت خدیجه علیها السلام در نگاه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه ای داشت که همسران دیگر فاقد این جایگاه و مقام بودند لذا بیش تر زنان به شخصیت وی رشک می بردند به ویژه عایشه که همیشه حسادت خود را به زبان می آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر این مسأله مخالف بود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله باره ها از او یاد می کردند و او را می ستودند و ویژگی ها و خوبی هایش را بر زبان جاری می کردند؛ حتی دوستان خدیجه را هم گرامی می داشتند این شیوه حضرت، باعث ناراحتی عایشه می شد.

ص: 121

1- «قال : يا خديجة انت خير امهات المؤمنين و افضلها و سيده النساء العالمين.» (غالب سيلوى الانوار الساطعة من الغر الطاهرة، ص 226).

2- «عن هشام عن ابيه قال: سمعت عبد الله ابن جعفر عن علي ابن ابي طالب عليه السلام عن النبي قال: خير نساها مريم و خير نساها خديجه متفق عليه» (طاهر القادري، العقد الثمين، ص 11).

3- سیرت خدیجه الکبری، ص 114

4- همان، ص 25

5- همان

عایشه می گوید:

آن اندازه که به حضرت خدیجه رشک می بردم به هیچ زن دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله نبردم در حالی که او قبل از ازدواج من با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفته بود زیرا بارها حضرت او را یاد می کردند و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بود تا خدیجه را به قصر مروارید در بهشت نوید بدهد. آن حضرت هر گاه گوسفند قربانی می کردند برای دوستان خدیجه هدیه می فرستادند. (1)

روایت دیگری نیز از قول عایشه نقل می کند:

من جز خدیجه به هیچ زن دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله رشک نبردم، در حالی که زمان او را درک نکردم. (2)

یا در جای دیگر می گوید:

از در بین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به خدیجه رشک می بردم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله زیاد از او یاد می کردند در حالی که هیچ گاه او را ندیدم (3)

22. بهترین زن امت محمدی

حضرت خدیجه نه فقط بهترین زن و همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود بلکه ذات گرامی او به عنوان برترین زنان امت محمدی در آینه روایات و حقایق ذکر شده است. ابن حجر عسقلانی می گوید:

آن حضرت فرمود: «خدیجه برترین زنان امت من است». (4)

ابن حجر پس از نقل این حدیث می گوید:

ص: 122

1- طاهر القادری، العقد الثمین، ص 9.

2- عن عایشه قالت: «ما غرت علی نساء النبی صلی الله علیه و آله إلا علی خدیجة، وینی لم أدركها،» (العقد الثمین، ص 12)

3- «عن عایشه قالت: ما غرت للنبی علی احد من نساءه ما غرت علی خدیجة لکثرة ذکرها ایاها و ما رایتها قط» (همان، ص 13).

4- «قال النبی: لقد فضلت خدیجة علی نساء امتی» (ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج 7، ص 137).

از این حدیث برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر عایشه نیز روشن می گردد. (1)

ابن کثیر در این باره می گوید:

«برخی از اهل سنت درباره عایشه غلو می کنند و او را به این که دختر ابوبکر است بر خدیجه برتری می دهند». (2)

نویسنده سیره خدیجه الکبری می نویسد:

آن حضرت در زمان حیات خدیجه با هیچ کس ازدواج نکردند ولی پس از وی با ده نفر ازدواج کردند اگر چه این نکاح ها برای تسکین نفسیات نبود، بلکه برای مصالح اسلام بود با وجود این همسران که نزد حضرت بودند، برای یک لحظه هم خدیجه را فراموش نکردند و همین باعث اعتراض برخی از همسران می شد...

پیامبر در جواب ایراد آنان می فرمود:

هیچ زنی نمی تواند جایگاه او را بگیرد او کمالات زیادی داشت و از تمام زنان بهتر بود (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگر فرمودند:

مریم دختر عمران و مادر حضرت مسیح برترین زن امت خود بود و خدیجه دختر خویلد برترین زن امت محمدی است. (4)

نویسنده یاد شده در اول کتاب می گوید:

این حدیث که در سطر بالا بیان شده بهترین سند در اثبات برتری حضرت خدیجه بر تمام زنان امت محمدی است (5)

23. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا و آخرت

این امتیاز و شرف در میان همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله تنها نصیب خدیجه شد.

ص: 123

1- همان.

2- این کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 129

3- حکیم محمد ادیس فاروقی، سیره خدیجه الکبری، ص 125

4- همان، ص 114.

5- همان، ص 25.

خدیده دختر خویلد، اشرف امهات مؤمنین است و نزدیک ترین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و عزیزترین آن ها نزد آن حضرت هم در دنیا و هم پس از مرگ. 25 سال به تنهایی مورد مهر و احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت و هیچ زنی در این افتخار با او شریک نیست (1)

مدنی علما با استناد به روایت المعجم الکبیر طبرانی می نویسند:

حضرت خدیجه در پایان عمر در بستر بیماری بود. حضرت محمد صلی الله علیه و اله به خدمت او تشریف آوردند و خطاب به او فرمودند: «برایم سخت است که شما را در این حالت ببینم؛ ولی خداوند عالم در این کار برای شما گذاشته است. آیا می دانید خداوند در بهشت مرا با شما و مریم دختر عمران کلثم خواهر حضرت موسی و آسیه زن فرعون به نکاح درآورد». (2)

نتیجه

بنابر گزارش های تاریخی و روایی فریقین ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام دارای ویژگی هایی هستند که هیچ یک از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نداشتند. این ویژگی های یگانه و بی نظیر حضرت خدیجه علیها السلام، او را از دیگر زنان و همسران پیامبر ممتاز و بر دیگران مقدم می سازد و فضایل او را بر دیگر زنان پیامبر اسلام آشکار می کند.

ص: 124

1- عایشه بنت الشای، بانوی کربلا زینب

2- ابوالقاسم خوبی، المعجم الکبیر، ج 22، ص 376؛ فیضان خدیجه الکبری، ص 63 به نقل از کتاب المعجم الکبیر للطبرانی، ج 9، ص 393

قرآن کریم.

1. ابن ابی الحدید المعتزلی شرح نهج البلاغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1387 ش.
2. ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.
3. ابن سعد طبقات الکبری، بیروت، دار صادر، 1405 ق.
4. ابن کثیر دمشقی، البدایه والنهایه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408 ق.
5. ابن هشام حمیری، سیره النبویه، بیروت، مکتبه محمدعلی صحیح، 1383 ش.
6. ابن عبد البر، الاستعیاب فی معرفه الاصحاب، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.
7. اربلی، علی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، بیروت، دارالکتب الاسلامی، 1401 ق.
8. اشتهاودی، محمد محمدی، حضرت خدیجه علیها السلام اسطوره ایثار و مقاومت تهران، انتشارات نبوی، 1377 ش.
9. -، حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، تهران، انتشارات نبوی، 1384 ش.
10. آلوسی، تفسیر روح المعانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1405 ق.
11. آیتی، ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، قم، دارالفکر، 1386 ش.
12. بلاذری، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، 11417 ق.
13. توفیق ابوعلم، فاطمه الزهرا علیها السلام، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
14. دخیل، محمدعلی، خدیجه علیها السلام، ترجمه فروز حریرچی، تهران، امیرکبیر، 1363 ش.

15. ذهبي، سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.
16. رسولی محلاتی، سيد هاشم زندگى حضرت محمد خاتم النبيين صلى الله عليه و آله تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1375 ش.
17. زرقانى، مالکى عبدالباقي شرح المواهب الدنيه بالمنح المحمديه، دار الكتب العلميه، 1417 ق.
18. سائح، سيد احمد، الاضواء في مناقب الزهراء، بي نا، بي تا، بي جا.
19. سبحانى، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان كتاب، 1383 ش.
20. سبط بن جوزى، تذكره الخواص، الامامه في خصائص الائمه، بيروت، دار الكتب العلميه، 1426 ق.
21. شوشترى، قاضى نورالله، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم، مكتبة آيه الله مرعشى، 1411 ق.
22. شيخ صدوق، امالى، بيروت، مؤسسه الاعلمى، 1400 ق.
23. شيخ مفيد، الارشاد فى معرفه حجج الله العباد، قم، مؤسسه اهل البيت عليهم السلام 1413 ق.
24. طبرسى، على الفضل بن الحسن، تفسير مجمع البيان، بيروت، دارالمعرفه 1408 ق.
25. -، اعلام الورى باعلام الهدى، بيروت، دارالمعرفه، 1399 ق.
26. عايشه بنت شاطى، بانوى كربلا حضرت زينب كبرى عليها السلام، ترجمه سيد رضا صدر، بي نا، بي تا، بي جا.
27. عسقلانى، ابن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، بيروت، الكتب العلميه 1415 ق.
28. عقيق بخشايشى، عبدالرحيم، همسران رسول خدا صلى الله عليه و آله، قم، دار التبليغ الاسلامى، 1352 ش.
29. غالب سيلوى، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، قم، نشر محلاتى، 1424 ق.

30. قطب، محمد علی، خدیجہ بنت خویلد، بیروت، دار القلم، 1425 ق.
31. کمالی نیا، محمد تقی، خدیجہ کبریٰ علیہا السلام، قم، امید، 1380 ش.
32. گروه حدیث پژوهشکده باقرالعلوم علیہ السلام، فرهنگ جامع سخنان حضرت فاطمہ علیہا السلام، تهران 1389 ق.
33. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعہ لدرر اخبار الائمہ الاطہار، بیروت، مؤسسہ الوفاء، 1403 ق.
34. محلاتی، ذبیح اللہ ریاحین الشریعہ فی احوال النساء الشیعہ، تہران، دارالاسلامیہ، 1385 ش.
35. معروف، الحسنی، ہاشم زندگی حضرت خدیجہ کبریٰ علیہا السلام و حضرت فاطمہ علیہا السلام، تہران بنیاد بعثت 1360 ش.
36. -، سیرہ الائمہ الاثنی عشر، تہران، انتشار، امیرکبیر، 1421 ق.
37. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، 1420 ق.

(ب) منابع زبان اردو

38. اویس فاروقی، حکیم محمد، سیرت خدیجہ الکبریٰ، پاکستان، دارالسلام، بی تا.
39. سیدکرار حسین واعظ، ملیکہ العرب، پاکستان، رحمت اللہ بک ایجنسی، 1985 م.
40. صنائم چشتی، البتول، دہلی، جیلانی بک دپو، 2011 م.
41. صدیقی، ادیس، حضرت خدیجہ علیہا السلام الکبریٰ، دہلی نو، فرید بکدپو، 1999 م.
42. الطاهر القادری، العقد الثمین، فی ام المؤمنین، منہاج القرآن، 2011 م.
43. طاهر القادری، سیرت خدیجہ الکبریٰ، پاکستان، منہاج القرآن، 2002 م.
44. عبد القدوس ندوی، محمد مصطفیٰ، ام المؤمنین حضرت خدیجہ علیہا السلام اسوہ و، پیغام ناشر الفاروق، 1434 ق.
45. مجاہد عبدالمالک، سیدہ خدیجہ کی زندگی دہلی، مکتبہ بیت

الاسلام وفہیم بک ڈپو 2012 م.

46. مدنی گروہ، خاتون جنت، دہلی، مکتبہ المدینہ 2013 م.

47. -، فیضان امہات المؤمنین، دہلی، مکتبہ، المدینہ بی تا

48. -، فیضان خدیجہ الکبری، دہلی، مکتبہ المدینہ، بی تا.

49. مفتی ثناء اللہ محمود سوتریزاہد خواتین آور ان کی سردار فاطمہ بنت محمد، دہلی اریب بلیشر 2014 م.

50. نرجس سیدہ، عابدہ خدیجہ الکبری، پاکستان جامعہ تعلیمات اسلامی، 2001 م.

51. ہاشمی، طالب، سیرت فاطمہ الزہرا علیہا السلام دہلی نو، اعتقاد پبلشنگ ہاوس، 2015 م.

ص: 128

چکیده

برخی کتاب های روایی و تاریخی در تلاش برای کاستن از جایگاه و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام هستند. مقاله حاضر ابتدا به گونه ای گذرا به چهار نمونه تلاش برای زدودن فضایل ایشان اشاره می کند سپس به شش نمونه از موارد تحریف تاریخ درباره ایشان می پردازد که شوربختانه به غلط شهرت نیز یافته است؛ مانند کتمان یکتاپرستی ایشان پیش از بعثت ادعای دوبار ازدواج ایشان پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و مصاهرت بین خلیفه سوم و ایشان بازتاب کمرنگ پشتیبانی مالی حضرت خدیجه علیها السلام از اسلام درگذشت ایشان در کهن سالی و ایجاد ابهام در تاریخ دقیق هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه.

این موارد گاه مخالف مبانی کلامی و روایات فریقین و اسناد تاریخی است و به اخبار مرسل یا گزاره های مورد اعتراض دانشمندان اسلامی و اخبار معارض تکیه دارد قراین متعددی دال بر جعل این اخبار و تناقض موجود میان آن ها در دست است.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله ، حضرت خدیجه علیها السلام ، تحریف ، فضایل ، تاریخ نویسان.

مقدمه

مظلومیت حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب های تاریخ و سیره نگاری، به جهت بیان نشدن فضایل زدودن آن ها و تحریف تاریخ درباره ایشان است. این

ص: 129

حرکت با هدف کاستن از منزلت و نقش حقیقی ایشان در ظهور و گسترش اسلام صورت گرفته است. به علاوه برخی گزارش های غیرواقعی درباره ایشان ساخته شده تا نردبانی برای ارتقای جایگاه دیگران باشد.

افسوس که جعلیاتی در تاریخ به ایشان نسبت داده شده که با توجه به سخن حکیمانه محمد لطفی جمعه (د 1953م) ، تنها با اسرائیلیات تورات سنجیدنی است. (1) این گزاره ها تنها به شخصیت ایشان لطمه نمی زند، بلکه به گفته نویسنده معاصر عرب، بهانه خاورشناسان برای تخریب شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم آورده است. (2)

شوربختانه در رویارویی با گزاره های مرتبط با ایشان به شهرت مطالب بسنده گردیده و اخبار معارض بررسی نشده است. (3) این نوشتار تنها به بیان گوشه ای از این مظلومیت می پردازد.

تحریف و زدودن فضایل در کتاب ها

اینک به چهار نمونه از شواهد تلاش برای زدودن فضایل یا حقایق تاریخی درباره ایشان اشاره می کنیم:

1. حاکم نیشابوری (د 405ق) حدیثی در فضیلت حضرت خدیجه علیها السلام از صحیح مسلم (د 261ق) نقل کرده که در نسخه های امروزی آن وجود ندارد. شمس الدین ذهبی (د 774ق) در تلخیص نیز بر گفتار حاکم خرده نگرفته و احتمال اشتباه حاکم منتفی است. این نشان می دهد که صحیح مسلم در نقل فضایل خدیجه علیها السلام [بعد از دوران ذهبی] دچار تحریف شده است. (4)

ص: 130

1- ابراهیم الجمل ، ام المؤمنین خدیجه ، ص 91.

2- همان، ص 99.

3- یکی از ایرادهای برخی پژوهش های تاریخی بی توجهی به دور باطل شهرت و حجیت است؛ زیرا در موارد بسیاری خاستگاه شهرت نابه جای یک، قول بی توجهی به اخبار معارض مغفول ماندن تطور تاریخی گزاره و اتکای نابه جا به یک خبر واحد است.

4- محمد حسن مظفر، دلائل الصدق لنهج الحق، ج 6، ص 443 تلاش برای زدودن برخی مطالب از صحیحین، شواهد متعددی دارد که با هدف از میان بردن مشترکات و زمینه های برادری میان شیعه و اهل سنت صورت گرفته است.

2. ذهبی قائل به برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند. عبارت وی چنین است: «نعم جزمت بافضلیة خدیجه علیها الامور لیس هذا موضعها». اما «جزمت» در چاپ دمشق به «خرجت» تحریف شده و تمامی عبارت مذکور از برخی چاپها حذف گردیده است. (1)

3. ابن عبدالبر (د 463 ق) و ابن کثیر (د 774 ق) از زبیر بن بکار (د 256 ق) نقل کرده اند که «طاهره» از القاب حضرت خدیجه علیها السلام بوده و به دلیل پاک دامنی بی ماندش در دوران جاهلیت او را طاهره دختر خویلد نامیدند. ابن کثیر در دو اثر خود چنین نوشته است: «قال الزبیر بن بکار کانت خدیجه تذکر فی الجاهلیة الطاهرة بنت خویلد». اما ابن حجر عسقلانی (د 852 ق)، طاهره را از دختران خویلد و خواهر خدیجه علیها السلام معرفی کرده و آن را به زبیر بن بکار نسبت داده و نوشته «الطاهرة بنت خویلد: أخت خدیجة زوج النبی صلی الله علیه و آله ذکرها الزبیر بن بکار» در میان کتاب های تراجم و طبقات موجود تنها ابن حجر آن را این گونه به زبیر نسبت داده است. (2)

4. همان گونه که برخی تصریح کرده اند ایشان موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بودند. اطلاق گزارش پیشینیان مبنی بر آرزوی قریش برای ازدواج با ایشان (3) مؤید این حقیقت است برداشت متأخران از عبارات پیشینیان نیز همین بوده و با پیش فرض قرار دادن آن چه در میان شان مشهور شده به اطلاق عبارت پیشینیان قیدی افزوده اند برای، نمونه ابن حجر تعبیر «لما تأیمت» را به اطلاق گزارش های پیشینیان افزوده و نوشته «و لما تأیمت کان کل شریف من قریش یتزوجها». (4)

ص: 131

-
- 1- نک سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 140.
 - 2- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1817؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 5، ص 307؛ همو، السیره النبویه، ج 4، ص 608؛ ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 224
 - 3- ابن اسحاق، سیره، ج 2، ص 60.
 - 4- ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 101 برای نمونه این عبارت را با تعبیر ابن اسحاق (د 151 ق) و ابن هشام (د 218 ق) و ابن سعد (د 230 ق)، بسنجید «کل قومها قد کان حربصا علی ذلك منها لو یقدر علی ذلك». (ابن اسحاق، سیره، ج 2، ص 60)؛ «کل قومها کان حربصا علی ذلك منها لو یقدر علیه». (ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 189)؛ «کل قومها کان حربصا علی نکاحها لو قدر علی ذلك» (الطبقات الکبری، ج 1، ص 105). الاصابه، ج 8، ص 102.

با کمک این قراین و شواهد دیگری که مجال بیان آن نیست، می توان ادعا کرد تنها گوشه ای از حقایق زندگی و فضایل این بزرگ بانوی اسلام به ما رسیده است. درباره ایشان همان را باید گفت که از ادیب مشهور خلیل بن احمد فراهیدی (د 175 ق) یا از فقیه بزرگ اهل سنت محمد بن ادریس شافعی (د 204 ق) درباره امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که: «عجبت لرجل کتم اعداؤه فضائله حسدا، و کتمها محبوه خوفا، ثم ظهر بین الکتمانین ما ملأ الخافقین».

کتمان یگانه پرستی حضرت خدیجه علیها السلام

ابن حجر در وصف فضائل حضرت خدیجه علیها السلام، یکی از ویژگی های ایشان را بزرگداشت و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله قبل و بعد از بعثت دانسته است. (1) در این که حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان و به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله صدیقه امت اسلامی بودند؛ (2) تردیدی نیست اما تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت به چه معناست؟ در پاسخ باید گفت: این مطلب دال برای مان حضرت خدیجه علیها السلام به بشارت های انبیای پیشین در مورد بعثت پیامبری از نسل ابراهیم خلیل علیه السلام در شهر مکه است.

به گواه قرآن کریم اهل کتاب جزیره العرب، پیامبر صلی الله علیه و آله را به خوبی و بسان پسران خود می شناختند (3) ولی بیش تر آنان این حقیقت را کتمان می کردند (4) افزون بر آنان گروهی از مردم جزیره العرب به خدا و قیامت ایمان داشتند و در

ص: 132

1- همان، ص 102

2- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 70، ص 118.

3- سوره بقره آیه 146؛ سوره انعام آیه 20.

4- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 6، ص 177

انتظار نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. (1) آنان طبقه با فرهنگ و آشنا به خواندن و نوشتن و مأنوس با تورات و انجیل نازل شده از جانب خداوند و قائل به تحریف این دو کتاب بودند. به همین جهت، به دین حنیف ابراهیم علیه السلام اصلاح جامعه مبارزه با عادات و رسوم غلط جاهلی و تلاش برای نجات مردم از شرک و جهل و خرافات تمایل داشتند و می توان آنان را مصلحان جامعه نامید. کسانی چون، ابوذر، سلمان و ورقه بن نوفل، (2) نهضت بازگشت به دین حنیف را رهبری می کردند و این دعوت مردم به پرستش خدای یگانه سبب خشم بت پرستان از آنان بود. (3) خدیجه علیها السلام نیز از این گروه به شمار میرفت اخباری که او درباره پیامبر صلی الله علیه و آله شنید او را به ازدواج با حضرت مشتاق نمود (4) در کتب آسمانی آمده بود که احمد با شخصی به نام خدیجه علیها السلام ازدواج خواهد کرد. (5) خدیجه علیها السلام همواره ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله را از ورقه بن نوفل می پرسید و او نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را همان کسی معرفی می کرد که حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام بشارت به پیامبری او داده بودند. (6)

با این همه گزاره هایی جعلی مبنی بر بت پرستی حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد این خبر که احمد بن حنبل (د 241 ق) آن را از یکی از همسایگان خدیجه علیها السلام درباره گفتگوی پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام نقل کرده، حاکی از پرستش بت های لات و عزی توسط خدیجه علیها السلام است و پیامبر صلی الله علیه و آله نتوانسته همسرش را برای پرهیز از بت پرستی قانع سازد بلکه خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 133

-
- 1- شهرستانی، الملل والنحل، ج 2، ص 590
 - 2- به رغم تصویر شخصیت ایشان به عنوان یک مسیحی در روایات نبوی بسیاری بر مراتب بالای ایمان ایشان تأکید شده و برخی از بزرگان اهل سنت ایشان را در عداد صحابه شمرده اند. برای نمونه نک: ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، ص، 52، 54، 81 و 102.
 - 3- جواد علی المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج 12، ص 30، 31، 33، ج 15 ص 108، 114، 309 و 319؛ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ج 1، ص 185.
 - 4- حلبی، السیره الحلبیه، ج 1، ص 228.
 - 5- عینی، عمده القاری، ج 1، ص 63.
 - 6- ابن جوزی، المنتظم، ج 2، ص 373.

خواسته تا با بت‌ها کاری نداشته باشد! (1)

از این رو به اخباری که تنها دلیل آشنایی و ازدواج خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را مزدوری حضرت برای خدیجه علیها السلام در سفر تجاری شام دانسته باید تردید جدی داشت، به ویژه که بیش تر حنفی، بازرگان و از خانواده‌های برخوردارتر از سطح متوسط جامعه بودند. (2) بهترین سند تاریخی بررد این مطلب، گواه تاریخ نویس مشهور یعقوبی (د 292 ق) است که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز کارگزار خدیجه علیها السلام یا دیگری نبوده است. (3)

بیوه نمایانند حضرت خدیجه علیها السلام

یکی از تحریفات درباره حضرت خدیجه علیها السلام، افسانه ازدواج ایشان با یک یا دو مرد عرب پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ مانند ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با ابوهاله مخزومی (4) برخی ازدواج دیگری با ابوهاله تمیمی را نیز ثبت کرده اند. (5) تاریخ نگاران در این ماجرا، گاه به منابعی که بدون سند یا مستند به گفتار متأخرانی چون جرجانی (د 392 ق) است، (6) بسنده کرده و به تعارض این گزاره با سایر اخبار توجهی ننموده اند؛ در حالی که به تصریح برخی از تاریخ نگاران، ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده اند. (7)

این جهت گیری در برابر حضرت خدیجه علیها السلام، سیاست یک بام و دو هوا و نقطه مقابل موضع تاریخ نگاران در برابر دیگر صحابه است که به دو نمونه از

ص: 134

-
- 1- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج 4، ص 222
 - 2- المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام، ج 12، ص 34 و ج 16، ص 285
 - 3- ابن واضح يعقوبی، تاريخ اليعقوبی، ج 2، ص 21
 - 4- ابن منده، معرفه الصحابه، ج 1، ص 979
 - 5- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 11 و 174.
 - 6- ابن منده، معرفه الصحابه، ج 1، ص 979؛ ابونعیم، معرفه الصحابه ج 6 ص 3200 و 3201؛ ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 4، ص 1817.
 - 7- نک: ابوالقاسم اصفهانی، دلائل النبوه، ص 178؛ رازی، تبصره العوام، ص 245؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 161؛ طبری، کامل البهائی، ج 1، ص 349 و 350.

آن‌ها اشاره می‌کنیم:

نخست گزارش‌های کتب کهن تاریخی مانند طبقات ابن سعد (د 230 ق)، حاکی از ازدواج عایشه با مردی پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و داشتن فرزندی به نام عبدالله است (1) اما مشهور تاریخ‌نگاران بلکه اتفاق آنان بر دوشیزه بودن ایشان اوست.

دوم، برابر ادعای مشهور تاریخ‌نگاران در ازدواج عثمان با دختران پیامبر صلی الله علیه و آله گفته اند همسران عثمان ام کلثوم (2) و رقیه (3) که بنابه قولی پیش از اسلام با پسران ابولهب ازدواج کرده (4) و پس از نزول سوره مسد از شوهر خود جدا شدند (5) پس از گذشت سال‌ها از ازدواج‌شان هم چنان دوشیزه بوده‌اند.

از این رو باید پرسید راز پافشاری برخی تاریخ‌نگاران بر این تناقض‌گویی و سیاست دوگانه چیست و چرا گزاره‌های دال بر دوشیزه بودن ایشان نیز شهرت نیافته است؟! بعید نیست اینان خدیجه دختر خویلد اسدی را با خدیجه کبری دختر زبیر بن عوام اسدی و اسماء دختر ابوبکر (6) که دارای تجربه چند بار ازدواج از جمله با مردی مخزومی بوده، (7) خلط کرده باشند.

اخباری که در کتاب‌های تاریخی و روایی (8) دال برداشتن اولادی از شوهران سابق حضرت خدیجه علیها السلام برای ایشان وجود دارد صرف نظر از عدم تمامیت آن، اشکال کلامی که بر مضامین آن‌ها وجود دارد مبنی بر جهنم رفتن کودکان کفار که با باورهای حشویه اهل حدیث سازگار و مخالف باورهای عدلیه است. (9)

ص: 135

1- ر.ک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 46 و 47 و 50 و 51؛ عاملی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم ج 12، ص 106 - 108 و 113 - 115.

2- ابن قتیبہ، المعارف، ص 142 و 126.

3- الطبقات الکبری، ج 8، ص 174

4- مقدسی، البدء والتاریخ، ج 5، ص 17.

5- ابونعیم، معرفه الصحابه، ج 6، ص 3198

6- الطبقات الکبری، ی ج 8، ص 196؛ طبری، تاریخ طبر، ی ج 11، ص 616

7- ابن حبیب، المحب، ر ص 66 و 67

8- ابن ابی عاصم، کتاب السن، ص 95، یعقوبی، تاریخ یعقوب، ی ج 2، ص 32

9- علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، د ص 94

افسانه دوبار دامادی عثمان

همان گونه که ابن حجر گفته از دیدگاه مشهور عثمان به دلیل دوبار افتخار دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله ، به «ذوالنورین» ملقب شده است. (2) با توجه به این که به لحاظ تاریخی دامادی عثمان تنها با دختری از پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام قابل فرض است، به بررسی این موضوع می پردازیم.

در میان کتب شناخته شده، نخستین کسی (3) که به لقب «ذوالنورین» برای عثمان اشاره کرده نعیم بن حماد مروزی (د 228 ق) است که آن را از عبدالله بن عمرو عاص نقل کرده که در هنگامه جنگ یرموک ، آن را در کتابی با این لقب دیده است. (4)

در این جا به دو نکته باید توجه کرد: نخست این که راوی آن را در سال سیزدهم یا پانزدهم هجری در کتابی مجهول دیده است. دوم این که آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از صحابه نسبت نداده است در این نقل عثمان به دلیل این که مظلومانه کشته شده، مشمول «کفلین من رحمه الله» (5) (دو بهره از رحمت خدا) معرفی شده است. بنابراین می توان ذوالنورین بودن را برابر باور نویسنده آن کتاب مجهول الهویه این گونه تفسیر کرد که عثمان به دلیل برخورداری از نور ایمان و کشته شدن در راه خدا شایسته دو بهره از رحمت خدا و لقب ذوالنورین گشته است.

ص: 136

-
- 1- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 113.
 - 2- ابن حجر، الاصابه، ج 2، ص 350 - 349.
 - 3- مقصود از این مطلب بررسی پیشینه استناد به وجود روایتی نبوی دال بر این مطلب در کتب اهل سنت است و الا در این که این لقب را بنیامیه پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام برای وی به کار بردند، تردیدی نیست.
 - 4- ابن حماد، کتاب الفتن، ج 1، ص 115.
 - 5- این مضمون برداشتی از آیه 28 سوره حدید است که بشارت مؤمنان باتقوا و معتقد به خدا و رسول به برخورداری دو سهم از رحمت خداوند است

ابن ابی شیبیه (د 235 ق) و احمد بن حنبل (د 241 ق) نیز همین مضمون را با تفاوت هایی نقل کرده اند (1) اما احمد پس از نقل این حکایت غریب روایتی را از طریق ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که بر روی تمامی برگ های درختان بهشتی عبارت «محمد رسول الله ابوبکر الصدیق عمر الفاروق و عثمان ذوالنورین» نگاشته شده است! (2) بنابراین وی بدون اشاره به وجه تلقب و تسمیه از نخستین کسانی است که ملقب شدن عثمان به ذوالنورین را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است

آجری بغدادی (د 360 ق) نیز از نخستین کسانی است که بعد از نقل دو روایت از طریق ابن عباس و ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله ، ملقب شدن عثمان به ذوالنورین را به دلیل ازدواج عثمان با دو دختر پیامبر صلی الله علیه و آله ، می داند. (3)

در نقد آن چه بیان شد باید گفت: گزاره موجود در کتاب الفتن و خبر واحد یکی از صحابه از یک کتاب ناشناس هیچ گونه اعتباری ندارد. اما روایات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله ، مخالف روایات عامه و خاصه است. برای نمونه، امام بخاری (د 256 ق) در صحیح خود مطلبی را از زبان عبدالله بن عمر، در مقام دفاع از امام علی علیه السلام و عثمان و نفی اتهام فتنه از آنان نقل کرده است. در این شهادت و گواه، تاریخی عبدالله به بیان فضیلت آن دو پرداخته و دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها برای حضرت علی الا ذکر کرده! (4) در حالی که اگر حتی یک بار افتخار دامادی برای عثمان وجود داشت، شایسته بود که در چنین مقامی به آن اشاره شود. مؤید دیگر این مطلب در منابع روایی اهل سنت، ظهور اخبار مستفیض نبوی در یگانه بودن امام علی علیه السلام در دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام است.

ص: 137

1- ابن ابی شیبیه ، المصنف في الاحادیث والآثار، ج 6، ص 363؛ احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج 1، 423.

2- فضائل الصحابه، ج 1، ص 423

3- آجری بغدادی، الشریعه، ج 4، ص 1747.

4- بخاری، صحیح البخاری، ج 5، ص 157

در این اخبار که خرگوشی (د 406 ق) و دیلمی (د 509 ق)، آن را نقل کرده اند (1) وجود دامادی جز حضرت علیه السلام نفی شده است. (2)

هم چنین در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، حضرت کسانی که -به ناحق- خود را به صدیق فاروق و ذوالنورین ملقب کرده اند. نکوهش فرموده اند. (3) امام جواد علیه السلام نیز در پاسخ به پرسش های یحیی بن اکثم، فضایل منسوب به خلفا را که شبیه مناقب اهل بیت علیه السلام، است از جعلیات بنی امیه شمرده اند. (4) با عنایت به این که بیشترین جعل روایات در فضایل صحابه در زمان بنی امیه و با هدف خوار ساختن بنی هاشم صورت گرفته (5) و تلاش بر این بوده تا شبیه به تمام روایاتی را که بر فضیلت امیر مؤمنان علیه السلام دلالت دارد، برای برخی از صحابه بسازند (6) اعتبار این روایات مخدوش به نظر می رسد شاهد این ادعا نیز ملقب ساختن عثمان به ذوالنورین توسط گروهی از بنی امیه در مناظره با امام حسن مجتبی علیه السلام است. (7)

جعل این روایات از سه جهت و شبیه سازی در آنان از دو جهت بررسی می شود:

نخست در روایات نبوی بر منوط بودن انتخاب همسر برای فاطمه علیها السلام به رضایت پروردگار و نزول وحی در این باره تأکید شده است. (8) در روایات بر ساخته اموی همین روایات رونوشت شده و در برخی به جای نام علی و فاطمه علیها السلام نام عثمان و ام کلثوم جایگزین شده و در برخی نیز سخن از نزول وحی در هر دو

ص: 138

1- شوشتری، احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج 4، ص 444 - 443، ج 15، ص 650 - 649؛ ج 22، ص 331 . 330 و ج 30، ص 360 .

2- جمیل حمّود ابھی المداد، ج 2، ص 210

3- قمی، تفسیر القمی، ج 1، ص 140.

4- طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 447

5- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 11، ص 46

6- همان، ص 44-45

7- طبرسی، الاحتجاج، ج 1، ص 403.

8- کلینی، الکافی (اسلامیه)، ج 5، ص 568؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 393.

ازدواج عثمان به میان آمده است. (1)

دوم: با عنایت به ملقب شدن امیر مؤمنان علیه السلام به ذوالنورین، به دلیل نسبت پدری با نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله (2)، تلاش جاعلان برای اثبات این فضیلت در مرتبه بالاتر و اثبات ازدواج عثمان با دو فرزند حضرت بوده است. از این رو، تأکید شده که این فضیلت در میان بشر به عثمان اختصاص دارد. اختصاص این فضیلت به عثمان، از مُهَلَب بن ابی صَفْرَه (د 835 هـ) (3) از والیان اموی مشهور به کذب (4) و حسن بصری (1105 ق) (5) نقل شده و بیهقی (د 458) آن را از حسین جعفی (د 203 ق) از مشایخ احمد بن حنبل نقل کرده است (6)

سوم: راز اصرار بر وقوع این دو، ازدواج روایت نبوی برساخته است که هم نشین بهشتی پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی هستند که با حضرت پیوند ازدواج برقرار کنند. (7) روشن است که دوبار ازدواج دارای فضیلتی بس بالاتر از یک بار ازدواج و منزلتی بالاتر است. برای نفی هر گونه تردید در صحت این ادعا نقل این مطلب به داماد واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسبت داده شده است. خَیْثَمَه (د 343 ق) از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده که ذوالنورین لقب عثمان در ملاً اعلا به دلیل ازدواج عثمان با دو دختر پیامبر صلی الله علیه و آله است. (8) دارقطنی (د 385 ق) نیز در الافراد و الغرائب، این مطلب را آورده است (9)

این اخبار به تدریج به کتب تاریخی و تراجم راه یافته و به عنوان یک حقیقت مسلم، قلمداد شده است. مقدسی (د 381 ق) از نخستین کسانی به

ص: 139

1- بخاری، التاريخ الكبير، ج 3، ص 307 308؛ فسوی المعرفه و التاريخ، ج 3، ص 160 - 159.

2- کراچکی، التعجب من اغلاط العامه، ص 102. 101؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 288

3- ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 3، ص 1039

4- همان، ج 4، ص 1692.

5- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 39، ص 51.

6- بیهقی، السنن الكبرى، ج 7، ص 73.

7- ابن عبدالبر، الاستيعاب، ج 3، ص 1039؛ هیثمی، بغیه الباحث، ج 2، ص 920.

8- سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 134.

9- عینی، عمده القاری، ج 16، ص 201

شمار می آید که به این وجه تلقب به استناد روایت نبوی اشاره کرده است. او از ازدواج رقیه و ام کلثوم با عتبه و عتبه فرزندان ابولهب و طلاق آن دو از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج رقیه و سپس ام کلثوم با عثمان اشاره نموده و با گوشزد کردن یکی از اخبار منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله، در پایان افزوده که عثمان به همین دلیل به ذوالنورین ملقب شد. (1) پس از وی دیگران چون ابن عبدالبر (د 463 ق) سمعانی (د 562 ق)، ابن عساکر (د 571 ق)، ابن جوزی (د 597 ق)، ابن اثیر (د 630 ق) کنانی (د 767 ق) نووی (د 676 ق)، ابن کثیر (د 774 ق)، ابن حجر (د 852 ق) و دیار بکری (د 966 ق) وجه ملقب شدن عثمان را تزویج یکی پس از دیگری رقیه و ام کلثوم به وی توسط پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده اند. (2)

ارزش قائل شدن برای این اخبار بدانجا رسیده که در مسائل اختلافی تاریخی آن را بر مستندات تاریخی ترجیح می دهند! برای نمونه، در اینکه کدام یک از این دختران پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگ ترند اختلاف نظر وجود دارد. (3) در چنین مواردی معمولاً به سخنان معاصران آنان و نسب شناسان مراجعه می شود. اما به رغم تصریح ابن عباس (د 68 ق)، و نسب شناسانی چون کلبی (د 204 - 206 ق) (4) و زبیر بن بکار که ام کلثوم را بزرگ تر از رقیه دانسته اند، (5) ابن اثیر (د 630 ق) به استناد به روایات ازدواج عثمان رقیه را بزرگ تر از ام کلثوم دانسته است! (6)

لقب ذوالنورین بعد از شهرت اولیه آن و به رغم وجود معانی متعدد دیگر

ص: 140

-
- 1- مقدسی، البدء والتاریخ، ج 5، ص 17، 18.
 - 2- الاستیعاب، ج 3، ص 1039؛ سمعانی، الانساب، ج 6، ص 16؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 39، ص 51؛ ابن جوزی، تلقیح فہوم اهل الاثر، ص 78؛ ابن اثیر، الکامل، ج 3، ص 184؛ ابن جماعه المختصر الکبیر، ص 80؛ نووی، تہذیب الاسماء واللغات، ج 1 ص 26 و 322؛ ابن کثیر، البدایہ والنہایہ، ج 3، ص 347، همو السیرہ النبویہ، ج 2، ص 546؛ ابن حجر، الاصابہ، ج 2، ص 350 - 349؛ دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج 2، ص 254.
 - 3- سہیلی الروض الانف، ج 2، ص 243.
 - 4- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 3، ص 4؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1819.
 - 5- مصعب، زبیری نسب قریش، ج 1، ص 21.
 - 6- ابن اثیر، اسد الغابہ، ج 6، ص 384.

برای آن (1) به تدریج در معنای دوبار ازدواج مشهور شد، تا نووی (د 676 ق) در کتاب خود درباره اصطلاحات از میان وجوه نامگذاری عثمان به ذوالنورین تنها به این مطلب اشاره کند (2) و شهرت نیز بر آن استوار گردد؛ (3) در حالی که کسانی چون مالینی (د 409 یا 412 ق)، ابونعیم اصفهانی (د 430 ق)، مزی (د 742 ق)، ذهبی (د 748 ق) و عصامی (د 1111 ق) به رغم بیان لقب ذوالنورین، آن را به دوبار دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله گره زده اند. (4)

به رغم وجود شهرت دانشمندان شیعی این گزارش ها را نپذیرفته اند. سید مرتضی علم الهدی (د 436 ق)، شیخ طوسی (ده 46 ق)، ابوالفتح کراچکی (د 449 ق)، سید مرتضی رازی (د 525 ق) و سید بن طاووس (د 664 ق)، تصریح کرده اند، وجود دخترانی جز حضرت فاطمه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله محل تردید است. بر فرض وجود خارجی آنان این دو «ریبیه» و دخترخوانده های پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در عرف عرب بر فرزند خوانده نیز اطلاق فرزند می شده است. (5) دختر خواندگی آن دو را ابن شهر آشوب (د 588 ق) از بلاذری (د 279 ق) نقل کرده که گویای وجود این مطلب در نسخ انساب الاشراف در روزگار ایشان است. (6) بر فرض پذیرش وجود این دختر خوانده ها و اثبات ازدواج عثمان با آنان به تعبیر مرحوم بروجردی (د 1276 ق) در زیده المقال، اطلاق داماد بر شوهر دختر خوانده نیز رایج بوده است. (7)

ص: 141

- 1- ابوبکر سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج 2، ص 1337 - 1338؛ ج 4، ص 2353؛ ج 4، ص 2384. 2383.
- 2- نووی، تهذیب الاسماء واللغات، ج 1 ص 26 و 322
- 3- ابن حجر، الاصابه، ج 2، ص 419.
- 4- ابونعیم، معرفه الصحابه، ج 6، ص 3198؛ مزی، تهذیب الکمال، ج 19، ص 446؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج 3، ص 467؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 449؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص 134؛ عصامی، سمط النجوم، ج 2، ص 514
- 5- کراچکی، التعجب، ص 102. 101؛ رازی، تبصره العوام، ص 245؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159؛ سید بن طاووس، الطرائف، ج 2، ص 498
- 6- مناقب آل ابی طالب، همان موارد دیگری از حذف این گونه مطالب در کتاب های نخستین انساب الاشراف وجود دارد که استناد گسترده متقدمان شیعه به آن و نبودن این مطالب وجود هر گونه اشتباهی از جانب استناد دهندگان را دفع می کند.
- 7- جمیل حمود ابھی المداد، ج 2، ص 216

مشکل دیگر نیز اضطراب و تناقضات در این گزارش هاست. (1) برخی تولد آن دورا پیش از بعثت و برخی پس از بعثت می دانند قتاده (د 118 ق) تولد دختران پیامبر صلی الله علیه و آله را بعد از اسلام دانسته (2) و بنابه گفته ابن عباس، دختران به ترتیب ام کلثوم، فاطمه علیها السلام و رقیه بوده اند. (3) به تصریح ابونعیم (د 430 ق). از ناقلان عمده اخبار این دو ازدواج جدایی ام کلثوم و رقیه از عتبه و عتبه، بعد از نزول سوره مسد بوده (4) که برابر روایت صحیحین، در سال چهارم بعثت نازل شده است. (5) با عنایت به یکی از کهن ترین نقل ها در زمان تولد حضرت فاطمه علیها السلام که در 41 سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله است، (6) می توان نتیجه گرفت که ام کلثوم حین جدایی از شوهرش چهار سال داشته و رقیه دو ساله بوده است!

عجیب تر این که بنا به نقل مشهور رقیه در زمان هجرت به حبشه، حامله شده و در سه سالگی فرزندی از او سقط شده است! (7) نکته غریب دیگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله، ام کلثوم را پس از جدایی از شوهر نخست تا ازدواجش با عثمان در سال سوم هجرت (8) و بنابه نظر مشهور در زمان هجرت، دوازده سال بدون شوهر در خانه خود نگه داشته است! اگر چنین بوده چرا سخنی از هجرت او به یثرب همراه فواطم یا پیش و پس از آن به میان نیامده است؟! (9)

شاید به دلیل همین تناقضات است که بلاذری (د 279 ق) تنها به ذکر لقب ذوالنورین بدون اشاره به وجه آن بسنده کرده (10) و ادیب مشهور ابوالعباس مبرد (د 285-286 ق) عثمان را در کتاب اذواء. ملقبان به اوصاف پیشی گرفته به ذو.

ص: 142

- 1- همان، ص 207.
- 2- مقدسی، البدء و التاریخ، ج 4، ص 139 و ج 5 ص 16
- 3- الطبقات الکبری، ج 3، ص 4.
- 4- ابونعیم، معرفه الصحابه، ج 6، ص 3198.
- 5- ابن عاشور، التحریر و التتویر، ج 30 ص 599.
- 6- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1893.
- 7- مقدسی، البدء و التاریخ، ج 5، ص 17؛ جمیل حمّود، ابهی المداد، ج 2، ص 207.
- 8- مقدسی، البدء و التاریخ، همان.
- 9- ابهی المداد، ج 2، ص 210
- 10- انساب الاشراف، ج 12، ص 295

ذکر نکرده و به همین جهت سبب نکوهش ابن عبد البراز وی گردیده و به خرق اجماع متهم شده است! (1) شاید از همین روست که سورآبادی کرامی مذهب (د 494 ق)، وجوه دیگری جز دوبار دامادی را نیز برای لقب ذوالنورین نقل کرده است. (2)

شیخ مفید (د 413 ق) با توجه به این، شواهد رواج القابی چون ذوالنورین را مانند ملقب کردن بت ها به الوهیت معاویه به «خال المؤمنین» و کاتب وحی و برخی حاکمان عباسی به القاب، هادی مهدی و... بی اساس دانسته است. (3) مرحوم کراکی (د 449 ق) پس از تردید در این مطلب افزوده که بر فرض صحت چنین ازدواجی امیرمؤمنان برای ملقب شدن به ذا النور و ذوالنورین به دلیل ازدواج با فاطمه علیها السلام و ابوت حسنین و ائمه هدی شایسته ترند. (4) سید مرتضی رازی (د 525 ق) از متکلمان شیعه نیز می نویسد:

شیعیان دامادی عثمان را نپذیرفته اند و به آن تردید دارند. (5)

سید بن طاووس نیز مشابه گفتار مرحوم کراکی را بیان کرده است. (6) از این رو، اخبار نادر شیعه نیز قابل استناد نیست. (7)

بازتاب نیافتن اینار مالی حضرت خدیجه علیها السلام

در منابع تاریخی اسلامی در پشتیبانی مالی ابوبکر از اسلام بزرگ نمایی بسیاری شده است؛ مانند هزینه کردن چهل هزار درهم (سیم، سکه نقره) در

ص: 143

1- الاستیعاب، ج 2، ص 478

2- تک: سورآبادی، تفسیر سورآبادی، ج 4، ص 2353

3- شیخ مفید، الافصاح فی الامامه، ص 227 - 225

4- کراچکی، التعجب من اغلاط العامه، ص 102 - 101

5- رازی، تبصره العوام، ص 245

6- الطرائف، ج 2، ص 498

7- برخی از روایات نادر، شیعه در این زمینه است (محمد تقی مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج 2، ص 318). بر فرض تمامیت سند این اخبار با توجه به مخالفت آن ها با سایر روایات اهل بیت علیهم السلام، اعراض مشهور متقدمان از آن ها قراین، تاریخی سخنان متکلمان بزرگان شیعه و شواهد کافی بر جعل آن نیازمند توجیه و مانند حمل بر صدور آن در مقام تقیه است.

مکه و پنج هزار درهم در مدینه (1) هدیه شتری به پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت با آن به مدینه هجرت کردند (2) و آزاد ساختن هفت تن از بردگان مسلمان مانند عامر بن فهیره و بلال بن رباح که در راه خدا شکنجه می شدند. (3) در منابع روایی خبری را از طریق ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که حضرت خطاب به ابوبکر فرمود: «ما نفعنی مال ما نفعنی مال ابی بکر». (4)

در این مورد، از اخبار معارض غفلت شده است. افزون بر آن که مسلم نیشابوری (د 261 ق) گزارشی را نقل کرده که موجب تردید در روایت معاصرانش ابن ابی شیبه و ابن حنبل می شود (5) در منابع تاریخی تصریح شده که اموال حضرت خدیجه علیها السلام به تنهایی با دارایی تمام قریش برابر بوده (6) و حضرت چهل هزار دینار (زر، سکه طلا) و چهل هزار درهم در راه اسلام هزینه کرده است. (7)

به رغم اذعان تاریخ نگاران به این مطلب نه تنها به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ایثار حضرت خدیجه علیها السلام و عبارت «ما نفعنی مال کمالها» (8) بی مهری شده و نقل نگردیده، بلکه ایثار حضرت نیز بسیار کم رنگ بازتاب یافته است. از ظاهر برخی نوشته ها استفاده می شود که این دارایی در زمانه کوتاهی پاسخ گو بوده است (9) برای نمونه یعقوبی (د 2925 ق) - که شاید تنها بیان کننده این حقیقت است - نوشته که خدیجه علیها السلام اموال بسیاری را در دوران تحریم اقتصادی بنی هاشم هزینه کرد (10) بی شک مقصود وی از این، گفته منحصر کردن ایثار

ص: 144

-
- 1- الطبقات الكبرى، ج 3، ص 128.
 - 2- انساب الاشراف، ج 1، ص 511
 - 3- ابن قتیبه، المعارف، ص 177
 - 4- ابن ابی شیبه، المصنف، ج 6، ص 348؛ احمد بن حنبل، مسند الامام احمد، ج 2، ص 253؛ همو، فضائل الصحابه، ج 1، ص 65.
 - 5- مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج 6، ص 116.117
 - 6- الطبقات الكبرى، ج 8، ص 12.
 - 7- سبط بن جوزی، تذکره الخواص، ص 273
 - 8- کراجکی، التعجب من اغلاط العامه، ص 102 - 103
 - 9- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 12، ص 135
 - 10- تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31

حضرت خدیجه علیها السلام در خصوص این برهه حساس تاریخی نیست، بلکه تنها اشاره به اهمیت ایثار خدیجه علیها السلام در این دوران است.

متأسفانه خبر منفردی دال بر پایان یافتن اموال خدیجه علیها السلام در سال دهم، بعثت در یکی از کتاب های معاصر شیعه وجود دارد که حاوی برخی غرائب شواذ و مراسیل است. در این خبر مرسل پیامبر صلی الله علیه و آله در لحظات احتضار خدیجه علیها السلام از پایان یافتن اموال ایشان در راه خدا سخن گفته اند. از ادامه گزارش، نویسنده برداشت می شود که چون خدیجه علیها السلام هزینه تأمین کفن خود را، نداشته در عبای پیامبر صلی الله علیه و آله و کفنی که جبرئیل فرستاده بود دفن شده است؟! (1)

این خبر مرسل برخلاف اسناد کهن و متقن تاریخی است که نشان می دهد، دارایی پر برکت خدیجه علیها السلام، پایان نیافته و این شجره طیبه همواره در راه پیشبرد اهداف الهی در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت قرار داشته است. برابر سندی که شیخ طوسی (ده 46ق) عرضه کرده پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما نفعنی قط مال ما نفعنی مال خدیجه علیها السلام». راوی در ادامه در رد توهم مخاطبش که گمان کرده اموال خدیجه علیها السلام پایان یافته می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله هزینه هجرت [به حبشه و مدینه] را از دارایی خدیجه علیها السلام تأمین فرمود ایشان بدهکاران و بردگان دربند را آزاد ساختند از کارافتادگان را عهده دار نمودند و فقرای اصحابش را در مکه در پیشامدها و فراز و نشیب روزگار یاری کردند پیامبر صلی الله علیه و آله در طول زندگی خود و پس از ایشان اهل بیت علیهم السلام از آن اموال بهره بردند. (2)

ابو جعفر اسکافی (د240ق) نیز آزادی بردگان مسلمانی چون بلال و عامر را به دست خود پیامبر صلی الله علیه و آله [و دارایی خدیجه علیها السلام] دانسته است. (3) بنابراین می توان نتیجه گرفت غالب تاریخ نگاران بر بازتاب ندادن این افتخار و انعکاس روایات

ص: 145

1- حائری، شجره طوبی، ج 2، ص 235-234.

2- شیخ طوسی، الامالی، ص 468

3- ابوجعفر اسکافی، نقض العثمانیه؛ ص 273

بر ساخته اموی اصرار داشته اند بنابراین آن چه امروزه از این فداکاری حضرت خدیجه علیها السلام می دانیم بسیار کم تر از عمق و ژرفای آن است

بزرگ نمایی در سن حضرت خدیجه علیها السلام

سن پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج مورد اختلاف قرار گرفته و سن پیامبر صلی الله علیه و آله را بین 21 تا 37 و سن خدیجه علیها السلام را بین 25 تا 45 سال نوشته اند. (1) در غالب منابع تاریخی و روایی بر چهل سالگی حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج و 65 ساله بودن ایشان هنگام رحلت تأکید شده است. (2) تنها سند تاریخ نگاران در نقل این مطلب مشهور، خبر حکیم بن حزام است. (3) مهم ترین دلیل برخی از نویسندگان معاصر عرب در تأیید گزارش مشهور از حکیم خبر صحیح بخاری، (4) اجماع و نیز گزارش های مبتنی بر دو ازدواج حضرت پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله است! (5)

افزون بر تعارض این خبر با دیگر اخبار (6) این گزارش شاذ (7)، نادرست (8) و جعلی (9) معرفی شده است. برخی از نویسندگان معاصر عرب به دلیل بی پایه بودن این خبر به توجیه آن پرداخته و آن را نوعی مجازگویی برای اشاره به نهایت درایت و خرد حضرت خدیجه علیها السلام دانسته اند نه بیان سن واقعی حضرت. (10) به گفته

ص: 146

1- حلبی، السیره الحلبیه، ج 1 ص 229؛ وج 2، ص 166

2- نک: ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 100.

3- یوسفی غروی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ج 1، ص 336

4- عبد الحمید طهماز، السیده خدیجه ام المؤمنین، ص 40

5- احمد الجهنی، اللئالی البهیة، ص 86

6- ر.ک بغدادی، المحبر، ص 79.

7- حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 201 عنوان شاذ در چنین مواردی، بر گزارش های نادر و غیر قابل اعتنا اطلاق می شود

8- بیهقی پنجاه سال را درست دانسته است؛ دلایل النبوه، ج 2، ص 71

9- ابراهیم جمل، السیده خدیجه ام المؤمنین، ص 96

10- نک: ابراهیم الجمل ام المؤمنین خدیجه، ص 100.

ابن کثیر، بسیاری از دانایان عمر پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگام ازدواج با خدیجه علیها السلام 25 (1) و برخی از دانایان سی سال دانسته اند. (2) خدیجه علیها السلام نیز در این هنگام 25 (3) یا 28 ساله (4) بوده است

به رغم وجود اخبار معارض تلاش هدفمندی در منابع روایی برای تقویت این خبر واحد شاذ صورت گرفته است. از یک سو برای نشان دادن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان پیرزنی فرتوت و بدمنظر بسیار تلاش شده و در روایاتی - که نشانه های وضع در آن آشکار است- از حضرت با تعبیری چون «عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین»، (5) «عجوز حمراء الشدقین»، (6) «عجوز بنی اسد» (7) و «کبیره السن» (8) یاد شده است. از سوی دیگر تلاش شده تا دیگر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله نورسته و غرق در دنیای کودکی و معصومیت معرفی شود که به ناگاه وارد زندگی زناشویی شده است؛ مانند روایت احمد بن حنبل از هشام بن عروه از پدرش از عایشه که او را حین بازی با کودکان گرفته و به خانه شوهر برده اند. (9) در برخی کتب، تاریخی مبالغه بسیاری برای اثبات این مطلب شده است. (10)

بی شک این گونه مطالب سست، در پدید آمدن کتاب های شیطان صفتانی چون سلمان رشدی - همان گونه که محتوای آن گواهی می دهد - بی تأثیر نبوده است. به گفته یکی از نویسندگان معاصر عرب، کسانی که در در تلاشند سن خدیجه علیها السلام را برابر سن مادر یا خاله پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کنند، سخن شرق شناسان را به زبان می آورند که ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام را دارای

ص: 147

- 1- ابن کثیر، السیره النبویه، ج 1، ص 265
- 2- همو، البدایه والنهایه، ج 5، ص 293
- 3- السیره النبویه، ج 1، ص 265
- 4- الطبقات الکبری، ج 8، ص 13.
- 5- بخاری، صحیح البخاری، ج 4، ص 231
- 6- اسحاق بن راهویه، مسند ابن راهویه، ج 2، ص 587.
- 7- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج 12، ص 135
- 8- دولابی، الذریه الطاهره، ص 53.54
- 9- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج 6، ص 280
- 10- الطبقات الکبری، ج 8، ص 47

انگیزه مادی معرفی می کنند. (1) اشاره او به سخن کسانی چون امیل درمنگام فرانسوی (د 1971م) است (2)

کوچک نمایی آثار وجودی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام، پشتوانه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در برابر تمام ستیزه جویی، ها صادقانه از آن حضرت حمایت کردند. خدیجه علیها السلام یاور صادق پیامبر صلی الله علیه و آله و مایه آرامش دل پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. (3) خداوند به وسیله خدیجه علیها السلام، دشواری ها را بر پیامبر صلی الله علیه و آله آسان ساخت. پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن سخنان ناگوار از انکار و تکذیب، مشرکان، اندوهگین می شدند و هنگامی که [به خانه] باز می گشتند خداوند به وسیله خدیجه علیها السلام به حضرت گشایش می بخشید. خدیجه علیها السلام گام های حضرت را استوار ساخته، از رنج او می کاست و کارشکنی های مشرکان را کم اهمیت جلوه می داد. (4) او هم نشین نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و فقدان او بر پیامبر صلی الله علیه و آله گران آمد (5) تا آن جا که بر جان حضرت رسیدند. (6)

با این همه در کتاب های تاریخی تلاش هوشمندانه ای برای کم رنگ جلوه دادن نقش ایشان و حضرت ابو طالب و مساوی نشان دادن بود و نبود این دو حامی بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. برای روشن شدن این ادعا، ناگزیر باید مقدمات و مستندات را بیان کنیم.

در مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه بعد از نبوت و پیش از هجرت به مدینه (7)

ص: 148

- 1- ابراهیم الجمل، ام المؤمنین خدیجه، ص 99
- 2- بنت الشاطی، نساء النبی، ص 54.
- 3- ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ج 5، ص 227.
- 4- همان، ج 2، ص 112.
- 5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110.
- 6- الطبقات الکبری، ج 8، ص 47.
- 7- طبری، تاریخ الطبری، ج 2، ص 383

و سن مبارک شان هنگام رحلت (1) اختلاف نظر وجود دارد. در برخی از گزاره ها وقوع هجرت همزمان با رحلت یا اندکی پس از رحلت این دو پشتیبان بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش شده است برای، نمونه بخاری (د 256 ق) این مطلب را از عروه بن زبیر (د 94 ق) (2) و دولابی (د 310 ق) از زهری (د 124 ق) نقل کرده است. (3) این نقل مؤید به روایات عامه و خاصه باورهای کلامی عموم مسلمانان و گواهی صحابه و تابعان بزرگ و سخن برخی از تاریخ نگاران است.

در باب روایات باید به حدیثی اشاره کرد که ابن ابی الحدید شهرت آن را میان عامه و خاصه تا زمان خود تأیید کرده (4) و نیز روایتی که به دو طریق از امام صادق علیها السلام نقل شده است. در این روایت، تأکید شده که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت ابوطالب، از جانب خداوند مأمور به هجرت به مدینه شدند. (5) در برخی از، روایات به صدور این امرالهی در شب وفات حضرت ابوطالب اشاره شده است. (6)

در خصوص گواه صحابه و تابعان نیز باید گفت عایشه (د 58 یا 57 ق)، ابن عباس انس بن مالک (د 93 ق)، سعید بن مسیب (د 94 ق) و عمرو بن دینار (د 126 ق)، مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه را ده سال دانسته اند. (7) این گواه تاریخی تنها بر هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت این دو حامی بزرگ منطبق است.

یکی از مؤیدات این نقل در منابع متأخر گزارش صالحی شامی (د 942 ق)

ص: 149

-
- 1- سن حضرت در هنگام رحلت را بین 65 تا 600 سال نوشته اند (الطبقات الکبری، ج 2، ص 237 - 235؛ مسعودی، مروج الذهب، ج 2، ص 383-384)
 - 2- صالحی، شامی، سبیل الهدی، ج 2، ص 434.
 - 3- دولابی الذریه الطاهره، ص 39
 - 4- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه؛ ج 14، ص 70.
 - 5- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج 1، ص 174؛ کلینی، الکافی، ج 1، ص 440.
 - 6- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 35، ص 111.
 - 7- الطبقات الکبری، ج 2، ص 235؛ طبری، تاریخ طبری، ج 2، ص 384 - 383؛ ابوبکر بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 132؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج 1، ص 120؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 3، ص 4

است که هجرت به مدینه را اندکی بعد از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر طائف ذکر می کند؛ (1) در حالی که سفر حضرت به طائف پس از رحلت ابوطالب رخ داد. (2) با عنایت به این که حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت، (3) و با فاصله اندکی از درگذشت ابوطالب رحلت نمود تا آن جا که برخی رحلت آن دو را در یک روز (4) دانسته اند تردیدی نیست که هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از رحلت این دو بزرگوار بوده است.

تنها مشکلی که برای پذیرش این نقل وجود دارد عدم شهرت آن است. چون آن چه از میان اقوال متعدد شهرت یافته حضور سیزده ساله پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و سه سال پس از این دو واقعه جان گداز است (5) به روایت این منابع، حضرت پس از بازگشت از سفر طائف، به دلیل نداشتن پشتیبان به کفار مکه پناهنده شده است! (6) این قول را بلاذری (د 256 ق) از عروه بن زبیر (7) و دولابی (د 310 ق) از قتاده (د 118 ق) نقل کرده اند. (8) گواه این قول در گفتار صحابه، گفته دیگر منقول از ابن عباس و شعر صرمه بن ابی انس است. (9) مهم ترین مؤید این قول شهرت آن است.

این گزاره به رغم شهرت خود با دو چالش جدی مواجه است: نخست این که پذیرش سه سال زندگی حضرت در پناه مشرکان و رکون به ظالمان، برخلاف تأکیدات گسترده قرآن، (10) سیره حضرت و برخی روایات و سازگار با دیدگاه های حشویه درباره عصمت انبیا است. ابن جوزی (د 597 ق) که به

ص: 150

-
- 1- صالحی شامی، سبل الهدی، ج 2، ص 441-438
 - 2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 1، ص 26.
 - 3- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 405
 - 4- مقریزی، امتاع الاسماع، ج 1، ص 45
 - 5- اقوال متعدد دیگری نیز وجود دارد که به شهرت این دو قول نیست.
 - 6- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 381؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج 2، ص 441-440
 - 7- سبل الهدی، ج 2، ص 434.
 - 8- دولابی، الذریه الطاهره، ص 39
 - 9- تاریخ طبری، ج 2، ص 385-384.
 - 10- مانند: سوره نساء آیه 97، 139 و 141 سوره هود آیه 113 سوره کهف، آیه 51 و سوره ممتحنه، آیه 8 و 9،

درستی به ناسازگاری این مطلب با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله پی برده برای حل مشکل به دامن جبر متوسل شده و تسلیم در برابر مشیت خداوند حکیم را توصیه و شبهه کنندگان را ملحد قلیل الایمان معرفی کرده است. (1) افزون بر آن، این مطلب با باور عموم مسلمانان ناسازگار است به گواه طبری (د 310 ق) خاستگاه اختلاف دانشمندان در مدت اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، اختلاف در به شمار آوردن یا نیاوردن مدت حضور اسرافیل است. (2) با این توضیح که از نگاه غالب تاریخ نگاران، مدت نزول وحی در مکه ده سال بوده و تنها اختلاف در این است که پیش از نزول جبرئیل، فرشته دیگری مأمور آماده سازی ایشان برای تلقی وحی بوده یا نه بنا به دیدگاه نخست مدت حضور حضرت سیزده و بنا به دیدگاه دیگر ده سال بوده است. مستند گروه نخست گزارش احمد بن حنبل (د 241 ق) از شعبی (د 103 ق) است که اسرافیل سه سال قبل از نزول وحی همدم و آموزگار پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و حضرت تنها صدای او را شنیده است. در این مدت چیزی از قرآن بر حضرت نازل نشده و پس از پایان این سه سال جبرئیل بر حضرت نازل شده است. (3)

صرف نظر از عدم حجیت کلام شعبی برای اثبات این مسأله کلامی، بسیاری از اندیشه وران این مطلب را رد کرده اند به گواه واقدی (د 207 ق)، اهل علم و سیره نویسان پیشین این قول را مردود دانسته اند. (4) هم چنین بسیاری چون: سهیلی (د 581 ق)، نووی (د 696 ق)، ابن قیم (د 751 ق) و بُلُقَینی (د 868 ق) آن را نادرست دانسته اند. (5)

از این رو پذیرش گفتار احمد بن حنبل، خواسته یا ناخواسته، موجب شهرت قول دوم و ضعف قول نخست شده است. تاریخ نگاران مشهوری چون طبری

ص: 151

1- صالحی شامی، سبل الهدی، ج 2، ص 441

2- تاریخ طبری، ج 2، ص 383 و 387.

3- همان، 386 و 387.

4- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 1، ص 150؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 387. 386.

5- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، حاشیه ص 132.

و ابن کثیر- که سه سال حضور پیامبر صلی الله علیه و آله پس از رحلت ابوطالب و خدیجه را گزارش داده اند- به پذیرش گفتار احمد بن حنبل تصریح کرده اند. (1) صالحی نیز به پذیرش گفتار امام احمد تصریح نموده و مطلبی دال بر زنده بودن حضرت ابوطالب یش از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله را به دلیل مغایرت با وجود فاصله سه ساله بین رحلت ابوطالب و هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، غریب معرفی و آن را رد کرده است (2)

گفتار احمد بن حنبل، خواسته یا ناخواسته از اهمیت و ارزش این دو حامی فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله کاسته و نقش واقعی آنان در حمایت از حضرت و پیشرفت اسلام را پنهان نموده است

ص: 152

1- تاریخ طبری، ج 2، ص 392؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 4.

2- صالحی، شامی، سبل الهدی، ج 3، ص 234 و 230.

1. أجرى بغدادى، محمد بن الحسين، الشريعة، محقق: عبدالله الدميحي چاپ دوم رياض، دارالوطن، 1420 ق .
2. ابن ابى الحديد، شرح نهج البلاغه، محقق: ابراهيم محمد ابوالفضل، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، 1404 ق.
3. ابن ابى شيبه خواستى، عيسى، المصنف في الاحاديث والآثار، محقق: كمال يوسف الحوت، چاپ اول، رياض، مكتبة الرشد، 1409 ق.
4. ابن ابى عاصم، الآحاد والمثاني، محقق: باسم فيصل احمد الجوابره چاپ اول، دار الدراية، 1411 ق.
5. -، السنه، محقق: ناصرالدين، آلبانى چاپ اول، بيروت، المكتب الاسلامى، 1400 ق.
6. ابن اثير جزرى، اسد الغابه في معرفه الصحابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق .
7. -، الكامل في التاريخ، دار صادر، بيروت، 1385 ق.
8. ابن اسحاق، سيره، محقق: محمد حميد الله معهد الدراسات والابحاث للتعريف، بى جا، بى تا.
9. ابن جماعة كنانى، المختصر الكبير في سيره الرسول صلى الله عليه وآله، محقق: سامى مكى العانى چاپ اول، عمان، دار البشير، 1993 م.
10. ابن جوزى، ابوالفرج عبد الرحمان، تلقيح فهم اهل الاثر في عيون التاريخ والسير، چاپ اول، بيروت، دار الارقم بن ابى الارقم، 1997 م.
11. -، المنتظم في تاريخ الامم والملوك، محقق: محمد و مصطفى عبد القادر عطا، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه، 1412 ق.
12. ابن حبيب بغدادى، المحبر، محقق ايلزة ليختن شتير، بيروت، دار الآفاق الجديد، بى تا
13. ابن حجر عسقلانى، الاصابه في تمييز الصحابه، محقق، عبدالموجود و

معوض، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1415 ق.

،-، محقق علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، 1412 ق.

14. ابن حنبل، ابوعبدالله احمد بن محمد، مسند احمد، بیروت، دارصادر، بی تا.

15. -، فضائل الصحابه، تحقیق: وصی الله محمد عباس، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الرساله، 1403 ق.

16. ابن راهویه اسحاق بن ابراهیم، مروزی، مسند ابوهریره، تحقیق عبدالغفور عبدالحق و حسین برد البلوسی چاپ اول، مدینه منوره، مکتبه الایمان، 1412 ق.

17. ابن سعد هاشمی، الطبقات الکبری، محقق: محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1410 ق.

18. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، علامه، 1379 ق.

19. ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، محقق: علی محمد البجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، 1412 ق.

20. ابن عاشور، محمد طاهر بن عاشور تونسسی التحریر والتنویر، تونس، دار سخنون، 1997 م.

21. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، محقق علی شیری، بیروت، دارالفکر، 1415 ق.

22. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری، المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، دوم، قاهره الهیئه المصریه العامه للکتاب، 1992 م.

23. ابن کثیر دمشقی، البدایه والنهایه، بیروت، دارالفکر، 1407 ق.

24. -، السیره النبویه، محقق: مصطفی عبد الواحد، بیروت، دارالمعرفه 1396 ق.

25. ابن مَدَّه محمد بن إسحاق، عبدی، معرفه الصحابه، محقق: عامر حسن، صبری چاپ اول مطبوعات جامعه الإمارات العربیه المتحدہ، 1426 ق.

26. ابن هشام، السیره النبویه، محقق مصطفی السقا، الایباری و شلبي

تحريف تاريخ دربارہ حضرت خديجه عليها السلام عالى

27. ابوالقاسم اصفهاني، دلائل النبوه، محقق: محمد محمد الحداد چاپ، اول، رياض دارطبيه، 1409 ق.
28. ابونعيم اصفهاني، معرفه الصحابه، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي چاپ اول، رياض، دارالوطن، 1419 ق.
29. اسكافي ابوجعفر، تقض العثمانيه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، 1378 ق.
30. بخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، المكتبه الإسلاميه تركيه، ديار بكر بى تا
31. -، صحيح البخارى، دارالفكر، 1401 ق.
32. بلاذرى احمد بن يحيى، جمل من انساب الاشراف، محقق: سهيل زكار و رياض زرکلى، چاپ اول، بيروت، دارالفكر، 1417 ق.
33. بنت الشاطى عائشه عبد الرحمان نساء النبى، بيروت، دارالكتب العربى، 1406 ق.
34. بيهقى ابوبكر، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشريعه محقق: عبدالمعطى، قلعجى چاپ اول، بيروت دارالكتب العلميه، 1405 ق.
35. -، السنن الكبرى، چاپ اول، حيدر آباد مجلس دائرة المعارف النظاميه، 1344 ق.
36. جعفریان رسول، تاريخ، سياسى، اسلام، چاپ ششم، قم، دليل ما، 1386 ش.
37. جلال زاده ميبدى، سيد محمد حسين، ام المؤمنين خديجه عليها السلام از ولادت تا، شهادت، چاپ دوم، قم، مشهور، 1395 ش.
38. الجمل، ابراهيم محمد حسن، ام المؤمنين خديجه بنت خويلد المثل الاعلى لنساء العالمين، قاهره دار الفضيله بى تا.
39. جميل حمود ابهى المداد فى شرح مؤتمر علماء بغداد، چاپ اول، بيروت، مؤسسه الاعلمى، 1423 ق.
40. جواد على، المفصل في تاريخ العرب قبل الإسلام، چاپ چهارم، دارالساقى،

41. الجهنى، احمد حمدان سليمان اللئالى البهيه في سيره زوجه خير البريه ، چاپ اول، جده، 1431 ق.
42. حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، محقق: يوسف عبدالرحمان، المرعشلى، بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
43. حایرى، محمد مهدى ، شجره طوبى چاپ پنجم، نجف اشرف، المكتبه الحیدریه، 1385 ق.
44. حلبى، على بن ابراهيم السيره الحلبيه، بيروت، دارالمعرفه ، 1400 ق.
45. خطيب بغدادى، تاريخ بغداد محقق مصطفى عبدالقادر عطا، چاپ اول، بيروت، دار الكتب العلميه، 1417 ق.
46. دولابى، محمد بن احمد، الذريه الطاهره النبويه ، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1418 ق.
- ،-، محقق: سعد المبارک، الحسن چاپ ، اول، کویت، الدار السلفیه، 1407 ق.
47. دیاربکری حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت، دارصادر، بى تا.
48. ذهبى شمس الدين محمد بن احمد تاريخ الاسلام محقق: عمر عبدالسلام، تدمرى چاپ، دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، 1413 ق.
- 49.-،-، سير اعلام النبلاء، محقق گروهی زیر نظر شعيب الارناؤوط، چاپ سوم، الرساله، 1405 ق.
- ،-، محقق: حسین، اسد چاپ، نههم، بیروت، الرساله، 1413 ق.
50. رازى حسنى، سيدمرتضى، تبصره العوام فى معرفه مقالات الانام، مصحح عباس اقبال آشتيانى چاپ دوم، تهران ، اساطير، 1364 ش.
51. سبط بن جوزى، تذكره الخواص من الامه في ذكر خصائص الائمة، چاپ اول، قم، شريف رضى، 1418 ق.
52. سمعانى، ابوسعید ، الانساب، محقق معلمى يمانى، چاپ اول، حيدر آباد، مجلس دائره المعارف العثمانيه، 1382 ق.

53. سورآبادى، عتيق بن محمد، تفسير سورآبادى، تحقيق على اكبر سعيدى سیرجانى چاپ اول، تهران فرهنگ نشر نو، 1380 ش.
54. سيد بن طاووس، على بن موسى الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، محقق: على عاشور چاپ اول، قم، خيام، 1400 ق.
55. سيوطى، عبدالرحمان بن ابى بكر، تاريخ الخلفاء، تحقيق: محمد محى الدين، عبدالحميد چاپ، اول مصر مطبعه السعاده، 1371 ق.
56. سهيلى، عبدالرحمان الروض الانف في شرح السيره النبويه، چاپ اول، بيروت داراحياء التراث العربى، 1412 ق.
57. شهرستانى محمد بن عبد الكريم، الملل والنحل، تحقيق: محمد بدران چاپ سوم، قم، شريف رضى، 1364 ش.
58. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، محقق: غفارى، على اكبر، چاپ، دوم، تهران، اسلاميه، 1395 ق.
59. -، من لا يحضره الفقيه، محقق غفارى، على اكبر چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامى، 1413 ق.
60. شيخ طوسى، محمد بن حسن الامالى، چاپ اول، قم، دار الثقافه، 1414 ق.
61. شيخ مفيد، الافصاح، بيروت، دارالمفيد، 1414 ق.
62. صالحى شامى محمد بن يوسف، سبل الهدى والرشاد في سيره خير العباد، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، چاپ اول، بيروت دار الكتب العلميه، 1414 ق.
63. صفدى، خليل بن ابيك، الوافي بالوفيات، محقق: احمد الارناؤوط و تركى مصطفى، بيروت، داراحياء التراث، 1420 ق.
64. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على اهل اللجاج، تعليق، سيد محمد باقر خراسانى نجف اشرف دار النعمان، 1386 ق.
65. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، محقق: ابوالفضل ابراهيم چاپ، دوم، بيروت، دارالتراث، 1387 ق.

66. طبري، عمادالدين، كامل البهائي في السقيفة، چاپ اول، المكتبة الحيدريه، 1426ق.
67. طهماز عبدالحميد محمود السیده خديجه ام المؤمنين عليها السلام سبأة الخلق الى الاسلام، چاپ اول، دمشق، دار القلم، 1410 ق.
68. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، قم، دار الحديث 1426 ق.
69. عصامى، عبدالملك بن حسين، سمط النجوم العوالي في أنباء الاوائل والتوالى محقق: عادل احمد عبد الموجود - على محمد معوض، چاپ اول بيروت دارالكتب العلميه، 1419 ق.
70. علامه حلى، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، تعليقه: جعفر سبحان چاپ دوم، قم، مؤسسه امام صادق عليها السلام، 1382ش.
71. علامه مجلسى محمد باقر، بحار الانوار، محقق جمعى از محققان، چاپ دوم، بيروت، دار إحياء التراث العربى، 1403ق.
72. عينى محمود بن احمد، عمدة القارى، بيروت، دارإحياء التراث العربى، بى تا.
73. فسوى، يعقوب بن سفيان، المعرفة والتاريخ، محقق: اكرم ضياء العمرى، چاپ دوم، بيروت، مؤسسه الرساله، 1401 ق.
74. قاضى نورالله شوشترى، احقاق الحق وازهاق الباطل، چاپ اول، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، 1409 ق.
75. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، محقق موسوى جزائرى، طيب، چاپ سوم، قم، دارالكتاب، 1404 ق.
76. كراچكى، ابوالفتح التعجب من اغلاط العامه، چاپ اول، قم، دارالغدیر 1421 ق.
77. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، محقق غفارى و آخوندى، چاپ چهارم دارالكتب الاسلاميه تهران، 1407 ق.
- متقى هندی، كنز العمال: تحقيق بكرى حيانى صفوه السقا، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409 ق.
78. مجلسى، محمدتقى، لوامع صاحبقرانى (شرح فقيه)، چاپ دوم، قم،

79. مزى ، يوسف بن عبدالرحمان ، تهذيب الكمال في اسماء الرجال، محقق: بشار عواد معروف چاپ، اول، بيروت، مؤسسه الرساله، 1400 ق.

80. مسعودى، على بن حسين ، مروج الذهب و معادن الجوهر، محقق اسعد، داغر، چاپ دوم، قم، دار الهجره، 1409 ق .

81. مسلم نيشابورى، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بى تا.

82. مصعب زبيرى نسب قريش، تحقيق: ليفى بروفسال ، قاهره، دار المعارف، بى تا

83. مظفر محمدحسن، دلائل الصدق لنهج الحق، چاپ اول، قم، آل البيت عليه السلام، 1422 ق.

84. مقدسى، مطهر بن طاهر، البدء والتاريخ، مكتبه الثقافه الدينيه، بى تا.

85. مقرئى احمد بن على ، امتاع الأسماع بما للنبي من الا-حوال و الا-موال والحفدة والامتاع محقق: النميسى، چاپ اول، بيروت، دارالكتب العلميه ، 1420 ق.

86. نعيم بن حماد خزاعى مروزى كتاب الفتن محقق: سمير امين الزهيري چاپ اول، قاهره مكتبه التوحيد، 1412 ق.

87. نووى، يحيى بن شرف، تهذيب الاسماء و اللغات، تصحيح، گروهى دار الكتب العلميه، بيروت، بى تا

88. هيثمى، على بن ابى بكر، بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث ، محقق: حسين الباكري چاپ ، اول مدينه منوره خدمه السنه والسيره النبويه ، 1413 ق .

89. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب ، تاريخ يعقوبى، بيروت، دارصادر، بى تا.

90. يوسفى غروى، محمدهادى، موسوعة التاريخ الاسلامى، چاپ اول، قم، مجمع انديشه اسلامى، 1417 ق.

91. نرم افزارهاى مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامى.

نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه: هاجر رضایت

اشاره

*نقد و بررسی آراء کارن آرمسترانگ درباره حضرت خدیجه علیها السلام با تأکید بر کتاب زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه: هاجر رضایت (1)

چکیده

شرق شناس انگلیسی زبان خانم کارن آرمسترانگ، کتاب زندگی نامه پیامبر اسلام را بعد از جریان سلمان رشدی نگاشت و بعد از حادثه یازده سپتامر آن را منتشر کرد. او با بررسی تاریخ زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، ضمن معرفی اسلام به عنوان یک دین رسمی، می کوشد موضوعات را با روش مادی گرایانه ارزیابی کند و برای گزاره‌های تاریخی نمونه‌هایی از دوران معاصر عرضه نماید.

نویسنده با بررسی گزارش‌های زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، از تجارت و ازدواج ایشان با پیامبر صلی الله علیه و آله، شروع کرده و مطالب خود را تا رحلت حضرت ادامه داده است. علاوه بر کاستی‌هایی که در گزارش‌های تحلیلی او دیده می شود برخی از گزاره‌ها و تحلیل‌های وی نیاز به نقد و بررسی دارند.

نویسنده این نوشتار با بازشناسی روایات خانم آرمسترانگ، ضمن بررسی مصادر اصلی مورد استفاده، نویسنده نخست اثبات نموده که بر خلاف نظریه منابع تاریخ اسلام منحصر به مصادر معرفی شده در کتاب وی نیست. سپس با ارزیابی نوع گزارش‌های منتخب و استدلال‌های نویسنده عدم اثبات برخی از نظریه‌های او از جمله: خدیجه علیها السلام مشاور رسول الله صلی الله علیه و آله در امر بعثت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت و همانندی حضرت خدیجه علیها السلام با زنان قرن دوازدهم در اروپا را تبیین می کند

ص: 160

حضرت خدیجه علیها السلام، کارن آرمسترانگ، بعثت، تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله شرق شناسان.

مقدمه

پژوهش های خاورشناسان در تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و معارف اسلامی، روش و سبک های متفاوتی دارد برخی با محوریت دین پژوهی، با نگاه انتقادی به تخریب مبانی اساسی اسلام می پردازند. حوزه این دیدگاه، مباحث بنیادی و کلی است و موضوعات و گزارش های موردی از آن خارج می گردد. گروهی دیگر، پژوهش های خود را با محور الهیات پیش برده اند. این گروه با پذیرش اسلام به عنوان یک دین، رسمی به تحلیل محتوایی آن پرداخته اند. به نظر می رسد اثر خانم آرمسترانگ، زندگی نامه پیامبر اسلام از گروه دوم است، هر چند نمی توان به صورت کلی آن را از روش دین پژوهی مبرا دانست.

با توجه به آن که موضوع این مقاله خاص است و تنها بخشی از کتاب یاد شده را در بر می گیرد روش آن موضوع محور است که تنها به نقد و بررسی گزارش های حضرت خدیجه علیها السلام در این کتاب می پردازد. این نوشتار ضمن بازشناسی گزاره های تاریخی و تشخیص کم و کاستی ها، به تحلیل درستی و یا نادرستی نظریه های نویسنده درباره حضرت خدیجه علیها السلام توجه دارد

گفتنی است کاری جدی درباره این موضوع صورت نگرفته است. آقای محمود مطهری نیا در کتاب شرق شناسان و نبی اعظم صلی الله علیه و آله؛ نقد و بررسی آرا پنج تن از شرق شناسان، دیدگاه های پنج نفر از شرق شناسان را در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقد و بررسی کرده است. از جمله خانم کارن آرمسترانگ. این نقد، بر مباحث کلی و بسیار مختصر صورت گرفته بنابراین موضوعات مطرح شده با موضوع این مقاله متفاوت است.

موضوع محوری، مقاله، سبب شده این نوشتار از جهت علمی و روایت شناسی با دقت نظر بیش تر موضوع را ارزیابی کند.

معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ

*معرفی اجمالی کارن آرمسترانگ (1)

کارن از برجسته ترین صاحب نظران عرصه دینی در جهان انگلیس زبان است وی هفت سال از عمر خود را در مسلک راهبه کلیسای کاتولیک سپری کرد و سپس در سال 1969 ادبیات کلاسیک و مدرن را در دانشگاه آکسفورد خواند وی چندین برنامه تلویزیونی نیز درباره پولس رسول و تاریخ کلیسا تهیه کرد. او سپس به نوشتن کتاب هایی در زمینه اندیشه دینی روی آورد در حالی که جهان نگری او برآمده از بینش دینی مسیحی و خردباوری غربی است. وی همواره کوشیده تا به عنوان یک پژوهش گر به دین ها بنگرد به سخن دیگر، تلاش آرمسترانگ این بوده تا بنیاد مشترک دین های سامی را بیابد و میان آنان پلی بزند. (2)

برخی آثار او عبارتند از: شاهدهی برای خداوند، دوازده گام به سوی زندگانی با مهربانی، حضرت محمد صلی الله علیها و آله زندگی نامه پیامبر اسلام، تاریخ خداباوری، از میان والا معبر باریک که زندگی نامه خود نویسنده است؛ تاریخچه ای از خدا؛ که به بیش از سی زبان ترجمه شده است؛ اسلام تاریخی کوتاه؛ کتاب بودا؛ در جستجوی خدا بنیادگرایی در آیین یهود؛ مسیحیت و اسلام؛ تاریخ اورشلیم یک شهر، سه دین؛ خداشناسی از ابراهیم تا کنون و عارفان انگلیسی قرن چهاردهم.

دیدگاه نویسنده در مورد حضرت خدیجه علیها السلام را می توان در کتاب زندگی نامه پیامبر اسلام صلی الله علیها (3) و آله یافت این کتاب در ده فصل تنظیم شده است که عبارتند از: 1. محمد، دشمن؛ 2. محمد، انسان الهی؛ 3. جاهلیت؛ 4. وحی؛ 5. بشات دهنده؛ 6. آیه های شیطانی؛ 7. هجرت؛ 8. جنگ مقدس؛ 9. صلح مقدس؛ 10. وفات پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 162

gnortsmrA neraK -1

2- نک: کارن آرمسترانگ، محمد صلی الله علیه و آله زندگی نامه پیامبر اسلام ترجمه: کیانوش حشمتی؛ محمود مطهری نیا مستشرقان و نبی اعظم، ص 57

3- MUHAMMAD A Biography of prophet.

نویسنده در فصل چهارم در ذیل عنوان وحی بعد از نقل ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و جریان سفر آن حضرت به شام با بیان ازدواج ایشان با حضرت خدیجه علیها السلام گزارش هایی از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام نقل کرده است. کتاب زندگانی محمد صلی الله علیه و آله با ترجمه کیانوش حشمتی، نخستین بار در سال 1383 در تهران در انتشارات حکمت به چاپ رسید. این نوشتار برگرفته از ترجمه مذکور است. کتاب در زمان درگیری غرب با ماجرای سلمان رشدی نوشته شده، ولی زمان انتشار آن بعد از واقعه یازدهم سپتامبر است. نویسنده انگیزه خود از نوشتن این کتاب را دفاع از اسلام و روشن کردن ذهن مسیحیان غربی نسبت به شخصیت نورانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیان می کند که پس از انتشار کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی در غرب دچار ابهام شده بود. (1) وی در مقدمه کتاب می نویسد:

من این کتاب را به این علت نوشتم که در واقع افسوس می خوردم که سیمای [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله برای مردم غرب فقط تصویری باشد که کتاب رشدی ارائه می دهد... من [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله را یکی از نوادر تاریخ بشریت یافته بودم». (2)

وی به سبب نوشتن این کتاب در سال 1999 مفتخر به دریافت جایزه رسانه شورای امور عمومی مسلمانان گردید این کتاب از پرفروش ترین کتاب های سال امریکا پس از حادثه یازده سپتامبر در اروپاست. نوشتار پیش رو در دو بخش تقدیم می گردد: بخش اول نقد ساختاری مطالب ایشان درباره حضرت خدیجه علیها السلام و بخش دوم نقد محتوایی مطالب است.

نخست. نقد ساختاری

روشن است که نوشته های خانم آرمسترانگ نسبت به کتاب های

ص: 163

1- نک: کارن آرمسترانگ، همان، ص 11-18

2- همان، ص 12

شرق شناسانی مانند گلدزیهر (1) و شاخت (2) که با روش دین پژوهی، درصدد تخریب افکار اسلام شناسانه هستند، با دیدگاه منصفانه تری ارائه شده است. مطالب درست و ارزشمند زیادی در این کتاب می توان یافت و نکات فراوانی نیز وجود دارد که باید تحلیل و بررسی دارد. نویسنده سعی دارد که قضایا را با دید مادی گرایانه تحلیل کند و با استدلال تجربی به اثبات آن ها بپردازد. برای نمونه، او «تحنث» (3) را وسیله تقویت فکر می داند که این قدرت را به انسان می دهد تا فکرش را به ماورای طبیعت گسترش دهد. او این کار را نوعی تمرین برای رسیدن به این مرحله می داند (ص 119) به نظر می رسد نویسنده تمایل دارد که برای گزارش های صدر اسلام نمونه های امروزی نشان دهد برای مثال وقتی از فعالیت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام می گوید ایشان را با زنان قرن دوازده اروپا مقایسه می کند و می نویسد:

در اروپای قرن دوازدهم هم ما زنان زیادی را در مشاغل تجاری بانکی و فروشگاه ها می دیدیم که بسیار موفق عمل می کردند. خدیجه نیز همانند آن ها، ولی از مکه بود. (ص 114)

مهم ترین منابعی که وی در کتاب خود از آن ها استفاده کرده است عبارتند از: تاریخ های طبری واقدی، ابن اسحاق و ابن سعد. او این چهار کتاب را منبع اصلی برای دریافت اطلاعات تاریخ اسلام در نوشته های خود معرفی می کند.

ص: 164

1- ایگناس گلدزیهر (1921م) شرق شناس یهودی الاصل که آثار متعددی درباره اسلام دارد. او در دشمنی با اسلام شهره است و در یکی از آثارش به زبان عربی با عنوان العقیده والشریعه بی الاسلام ترجمه شده درباره اسلام نظریاتی مغرضانه و دور از واقعیت مطرح کرده است. نک: مهدی پیشوایی، «نقد دیدگاه گلدزیهر درباره آگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از جاودانگی جهان شمولی»، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، شماره سوم پاییز 1385

2- یوزف شاخت همه احادیث فقهی منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله را ساختگی می داند و قائل است که آن ها در اواسط قرن سوم هجری بعد از زمان، شافعی توسط نظریه پردازان مکاتب فقهی متأخر پدید آمده اند. فروغ، پارسا، حدیث در نگاه خاورشناسان بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارلد موتسکی، ص 3.

3- تحنث از کلمه حنث گرفته شده و حنث به معنای گناه است ولی تحنث به مفهوم دوری از گناه است. هم چنین به معنای عبادت و دوری از بتها گفته شده است؛ (ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 138، العین، ج 3، ص 206) در اصطلاح به عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا تحنث می گویند؛ البته برخی این حالت را مختص رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی دانند و قائلند افراد دیگری از بزرگان قریش نیز به تحنث می پرداختند (رسول جعفریان، تاریخ اسلام، ج 1، ص 225).

این مورخان نیز تنها بر عقاید و اندیشه های خود تکیه ننموده اند بلکه با تلاش فراوان نقل قول های قدیمی را بازسازی کرده اند. (ص 66)

در حالی که منابع تاریخ صدر اسلام به این کتاب ها منحصر نیست. محدود کردن منابع تاریخی به کتب اهل سنت و نقل روایات تاریخی بدون نقد و ارزیابی آن ها از درجه اعتبار و ارزش علمی نوشته می. کاهد روشن است که برای طرح هر نظریه، باید آن را در بستری کامل از علوم مرتبط قرار داد تا ثمره واقع بینانه استنتاج گردد. قرآن مهم ترین منبع برای شناسایی وقایع صدر اسلام است کسی که با تفسیر و ابزارهای فهم قرآن آشنا باشد، می تواند دروغ پردازی های موجود در برخی از منابع را تشخیص دهد و یا از معیارهای قرآن برای درستی و نادرستی حوادث صدر اسلام استفاده کند. با این که نویسندگان به استفاده از قرآن اعتقاد دارد در نوشته هایش این بهره وری بسیار کم است. برای مثال می توان در جریان وحی و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و آگاهی و یا ناآگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از بعثت از قرآن کریم استفاده نمود. (1)

در موضوع مورد بحث شش روایت از ابن اسحاق نقل شده در حالی که اکثر روایات او خصوصاً روایات قبل از بعثت، وی مرسل (2) هستند و بدون ارزیابی آن ها نمی توان بر آن ها تکیه کرد. منبع دیگر تاریخ طبری است که در یک جا از آن نام می برد گزارش های طبری نیز بدون ارزیابی قابل استفاده نیستند. روش نویسندگان در ارجاع مطالب مشخص نیست؛ نام منبع برخی مطالب مشخصاً در پی نوشت آمده و گاهی نیز نام کتاب در متن ذکر شده است. در موارد زیادی، مطالب بدون ارجاع بیان شده اند که به نظر می رسد برداشت های خود نویسندگان از تاریخ باشد. (ص 119)

ص: 165

1- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 2، ص 201؛ العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 478

2- مرسل به حدیثی گفته می شود که در سند آن راوی حذف شده باشد به عبارتی دیگر روایت متصل به ناقل نباشد. الشریف المرتضی، رسائل المرتضی، ج 2، ص 282

دوران زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام از دوران های مهم تاریخ اسلام است و حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ صدر رسالت نقش زیادی داشتند. در بررسی به عمل آمده در عناوین و موضوعات مطرح در کتاب زندگی نامه محمد صلی الله علیه و آله، کم و کاستی های زیادی به چشم می خورد. بی توجهی، به مناقب و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در بسیاری از کتاب های تاریخی و روایی وجود دارد سبب می شود که نقش ایشان در حوادث صدر اسلام به خوبی تبیین نگردد و یا دچار انحراف شود.

1. موقعیت و شرافت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت

آرمسترانگ وقتی به بیان وقایع تاریخی دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام می رسد، از دواج خدیجه علیها السلام با حضرت را با نقل جریان تجارت به شام آغاز می کند و در مورد موقعیت شرافت و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلی و بعد از آن که او را ممتاز نموده سخنی به میان نمی آورد. ایشان دارای القابی بودند که نشان دهنده برجسته بودن ایشان در میان زنان عصر جاهلی است؛ از جمله: «طاهره قریش»، (1) «کبری»، (2) «سیده نساء قریش» (3) این، القاب به دلیل پرهیزکاری و شأن و مقام در دوران قبل از اسلام به ایشان داده شده است.

2. خدیجه سرور زنان عالم

بعد از اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان لقب «سیده نساء العالمین» (4) دادند و بارها او را با عبارات مختلف از جمله چهار زن برتر دو جهان و بهشت و امت

ص: 166

1- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 12.

2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 78؛ البدایه والنهایه، ج 5، ص 329؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 218.

3- السیره الحلبیه، ج 1، ص 224

4- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 2، ص 1821

خواندند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

سرور زنان هر دو جهان مریم است سپس، فاطمه، بعد خدیجه و سپس آسیه. (1)

در جای دیگر می فرماید:

همانا چهار نفر برترین زنان اهل بهشتند: خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون.

(2)

در جای دیگر از ایشان به عنوان بهترین زنان امت یاد شده است. (3)

3. سلام خداوند به حضرت خدیجه علیها السلام

یکی از فضایلی که حضرت خدیجه علیها السلام کسب کرد و کمتر کسی به آن نائل شده، آن است که خداوند به ایشان سلام رساند انس

روایت کرده که جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: «خداوند بر خدیجه سلام می رساند!» (4)

4. بشارت بهشت به حضرت خدیجه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله در چند مورد به حضرت خدیجه علیها السلام وعده بهشت داده اند این موضوع در صحیحین از عایشه نقل شده

است. (5)

ب) تحلیل برخی از گزارش ها

در ادامه به نقد و بررسی گزارشی هایی پرداخته می شود که با برخی از مبانی دینی و دیگر گزارش های تاریخی هم خوانی ندارند:

1. خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله تا سال دهم بعثت

نویسنده با استناد به تک همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران حضرت

ص: 167

1- همان

2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 83؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 8، ص 101.

3- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 83.

4- مسلم بن حجاج القرشیری نیشابوری، الصحیح، ص 261؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح، ج 4، ص 231

5- احمد بن شعیب نسائی، فضائل الصحابه، ص 75

خدیجه علیها السلام، به نقد دیدگاه های نویسندگان غربی درباره تعدد زوجات نبی صلی الله علیه و اله پرداخته می نویسد:

اگر چه [حضرت] محمد صلی الله علیه و اله به زنان اشتیاق نشان می داد هرگز تا زمانی که خدیجه زنده بود تصور چند زن داشتن را که از کارهای عادی اعراب به شمار می رفت به خود راه نداد همین نکته پاسخی است به غریبان که از ایشان به سبب داشتن چند زن انتقاد می کنند. (ص 116)

به نظر می رسد گاهی تناقضاتی در متن وجود دارد که خواننده را دچار سردرگمی می کند. وی در جایی دنبال پاسخ گویی انتقادات به غریبان درباره تعدد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است و می خواهد حضرت را از تهمت «تمایل به زنان و شهوت رانی» مبرا سازد و این در حالی که با جملاتی مانند: «اگر چه محمد صلی الله علیه و آله به زنان اشتیاق نشان می داد...» (ص 116) کلام خود را نقض می کند.

بی شک پیامبر صلی الله علیه و آله برای حضرت خدیجه علیها السلام احترام ویژه ای قائل بودند و اگر گفته شود تک همسری نوعی عزت و احترام به همسر است و پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت اکرام حضرت خدیجه علیها السلام در دوران حیات ایشان همسر دیگری اختیار نکردند، توجه به این نکته هم ضروری است که آن چه سبب ازدواج های حضرت بعد از رحلت خدیجه علیها السلام شد، عوامل سیاسی - اجتماعی بود که تا قبل از سال ده هجری وجود نداشت، نویسنده در تحلیل تعدد همسران نبی به این نکته توجه نکرده است. (ص 219) بنابراین پیامبر صلی الله علیه و آله در هیچ زمانی اشتیاق به زنان نداشته اند تا با این استدلال بخواهیم ایشان را تبرئه نماییم. نویسنده می خواهد بر بی میلی پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان استدلال بیاورد ولی با چیش مطالب کلام خود را نقض می کند

2. ستایش حضرت خدیجه علیها السلام در سیره پیامبر

شناختن ویژگی های اخلاقی و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، گاهی سبب قضاوت های نادرست در آثار خاورشناسان گردیده است. آرمسترانگ در مورد

محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

... پس از مرگ خدیجه هم [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله با ستایش همیشگی او عصبانیت سایر زنان خود را بر می انگیخت. (ص)
(116)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران زندگانی با حضرت خدیجه علیها السلام، احترام خاصی برای او قائل بودند و حتی بعد از رحلت خدیجه علیها السلام او را زیاد یاد می کردند و ستایش می نمودند، توجه به خدیجه علیها السلام با هدف ناراحت کردن دیگر زنان نبود بلکه به جهت زحمات و رنج هایی بود که خدیجه علیها السلام در راه اسلام، به عنوان یک همراه و دوست برای ترویج اسلام کشیدند نخستین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، حضرت خدیجه علیها السلام بود که او را از مصادیق «سابقون» در قرآن کریم قرار داد. (1) زمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مکه دعوت علنی خود را آغاز نمودند و تمام مکه با حضرت دشمنی می کردند، حضرت خدیجه علیها السلام در کنار علی بن ابی طالب از پیامبر حمایت می نمودند او تمام اموال و سرمایه تجاری خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد اگر آن حمایت مالی نبود، پیامبر صلی الله علیه و آله دچار سختی های زیادی می شدند او در شعب ابی طالب کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و سختی های آن را متحمل گردید. (2) عایشه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره از خدیجه علیها السلام یاد می کردند که این غیرت و حسادت او را بر می انگیخت. وقتی اعتراض کرد که «مگر نه آن که خدیجه پیرزنی بود که درگذشت و خداوند بهتر او را نصیب تو کرده است؟» مشاهده کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت خشمگین شدند و چهره برافروختند به گونه ای که مانند آن را فقط در زمان نزول وحی دیده بود. آن گاه فرمودند:

نه به خدا قسم! هرگز خداوند بهتر از خدیجه علیها السلام را به من نداده است. او زمانی به من ایمان آورد که مردم به من کفر می ورزیدند؛ و زمانی مرا تصدیق کرد که مردم مرا تکذیب می کردند و زمانی با اموالش مرا حمایت کرد که مردم مرا تحریم کرده بودند خداوند از او فرزندان به من روزی کرد، در

ص: 169

1- سوره واقعه، آیه 10.

2- نک: الاصابه، ج 8، ص 103

حالی که از همسران دیگر فرزندی ندارم (1)

این ها از نمونه موارد خدمات و زحماتی است که دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد آن ها بودند. آن ها زمانی در کنار حضرت قرار گرفتند که پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه دارای زندگی نسبتاً آرامی بودند سختی هایی که خدیجه علیها السلام متحمل گردید و زحمات او سبب شد که نه تنها از زنان دیگر بلکه از خیلی از مردان نیز در نزد خداوند و رسولش عزیزتر گردد. پیامبر صلی الله علیه و آله در رفتار با همسرانش تفاوتی قائل نبودند و با همه آن ها با عدالت رفتار می کردند نه تنها با عایشه، بلکه با همه با مهربانی و عطف بر خورد می نمودند و اسوه و الگوی رحمت و عدالت بودند. خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را الگوی نیکی و خوبی معرفی کرده در سوره تحریم می فرماید: (وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (2) در ذیل آیه 58 سوره توبه، پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب منافقین می فرماید:

وای بر شما اگر من به عدالت رفتار نکنم چه کسی می خواهد بعد من به عدالت رفتار کند». (3)

3. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده تصریح می کند که حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، دو مرتبه ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت (ص 114). در منابع اسلامی درباره این موضوع تردید وجود دارد و دلایلی آن را رد می کند: ابن شهر آشوب می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد در حالی که او عذرا (دوشیزه) بود. (4)

حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاران زیادی داشت بزرگان، اشراف و شخصیت های

ص: 170

1- اسد الغابه، ج 7، ص 84؛ الاستیعاب، ج 4، ص 384.

2- سوره احزاب آیه 21

3- احمد بن علی نسائی، تفسیر نسائی، ج 1، ص 545؛ نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر السمرقندی المسمی حر العلوم، ج 2، ص 67.

4- «ان النبی تزوج به و کانت عذراء». محمد بن علی بن شهر آشوب، المناقب، ج 1، ص 159.

زیادی از قریش به خواستگاری او آمدند (1) ولی به همه جواب رد می داد. اگر او دو مرتبه ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت نمی توان تصور کرد که چنین مورد توجه بزرگان بوده باشد. نکته مهم دیگر تناقض و تعارض هایی است که در روایات مربوط به ازدواج خدیجه علیها السلام دیده می شود که علامه جعفر مرتضی مفصل به آن پرداخته است. نام ابوهاله در این روایات، گاهی نباش بن زراره و یا زراره بن نباش و گاهی هند و در مواردی مالک گفته شده است. این سؤال مطرح می شود که آیا او صحابی بوده یا نه؟ هند پسر بوده یا دختر؟ این موارد، از اختلافاتی است که به روشنی در این نقل ها وجود دارد. (2) نکته دیگر در این، گزارش فرزندان زیادی است که از همسران قبلی به خدیجه علیها السلام نسبت داده می شود. اولاً در منابع، تعداد فرزندان بیش از دو نفر نقل نشده است. ثانیاً علامه جعفر مرتضی شواهد و قراینی آورده که ثابت می کند آنان فرزندان خواهر حضرت خدیجه بوده اند که به علت فوت خواهرشان تحت تکلف او قرار گرفتند. (3)

خانم آرمسترانگ در مورد سن خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج تردید ایجاد می کند و می نویسد:

... در این زمان خدیجه چهل ساله بود ولی از آن جا که توانسته شش فرزند برای محمد بیاورد، باید او را جوان تر تصور کرد (ص 115).

این تحلیل نویسنده از سن حضرت خدیجه علیها السلام، می تواند تقویت کننده روایاتی باشد که سن حضرت را کم تر از چهل سال بیان کرده اند. (4)

4. نقش حضرت خدیجه در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 171

1- «کل شریف من قریش یتمنی ان یتزوجها». (ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج 8، ص 101؛ جعفر مرتضی عاملی، بنات الرسول صلی الله علیه و آله ام ربائبه، ص 91).

2- علی بن محمد ابی القاسم کوفی، الاستغاثه فی بدع الثلاثه، ص 114؛ جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی، ج 1 (جزء اول)، ص 122.

3- جعفر مرتضی عاملی در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام و فرزندان او مفصل بحث کرده است. نک: بنات الرسول صلی الله علیه و آله ام ربائبه، ص 85

4- عبد الملك بن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 198؛ محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلا، ج 2، ص

حضرت خدیجه علیها السلام از ابتدای بعثت در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و یاور ایشان بودند. نویسنده جریان وحی را چنین نقل می کند:

[حضرت] محمد در شب هفدهم ماه رمضان سال 610 در بالای کوه، همانند موسی علیه السلام خدای خود را ملاقات کرد و پس از ملاقات با پیک الهی وحشت زده شد و ناگهان از رؤیا بیرون آمد و تصور کرد که به کاهن جن زده تبدیل شده و اشباح او را تسخیر کرده اند. دیگر نمی خواست زنده بماند... (ص 119) [حضرت] محمد سریعاً نزد خدیجه بازگشت. خدیجه با دلواپسی خاصی می خواست او را آرام سازد به او گفت: «مطمئن باش که خداوند چنین روش مستبدانه و غیر منطقی را برای الهام وحی برای خود انتخاب نمی کند. تو در تمام زندگی با خداوند دوستانه برخورد کرده ای و او هم در مقابل نخواهد گذاشت که تو شکست بخوری...» (ص 122) و خدیجه ناچار سراغ ورقه رفت ورقه که در ابلاغ پیامبری به آن حضرت شک نداشت بلافاصله با هیجان فریاد کشید که «مقدسا، مقدسا! بزرگ ترین ناموس که بر موسی ظاهر شد بر او نیز ظاهر شده است». (ص 119 و 122 - 123)

در این متن به چند نکته باید توجه شود:

1-4-رسالت و وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله در عالم خواب

این روایت با روایت مشهور از عروه بن زبیر که بعثت و دریافت وحی را در بیداری می داند در تعارض است در آن جا بیان شده که ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرائیل در بیداری اتفاق افتاده است. (1) از سوی دیگر ورود جبرائیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله - به دفعات- در عالم بیداری طی مدت عمر پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت در منابع بیان شده است. به نظر می رسد با توجه به این نکته و مشکلات دیگری که این روایت دارد نمی توان پذیرفت بدء الوحی پیامبر در رؤیا صورت گرفته است.

2-4-بی اطلاعی پیامبر صلی الله علیه و آله از رسالت

ص: 172

1- تک: محمدرضا هدایت پناه، زبیریان و تدوین سیره نبوی، ص 165.

بی اطلاعی از نبوت، با مبانی قرآنی و روایی اسلام تنافی دارد. خداوند در قرآن می فرماید: (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي)؛ (1) و (إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي) (2) و (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ...) (3) این آیات شریفه بر آگاهی رسول خدا صلی الله علیه و آله از رسالت خویش صراحت دارند.

بر اساس منابع روایی زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «چگونه رسول خدا نمی ترسد که آن چه به سوی او می آید از جانب شیطان باشد نه از جانب خدا؟» حضرت فرمود:

وقتی بنده ای را رسول خودش قرار می دهد بر او سکینه و وقار را نازل می کند به طوری که کسی از طرف خدا به سوی او می آید. (4)
علامه طبرسی در این باره می گوید:

خداوند جز با دلایل آشکار و نشانه های روشن به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی نمی کند؛ به طوری که رسولش مطمئن است که آن چه بر او وحی می شود از ناحیه خداوند است. (5)

در نتیجه این روایت با قرآن و روایات دیگر در تناقض است. ناآگاهی پیامبر صلی الله علیه و آله از وحی با مبانی عقلی سازگار نیست کسی که رهبری امت را به عهده می گیرد، نمی شود خود مطلع از این رسالت بزرگ آگاه نباشد و افرادی از بیرون به او اطمینان دهند. از حکمت خداوند به دور است که رسولش را رها کند و خود اطمینان دهنده به او نباشد.

از سوی دیگر، هویت ورقه بن نوفل در منابع نامشخص است بر اساس منابع

ص: 173

1- سوره یوسف، آیه 108.

2- سوره انعام، آیه 2.

3- سوره بقره، آیه 285

4- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج 2، ص 201؛ العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 478

5- طبرسی، مجمع البیان، ج 3، ص 271؛ نک: معرفت، التمهید، ج 1، ص 56-58.

اهل سنت او در تاریخ جاهلیت از دنیا رفته است. (1) اگر ورقه پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کرده و رسالت حضرت را تبریک گفته چرا در منابع تاریخی نام او جزو مسلمانان صدر اسلام بیان نشده است؟ این گونه اشکالات، روایت را تضعیف و آن را از درجه اعتبار ساقط می کند.

3-4- ترس پیامبر از جن زدگی

همان گونه که در قسمت قبل بیان شد، این گونه گزارش ها با مبانی عقلی، قرآنی و روایی متناقض هستند و پذیرش آن ها از یک تاریخ نگار، نشانه ناآگاهی و بی مهارتی وی در منابع اسلامی است

4-4- معرفی حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور پیامبر صلی الله علیه و آله

نویسنده تبیین درستی از حمایت های حضرت خدیجه علیها السلام در تبلیغ دین نکرده است. او با استفاده از برخی روایات ضعیف و جعلی، جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله را تضعیف می کند. او پیامبر صلی الله علیه و آله را شخصی فاقد اراده معرفی کرده که قدرت تصمیم گیری ندارد شخصیتی که در برابر سختی ها به پشتیبانی حضرت خدیجه علیها السلام نیاز دارد. او می نویسد:

تمامی منابع از اتکاء خارج از تصور [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بر خدیجه در زمان های بحران خبر می دهند. (ص 122)

در جای دیگر چنین آورده است:

خدیجه تنها یک همسر مهربان و آرام بخش نبود؛ او مشاور روحی محمد صلی الله علیه و آله نیز محسوب می شد. (ص 122)

نویسنده تأثیر رحل حضرت خدیجه علیها السلام را در زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشبرد اهدافش زیربنایی می داند و می نویسد:

او نزدیک ترین یار و غم خوار [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بود و پس از مرگش هیچ کس نمی توانست جایگزین او باشد... و این موضوع بر زندگانی [حضرت] محمد به طور زیربنایی اثر گذاشت. (ص 201)

ص: 174

در جریان سفر به طائف می نویسد:

جای خدیجه بسیار خالی بود که در این لحظات تنهایی او را درک می کرد و به او دلداری می داد و برای ادامه راه به تشویق و نصیحت او می پرداخت. (ص 206)

و در جای دیگر نوشته است:

در آغاز سال 619 مرگ خدیجه تثبیت موقعیت [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله را در مکه ناممکن ساخت. (ص 198)

هیچ کس از او عزیزتر بر من نخواهد بود؛ زمانی که همه مرا رها کردند تنها او از من حمایت می نمود (ص 312)

حضرت خدیجه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار عزیز بود و پیامبر صلی الله علیه و آله از خدمات و زحمات او زیاد یاد می کردند ولی این دلیل نمی شود که او را مشاور حضرت بخوانیم یا نصیحت گر پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی نماییم. این سخن علاوه بر آن که دلیل محکمی ندارد با آیات قرآن و مبانی کلامی شیعه که برگرفته از منابع اصیل اسلامی است سازگاری ندارد

همان گونه که در نقد ساختاری اشاره شد این روایت مرسل است. روایت مرسل قابل اعتماد نیست

5. مدیریت تجاری حضرت خدیجه علیها السلام

کارن در مورد موقعیت حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج چنین آورده است:

زندگی شهری به بعضی از زنان اجازه فعالیت های تجاری را داده بود. در اروپای قرن دوازدهم نیز زنان زیادی را در مشاغل تجاری بانکی و فروشگاه ها می دیدم که بسیار موفق عمل می کردند. خدیجه نیز همانند آن ها ولی از مکه بود. (ص 114)

حضرت خدیجه علیها السلام در این گزارش به زنان اروپایی قرن دوازدهم اروپا تشبیه شده، در حالی که نویسنده معاصر است و در دوران حاضر بیش تر زنان در

ص: 175

عرصه اجتماعی بسیار موفق هستند به نظر می رسد نویسنده مقصد خاصی را دنبال می کند بنابراین لازم است به وضعیت اقتصادی زن اروپایی در این قرن توجه شود.

وضعیت اقتصادی بعد از قرن دوازده و سیزده در اثر رشد سریع صنایع دستی و رونق بازار تجارت مقدمات جنبش، عملی فکری و صنعتی اروپاییان را فراهم کرد (1) در این بازار تجارت به صنعتگران اجازه می دادند زنان و دختران خود را استخدام کنند؛ آن ها را به عضویت صنف در آورند، اصنافی که متشکل از هر دو جنس (زن و مرد) بودند زنان به ندرت به مقامات استادکاری می رسیدند و برای کار مساوی دستمزدشان از مردان کم تر بود. (2)

زنان طبقات متوسط در این دوران با لباس های فاخر ثروت شوهران خویش را به رخ دیگران می کشیدند و با شور تمام در اعیاد مذهبی و جشن و سرورهای اجتماعی شهرها شرکت می کردند بانوان طبقه اشراف با سهم شدن در مسئولیت های شوهران و معاشرت با شهسواران به چنان مقام و درجه اجتماعی نائل آمدند که نظیرش را هرگز ندیده بودند. (3)

ادبیات این عهد مالا مال از اسناد و مدارکی است درباره زن هایی که شوهران شان را مطیع خود ساخته اند. (4)

چند نکته در این گزارش وجود دارد:

1. استخدام زنان با حقوق ناچیز؛

2. تفاخر زنان به وسیله ثروت همسران شان؛

3. موفقیت زنان در مطیع کردن همسران شان.

حضرت خدیجه علیها السلام دارای کاروان های تجارتی بود. او مردان پاک و شریف و امانت دار را استخدام می کرد و به شهرهای شام برای تجارت می فرستاد.

ص: 176

-
- 1- عباسقلی غفاری نژاد، تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم، ص 221
 - 2- دورانت، ویلیام جیمز تاریخ تمدن (عصر ایمان)، ج 2/4، ص 1112
 - 3- همان، ص 1113.
 - 4- همان

استخدام مردان به صورت اجاره و تعیین از سهمی از معامله برای آنان بود. (1) او مانند زنان اروپایی در استخدام کسی نبود. اولاً همان گونه که مطرح گردید، حضرت خدیجه علیها السلام خانمی تاجر پیشه و صاحب کاروان های تجارتي بود و مانند زنان اروپایی در استخدام دیگران نبود.

به نظر می رسد نویسنده با زیرکی ثروت حضرت خدیجه علیها السلام را ثمره ازدواج های قبلی آن حضرت بیان می کند. گر چه برخی از تاریخ نگاران، به این موضوع نیز اشاره کرده اند در اصل این جریان تشکیک وجود دارد؛ زیرا بیش تر تاریخ نگاران قدیمی ثروت حضرت را ثمره تجارت و تلاش خود حضرت دانسته اند. (2)

نویسنده می کوشد، پیامبر صلی الله علیه و آله را مطیع امر حضرت خدیجه علیها السلام معرفی کند که در این مقاله مفصل بحث شد و علت چنین دیدگاهی حدسیات و تحلیلات ذهنی وی است. (3)

6. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله

با این که نویسنده در تحلیل زمان ازدواج خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله می نویسد: «با توجه به آن که [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله شش فرزند داشت باید سن او کم تر بوده باشد» (ص 102) در این جا حضرت خدیجه را زنی مسن و بیوه معرفی می کند، همان گونه که بیان شد در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام، قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف نظر وجود دارد و برخی به شدت آن را رد می کنند. (4) خانم آرمسترانگ در این مورد می نویسد:

با این که مسأله ازدواج با زنان مسن و بیوه خیلی پیچیده نبود و عملی عادی محسوب می شد در مورد [حضرت] محمد چنین وانمود شده که

ص: 177

-
- 1- اسد الغابه في معرفة الصحابة، ج 1، ص 16؛ ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 1، ص 17؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 199؛ محسن امین، اعیان الشیعه، ج 1، ص 220
 - 2- طبقات الكبرى، ج 10، ص 17؛ السيرة النبوية، ج 1، ص 199.
 - 3- نک: همین، مقاله قسمت نقش حضرت خدیجه علیها السلام ای در رسالت.
 - 4- نک: همین مقاله قسمت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

ازدواج های او جنبه خودخواهی برای رسیدن به اهداف جاه طلبانه داشته است. (ص 115)

در ادامه می نویسد:

حتی ماکسیم رودنسون (1) در زندگی نامه محمد صلی الله علیه و آله با احساس هم دردی می نویسد: «این ازدواج هم از لحاظ جنسی و هم از لحاظ احساسی باید برای [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بسیار خسته کننده بوده باشد» (ص 115) این ازدواج جنبه راحت طلبی هم نداشت [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بخش عظیمی از ثروت خدیجه را صرف مستمندان و فقرا کرد تا جایی که خانواده او در مشقت نسبی به سر می بردند (ص 116)

عشق پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام حتی پس از درگذشت او و علاقه زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان که بعد از رحلت او توجه و محبت به نزدیکان خدیجه علیها السلام و فرزندش حضرت زهرا علیها السلام تجلی می کند خلاف این گفته را تأیید می نماید.

7. فرزندان پیامبر از حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام را شش نفر بیان می کند؛ دو پسر به نام های قاسم و عبدالله که هر دو در نوزادی فوت کردند و چهار دختر به نام های، زینب، رقیه، ام کلثوم، و فاطمه علیها السلام. (ص 104).

تاریخ نگاران در مورد فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله متفق القول نیستند. برخی فرزندان حضرت را چنین شمرده اند، قاسم عبد الله و ام کلثوم و فاطمه علیها السلام؛ و دو دختر دیگر یعنی زینب و رقیه را دختران جحش به شمار می آورند و آن ها را «ربائب» پیامبر صلی الله علیه و آله و می دانند. (2) افرادی نیز تنها حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کرده و سه دختر دیگر را ربائب آن حضرت دانسته اند. (3)

8. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 178

1- Maxime Rodinson.

2- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159؛ اعیان الشیعه، ج 6، ص 309.

3- فضل بن محمد طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج 1، ص 257

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب آرمسترانگ چنین ترسیم شده است:

تاریخ نگاران و سیره نویسان سال 619 را سال حزن و اندوه [حضرت] محمد صلی الله علیه و اله نامیده اند. خدیجه علیها السلام اندکی پس از پایان تحریم فوت کرد. او که دوران شصت سالگی را می گذراند، به شدت از کمبود غذایی صدمه دیده بود. او نزدیک ترین یار و غم خوار [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله بود و پس از مرگش هیچ کس نمی توانست جایگزین او باشد... و این موضوع بر زندگانی اش به طرز زیر بنایی اثر گذاشت. (ص 201) فاطمه تنها یادگار حضرت خدیجه علیها السلام نزد حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت به دو پسر حضرت علی علیه السلام حسن و حسین علاقه مند بود. (ص 396)

در این قسمت نیز نویسنده براساس حدسیات شخصی خود علت رحلت حضرت خدیجه علیها السلام را گرسنگی و رنج در شعب ابی طالب می داند، در حالی که چنین مطلبی در منابع تاریخی نقل نشده است.

نتیجه

در بررسی انجام شده در کتاب زندگی نامه محمد صلی الله علیه و آله دیدگاه های نویسنده در مورد حضرت خدیجه علیها السلام به طور ساختاری و محتوایی نقد گردید. بنابر مطالب پیش گفته، نشانه هایی از تعصب و اسلام ستیزی در این اثر دیده می شود، اما بسیار کم نمود. است شاخصه های فکری و تحلیلی نویسنده را در چند مورد می توان خلاصه کرد استفاده افراط گرایانه از ابزار عقل در تحلیل ها تحلیل های تاریخی بر اساس حدسیات و برداشت های شخصی محدود کردن استنادات به برخی منابع، برجسته نمایی مسائل اختلاف انگیز و درون دینی و تحلیل گزارش های تاریخی بر اساس رفتارهای عرفی نامعتبر

اشکالات محتوایی در موارد ذیل خلاصه می شود:

با توجه به نقش حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام کم و کاستی های در کتاب وجود دارد؛ نادیده گرفتن فضایل حضرت خدیجه علیها السلام؛ مانند بیان نکردن القاب حضرت که از اخلاق حسنه و دوری ایشان از انحرافات و افکار جاهلانه

حکایت می کند و یا نیاوردن روایاتی که شاخصه مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام نزد خداوند و رسول گرامی را نشان می دهد از موارد آن است. با توجه به این که این گونه روایات در کتاب های متقدمان به صراحت نقل شده است.

تحلیل های نادرست رفتارشناسانه از حضرت خدیجه علیها السلام؛ مانند تأکید بیش از حد بر نقش ایشان در جریان نزول، وحی سبب گردیده که خدیجه علیها السلام به عنوان مشاور و ناصح پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شود، و شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله تضعیف گردد؛ گویا مدیریت این رسالت به عهده حضرت خدیجه علیها السلام بوده، در حالی که این تحلیل ها با مبانی دین اسلام و قرآن در تعارض است.

تشبیه حضرت خدیجه علیها السلام به زنان اروپایی قرن شانزدهم، دلیل بر دیدگاه نویسنده به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان خانمی تفاخرگرا و زن سالار است به نظر می رسد نوع نگاه نویسنده به آن حضرت ناشی از دیدگاه فمینیستی است. ناسازگاری این دیدگاه با گزاره های تاریخی ثابت گردید.

در نقل گزارش ها به نظر می رسد نویسنده گزینشی عمل کرده است. برای مثال، از گزارش های تاریخ طبری یک مورد را انتخاب و ادامه آن را از منبع دیگر نقل می کند این گونه تحلیل ها از قوام متن می کاهد.

گزارش هایی در این کتاب نقل گردیده که در منابع اسلامی یا مردود شمرده شده اند و یا حداقل دید شک گرایانه ای نسبت به آن ها وجود دارد؛ ولی نویسنده آشکارا به بیان آن ها پرداخته است ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت و داشتن فرزندان وی از همسران، قبلی از این موارد شمرده می شود. سرانجام در مواردی مشاهده می شود که برخی مطالب نویسنده با گفته های دیگر او در تعارض است.

1. ابن اثیر، اسدالغابه في معرفه الصحابه ، بيروت، دارالفکر، 1989.
2. ابن سعد، الطبقات الكبرى، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1410.
3. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، چاپ اول، قم، نشر علامه 1379
4. ابن عبد، آلبر ابوعمر و یوسف بن عبد الله ، الاستیعاب ، تحقیق: البجاوی، علی محمد چاپ اول، دارالجیل، 1412.
5. ابن عبد البر، الدرر، بینا، بی تا.
6. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم ، لسان العرب ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1408.
7. ابن هشام، السیره النبویه ، بیروت، دارالمعرفه ، بی تا.
8. ابی القاسم کوفی، علی بن احمد الاستغاثه فی بدع، الثلاثه ، تهران، اعلامی 1373
9. امین، محسن، اعیان الشیعه ، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات، 1404.
10. آرمسترانگ ، کارن ، محمد صلی الله علیه و آله، زندگی نامه پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام ترجمه: حشمتی کیانوش تهران چاپ چهارم انتشارات حکمت، 1389.
11. بخاری، محمد بن اسماعیل صحیح، بیروت، دارالفکر، 1981.
12. بیهقی، احمد بن حسین ، دلائل النبوه، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، 1361.
13. پارسا، فروغ حدیث در نگاه خاورشناسان؛ بررسی و تحلیل مطالعات حدیث شناختی هارلد موتسکی، ص 3 .
14. پیشوایی، مهدی، «نقد دیدگاه گلدزیهر در باره آگاهی پیامبر از جاودانگی جهان؛ شمولی»، مجله: تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، شماره سوم، پاییز 1385

15. تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دایرة المعارف اسلام، زیر نظر تقی زاده، داروی ناقدین: (عبد الرضا عرب محمد موسی نوری سید محمد حسین میرعبداللهی) انتشارات شیعه شناسی چاپ اول، 1378
16. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله، انتشارات دلیل ما، چاپ هفتم، تابستان 1387.
17. حسون، محمد، اعلام النساء المؤمنات، سازمان اوقاف و امور خیریه، تهران، اسوه، 1411.
18. دورانت ویلیام جیمز تاریخ تمدن (عصر ایمان)، مترجم: طاهری ابوالقاسم چاپ، چهاردهم شرکت انتشارات علمی و فرهنگی 1390
19. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، محقق: عمروی، عمر، بیروت، دارالفکر، بی تا.
20. الشریف المرتضی، رسائل المرتضی، تحقیق: الحسینی السید احمد، قم، دارالقرآن، 1405.
21. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ اول، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1417.
22. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: ابراهیم محمد ابوالفضل، چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، 1378.
23. العاملی، جعفر مرتضی بنات النبی صلی الله علیه و آله ام ربائبه؟!، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1413.
24. العاملی، جعفر مرتضی، ما هو الصحيح من سیرة النبی الاعظم، قم، 1403
25. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، محقق: رسولی محلاتی، سید هاشم، قم، اسماعیلیان، 1415.
26. عسکری، سید مرتضی، احادیث ام المؤمنین عایشه، چاپ اول، المجمع العلمی الاسلامی، چاپخانه النهضه، 1997 - 1418.
27. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، مصحح و محقق: رسولی

محللاتی، سیدهاشم طبع العلمیه، تهران، بی تا.

28. غفاری نژاد، عباسقلی، تاریخ اروپا از آغاز تا قرن بیستم چاپ چهارم، تهران انتشارات اطلاعات 1393

29. القرشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.

30. قمی، عباس، منتهی الامال در ذکر تاریخ چهارده معصوم قم، مؤسسه انتشارات هجرت، 1319.

31. مطهری، نیا، محمود، شرق شناسان و نبی اعظم صلی الله علیه و آله، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، 1388.

32. نسائی، احمد بن شعیب، فضائل الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه 1981.

33. نسائی، احمد بن علی، تفسیر النسائی، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافیه 1410

34. وداد، سکاکی، امهات المؤمنین و بنات الرسول صلی الله علیه و آله، چاپ سوم، دمشق، دارالفکر، 1406

35. هدایت، پناه، محمدرضا زبیریان و تدوین سیره نبوی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه 1391

* حضرت خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو: زهرا مهرجوی (1)

چکیده

تاریخ اسلام از جمله مباحث پویایی است که هر چند حوادث و اتفاقات گذشته را بیان می دارد همواره می توان به این رخدادها نگاهی ویژه داشت و آن ها را از یک روزنه متفاوت نگریست.

پژوهش حاضر با عنوان حضرت «خدیجه علیها السلام در اندیشه گیورگیو» به مطالب مرتبط با این بانوی بزرگوار در کتاب محمد پیغمبری که از نو باید شناخت می پردازد این، بحث سه عنوان اساسی دارد که یکی به حیات حضرت خدیجه دیگری زندگی نامه گیورگیو و سومی به مقوله خواستگاری و ازدواج ام المؤمنین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دارد.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، گیورگیو همسر حضرت محمد صلی الله علیه و آله، بعثت.

مقدمه

در مکتب نورانی اهل بیت علیهم السلام و در کنار وجود گران قدر چهارده معصوم زنانی حضور داشته اند که هر کدام در جایگاه، همسر دختر، عروس و کنیز، توانستند ماندگارترین رخدادها را به تصویر بکشند پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله همسران متعددی داشتند که هر کدام در تاریخ اسلام اثری از خود برجای گذاشتند- خواه

ص: 184

مثبت و خواه منفی - اما اگر منصفانه، بنگریم، حضرت خدیجه علیها السلام جایگاهی بس بی نظیر داشتند. ایشان نخستین همسر حضرت مادر فرزندان ایشان و تنها همسری بودند که روزگار قبل از بعثت را درک نمودند. اما متأسفانه از جمله کسانی هستند که گذران تاریخ بر شخصیت ایشان غبار فراموشی افکنده و چه بسا این دیده نشدن بانو ترفندی از سوی سودجویان عرصه تاریخ باشد.

در سده های اخیر علاوه بر بحث تاریخی یک واقعه و یا یک شخصیت مقوله شرق شناسان و دیدگاه های آنان نیز مطرح شده است که گاهی منصفانه و گاهی مغرضانه به نگارش درآمده اند.

در این نوشتار به نگاه کنستانتین ویرژیل گیورگیو در کتاب محمد پیامبری که باید از نو شناخت می پردازیم. مقوله ای که متأسفانه در چند مورد، مطابقتی با نقل های معتبر تاریخی ندارد. اما پیش از ورود به بحث و به فراخور موضوع مختصری از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام و نیز مختصری از زندگی نامه گیورگیو بیان می شود. امید است این پژوهش، قدمی هر چند کوچک در همت معرفی ام المؤمنین خدیجه علیها السلام به دیگران مورد پذیرش اشرف مخلوقات، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله قرار گیرد.

حضرت خدیجه علیها السلام نامی آشنا

او خدیجه دختر خویلد بن اسد بود که از جد پدری به قصی بن کلاب می رسید. (1) وی اولین همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مادر همه فرزندان حضرت (به غیر از ابراهیم) بود (2) و حضرت در زمان این بانو همسر دیگری نگرفتند. (3) او در زمان جاهلیت از زنان، بزرگوار تاجر پیشه و ثروتمند، قریش (4) به شمار می رفت و

ص: 185

1- اندلسی، جمهره، انساب العرب، ص 120

2- همان، ص 16.

3- حمیری سیره النبویه، ج 1 ص 201.

4- بلاذری، انساب الاشراف، ص 107؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2 ص 131

با القابی مانند «سیده قریش» و «طاهره» شناخته می‌شد. (1) خدیجه علیها السلام نخستین زن مسلمان (2) و از زنان بهشتی به شمار می‌آید که خداوند وعده خانه‌ای از دژ و الماس به ایشان داده است. (3) وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله مقامی بلند داشت و در همه امور با ایشان مشورت می‌کرد که حضرت او را وزیر صداقت می‌نامیدند (4) و حتی پس از وفات همواره از او به نیکی یاد می‌کردند. (5) او تنها کسی است که جبرئیل بارها برای او حامل سلام خداوند بوده است (6)

ام المؤمنین خدیجه علیها السلام پس از تحمل سختی‌های سه ساله شعب ابی طالب در دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت از دار دنیا رفت و در منطقه حجون به خاک سپرده شد که امروزه به قبرستان ابوطالب معروف است. (7)

گیورگیو خاورشناسی رمان نویس

کنستان ویرژیل گیورگیو، نویسنده رومانی الاصل و متولد سال 1916 میلادی بود. او تحصیلات خود را در رشته فلسفه در بخارست آغاز کرد و سپس در هایدلبرگ آلمان تحصیلاتش را در زمینه علوم الهی تعقیب نمود. در پایان جنگ جهانی دوم به عنوان عضو وزارت امور خارجه، رومانی نخست در آلمان از طرف قوای متفقین زیر نظر قرار گرفت و سپس برای مدتی در اردوگاه اسرای جنگی زندانی شد و پس از آزادی از اردوگاه به پاریس رفت و از آن زمان تا هنگام مرگ فرانسه وطن دوم این نویسنده گردید. در دهه هفتاد در حکومت دیکتاتوری فاشیستی چاوشسکو که از رهبران استالینیست بلوک شرق محسوب می‌شد

ص: 186

-
- 1- دمشق، البدایه والنهایه، ج 2 ص 294؛ حمیری، سیره النبویه، ج 1 ص 200؛ حلبی برهان الدین، سیره الحلبیه، ج 1 ص 137
 - 2- بلاذری، انساب الاشراف، ص 124؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 113.
 - 3- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2 ص 130؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص 124.
 - 4- تذکره الخواص، ص 312
 - 5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2 ص 130.
 - 6- حمیری، سیره النبویه، ج 1 ص 257، اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 132.
 - 7- قمی، سفینه البحار، ج 2 ص 571 (زیر ماده خدج).

به عنوان سرکشیش در رومانی زیر پوششی مذهبی به خدمت صهیونیسم در آمد و سرانجام در سال 1992 در خیابان های بخارست همراه با همسرش کشته شد.

وی نویسنده رمان های معروفی است و در آثارش بیش تر به مظلومیت قوم یهود می پردازد آثاری مانند خانه پتروداوا، دومین شانس و ساعت بیست و پنج را در پرونده خود دارد (1) که شهرت جهانی وی به سبب رمان اخیر بوده که به چهل زبان ترجمه شده است.

وی علاوه بر نویسندگی به ترجمه و پژوهش در زمینه الهیات، دین و سیاست نیز می پرداخت کتاب محمد پیغمبری که از نو باید شناخت تنها کتاب تاریخی وی به شمار می آید که ابتدا به صورت پاورقی در یکی از مجلات، و بعداً به صورت کتاب منتشر شد و تاکنون ده ها بار در شمارهای زیاد به چاپ رسیده است. این کتاب به زبان فرانسوی نوشته شده و به زبان های انگلیسی، رومانیایی و عربی هم ترجمه گردیده است. (2) آقای محمد علی انصاری، کتابی با نام محمد پیامبر شناخته شده در نقد مطالب این کتاب به نگارش در آورده است.

علت ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله؟

گیورگیو مانند دیگر خاورشناسان که تاریخ اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را به نگارش در آورده اند، کتاب خویش را با کودکی حضرت آغاز کرده، حوادث و رخدادها را بر حسب ترتیب زمانی بیان می دارد وی زمانی که به مقوله سفر پیامبر صلی الله علیه و آله برای تجارت با مال حضرت خدیجه علیها السلام می رسد نوشته اش رنگ و بوی خیالی و قصه پردازانه به خود می گیرد؛ او در توصیف دلباختگی حضرت خدیجه علیها السلام به بی راهه رفته شیفتگی حضرت را به زیبایی پیامبر صلی الله علیه و آله و شکل و شمایل بیراهه ظاهری حضرت منسوب می کند. (3) او حدود نیم صفحه از کتاب را به اوصاف ظاهری، پیامبر عشوه چشمان سیاهش بوی عطر دل انگیزش، قد و قامت رعنا،

ص: 187

1- فاطمی، سایت کتاب نیوز، 1384/12/28 ش.

2- مقدمه کتاب.

3- گیورگیو محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص 41.

دندان های مرتب که هر چشمی را مجذوب می سازد و غیره اختصاص داده است . او حتی هنگام طرح موضوع ازدواج توسط نفسیه و نیز هنگام خواستگاری ابوطالب از عموی حضرت خدیجه علیها السلام باز به مسأله زیبایی پرداخته، آن را نوعی امتیاز برای حضرت محمد صلی الله علیه و اله می داند. (1)

البته از چنین شخصیت رمان نویسی چنین توصیفات عجیب نیست، اما آن جا که سخن از یک شخصیت واقعی و تاریخی در میان باشد، دیگر چنین تفکراتی زبنده نیست و نویسنده باید به مطالب تاریخی مطرح شده و متقن رجوع نماید نه این که از خیال خویش کمک جوید و قلم فرسایی کند.

هیچ یک از منابع تاریخی دست اول به شیفتگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به جمال ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره نکرده اند. آری همه سخن از شیفتگی خدیجه علیها السلام نسبت به حضرت نوشته اند، اما این دل دادگی، معلول اموری فراتر از ظواهر بوده است. او شیفته اخلاق، نیکو راست گویی و امانت داری پیامبر صلی الله علیه و آله شده بود و این امر را آشکارا در پاسخ به خواستگاری ایشان بیان نمود. (2) هر چند نباید از عوامل زمینه ساز این توجهات غافل ماند؛ زیرا در منابع تاریخی نقل شده که در یکی از اعیاد جاهلی زنان مکه گرداگرد هم جمع شده بودند. مردی از اهل کتاب گذر کرد و به زنان حاضر در مجلس گفت: «ای زنان، مکه در شهر شما پیامبری خواهد بود که احمد نام دارد؛ پس هر کدام از شما توانست تلاش کند تا به همسری وی درآید». زنان به سخن وی توجهی نکردند اما خدیجه علیها السلام در فکر فرورفت. (3) نیز در برخی نقل ها آمده که ایشان خوابی دید و ورقه بن نوفل در تعبیر این خواب به همسری او با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. (4) با نگاه منصفانه

ص: 188

1- همان، ص 43 و 45

2- عسقلانی، الاصابه، ج 4، ص 282.

3- مازندرانی، المناقب، ج 1، ص 67 و 68؛ عسقلانی، الاصابه، ج 4 ص 282؛ حلبی، السیره الحلبیه؛ ج 1 ص 139

4- دمشق، البدایه والنهایه، ج 2 ص 269؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج 1 ص 136؛ مجلسی، حیاة القلوب، ج 3، ص 226 به بعد.

خواهیم دید که همه این موارد می تواند زنی را شیفته مردی سازد که به صفات نیکو و پسندیده ای شهره شهر بوده تا آرزوی وصال او را داشته باشد، نه این که تنها مجذوب و عاشق چشمان زیبا لبخند ملیح و ... بوده باشد!

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله با آن شهرت و نام نیکو به پیشنهاد تجارت آمدند، خدیجه علیها السلام بی درنگ با درخواست او موافقت نمود و در این سفر غلام خود را که «میسره» نام داشت با ایشان همراه می ساخت تا در صورت نیاز به آن حضرت کمک کند. (1) میسره در بازگشت از سفر مطالبی را برای آن بانوی بزرگوار بیان نمود (2) که خدیجه علیها السلام را دو چندان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله متمایل ساخت و او را بر آن داشت تا به فکر واسطه ای برای این ازدواج فرخنده باشد. (3)

متأسفانه خاورشناس رمان نویس بحث ما آن قدر درگیر ظواهر و مادیات است که حتی غم و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت خدیجه علیها السلام را ناشی از عشق مادی می داند او با وجود این که در کتاب خویش از ایستادگی و همراهی خدیجه علیها السلام در راه تبلیغ اسلام و نیز از زندگی صمیمی و سراسر محبت آن دویار دیرینه یاد می کند، (4) می گوید:

محمد که مردی عرب بادیه نشین بود خدیجه را چون اعراب بادیه نشین دوست داشت روح و ذوق یک اروپایی که در قاره اروپا دریاها نیلوفری و رودهای بزرگ و جنگل وسیع و ... را می بیند و صدای بلبل را می شنود، نمی تواند به ارزش زن پی، ببرد ولی در بیابان های عربستان که نه دریا هست و نه جنگل و رودخانه و ... یک عرب بادیه به جای تمام این مناظر زن را می بیند و در عوض صدای بلبل صدای زن را می شنود!! (5)

ص: 189

-
- 1- ابن سعد، طبقات الکبری؛ ج 1، ص 87
 - 2- مطالب زیادی در کتب مختلف تاریخی از سفر حضرت به شام مانند نحوه معاملات و سود تجاری، سخنان نسطور راهب و ... آمده است. (سیره الحلییه، ج 1، ص 137؛ ابن اسحاق، سیره النبویه؛ ص 81).
 - 3- دمشق، البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ حلبی، السیره الحلییه، ج 1، ص 137؛ حمیری، السیره النبویه، ج 1، ص 200؛ ابن اسحاق، السیره النبویه، ص 81
 - 4- کنستان ویرژیل گیورگیو محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ص 117 و 132 و 133.
 - 5- همان، ص 117

تنها سخنی که می توان درباره این نوشته گفت این ضرب المثل است که «کافر همه را به کیش خود پندارد» چه برداشت ضعیفی از انسانیت می توان داشت که وجود یک انسان را تنها در ظواهر محدود و محصور کنیم. آیا تنها صدای یک زن و چهره دلربای او مرد را عاشق می سازد یا رفتار و کردار نیکو؟ آیا این همه فداکاری و تلاش خدیجه علیها السلام در راه تحقق مشیت الهی جایی در این اقیانوس عشق و محبت ندارد؟! (1)

اگر نبود سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره خدیجه علیها السلام و سبب محبت و توجه ایشان به آن بانو حتی پس از وفات ایشان همان، همراهی مشاورت و صمیمیت او برای نشان دادن علت محبت پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به وی و غم و اندوه بی پایانش در رحلت ایشان کافی بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها و بارها و در برابر برخی همسران که به توجهات حضرت به خدیجه علیها السلام معترض بودند، دلیل محبت و ارادت خود را نسبت به آن بانو چنین بیان می فرمودند: «او اولین زن مسلمان (2) بود و زمانی مرا تصدیق کرد که همگان مرا تکذیب کردند»؛ (3) «خداوند تنها از ایشان به من فرزندی عطا نمود»؛ (4) «خدیجه از زنان بهشتی است»؛ (5) و گاهی نیز او را وزیر صداقت نامیده اند (6)

نتیجه

بحث خاورشناسی یا مطالعات اسلامی در غرب از موضوعات بسیار مهمی است که جوامع اسلامی در سده های اخیر با آن روبه رو شده اند. علم

ص: 190

1- نویسنده در چند مورد به رفتارهای نیکوی حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده او را وسیله ای برای تحقق مشیت الهی می داند. (ص 132)

2- محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 207؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص 124؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 113.

3- همان

4- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 130؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص 124

5- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص 117؛ اربلی، کشف الغمه، ج 2، ص 130.

6- تذکره الخواص، ص 312.

شرق شناسی به چندین شاخه تقسیم می شود که یک شاخه آن به بحث ها و موضوعات تاریخ اسلام می پردازد. انگیزه های این علم از قرن دوازده میلادی تا به امروز به فراخور زمانه تغییر کرده است اما انگیزه این بحث ها و تألیفات هر چه باشد در درازمدت و با توجه به موج سریع ترجمه آثار به زبان های مختلف برآمده و تفکرات جوامع اسلامی اثر خواهد گذاشت گذاشت. پس جا دارد با مطالعه این نوشته ها از صحت و سقم موضوعات مطرح آگاه بود تا بتوان آن ها را در مسیر درست قرار داد

کتاب محمد، پیغمبری که از نو باید شناخت نوشته کنستانتین ویرژیل گیورگیو از این قاعده مستثنا نیست و خوشبختانه آقای محمد علی انصاری کتابی در نقد مطالب کلان و اصلی کتاب نوشته که بیش تر به موضوعات پس از بعثت و هجرت پرداخته است.

پژوهش حاضر به نگاه این رمان نویس، رومانی تبار به حضرت خدیجه علیها السلام پرداخت. گیورگیو مانند دیگر تاریخ نویسان، اسلام در چند مبحث اساسی از ایشان نام می برد: تجارت و سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام، خواستگاری و ازدواج، مبعث و عام الحزن. البته از انصاف نمی توان گذشت که او در موارد متعددی، از این بانوی ارجمند به نیکی یاد کرده و او را وسیله ای برای تحقق مشیت الهی قلمداد نموده است اما نگاه مادی گرایانه وی نسبت به مقوله ازدواج و همسراری این زوج آسمانی در این کتاب جای تأمل و نقد دارد؛ زیرا او هدف و انگیزه خدیجه علیها السلام را تنها در زیبایی پیامبر صلی الله علیه و آله خلاصه کرده و در این باره هیچ سخنی از صداقت، امانت داری و حسن خلق حضرت نگفته است در حالی که اغلب تاریخ نگاران به این مقوله اشاره داشته اند.

مطلب قابل ذکر دیگر این که گیورگیو وفات حضرت خدیجه علیها السلام را در شعب ابی طالب ذکر می کند در حالی که کتب تاریخی وفات ایشان را پس از خروج از شعب آورده اند. متأسفانه این کتاب به منبع منقولات اشاره نکرده و مانند دیگر کتاب های قصه و رمان از هیچ پاورقی یا آدرسی دهی برخوردار نیست.

1. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه في معرفه الاثمه، بیروت: دارالاضواء، بی تا.
2. اندلسی علی بن احمد بن حزم، جمهره انساب العرب، تحقیق عبدالمنعم خلیل ابراهیم چاپ پنجم بیروت انتشارات دارالکتب العلمیه، 2009 م.
3. بغدادی، محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت: انتشارات دارالفکر 1420 ق.
4. بلاذری احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زگار و ریاض، زرکلی، چاپ اول، بیروت: انتشارات دارالفکر، 1417 ق.
5. حلبی برهان الدین السیره الحلبیه، بیروت انتشارات داراحیاء التراث العربی بی تا
6. حمیری عبدالملک بن هشام، السیره النبویه تحقیق عبدالحفیظ شلبی و مصطفی السقا، مصر: انتشارات مصطفی البانی، 1355 ق.
7. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایه والنهایه، تحقیق و حواشی مکتب تحقیق التراث، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی، 1413 ق.
8. ذهبی محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، چاپ نهم، بیروت: انتشارات الرساله، 1413 ق.
9. عسقلانی احمد بن علی بن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی 1328 ق.
10. قمی، عباس، سفینه البحار، قم، انتشارات اسوه، بی تا.
11. گیورگیو کنستان، ویرژیل، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصور، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات زرین، 1394 ش.
12. مازندرانی محمد بن علی (ابن شهر آشوب)، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات، علامه بی تا
13. مجلسی محمد باقر، حیاة القلوب، تحقیق سید علی امامیان چاپ نهم قم: انتشارات سرور، 1390 ش.
14. محلاتی ذبیح الله ریاحین الشریعه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
15. مدنی محمد بن اسحاق بن یسار، سیره النبوی، تحقیق سهیل زگار، تهران: انتشارات دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، 1368 ش.

*گزارش و نقد محتوایی سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان: شهناز کریم زاده سورشجانی (1)

چکیده

پس از ظهور اسلام، خاورشناسی غربیان تا حدود زیادی برای اسلام شناسی و خلق آثار درباره شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله شکل گرفت اما وقایعی چون سلطه جهان اسلام بر غرب و شکست های آن ها در جنگ های صلیبی کینه غرب را نسبت به اسلام تشدید نمود و موجبات تدوین کتب جهت دار بیش تری علیه اسلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را فراهم کرد. با وجود این در میان خاورشناسان، انسان های حقیقت طلب بعضا تلاش کرده اند از ورای تعصبات واقعیت را رصد نمایند که نتیجه، امر شکل گیری دو دیدگاه متعصبانه و متعادل در حوزه اسلام شناسی و بررسی حیات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است از سوی، دیگر در ذیل بررسی عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ادوار حیات نخستین همسر ایشان حضرت خدیجه علیها السلام، که با حساس ترین دوره و وضعیت زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله پیوند یافته، توجه دو دیدگاه را جلب نموده و در معرفی وجوه شخصیت این بانو و سیره خانوادگی رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله مؤثر واقع شده است با شناسایی و نقد این داده ها می توان برداشت های اشتباه و یا ناشی از تعصب در این آثار را شناسایی و معرفی نمود. به همین سبب نوشتار حاضر با روش توصیفی- تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که رویکرد شرق شناسان درباره حیات حضرت خدیجه علیها السلام چگونه است؟ هر چند گام هایی برای پاسخ به این سؤال برداشته

ص: 193

شده نوشتار حاضر به شکل مشخص به دادن گزارش و نقد سیمای حضرت خدیجه علیها السلام از دیدگاه شرق شناسان پرداخته است به نظر می رسد محدودیت مآخذ پژوهشی آنان به منابع اهل سنت و اکتفا به قول مشهور از مهم ترین اشکالات وارده به داده های آنان در این زمینه باشد.

واژگان کلیدی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، نقد محتوایی شرق شناسان، خاورشناسی

مقدمه

واژه شرق شناسی اصطلاحاً به تلاش همه غریبان برای شناسایی و شناساندن کشورها، اوضاع جغرافیایی، معادن، تاریخ، قومیت ها، زبان، هنر، آداب، سنن، عادات، فرهنگ، باورها، ادیان تمدن ها و ویژگی های کشورهای مشرق زمین از خاور دور تا خاور نزدیک و شرق دریای مدیترانه گفته می شود؛ اما در این پژوهش، معنای محدودتر این واژه مانند اسلام شناس غیر مسلمان (1) مورد نظر است. این پدیده قبل از ظهور اسلام با انگیزه های غالباً سیاسی ظهور کرد؛ اما با رقابت مسیحیت با اسلام ماهیت ایدئولوژی - سیاسی یافت و تمام وجوه، اسلام به ویژه شخصیت و زندگی پیامبر اسلام را عرصه مطالعات خود قرار داد. جنگ های صلیبی و عملکرد خلفای عباسی و عثمانی به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، دشمنی جهان غرب با دنیای اسلام را تشدید کرد و دو دیدگاه متعصبانه و معتدل در حوزه شرق شناسی را بنیان نهاد

در این میان گاه به شخصیت و زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام توجه شده که با حساس ترین دوران زندگی نبی مکرم اسلام پیوند خورده است. او دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن

ص: 194

1- حسین عبدالحمیدی، مستشرقان و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دوم، تهران، نشر المصطفی، 1394، ص 26.

غالب بن فهر بن مالک بن نصر بن کنانه (1) بود ایشان در دوران جاهلیت به سبب کمال و پاکی «طاهره» نامیده شد (2) و در منابع با عنوان بانویی دورانیش، (3) عاقل و با شرافت توصیف شده است. (4)

رویکرد خاورشناسان به حیات ایشان نه تنها دست مایه معرفی این بانو به دنیای غرب و غیر مسلمانان شده بلکه دانشمندان مسلمان گاه این داده ها را مطمئن و خدشه ناپذیر دانسته و منبع نظریه پردازی قرار داده اند. بدین منظور این داده ها با توجه به محدودیت های آن در حوزه اسلام شناسی، تعصبات و دشمنی برخی از ایشان با اسلام باید بررسی علمی شود تا میزان وثوق و تدقیق علمی آن مشخص گردد.

پژوهش مستقلی از شرق شناسان در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد اما در آثاری مانند کتاب الرسول المتخیل (قرائه النقدي در صوره النبي في الاستشراق) که در اصل نقد دیدگاه مونتهگمری وات و مکسیم رودنسون است، به حیات حضرت خدیجه علیها السلام هم اشاره شده است یا در بخشی از کتاب تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دایره المعارف اسلام انتشارات شیعه شناسی نیز نقد داده های مونتهگمری وات در مورد حضرت خدیجه علیها السلام دیده می شود؛ اما پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد محتوایی داده های شرق شناسان درباره ادوار زندگی حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته و برخی از داده های ناشی از دیدگاه های متعصبانه را نقد کرده است.

منظور از نقد نقد محتوایی است و نقد ساختاری این آثار مجال دیگری طلبد. نقد محتوایی (درونی)، نقدی است که در آن معیار و مبنای نقد-یعنی

ص: 195

1- ابن سعد، طبقات الکبری، دار صادر، بیروت، بی تا، ج 8، ص 8.

2- شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب نویری، نهاییه الارب، بیروت، دار الکتاب العلمیه، 1424 ه، ج 14، ص 171

3- محمد بن جریر طبری الرسل والملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، 11 جلد دوم، بیروت، دار التراث 1387 ه. ق. ج 2، ص 280.

4- محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: دار الفکر، 1417 ق، ج 2، ص 111

عناصر درون متن اعم از ساختار معنا، زبان، و مانند آن - در ارتباطی متقابل، منسجم و هم بسته به یک دیگرند که در دو وجه سلبی و ایجابی، این عناصر ادراک، تفسیر و نقد می شوند پس اتکا به ویژگی های درونی و تأثیرات متقابل عناصر درونی نقش مهمی در نقد درونی دارند. (1) بنابراین داده های متعارض با داده های منابع تاریخ اسلام از حیث محتوا حذف و به گزارش داده های دیگر اکتفا شده است. به نظر می رسد داده های شرق شناسان در بسیاری از جهات تحت تأثیر منابع اهل سنت است که به دنبال فضیلت سازی برای برخی از شخصیت ها، تلاش کرده اند تا فضائل اهل بیت علیهم السلام را کم رنگ نمایند.

الف) دوره قبل از بعثت

1. همکاری تجاری با پیامبر صلی الله علیه و آله

از نخستین موضوعات مرتبط با حیات حضرت خدیجه علیها السلام که دست مایه شرق شناسان واقع شده و نظرهایی درباره آن ابراز داشته اند، موضوع هم کاری پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام برای تجارت به شام است که شرق شناسان با نگاه های متفاوت به آن پرداخته اند. در این آثار گاه پیامبر اسلام چون شخصی تصویر شده که به دنبال یافتن فرصتی است که خود را به زنی ثروتمند مرتبط نماید تا از دنیای فقری که بدان گرفتار، است نجات یابد. ازدواج ایشان با حضرت خدیجه علیها السلام نیز در همین جهت توصیف شده است. (2) این دیدگاه منعکس کننده تعصب و غرض ورزی نویسنده در پرداخت به این موضوع است. این مسأله به چند دلیل نمی تواند داده درستی باشد:

اول این که در برخی دیگر از آثار شرق شناسان حضرت خدیجه علیها السلام کسی است که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد همکاری در تجارت داد و پیامبر

ص: 196

1- علیرضا ملائی توانی درآمدی بر پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، 1386.

2- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی، زاده تهران کتاب فروشی الاسلامیه 1344، ص 13

پیشنهاد او را پذیرفتند؛ (1) مانند کتاب، محمد پیامبر صلی الله علیه و آله و سیاست مدار این نظر در منابع تاریخی اسلام نیز پذیرفته شده است. حال چرا از میان نظریه های متفاوتی که برای آغاز این همکاری در منابع وجود دارد مونتگمری وات چنین داده ای را گزینش کرده، آن هم بدون آوردن دلیل این گزینش؟

دوم، اگر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دنبال چنین هدفی بودند، چرا تا 25 سالگی که در جزیره العرب آن زمان سن نامتعارفی برای ازدواج بود، صبر کردند و به سبب وضعیت اقتصادی نتوانستند ازدواج نمایند؟

سوم در برخی دیگر از آثار شرق شناسان صفت کمالی پیامبر صلی الله علیه و آله باعث شد خدیجه علیها السلام به ایشان درخواست مشارکت در تجارت بدهد. او از امانت داری و ثقه بودن پیامبر صلی الله علیه و آله شنید و ایشان را به عنوان وکیل خود برای تجارت با سوریه استخدام کرد. (2)

طرح مسأله اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام، یکی دیگر از نکاتی است که در تجارت در آثار شرق شناسان به چشم می خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از سفر تجاری شتری به عنوان پاداش دریافت نمودند که قیمت آن چهارصد درهم بود؛ در صورتی که قیمت یک بنده دویست تا هشت صد درهم و یک گوسفند چهل درهم بود. پس شتر چندان پاداش گران قیمتی نبود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله از دریافت آن راضی به نظر می رسیدند و خدیجه علیها السلام هم از خدمات آن حضرت خرسند بود و تصمیم داشت از آن به بعد جوان قریشی را همراه کاروان خود روانه بازارهای عربستان. کند (3) از داده های این چینی، به دست می آید که پیامبر صلی الله علیه و آله اجیر و مزد بگیر حضرت خدیجه علیها السلام در این هم کاری تجاری

ص: 197

-
- 1- کارن آرم استرانگ محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) ترجمه کیانوش، حجتی، تهران: حکمت، 1383. ص 102.
 - 2- مونتگمری وات محمد در مکه، ترجمه شعبان، برکات بیروت مکتبه العصریه للطباعه والنشر، بی تا، ص 73.
 - 3- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت) ترجمه مهرداد صمدی، تهران: انتشارات آسیا، بی تا، ص 42.

بوده در حالی که این مسأله نمی تواند درست باشد و با واقعیت های تاری مطابقت ندارد یعقوبی از تاریخ نگاران، بزرگ تأکید می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز اجیر کسی نشدند (1) حضرت خدیجه علیها السلام حتی اموال و غلام خود را نیز در اختیار ایشان قرار داد و این با اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله مطابقت ندارد. ذهبی نوع این همکاری را در قالب قرض می داند. (2) علاوه براین، به نوشته تاریخ نگاران، حضرت خدیجه علیها السلام افرادی را به شکل مضاربه به همکاری دعوت می کردند. (3) پس هم کاری پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با ایشان به صورت مضاربه بوده است.

2. سن حضرت خدیجه علیها السلام

قول مشهور سن حضرت خدیجه علیها السلام را در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال می دانند (4) و غالب شرق شناسان هم این قول را پذیرفته اند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله در هنگام ازدواج 28 سال و عیالش چهل ساله بودند. (5) علی رغم اختلاف سنی آن بانو به همسر جدیدی نیاز داشت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله انتخاب شایسته ای برای او بود (6)

در این آثار گاه این احتمال در نظر گرفته شده که این میزان سن برای حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله صحت ندارد. مونتگمری وات به این مسأله اشاره می کند:

گفته می شود خدیجه علیها السلام در آن زمان در دهه چهل از عمرش بود و

ص: 198

1- ولا كان اجيرا لاحدا قط (احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا، ج 2، ص 21).

2- قد سافر فی مالها مقارضا الی الشام احمد بن علی بن حجر عسقلانی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری بیروت: دار المعرفه، بی تا، ج 7، ص 100.

3- تستأجر الرجال فی مالها وتضاربهم اياه محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، همان، ج 1، ص 121، علی بن محمد بن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر، 1409، ج 6، ص 435.

4- حسن بن علی بن عیسی بن اربلی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، بیروت: دارالکتب الاسلامی، 1401 ج 1، ص 510، 513

5- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن ترجمه غلامرضا سعیدی، سوم، تهران: شرکت، انتشار، 1344، ص 15.

6- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 102

پیامبر صلی الله علیه و آله در دهه بیست چه بسا در عمر خدیجه علیها السلام در این دوره مبالغه شده است. (1)

کارن آرمسترانگ هم می گوید:

طبق روایات در این زمان خدیجه علیها السلام چهل ساله بود؛ ولی از آن جا که توانست شش فرزند برای محمد بیاورد باید او را جوان تر فرض کرد. ولی در هر حال از محمد مسن تر بود. (2)

وات نیز به چنین مسأله ای اشاره کرده است. (3)

به باور افرادی که به قول مشهور معتقدند، خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از عام الفیل به دنیا آمد و هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل ساله بود. (4) اما قول دیگر دایر بر این است که خدیجه علیها السلام موقع ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 ساله بوده اند. مدرک آنان حدیث ابن عباس است. (5) شرق شناسان این دست روایات را کم تر توجه کرده اند و نهایت اعتباری که برای این روایات قائل هستند، در حد ایجاد تشکیک در قول مشهور است. بعید نیست دلیل این امر، این باشد که غالب منابع در دست شرق شناسان، منابع اهل سنت بوده که در آن ها با وسواس خاصی تلاش شده تنها همسر باکره و کم سن پیامبر صلی الله علیه و آله، عایشه معرفی شود.

3. ازدواج قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

شرق شناسان به ازدواج های حضرت خدیجه علیها السلام قبل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز اشاره کرده اند. شاید بتوان گفت غالب آثار آن ها این مسأله را مفروض پنداشته

ص: 199

- 1- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73
- 2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 122
- 3- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ص 13
- 4- علی بن محمد بن اثیر، اسدالغاب، همان، ج 4، ص 434، حسن بن علین عیبی بن اربی، کشف الغمه فی معرفه الانبیا، همان، ج 1، ص 510 و 513. نورالدین الحلّی، سیره الحلبیه فی سیره الامین المأمور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج 1، ص 140.
- 5- محمد بن احمد بن عثمان الذهیبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت: دار الفکر 1427 ق، ج 2، ص 111.

و لزومی برای بررسی بیش تر در مورد آن ندیده اند کارن آرمسترانگ معتقد است که خدیجه علیها السلام دو بار ازدواج کرده بود و فرزندان زیادی داشت. (1) مونتگمری وات نیز در آثار خود به این مسأله اشاره می کند:

او از طایفه بنی اسد بود که به مراتب از بنی هاشم قوی تر بودند؛ به همین دلیل خدیجه علیها السلام به یک تاجر موفق تبدیل شد. او پیش از ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله دوبار ازدواج کرده بود. (2)

وات در اثر دیگر خود، همسر دوم خدیجه علیها السلام را از قبیله بنی مخزوم معرفی می کند. (3) روایات این چنینی در منابع تاریخ اسلام نیز فراوان است و همسران او قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله یکی عتیق بن عائذ بن عبد الله بن عمرو مخزومی بود که دختری از او به دنیا آورد. بعد از فوت، عتیق با ابوهاله تمیمی ازدواج نمود و از او نیز فرزندی به دنیا آورد (4) این روایات باعث شده است که برخی از شرق شناسان از جمله گیورگیو نیز با اشاره به وجود فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام از همسران سابق، نظریه ازدواج او قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله را تقویت نمایند. (5)

در این آثار وجود فرزندان خدیجه علیها السلام از همسران سابق به عنوان دلیل مقوم برای ازدواج های سابق ایشان در نظر گرفته می شود، در حالی که علی رغم شهرت این خبر روایات دیگری وجود دارد که در درستی ازدواج ها تردیدهای جدی وارد کرده اند این تردید زمانی تقویت می شود که بدانیم طرفداران عایشه کوشیده اند تا یکی از فضایل منحصر به فرد او را در قیاس با دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، باکره بودن او معرفی کنند و درباره خدیجه علیها السلام، ازدواج های سابق او را مطرح نمایند؛ (6) در حالی که شواهدی نشان می دهد که آن بانو نیز از زنان باکره

ص: 200

1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 109.

2- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار همان، 1344، ص 13.

3- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73

4- حسن بن علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، همان، ج 1، ص 510، 513.

5- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، همان، ص 41

6- تصویر خانواده پیامبر اسلام زیر نظر محمد تقی زاده داوری، قم، شیعه شناسی، 1387، ص 31.

پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، از جمله ابن شهر آشوب از قول بلاذری، ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی و ابو جعفر می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کردند، در حالی که او دوشیزه بود (1)

در نتیجه، اجماعی که ادعا می شود در مورد ازدواج های قبلی خدیجه علیها السلام وجود داشته فرو می ریزد (2) علاوه بر آن اخبار و روایات درباره همسران ادعایی حضرت خدیجه علیها السلام دچار تناقض و تعارض آشکارند؛ برای مثال در این که نام ابوهاله آیا نباش بن زراره بود یا زراره بن نباش یا این که نامش هند یا مالک بوده و یا این که او پیش از عتیق با خدیجه علیها السلام ازدواج کرده یا پس از او؛ آیا هند که گفته اند فرزند حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می آمده پسر بوده است یا دختر، و آیا فرزند ابوهاله بوده یا عتیق و آیا بر اثر طاعون از دنیا رفته یا در جنگ جمل کشته شده اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد؛ به گونه ای که نمی توان به هیچ یک از آن ها اعتماد کرد و حقیقت را دست آورد. (3)

از سوی دیگر، وجود فرزندان برای حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز که مقوم ازدواج او با مردان دیگری بود توسط داده های تاریخی دیگر رد می شود. نویسنده الاستغاثه این فرزندان را دختران، هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام معرفی می کند که پس از مرگ، پدر به همراه مادر خود نزد حضرت خدیجه علیها السلام زندگی می کردند اما با درگذشت هاله که بعد از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام، بود آن بانو سرپرستی این کودکان را به عهده گرفت (4)

ص: 201

1- محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، همان، ج 1، ص 138.

2- همان، ص 33

3- تصور خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام، ترجمه و نقد زیر نظر محمد تقی داوری اول، قم: شیعه، شناسی، 1387، ص 32

4- علی بن محمد ابی بالقاسم کوفی، الاستغاثه، تهران، الاعلامی، 1373، ج 1، ص 64.

گمانه زنی های خاورشناسان با دو نگاه منصفانه و متعصبانه در مورد ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و پیش گامی این بانوی بزرگوار در این ازدواج بعضاً زمینه ساز برخی از اتهامات علیه پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. در این آثار، گاه انگیزه آن بانو برای این ازدواج با زیبایی ها و شاخصه های ظاهری پیامبر صلی الله علیه و آله مرتبط دانسته شده است (1) اما گاه نگاه مادی بر تبیین این مسأله اثر گذاشته و زمینه ساز تهمت و افترا به پیامبر صلی الله علیه و آله شده و این ازدواج را دست آویزی برای برون رفت پیامبر صلی الله علیه و آله از فقر معرفی می کند:

با این که ازدواج با زنان مسن و بیوه خیلی پیچیده نبوده و در غرب عملی عادی محسوب می گردیده است در مورد محمد صلی الله علیه و آله چنین وانمود شده که ازدواج های او از روی خود خواهی و برای رسیدن به اهداف جاه طلبانه بوده است.

حتی ماکسیم رودنسون با احساس هم دردی می گوید:

این ازدواج هم از لحاظ جنسی هم از لحاظ احساسی باید برای محمد صلی الله علیه و آله وی بسیار خسته کننده بوده باشد اما واقعیت گویا خلاف این ادعاست. (2)

این نگاه مادی در برخی از آثار شرق شناسان خود را به شکل دیگری نشان داده و آن را فرصتی برای تقویت روحی پیامبر صلی الله علیه و آله و هموار شدن راه ورود ایشان به عرصه تجارت ارزیابی کرده است. (3)

اما گاه داده های منصفانه در آثار شرق شناسان، دو دلیل یادشده برای این ازدواج را نقض می کند و صفات خاص و ویژگی های منحصر به فرد حضرت محمد را پیش گامی حضرت خدیجه علیها السلام در این ازدواج معرفی می نماید. (4) علاوه بر آن گاه برخی از این داده ها از منطق حاکم بر عملکرد خدیجه علیها السلام برای

ص: 202

1- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت) همان، ص 42.

2- کارن آرم، استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 122

3- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 14.

4- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73 کارن آرم استرانگ زندگینامه پیامبر اسلام همان ص 121

این اقدام حکایت دارد زیرا وی پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، در صدد آزمایش ایشان برآمد و آن حضرت را به نمایندگی خویش با کاروانی به سوریه فرستاد. چون آن حضرت مأموریت خود را با موفقیت به انجام رسانیدند خدیجه علیها السلام به ایشان پیشنهاد ازدواج کرد. (1)

در برخی دیگر از این آثار خدیجه پس از شنیدن گزارش نمایندگان خود از سفر تجاری به شام در دیداری با ورقه بن نوفل سخنان نماینده خود را با او در میان گذاشت و پس از پیشگویی پیامبری آن حضرت توسط ورقه به ازدواج با ایشان تصمیم گرفت (2) این داده نیز با دلیل اول منافات دارد و نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام با این که پیامبر صلی الله علیه و آله را شخص مناسبی تشخیص داده این که بودند کاملاً با مسأله برخورد منطقی داشته و پس از آزمایش و روشن شدن کفایت و کاردانی ایشان پیشنهاد خود را مطرح کرده اند به این ترتیب، خدیجه علیها السلام برای آزمایش از ایشان خواست برایش تجارت کند و وقتی موفقیت های ایشان را دید به حضرت پیشنهاد ازدواج داد. (3) گاه نگاه مادی گرایانه مسأله آشنایی و ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله را به مسائلی خرافی و بخت و اقبال پیامبر صلی الله علیه و آله منتسب می کند که در سال 595 میلادی تغییر کرد و زمینه همکاری تجاری حضرت خدیجه با پیامبر صلی الله علیه و آله را فراهم کرد (4) اما برخی از داده های تاریخ اسلام، حاکی از آن است که خدیجه علیها السلام شی در عالم رؤیا دید خورشید فروزان بالای شهر مکه چرخ زده و به خانه وی فرود آمده است. او خواب خود را برای ورقه نقل کرد و ورقه به او گفت: «با مرد بزرگی ازدواج می کنی که شهرت او جهانی خواهد شد». (5) اگر چنین داده ای درست باشد خدیجه علیها السلام منتظر این شخص بزرگ بوده و با

ص: 203

1- مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 13.

2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 102.

3- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 13، همچنین کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) ترجمه کیانوش، حجتی تهران حکمت، 1383، ص 101

4- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 102

5- حسن بن علی عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 509.

آزمودن پیامبر صلی الله علیه و آله ، در مورد مصداق این خواب اطمینان یافته است.

قول مشهور این است که خدیجه علیها السلام به خواستگاری حضرت محمد صلی الله علیه و آله رفت و گفت:

پسر عمو، من به سبب شرافتی که در میان قریش داری و هم چنین امانت و راستی و خوش خلقی که به آن ممتاز گشته ای، به شما پیدا
علاقه کرده ام ، و می خواهم به همسری شما درآیم. (1)

اگر این مسأله به این شکل (پیش گامی خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ، منعکس نشده بود زمینه زیاده گویی
بیش تر معاندان و برخی از شرق شناسان متعصب درباره چشم داشت پیامبر صلی الله علیه و آله به ثروت خدیجه علیها السلام در این
ازدواج می شد در حالی که خدیجه علیها السلام در کنار ثروت خود در جو سرشار از فساد آن زمان حجاز بانویی بی مثل و مانند بود و به
«سیده قریش» معروف بود (2) و ثروت جایگاه و صفات نیک وی باعث شده بود تا بسیاری از ثروت مندان و سران قریش مانند عقبه ابن
ابی معیط صلت بن شهاب، ابوجهل و ابوسفیان اندیشه همسری او را در سر پیوراندند. (3) برخی از آن ها از جمله تاجران بزرگ زمان
خود بودند، اما خدیجه علیها السلام درخواست همه آن ها را به بهانه نداشتن علاقه به شوهر، رد کرد. او در گفتگو با ورقه بن نوفل نیافتن
شخص مورد نظر را دلیل عدم بی میلی به ازدواج بیان کرده (4) که شاید بتوان از این مسأله به عنوان نیافتن هم کفو نام برد.

علاوه بر آن حضرت خدیجه علیها السلام از گزارش میسره درباره کرامات و معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله تحت تأثیر قرار گرفت.
این از مسلمات تاریخی است که عقل نیز آن را تأیید می کند؛ زیرا شخصیت برجسته و ممتاز ایشان که خود سرآمد پاکان

ص: 204

1- اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشق ، البدایه والنهایه ، همان ، ج 2، ص 294

2- ابن هشام، سیرت رسول خدا و اهل بیته ، همان، ص 120.

3- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء ، 1404 ق. ج 16، ص 23.

4- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ اول بیروت: دار الجیل، 1412 ق،
ج 4، ص 1817.

و پرهیزکاران عصر خود بود در آن محیط ظلمانی جاهلیت قطعاً تحت تأثیر شخصیت بی نظیر رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته است. این مطلب در بیش تر منابع اصیل تاریخ آمده که دلیل اشتیاق خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله، حکایاتی بود که میسر از این سفر برایش نقل کرد. (1) مجموع عوامل مذکور را می توان دلایل پیش گامی حضرت خدیجه علیها السلام در این ازدواج معرفی کرد.

4. ایفای نقش نزدیکان حضرت خدیجه علیها السلام در ادوار زندگی او

از نظر شرق شناسانی که فاصله سنی 25 سال برای پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و نیز انگیزه مادی برای این پیوند را پذیرفته اند این ازدواج امر دشواری است؛ زیرا اولاً خدیجه علیها السلام چهل و پیامبر صلی الله علیه و آله 25 سال داشتند و ثانیاً خدیجه علیها السلام ثروتمند و پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار فقیر بود. (2) این مسأله با نگاه مادی به مسائل، به جز همان تمنیات مادی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله تصور می کنند توجیهی ندارد از طرف دیگر این مسائل برای خاورشناسان دست آویز ابراز نارضایتی خاندان خدیجه علیها السلام نسبت به این ازدواج شده است. (3)

در برخی از این منابع آمده که حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل مخالفت ولی خود (4) با این ازدواج برای کسب اجازه از او مجلس بزمی بر پا کرد و دستور داد به این شخص شراب نوشانده شود و در حالت مستی برای این ازدواج از او رضایت بگیرند. (5) اگر کسی اندک آشنایی با شخصیت و زندگانی آن بانوی محترم داشته باشد، اذعان خواهد کرد که این روایات، به معنای انکار واقعیت های روشن

ص: 205

1- محمد بن جریر طبری، الرسل والملوک، همان، ج 2، ص 35

2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، همان، ص 43.

3- همان، ص 44.

4- در برخی از آثار ایشان پدر و در برخی از آثار دیگر مستشرقین عموی ایشان امیر بن اسد که رئیس قبیله نیز بوده است معرفی شده است.

5- همان، ص 44

تاریخی درباره ایشان است. (1) این بانو در دوران سیاه و آلوده جاهلیت به «طاهره قریش» مشهور بود و سرآمد زنان پرهیزکار عصر خویش به شمار می رفت. (2) در نتیجه به او لقب، طاهره مبارکه ملکه بطحا بانوی بانوان قریش و سیده نساء قریش داده بودند (3) چگونه زنی که به پاکی و پرهیز از گناه مشهور است، به چنین کار زشتی دست می زند؟ به علاوه این داده های شرق شناسان به چند دلیل مردود است:

اول، پدر حضرت خدیجه علیها السلام سال ها پیش از این ازدواج، در جنگ های فجار در گذشته بود و پدری نداشت تا او را مجبور به این ازدواج کند.

دوم، حضرت خدیجه علیها السلام عموی خود را در این ازدواج وکیل کرده بود و طبعاً او سلطه پدرانه نداشت تا بخواهد اراده خود را بر شخصیتی مانند خدیجه علیها السلام تحمیل کند؛ هم چنان که هیچ کس نتوانست خواستگاران فراوان و سرشناس و ثروتمند مکه را بر او تحمیل کند

سوم پذیرش چنین ازدواجی با عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله سازگار نیست؛ زیرا عصمت رکن اصلی نبوت است؛ کسی که خود معصوم نیست، نمی تواند دیگران را به پاکی دعوت کند (4)

در برخی از دیگر آثار شرق شناسان گاه برای برخی از افراد خاندان خدیجه علیها السلام در همراهی یا عدم همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حرکت او تفصیلاتی بیان شده است؛ از جمله ورقه بن نوفل، مسیحی از هنگام اطمینان برای نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حضرت پشتیبانی می کرده است. (5) علاوه بر آن به نقش مهم

ص: 206

-
- 1- ابن سعد این روایت را در اثر خود آورده و آن را بررسی کرده وضعیف پنداشته است، ابن سعد بن منیع هاشمی، بصری، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر، عطا چاپ، اول، بیروت: دار الکتب العلمیه 1410 ق.، ج 1، ص 133
 - 2- همان، ج 8، ص 12.
 - 3- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، همان، ج 2، ص 207
 - 4- خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام، همان، ص 41
 - 5- موننگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 14 همچنین کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 53.

ورقه در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله برای نزول وحی بر آن حضرت اشاره شده که خود زمینه طرح شبهاتی مبنی بر تردید شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در تحقق بعثت ایشان را فراهم می کند. (1)

تأکید بر این نقش ورقه در حالی است که او مسیحی بود و کسی به مسلمان شدن وی پس از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره نکرده در حالی که او سال ها بعد از بعثت زنده بود اما مسلمان نشد. (2) ابن عباس گوید: «او بردین نصرانیت باقی بود تا مرد». (3) چگونه می شود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله که در ارتباط مستقیم با فرشته وحی سخن گفته از جانب خدا به این اطمینان، نرسیده، اما از سخن شخصی مانند ورقه به یقین برسد که به نبوت منصوب شده است؟

5. سبک زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و تعداد فرزندان ایشان

گاه شرق شناسان بدون در نظر گرفتن تزییقات و تحقیری که در دوره جاهلیت قبل از اسلام علیه زنان وجود داشته، با توجه به نوع تعامل و سبک زندگی حضرت رسول با خدیجه کبری علیها السلام جایگاه ویژه ای برای زنان عصر جاهلی ذکر کرده اند و مشاوره دوست خزانة دار و ناصح بودن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله را در این جهت توصیف نموده اند. (4) حال آن که باید توجه داشت جایگاه مذکور خاص تمام زنان عصر جاهلیت عرب نیست بلکه به ندرت همسرانی در این عصر زندگی مالا مال از عشق و محبت داشتند که زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام، کامل ترین و بهترین، این نمونه هاست. گاه حضرت خدیجه علیها السلام در آثار شرق شناسان به عنوان زنی و توصیف شده که علیرغم جدی بودن بسیار مهربان و شاد بوده است. (5) این

ص: 207

- 1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 110.
- 2- ابن حجر عسقلانی، الاصابه في معرفة الصحابه، همان، ج 3، ص 633.
- 3- ابن اثیر، اسد الغابه في معرفة الصحابه، همان، ج 1، ص 207.
- 4- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 98.
- 5- همان، ص 109.

مسأله در کنار خلق حسنه و بی مثل و مانند حضرت رسول صلی الله علیه و سلم، زندگی سرشار از تفاهم و صمیمیت برای ایشان ساخته است (1)

در کنار این مسأله از نگاه شرق شناسان چون خدیجه علیها السلام اولین کسی بود که پیام حق را پذیرفت و اسلام آورد این اعتماد و اعتقاد خدیجه علیها السلام در نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهمیت فراوان یافت و باعث شد همواره بگوید:

هیچ زنی بهتر از خدیجه علیها السلام نیست؛ زیرا او به من ایمان آورد و دیگران سخنانم را دروغ پنداشتند. (2)

جان دیون پورت می گوید:

این جمله باید به افتخار محمد صلی الله علیه و آله نوشته شود که برای او نیز ایمان خدیجه علیها السلام تعجبی نداشت، زیرا محمد صلی الله علیه و آله ثابت کرده بود، برای این زنی که او را با عشق از فشار نیازمندی نجات داده مهربان ترین شوهر است و تا روزی که خدیجه حیات داشت؛ محمد صلی الله علیه و آله از حق معمول دارد تعدد که آن روزها رایج بود استفاده نکرد؛ هم چنین حقیقت و واقعیت خودش را نسبت به عیالش از لحاظ عشق و محبت تغییر ناپذیر ثابت کرده بود در این صورت چگونه ممکن بود که این زن در صحت گفتار او شک کند؛ بنابراین خدیجه علیها السلام رؤیا و حالات عارضه بر محمد صلی الله علیه و آله را مظهر واقعی اراده خدا تلقی کرد و به او ایمان آورد. (3)

گیورگیو نیز اشاره می کند که پانزده سال پس از ازدواج با خدیجه علیها السلام، زندگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله هم چنان یک نواخت و آرام بود. (4) کارن آرمسترانگ نیز معتقد است اگر چه پیامبر صلی الله علیه و آله به زنان اشتیاق نشان می داد، هرگز تا زمانی که خدیجه علیها السلام زنده بود تصور چند زن داشتن را که از کارهای عادی اعراب به شمار می رفت به خود راه نداد همین نکته پاسخی است به غریبان که از

ص: 208

1- آن ماری شمیل، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله، مترجم حسن لاهوتی تهران: انتشارات علمی- فرهنگی، 1383. ص 13.

همچنین جان دیون، پورت عذر تقصیر به پیشگاه محمد، وقرآن، همان، ص 15

2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 58.

3- ص 23

4- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 49

پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل داشتن چند زن فراوان انتقاد می کنند. آن حضرت پس از مرگ خدیجه علیها السلام هم با ستایش همیشگی از آن بانو عصبانیت دیگر همسران خود را بر می انگیزت و حتی یک بار با احساس شنیدن صدای خدیجه علیها السلام رنگ از رخسارشان پرید و صورت ایشان سفید گردید. (1)

عدم ازدواج مجدد رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان حیات خدیجه علیها السلام، و با وجود مرسوم بودن چنین امری در آن زمان از طرف شرق شناسان به دلیل مهر و علاقه ای دانسته شده که در این زندگی حکم فرما بوده است. با وجود تفاوت سنی، آن دو بزرگوار از مهربان ترین زن و شوهرها به شمار می رفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله طی 25 سال زندگی با خدیجه علیها السلام ذره ای به او خیانت نکردند و بعد از وفات آن بانو هر وقت به یاد خدیجه علیها السلام می افتادند، اشک می ریختند. (2) جان دیون پورت در این زمینه می گوید:

با وجود این که خدیجه علیها السلام در چنین سن و سال و بر حسب قاعده باید زیبایی دوران جوانی خود را از دست داده باشد محمد صلی الله علیه و آله تا آخرین دقیق حیات خدیجه علیها السلام، به او وفادار ماندند و همان طور که قبلاً اشاره شد از گرفتن زنان دیگر خودداری کردند. (3)

خدیجه علیها السلام با وجود اختلاف سنی و اجتماعی که با شوهرش داشت از بهترین زن ها بود هیچ زنی مانند او رضایت همسر خود را جلب نکرده است. گیورگیو می گوید:

حضرت آدم در بهشت نگاهی به زندگی محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام انداخت و گفت: «یکی از برتری های حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر من این است که زن او برای اجرای اوامر خداوند به شوهرش کمک نمود حال این که زن من مرا در نافرمانی به دستورهای خداوند راهنمایی کرد» (4)

ص: 209

-
- 1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 123.
 - 2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 14 و ص 89
 - 3- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، همان، ص 32
 - 4- کنستانتین ویرژیل گیورگیو زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، همان ص 46

قدرشناسی و وفاداری پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام، بعد از حیات ایشان و تا پایان عمر شریف پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داشت. عایشه به جایگاه بی بدیل این بانوی بزرگوار اشاره کرده است. (1)

خاورشناسان در مورد تعداد فرزندان که خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نظرهایی ابراز کرده اند خدیجه علیها السلام شش فرزند برای پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آورد. دو پسر به نام های قاسم و عبدالله که هر دو در نوزادی مردند، به همین دلیل خدیجه علیها السلام ام القاسم (مادر قاسم) نام گرفت، ولی چهار دختر او به نام های زینب، رقیه، ام کلثوم و فاطمه باقی ماندند. (2) گیورگیو تعداد پسران را سه نفر معرفی می کند:

خدیجه علیها السلام برای محمد صلی الله علیه و آله سه پسر آورد که هر سه در خردی چشم از جهان فرو بستند به دنبال این سه پسر چهار دختر نصیب محمد صلی الله علیه و آله شد به نام های رقیه زینب ام کلثوم و فاطمه از این چهار دختر، یکی (فاطمه) صاحب نسل شد. (3)

مونتگمری وات هم نام فرزندان را، قاسم رقیه زینب، ام کلثوم، فاطمه، عبدالله (طیب) و طاهر معرفی می کند و می گوید:

فرزندان پسر در دوران طفولیت از دنیا رفته اند. (4)

اما قول صحیح در مورد تعداد و نام فرزندان خدیجه علیها السلام این است: خدیجه علیها السلام مادر تمام فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله به جز ابراهیم بود. طبق قول مشهور، فرزندان آن حضرت عبارت بودند از، قاسم عبد الله (ملقب به طیب و طاهر) رقیه، زینب ام کلثوم و حضرت فاطمه علیها السلام. (5)

ص: 210

1- جان دیون، پورت عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، همان، ص 33.

2- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 103

3- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت) همان ص 45

4- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 73

5- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، بینا، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، ص 275، ابن هیثم مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی، 1969م، ج 9، ص 218

در آثار شرق شناسان به استقلال مالی حضرت خدیجه علیها السلام نیز اشاره شده است. (1) کارن آرمسترانگ نیز می گوید:

در آن عصر، زندگی شهری به بعضی از زنان فعالیت های تجاری را اجازه داده بود؛ همان گونه که در اروپای قرن دوم هم زنان زیادی را در مشاغل تجاری، بانکی و فروشگاه ها می دیدیم که بسیار موفق عمل می کردند، خدیجه علیها السلام نیز مانند آنان ولی در مکه بود (2)

در مواردی که شرق شناسان ازدواج های خدیجه علیها السلام با مردانی دیگر را مفروض گرفته اند، منشأ ثروت او نیز به تبع این مسأله و میراث از همسران سابق ایشان در نظر گرفته شده است. کارل بروکلمان نیز در این زمینه می نویسد:

محمد صلی الله علیه و آله پس از آن که به سن رشد رسید به خدمت خدیجه علیها السلام در آمد. او زن متمول و بازرگانی بود که مال به ارث رسیده از دو شوهر پیشینش را شخصاً اداره می کرد؛ (3) در حالی که در مقابل قول ازدواج سابق حضرت خدیجه علیها السلام قول و عدم ازدواج و باکره بودن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله هم مطرح است و قرآینی آن را تقویت می کند. اما در هر حال، اطلاعات اندکی درباره منشأ ثروت حضرت خدیجه علیها السلام در دست است و آن چه غالباً بیان می شود حدس و گمان پژوهش گران و تاریخ نگاران است؛ اما بیش تر تاریخ نگاران معتقدند که حضرت خدیجه علیها السلام سرمایه اولیه خود را از طریق پدر ثروتمند خود به ارث برد و چون خاندان وی حنیف پیرو آیین ابراهیمی بودند، برخلاف دیگر زنان عصر جاهلی، از حق ارث محروم نبود و چون برادرانش به جز عمر و همه از دنیا رفته بودند و حضرت خدیجه علیها السلام از نظر سنی از همه بزرگ تر بود این اموال در اختیار وی قرار گرفت و سپس آن را با درایت و قدرت مدیریت خود توسعه داد. (4)

ص: 211

1- مونتگمری وات محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 13

2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 109

3- کارل بروکلمان، تاریخ دول و ملل اسلامی، مترجم، هادی جزایری دوم تهران علمی- فرهنگی، 1382 ص 232

4- خانواده پیامبر اسلام، همان، همان، ص 36.

1. نقش خدیجه علیها السلام در اطمینان بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در صدور وحی

کارن آرمسترانگ حضرت خدیجه علیها السلام را اولین مسلمان معرفی می کند به گفته وی آن بانو نخستین کسی بود که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و پس از او، خانواده، پیامبر علی زید و چهار دختر پیامبر صلی الله علیه و آله (1) در برخی دیگر از آثار شرق شناسان حضرت خدیجه علیها السلام اولین مسلمانی معرفی شده که حتی لحظه ای در ابراز ایمان خود تردید نکرد. (2) در برخی از این آثار به نگرانی حاصل از ترس پیامبر صلی الله علیه و آله هم اشاره شده است:

او پس از وحی، در فضایی رها شده بود که هیچ گونه تصور قبلی از آن نداشت و به سادگی نمی توانست آن را برای خود توجیه کند؛ اما در این تنهایی و وحشت، سریعاً نزد خدیجه علیها السلام بازگشت و در حالی که روی چهار دست و پا می خزید و تمامی بدن او لرزان بود سر به زانوی خدیجه علیها السلام گذاشت و گفت: «مرا بپوشان مرا بپوشان!». (3)

هم چنین در آثارشان اشاره کرده اند که خدیجه تلاش کرد به حضرت اطمینان دهد که آن چه بر او نازل شده، وحی است نه القاء شیطان؛ (4) زیرا در برخی از این منابع آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله می ترسید تحت القاء شیاطین و یا جن، کاهن شده باشد. (5) بنابراین پس از این که تعادل روحی خود را بازیافت اولین سؤالش از خدیجه علیها السلام این بود: «آیا من یک کاهن شده ام؟» (6) در این دوره، بزرگ ترین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است. (7)

گاه در آثار شرق شناسان، نوع ادبیات حضرت خدیجه علیها السلام برای آرامش بخشی

ص: 212

-
- 1- کارن آرم، استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 133.
 - 2- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن همان، ص 22 - 23 . 3 . کارن
 - 3- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 108
 - 4- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت همان، ص 52
 - 5- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 10
 - 6- همان، ص 109
 - 7- آن ماری شمیل، محمد رسول الله، مترجم حسن لاهوتی، اول، تهران: علمی- فرهنگی، 1383، ص 13

به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تشریح شده است. (1)

تکیه و تأکید بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در این زمینه، تا حدی است که برخی از آنان تصور می کنند حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سال های اولیه مأموریت خود بدون یاری و هم فکری خدیجه علیها السلام قادر به ادامه راه نبودند:

خدیجه علیها السلام زنی فوق العاده و از دیگر زنان عرب متمایز بود. او به گفته ابن اسحاق (مورخ اسلامی) باهوش و ممتاز بود هر زمان که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از حمله دشمنان یا رسیدن وحی به وحشت می افتاد مستقیماً به سوی خدیجه علیها السلام می رفت و آرامش خود را باز می یافت. او اولین زنی بود که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورد و با قدرت بخشیدن به او بار سنگین مأموریتش را سبک تر ساخت. (2)

در برخی از آثار شرق شناسان می خوانیم:

محمد صلی الله علیه و آله هر گاه که تنها می ماند و در مأموریت خود برای پیامبری دچار تردید می شد به خدیجه روی می آورد. (3) در ابتدای کار نیز پس از این که با اضطراب ناشی از، وحی نزد خدیجه علیها السلام رسید خدیجه علیها السلام او را در آغوش گرفت و سعی کرد با، نوازش، وحشت را از او بزداید!

تمامی منابع از اتکاء خارج از تصور پیامبر صلی الله علیه و آله بر خدیجه علیها السلام در زمان بحران ها خبر می دهند:

از آن به بعد نیز هر گاه در کوه الهام جدیدی به او می رسید، لرزان نزد خدیجه علیها السلام آمده، می خواست تا او را با عبا بپوشاند. (4) هم چنین است در فترتی که محمد صلی الله علیه و آله بعد از نزول وحی به آن دچار شده بود. (5)

داده های شرق شناسان در مورد ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و نخستین

ص: 213

-
- 1- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 110
 - 2- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 122
 - 3- کنستانتین ویرژیل گیورگیو، محمد پیامبر و سیاستمدار، همان، ص 14
 - 4- کارن آرم استرانگ محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، همان، ص 109 بر طبق مدارک صحیح تنها ابتدای نزول وحی حضرت به خود گلیم و جامه پوشیده احساس سرما و لرز نمود.
 - 5- مونتگمری وات محمد در مکه، همان، ص 91

مسلمان بودن ایشان درست است؛ زیرا طبق منابع وی از طریق عالمان یهود و نصارا، نشانه های نبوت را در شوهر خود دیده بود (1) به همین سبب، بعد از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله از او برای ایمان آوردن خدیجه علیها السلام با آرامش و اطمینان قلبی عرض نمود: «من سال هاست که پیغمبری تو را انتظار می کشم»، پس شهادتین را بر زبان جاری ساخت و خالصانه به آن حضرت ایمان آورد (2)

در نقش عاطفی و حمایت های روحی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز نزول وحی تردیدی نیست. هر گاه پیامبر از آزار و اذیت قریش آزاده خاطر می شدند حضرت خدیجه علیها السلام با دلداری دادن به ایشان باعث آرامش و تسکین آن حضرت در برابر سختی ها می شد. (3) اما در مورد اطمینان بخشی خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد صدور وحی باید گفت که همه داده های شرق شناسان متعصب، در یک نکته مشترک هستند و آن نیازمندی و احتیاج پیامبر صلی الله علیه و آله به شخص دیگر است تا او را از دنیای تردید بیرون آورد. این اطلاعات، از داده های جعلی ناشی می شود که در کتب اهل سنت راه یافته و اکثر منابع شرق شناسان تبیین درست و روشنی از نقش حمایتی حضرت خدیجه علیها السلام در تبلیغ پیامبر صلی الله علیه و آله صورت نداده اند؛ بلکه با بهره گیری از روایات ضعیف اما مشهور به جای تبیین شخصیت و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام، در این زمینه به تضعیف پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته اند ریشه این تحلیل های افسانه وار درباره چگونگی بعثت عایشه است و جزاوری دیگری ندارد و سپس با تکرار در متون و منابع حدیث و تاریخ اسلام به یک حقیقت قطعی و تردید ناپذیر تبدیل شده است. (4) خوف حضرت از نزول وحی بر خود به سبب اطمینان نداشتن به صدور وحی نبوده بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به شناختی که از جامعه آن روز حجاز داشتند می ترسیدند جامعه آن روز دعوتش را نپذیرند. به عبارت

ص: 214

1- محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: منشورات العلامه، بی تا، ج 1، ص 68.

2- همان، ج 1، ص 74.

3- ابن هشام، السیره النبی، همان، ج 1، ص 185.

4- خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام، ص 45

دیگر، روح هر چند برای برقراری ارتباط با عالم غیب توانا باشد، باز هم در آغاز، کار چون با فرشته ای که تا به حال با او روبه رو نشده مواجه شود، اضطراب به ایشان دست می دهد؛ اما بعدها اضطراب ایشان از بین رفت. (1)

بی شک نقش حضرت خدیجه علیها السلام، از بین بردن اضطراب های این چینی بود و مطالبی که در این باره نقل می شود گاه با مقام رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله منافات دارد. (2) روایت های این چینی که در منابع اهل سنت به وفور یافت می شود، غالباً بدون سندشناسی و رجال شناسی منعکس شده در حالی که علاوه بر آن باید ساحت و مقام عصمت نبوت نیز در نظر گرفته شود این داده ها بدون این که بررسی تخصصی در مورد آن صورت گیرد دست مایه شرق شناسان شده و قضاوت های بی اساس در مورد حضرت را باعث گردیده است.

2. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت های مالی و اجتماعی

از جمله نکاتی که از نگاه شرق شناسان مخفی نمانده همراهی حضرت خدیجه علیها السلام و تکیه گاه واقع شدن ایشان برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. در این، آثار حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها اولین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه بهترین یار و مددکار ایشان معرفی شده و جایگاه او را به واسطه این همراهی به عنوان هم نشین با برگزیده ترین زنان عالم ستوده اند. (3)

از نظر شرق شناسان، منصف خدیجه علیها السلام تنها یک همسر مهربان و آرامش بخش نبود او مشاور روحی پیامبر نیز به شمار می رفت. به اعتقاد کارن آرمسترانگ، او برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقش همان مشاورانی را بازی می کرد که در ادیان یکتاپرستی به کمک پیامبران آمده بودند (4)

همراهی آن بانو در نوع سلوک و منشی که پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی بدان معتقد

ص: 215

1- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا، ج 1، ص 185.

2- ابن اثیر، اسد الغابه، همان، ج 5، ص 436.

3- کنستانتین ویرژیل، گیورگیو، پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 89

4- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 109.

بودند، مسأله دیگری است که توجه شرق شناسان را جلب نموده تا جایی که برخی از آن ها گفته اند:

این، ازدواج جنبه راحت طلبی نداشت محمد صلی الله علیه و آله بخش عظیمی از ثروت خدیجه علیها السلام را صرف مستمندان و فقرا کرد تا جایی که خانواده او در مشقت نسبی به سر می بردند (1)

یا به این مسأله اشاره کرده اند که در مدت سه سال محاصره اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان در شعب ابی طالب علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام تمام دارایی خود را در راه اسلام و حمایت از نومسلمانان هزینه کرد و در نتیجه، تمام ثروت خود را از دست داد. (2)

همراهی و پشتوانه بودن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله، تا بدان پایه است که شرق شناسان فوت او بعد از جریان شعب ابی طالب را به عنوان یک ضایعه و از دست دادن اولین ستون اسلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله توصیف کرده اند. (3) از نگاه آنان، نقش حمایتی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله به حدی قوی بود که درگذشت او به عنوان از دست دادن بزرگ ترین پشتوانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله توصیف شده است:

در سال 619 میلادی محمد صلی الله علیه و آله همسر باوفای خود خدیجه علیها السلام را از کف داد که در روزگار محنت و نزدیک به نومییدی نیرومندترین پشتیبان بود. (4)

از نظر آنان، نبود خدیجه علیها السلام در مقاطع دیگر حیات پیامبر صلی الله علیه و آله هم چنان خلأ جبران ناپذیری برای ایشان بوده است. (5)

با وجود تمام نکات پیش گفته، در آثار شرق شناسان آن گونه که شایسته است، به همراهی و هم کاری حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته نشده،

ص: 216

1- همان، ص 123

2- کنستانتین ویرژیل گیورگیو محمد پیامبری که از نو باید شناخت، همان، ص 88

3- همان، ص 89.

4- آن ماری، شمیل، محمد رسول الله، همان، ص 16.

5- کارن آرم استرانگ، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام) همان، ص 183.

بلکه به طور پراکنده و مبهم به این مسأله پرداخته اند. در حالی که روایت های بسیار شفافی از فداکاری و پشتیبانی حضرت خدیجه علیها السلام از مقام رسالت، در منابع تاریخی منعکس گردیده است تا جایی که گاه خدیجه علیها السلام وارد معرکه شده و پیامبر صلی الله علیه و آله را از مهلکه آزار و اذیت جسمی نجات داد. (1) اما در آثار آنان به ایفای چنین نقش هایی پرداخته نشده است.

گاه این فداکاری ها در آثار برخی از آنان نادیده گرفته شده است؛ برای، نمونه کارل بروکلمان حقیقت را تحریف کرده و اقدامات و فداکاری های حضرت خدیجه علیها السلام را کاملاً نادیده گرفته و آن را جملگی به دیگران نسبت داده است؛ برای مثال می نویسد:

گویا ابوبکر دوست محمد صلی الله علیه و اله، قسمت مهمی از ثروت خود را صرف باز خرید و استخلاص مظلومان بی دفاع نمود در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام پس از آغاز زندگی مشترک با محمد صلی الله علیه و آله، اموالش را نیز وقف رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و خطاب به مردم فرمود: «مردم شاهد باشید که من خودم و مالم متعلق به محمد صلی الله علیه و آله است» (2) بعد مالش را در اختیار شوهر امین خود قرار داد کارکرد ثروت خدیجه علیها السلام در سال های نخست بعثت، به قدری بود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «سود هیچ: فرمود سود هیچ مالی برای من مانند مال خدیجه علیها السلام نبود» (3) و این اموال همه در اختیار حضرت رسول صلی الله علیه و سلم قرار گرفت

3. رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

مسأله درگذشت حضرت خدیجه علیها السلام و پیامدها و وقایع پس از آن نیز از جمله مسائل دیگری است که توجه شرق شناسان را جلب نموده و به آن اشاره کرده اند:

پس از چند روزی که از وفات ابوطالب گذشته، بود، خدیجه علیها السلام همسر

ص: 217

-
- 1- اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، البداية والنهاية، بیروت: دار الفکر، 1407 ق. ج 3، ص 197
 - 2- عبدالحمید مهاجر، اعلموا انی فاطمه، بیروت: دارالکتب و العترة، 1413 ق.، ج 2، ص 235
 - 3- محسن عاملی، اعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین 11، جلد بی، چا، بیروت، دار التعارف، 1403، ج 1، ص 220

باوفای پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که سرش در آغوش وی بود درگذشت. وفات این شریک زندگانی که آن قدر مورد محبت، بود در حقیقت برای او حادثه جان سوزی محسوب می شد؛ زیرا مدت پنج سال این زن برای محمد صلی الله علیه و اله وسلم مشاور و پشتیبان بود و در این هنگام اجاق خانواده او خاموش گردید و محمد صلی الله علیه و آله تنها ماند (1)

خدیجه علیها السلام در قبرستان مکه مدفون شد که در قسمت شمال غربی آن واقع است. جهانگرد معروف بورکسهاروت می نویسد:

قبر خدیجه علیها السلام تاکنون به همان حال باقی است و منظم مورد نیاز زائران است، مخصوصاً صبح روزهای جمعه و جز آیاتی چند از آیه الکرسی که روی قبر او با خط کوفی حک شده چیز با اهمیتی در مقبره دیده نمی شود. (2)

شرق شناسان به اولین ازدواج های رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام نیز اشاره کرده اند:

دو ماه بعد از رحلت آن، بانو محمد و صلی الله علیه و آله با بیوه ای به نام سوده ازدواج کرد و تقریباً در همان اوقات عایشه دختر زیبای ابوبکر، دوست صمیمی وی به حباله نکاح او درآمد و این وصلت موجب تقویت و تشدید روابط طرفین گردید. (3)

نتیجه

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام از نظرگاه شرق شناسان پس از بررسی تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله، غالباً با نگاه احترام آمیز به آن با نوست، اما دو نگاه متعصب و متعادل در ترسیم سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در آثار آنان قابل ترسیم است، زیرا آثارشان به منابع اهل سنت محدود می شود در حالی که منابع تاریخ اسلام در منابع اهل سنت خلاصه نمی گردد. از سوی دیگر، گاه در بهره گیری از

ص: 218

1- جان دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، همان، ص 32

2- همان، ص 32

3- همان، ص 34

گزارش های تاریخی هر چه با پیش فرض ها و گرایش های مادی خود مطابقت، دارد گزینش می کنند و از نقد و ارزیابی و بررسی اخبار و روایات خودداری می نمایند. در حقیقت اخبار و گزارش های مشهور اساس نوشته های آنان را شکل می دهد، اما کسانی که با شیوه های علمی تاریخ آشنا هستند، می دانند که برای یک خبر شهرت آن کافی نیست، بلکه باید اخبار معارض با آن را نیز بررسی و مطالعه کرد و به جمع بندی مناسب دست یافت. (1) از جمله این موارد، سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج های پیشین ایشان قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله است. همان طور که در متن بررسی گردید، دیدگاه های دیگری در مقابل قولی که شرق شناسان اخذ کرده اند وجود دارد ولی به آن نظرها اعتنایی نکرده اند.

این منابع کم تر به نقش و فداکاری های حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته اند برخی به این مسأله بسیار کم و اشاره وار در ذیل تاریخ و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته اند. برخی دیگر به همین اندازه نیز توجه نداده و به اشاراتی گذار بسنده نموده اند. اما مطلبی درباره بیان فضایل و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد

از دیگر نقاط ضعف آثار شرق شناسان این است که کمتر به ابعاد مختلف زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته اند همچنین درباره پیشنهاد ازدواج از جانب خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی اکرم الله علیه و آله، تحلیل های متفاوتی صورت، گرفته و کمتر به مسأله دلباختگی او به کمالات پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده است. گاه دلباختگی حضرت خدیجه علیها السلام به سیمای زیبای پیامبر صلی الله علیه و آله و گاه اطمینان او از کاردانی و کفایت و نوع عملکرد آن حضرت در سفر به شام، دلیل چنین پیشنهادی است.

ص: 219

1- تصویر خانواده پیامبر در دایره المعارف اسلام (ترجمه و نقد)، همان، ص 26.

1. ابن سعد، طبقات الكبرى، دار صادر، بيروت، بی تا.
2. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، بی جا، بی تا.
3. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، چاپ اول، بیروت: دار الجیل، 1412 ق.
4. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البدایه والنهایه، ج 2، بی جا، بی تا.
5. ابن هیثم، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربی، 1969 م.
6. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر، 1409 ق.
7. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1410 ق.
8. اربلی، حسن بن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت: دار الکتب الاسلامی، 1401 ق.
9. آن ماری شمیل، محمد رسول خدا صلی الله علیه و اله، مترجم حسن لاهوتی تهران: انتشارات - علمی، فرهنگی، 1383 ش.
10. جان دیون، پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه: غلامرضا سعیدی، چاپ سوم تهران: شرکت انتشار 1344 ش.
11. جمعی از نویسندگان زیر نظر محمد تقی زاده داوری، تصویر خانواده پیامبر اسلام در دایره المعارف اسلام، قم، مؤسسه شیعه شناسی، 1387 ش.
12. حلبی، نورالدین، سیره الحلبیه فی سیره الامین المأمون، بیروت: دار الکتب العلمیه بی تا
13. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت، دارالفکر، 1417 ق.
14. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، بی تا.
15. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
16. طبری، محمد بن جریر، الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم 11

جلد چاپ دوم، بیروت، دارالتراث، 1387 ق.

17. عاملی، محسن، اعیان الشیعه، تحقیق سید حسن امین، 11 جلد، بیروت، دارالتعارف، 1403 ق.
18. عبدالمحمدی، حسین، شرق شناسان و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، چاپ دوم، تهران نشر المصطفی، 1394 ش.
19. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه، بی تا
20. کارن آرمسترانک، محمد (زندگی نامه پیامبر اسلام)، ترجمه کیانوش حجتی تهران: حکمت، 1383 ش.
21. کوفی، علی بن محمد ابوالقاسم الاستغاثه، تهران، انتشارات الاعلمی، 1373 ش.
22. گیورگیو، کنستانتین ویرژیل، زندگانی حضرت محمد (محمد پیامبری که از نو باید شناخت)، ترجمه: مهرداد صمدی تهران انتشارات آسیا، بی تا.
23. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
24. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج 2، بی جا، بی تا.
25. ملائی، توانی، علیرضا در آمدی بر پژوهش در تاریخ، تهران، نشر نی، 1386 ش.
26. مونتگمری وات، محمد پیامبر و سیاست مدار، ترجمه: اسماعیل والی زاده تهران کتاب فروشی الاسلامیه، 1344 ش.
27. مونتگمری وات محمد در مکه ترجمه شعبان برکات، بیروت: مکتبه العصریه للطباعه والنشر، بی تا.
28. مهاجر عبد الحمید اعلموا انی فاطمه، بیروت: دارالکتب و العترة، 1413 ق.
29. نویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب نهاییه الارب، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1424 ق.
30. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا.

*بررسی جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در دائره المعارف قرآن لیدن: سکینه آخوند (1)

چکیده

مقاله «خدیجه علیها السلام» اثر باربارا فریر استواسر در جلد دوم دائره المعارف قرآن لیدن منتشر شده است. وی با استناد به منابع اهل سنت ابتدا به معرفی آن بانو پرداخته و بعد از بیان ویژگی های، او به چگونگی ازدواج خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می پردازد و در ادامه به حمایت های مادی و معنوی او از پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آوردن او و آیاتی از قرآن که در متون تفسیری با خدیجه علیها السلام مرتبط شده و جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده اشاره می نماید نویسنده مقاله به رغم مراجعه به منابع متعدد، به دلیل استناد به منابع اهل سنت و منابع محدودی از شرق شناسان، دچار کاستی و اشتباهاتی شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی سازگار نیست این، نوشتار درصدد است با بررسی این مقاله مطالب آن را با استناد به منابع معتبر اسلامی نقد کند و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام نزد مسلمانان را کاملاً تبیین نماید.

واژگان کلیدی

قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام، شرق شناسان، دائره المعارف لیدن

ص: 222

همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، به جهت قرابت با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و به لحاظ توجه خاصی که در آیات قرآن به ایشان شده موضوع بسیاری از مقالات و پژوهش های مسلمانان و شرق شناسان است حضرت خدیجه علیها السلام از جمله آن هاست که به عنوان اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه خاصی دارد. مقاله «خدیجه علیها السلام» اثر باربارا فریر استواسر در جلد دوم دایره المعارف قرآن لیدن منتشر شده است. خانم باربارا متولد 1935 میلادی علاوه بر این مقاله، دارای آثار دیگری مانند کتاب زنان در قرآن (1) (1998م) و مقاله «زنان پیامبر» در دایره المعارف قرآن است.

در این مقاله، نویسنده بعد از بیان ویژگی های خدیجه علیها السلام، به چگونگی ازدواج او با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را می پردازد و در ادامه به حمایت های مادی و معنوی او از پیامبر صلی الله علیه و آله، چگونگی اسلام آوردن او و آیاتی از قرآن که در متون تفسیری با خدیجه علیها السلام مرتبط شده اشاره می کند و در نهایت با توجه به آیات 11-12 تحریم و 42 آل عمران، به جایگاه آن بانو در بین زنان برگزیده (مریم و فاطمه خدیجه علیها السلام و عایشه) اشاره می نماید این مقاله شامل دو بخش است: نخست ترجمه مقاله «خدیجه علیها السلام» از دایره المعارف قرآن لیدن، شامل گزارشی کوتاه از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و جایگاه ایشان است؛ دوم، بررسی و نقد مقاله که مباحث مقاله در چند محور بررسی و نقد می گردد و در نهایت نتیجه گیری می شود.

ترجمه مقاله

«خدیجه علیها السلام دختر خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، مادر تمام فرزندان آن حضرت جزیکی و اولین ایمان آورنده به رسالتش است. از آن جا که او سه سال قبل از هجرت به مدینه درگذشت و با

ص: 223

توجه به این که آیاتی که اختصاصاً خطاب به اعضای خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله بودند در مدینه نازل شد نام خدیجه علیها السلام به ندرت در متون تفسیری دیده می شود. با این حال، نقش وی در نوع های ادبی، سیره های نبوی، قصص الانبیا و نیز در دینداری عامیانه پر رنگ بوده است».

خدیجه علیها السلام تاجر مکی اشرافی و ثروتمندی بود که از ازدواج قبلی اش دو پسر و یک دختر داشت. آن گاه که بیوه بود [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله به عنوان ناظر مال التجاره، در سفری تجاری به شام خدماتی به او کرده و گفته می شود در طول این سفر، جوانی از خانواده خدیجه علیها السلام به نام، میسره معجزاتی از [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله دید که انتخاب وی به نبوت را پیشگویی می کرد. این سفر تجاری موفقیت آمیز بود و خدیجه علیها السلام، متأثر از شخصیت خوب و امانت داری [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله، به او پیشنهاد ازدواج داد در منابع اهل سنت آمده است که این پیشنهاد را محمد صلی الله علیه و آله و عمویش حمزه بن عبد المطلب به خویلد بن اسد پدر خدیجه علیها السلام دادند (1) یا این که عمر بن سعد عموی خدیجه علیها السلام، او را به ازدواج پیامبر در آورد. (2) طبق اکثر روایات [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله در آن زمان بیست و پنج و خدیجه علیها السلام چهل ساله بودند. او حداقل پنج فرزند برای شوهرش آورد؛ چهار دختر (زینب، ام کلثوم، فاطمه و رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم، عبد الله؛ که البته ممکن است یک فرد باشند) با این که «الطاهر» و «الطیب» عموماً به عنوان لقب های عبدالله پذیرفته شده اند. (3)

حمایت های مادی عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام، در توفیق رسالت محمد صلی الله علیه و سلم بسیار اهمیت داشت متون تفسیری عموماً آیه 8 ضحی را «و تو را فقیر یافت، پس بی نیاز کرد» به این ازدواج مرتبط می کنند. خدیجه علیها السلام اولین تجارب معجزه آسای [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله و به ویژه برانگیخته شدن وی به نبوت را به ورقه بن نوفل عموی مسیحی اش گزارش داد و او این حادثه را به وحی

ص: 224

1- Ibn Ishaq-Guillaume, 82-83

2- ابن سعد، 132/1-133.

3- Ibn Ishaq-Guillaume, 82-83

شریعت بر موسی شبیه دانست؛ (1) هم چنین مطابق با نظریه ای، شاید همین ورقه جزئیات مربوط به باورهای مسیحیت را در اختیار محمد صلی الله علیه و اله قرار داده باشد. (2)

بر اساس اکثر روایات، خدیجه علیها السلام نخستین کسی بود که به خدا و رسول او و حقانیت پیامش ایمان آورد؛ یعنی او نخستین پیرو پیامبر و بعد از خود محمد صلی الله علیه و آله دومین مسلمان بود. بر اساس برخی روایات، علی بن ابی طالب پسر عموی، پیامبر دومین مسلمان و خدیجه علیها السلام سومین مسلمان بود. پیامبر تا خدیجه علیها السلام زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد و او همواره تکیه گاه اصلی پیامبر در جنگ ها علیه دشمنان مکی بود. (3)

رتبه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده خداوند یعنی در واقع اهمیت کیهان شناختی وی، در متون تفسیری در تفسیر آیات 11-12 تحریم و 42 آل عمران نشان داده شده است. در سیاق آیات 11-12 تحریم او به سبب خدمات زیادش به رسالت پیامبر هم ردیف همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران (مادر عیسی) دانسته می شود که هر دو اسوه ای برای مؤمنان بودند. درباره آیه 42 آل عمران، یعنی سخن فرشتگان به مریم که خداوند او را بر زنان جهان برگزیده است، نام خدیجه علیها السلام به طور چشمگیری در مباحث تفسیری مربوط به منزلت مریم در بین شخصیت های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله، (خود خدیجه علیها السلام، عایشه همسر بعدی پیامبر و فاطمه دختر پیامبر) دیده می شود. در این زمینه در بسیاری از روایات در منابع تفسیری و متون قصص الانبیا به نقل از پیامبر خاطر نشان شده است که مریم فاطمه خدیجه علیها السلام و عایشه بهترین زنان جهان و سرور زنان در بهشتند با اینکه روایات مربوط به گنجاندن عایشه در این گروه به لحاظ تعداد کم ترند، بسیاری از روایات مربوط به سیره تصریح دارند که مریم، آسیه، خدیجه علیها السلام و عایشه، همگی همسران محمد صلی الله علیه و آله در بهشت خواهند بود و در آن جا عمارت بهشتی

ص: 225

1- Ibn Ishaq-Guillaume, 83, 107

2- Sprenger, Leben, I, 124-134

3- Ibn Ishaq-Guillaume, 111-114

بررسی محتوای مقاله

اشاره

مقاله «خدیجه علیها السلام»، دارای نکات مثبت است؛ از جمله:

1. تأکید بر فضایل و ویژگی های آن بانو از قبیل اینکه وی اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله مادر تمامی فرزندان او جز یکی از ایشان نخستین زن مسلمان به پیامبر صلی الله علیه و آله ، حمایت های مالی و عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از آن حضرت و جزء زنان برگزیده عالم بودن وی؛
2. اشاره به تفسیر برخی آیات قرآن درباره خدیجه علیها السلام؛
3. استناد به منابع متعدد از شرق شناسان و مسلمانان؛
4. رویکرد مثبت و نسبتاً منصفانه به این شخصیت.

هم چنین مقاله در نگاه کلی دارای کاستی ها و نکات خدشه پذیر متعددی است که به بررسی و نقد نیاز دارد؛ از جمله این که نویسنده این مقاله و بیش تر شرق شناسان در شناخت اسلام و قرآن فقط به منابع تاریخی حدیثی و تفسیری اهل سنت مانند طبقات ابن سعد ، قصص الانبیا ابن کثیر، انوار بیضاوی تفسیر طبری ، تفسیر فخر رازی مراجعه می کنند و خود را از منابع اصیل و غنی اهل بیت علیهم السلام محروم می سازند. این رویکرد، باعث می شود تصویر ناقصی از اسلام و منابع اسلامی به دست آورند و در داوری گرفتار مشکل یا لغزش شوند. دوم این که سایر منابع ایشان در نوشتن مقاله آثار نویسندگان غربی است که با روح اسلام بیگانه اند. از این رو، در بررسی تفصیلی به ترتیب متن مقاله به چند محور پرداخته می شود:

ص: 226

1- باربارا فریر استواسر، دائره المعارف ، لیدن، ترجمه جلیل پروین

2- طبری، تفسیر، ج 6، ص 393-400؛ فخر رازی، تفسیر، ج 8، ص 45-46؛ بیضاوی ، انوار، ج 1، ص 155؛ ابن کثیر، قصص ، ج 2 ، ص 375-383.

به اعتقاد نویسندگان مقاله حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بیوه زنی بوده که از ازدواج قبلی اش صاحب دو پسر و یک دختر شده است. شاید دلیل این اعتقاد مراجعه به کتب محدودی از اهل سنت باشد. این دیدگاه سست، ناشی از اشتباه تاریخ نگاران یا غرض ورزی برخی دیگر بوده است. در پاسخ باید بیان کرد که این ادعا مخدوش است و با بررسی بیش تر در منابع تاریخی و روایی، آشکار می شود که وی هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه بوده ولی مغرضان برای اینکه این فضیلت را از آن دیگران معرفی کنند، وی را بیوه معرفی نموده اند.

ابوالقاسم علی بن احمد کوفی (م 352 ق) در این باره می نویسد:

بی گمان حضرت خدیجه علیها السلام به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله با هیچ کس ازدواج نکرد (1)

وی در ادامه سخنانش می گوید:

خدیجه ای که به اتفاق تاریخ نگاران و سیره نویسان، دست رد به سینه همه اشراف و رجال برجسته زمان زده است چه صاحب درک و اندیشه ای احتمال می دهد که به ازدواج شخص گمنامی از اعراب رضایت دهد. اهل خرد و اندیشه می دانند که چنین مطلبی از محالات است و یقین می کنند که حضرت خدیجه علیها السلام جز رسول خدا با هیچ کس ازدواج نکرده است. (2)

ابن شهر آشوب، از چهار شخصیت برجسته جهان تشیع و تسنن (بلاذری در انساب الاشراف، ابوالقاسم کوفی در الاستغاثه، سید مرتضی علم الهدی در الشافی، و شیخ طوسی در تلخیص الشافی) روایت کرده که فرموده اند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگامی با حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج کرد که وی

ص: 227

1- ابوالقاسم کوفی، الاستغاثه، ج 1، ص 70

2- همان.

حسین بن حمدان خصیبی با صراحت و قاطعیت می نویسد:

به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله، هرگز کسی افتخار همسری خدیجه علیها السلام را پیدا نکرد؛ چنان که تا خدیجه زنده بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همسر دیگری بر نگزید. (2)

ابن شهر آشوب با توجه به دو کتاب الأنوار و البدع (3) تأکید می کند که رقیه و زینب دختران، هاله خواهر خدیجه بودند. (4) علامه مجلسی نیز همین متن را از ابن شهر آشوب نقل کرده است. (5)

به گفته یعقوبی، «خدیجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که همسرش از دنیا رفت و دو فرزندش را بدون سرپرست گذاشت حضرت خدیجه علیها السلام که زنی ثروتمند بود، سرپرستی خواهر و خواهرزاده خود را به عهده گرفت و پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، بچه ها در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماندند و عرب می پندارد که اگر کسی را بزرگ کنی، فرزند توست؛ به همین جهت برخی مردم آنان را دختران خدیجه پیامبر صلی الله علیه و آله می پنداشتند نه هاله». (6)

سید جعفر مرتضی عاملی، دو تألیف مستقل با نام های بنات النبی أم ربانیه و القول الصائب فی اثبات الربائب در این باره که فرزندان خدیجه علیها السلام، ربیه پیامبر نبوده و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند به رشته تحریر درآورده و هم چنین در کتاب الصحیح من سیره النبی الأعظم به تفصیل در این باره سخن گفته است. (7)

با این اوصاف، چگونه می توان پذیرفت، خدیجه علیها السلام که از ازدواج با بزرگان و

ص: 228

1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابیطالب، ج 1، ص 206.

2- خصیبی، الهدایة الكبرى، ص 206

3- الانوار از تالیفات ابوالحسن البکری و البدع، کتاب الاستغاثه فی بدع الثلاثه از ابولقاسم کوفی است.

4- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 206

5- مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 191.

6- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 38.

7- سید جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج 2، ص 125 - 126؛ همو، بنات النبی ام ربانیه، ص 75-124

سروران قریش خودداری نموده و خواستگاری آنان را رد کرده، با اعرابی از قبیله بنی تمیم ازدواج کند؟ چطور وقتی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفته او را ترک کردند؛ چون از ازدواج با اشراف و بزرگان قریش سرباز زده و با محمد یتیم ابوطالب ازدواج کرده بود ولی در ازدواج با عرب های دیگر او را به عیب و عار متهم نساختند؟ چگونه می توان پذیرفت که حضرت خدیجه علیها السلام در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله از ناحیه قریش سرزنش شده اما در ازدواج با یک اعرابی ابداً سرزنش نشده باشد؟ بنابراین شایعه ازدواج خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحریف عمدی تاریخ بوده تا این فضیلت را از آن دیگران معرفی نمایند

بدین ترتیب آن چه نویسنده مقاله درباره فرزندان خدیجه علیها السلام از ازدواج قبلی اش بیان داشته پذیرفتنی نیست و طبق مستندات، مشخص می شود که فرزندان خواهر وی بوده اند که خدیجه علیها السلام کفالت آن ها را به عهده گرفته بوده است.

ب) سن خدیجه علیه السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

نویسنده مقاله بر اساس پاره ای از روایات اهل سنت سن خدیجه علیها السلام را هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال و سن پیامبر صلی الله علیه و آله را 25 سال دانسته والا است. البته وقایع نگاران و تاریخ نویسان اموی سن او را از 40 تا 46 سال نوشته اند تا رقیبی برای برخی از همسران پیدا نشود ولی قول مقبول و معقول در سن حضرت خدیجه علیها السلام، همان است که بسیاری از تاریخ نگاران آن را برگزیده اند و قاطعانه گفته اند که حضرت خدیجه علیها السلام 25 تا 28 ساله بوده است.

حافظ عمادالدین یحیی بن ابی بکر بن محمد عامری، (م 893 ق)، سن آن بانو را 25 دانسته و هیچ قول دیگری نقل نکرده است. (1)

حافظ ابوبکر احمد بن حسین بیهقی (م 458 ق)، نویسنده سنن کبری، فقط

ص: 229

همین قول را درست دانسته می گوید:

سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام وفات 65 و به قولی پنجاه بوده و قول آخر درست تر است. (1)

بر اساس مدارک تاریخی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام در سال 25 عام الفیل و 15 پانزده سال قبل از بعثت انجام یافته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن تاریخ 25 ساله بوده اند و رحلت آن با نوسه سال پیش از هجرت در سال دهم بعثت رخ داده؛ بدین ترتیب اگر حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج 25 ساله باشد، هنگام ارتحال پنجاه ساله بوده و اگر چهل ساله، باشد هنگام ارتحال 65 ساله بود که بیهقی پنجاه ساله را درست دانسته است.

ابن کثیر نیز همین متن را از بیهقی نقل کرده (2) سپس می افزاید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام 25 ساله بودند؛ حضرت خدیجه علیها السلام نیز در آن هنگام 35 و یا 25 ساله بود.

بیهقی از حاکم اینگونه روایت می کند (3)

قول دیگر این است که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 28 ساله بوده و این قول ابن عباس است. ذهبی از او روایت کرده که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر 28 ساله بوده است. (4)

ابن حماد حنبلی از دانشمندان معروف اهل سنت می نویسد:

بسیاری از تاریخ نگاران این دیدگاه را ترجیح داده اند که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 ساله بوده است. (5)

بلاذری در ضمن اقوال، مختلف گفته پیامبر 23 ساله و خدیجه علیها السلام 28 ساله بوده است. (6) ابن عساکر نیز از ابن عباس نقل کرده که حضرت خدیجه علیها السلام 28

ص: 230

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 71

2- ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج 2، ص 294

3- همان، ص 295

4- ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 111.

5- ابن الحماد الحنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج 1، ص 14.

6- بلاذری، انساب الأشراف، ج 1، ص 108.

ساله بود: «کانت خدیجه علیها السلام يوم تزوجها رسول الله صلى الله عليه و اله ابنه ثمان و عشرين سنه و مهرها اثنتی عشر اوقیه» (1) حاکم نیشابوری نیز از محمد بن اسحاق نقل کرده که خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله 28 ساله بود. (2)

بنابراین آن چه در منابع مختلف نقل شده که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل ساله بوده، شایعه ای بیش نیست؛ زیرا بیهقی آن را رد کرده و 25 ساله بودنش را درست دانسته و حاکم آن را قول شاذ می داند و در نقد سخن هشام بن عروه که وفات آن بانو را در 65 سالگی دانسته می نویسد: «هذا قول شاذ فان الذی عندی انها لم تبلغ ستین سنه» (3) بنابراین اعتقاد دارد سن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله کم تر از سی بوده است.

پس بی شک سن آن بانو هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله 25 و حداکثر 28 ساله بوده و تاریخ نویسانی که سن چهل را مطرح نموده اند، دلیلی برای قول خود ندارند و این قول شاذ است.

ج) خدیجه علیها السلام در قرآن

به گفته خانم فریر استواسر، به دلیل این که خدیجه علیها السلام سه سال قبل از هجرت درگذشته بود و از طرفی آیات مربوط به خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه نازل شده پس در متون، تفسیری نام خدیجه علیها السلام به ندرت دیده می شود و فقط آیه 8 سوره ضحی (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) را در مورد ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ در حالی نویسنده به این متون استناد کرده که آیات 11 و 12 سوره تحریم و 42 آل عمران نیز در مورد فضایل خدیجه علیها السلام تفسیر شده است.

بیان نویسنده مقاله نشان می دهد که وی استقصای کاملی در آیات و تفاسیر قرآن نداشته است؛ زیرا علاوه بر آیه فوق (4) که طبق تفاسیر عامه و خاصه

ص: 231

1- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج 3، ص 193

2- حاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 182

3- همان ج 3، ص 182

4- خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود.

و روایات اهل بیت علیهم السلام تصریح شده که مراد از «بی نیاز ساختن پیامبر»، مال و بخشش خدیجه علیها السلام بود که همه را در طبق اخلاص گذاشته و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد آیات متعدد دیگری نیز در شأن حضرت خدیجه علیها السلام تفسیر شده اند؛ از جمله:

1. آیه (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)؛ «و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!» (1) مطابق با احادیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده منظور از «ازواجنا» در آیه شریفه حضرت خدیجه علیها السلام است.

محمد بن عباس از ابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمود:

از جبرئیل پرسیدم: «مراد از أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا کیست؟» گفت: «خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام «و قُرَّةَ أَعْيُنٍ» حسن و حسین علیهما السلام و منظور از «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» علی بن ابی طالب علیه السلام است.» (2)

حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نامدار اهل تسنن در این مورد آورده که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمودند:

پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: «منظور از ازواجنا کیست؟» پاسخ داد: «خدیجه علیها السلام است؛ و «ذریاتنا» فاطمه و دو نور دیده اش حسن و حسین علیهما السلام هستند و در جمله «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» منظور حضرت علی علیه السلام است. (3)

علامه مجلسی نیز شبیه همین روایت را ذکر نموده است. (4)

تفسیر قمی بر آن است که منظور از واژه «ازواجنا» در آیه مورد بحث، حضرت

ص: 232

1- سوره فرقان آیه 74

2- سید محمد بروجردی، تفسیر جامع، ج 5، ص 55.

3- حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج 1، ص 416

4- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 263.

خدیجه علیها السلام است. (1) فیض کاشانی نیز در تأویل آیه می نویسد:

منظور از آن، مقام والای، رسالت قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار پیامبر صلی الله علیه و آله از اوست. (2)

2. ذیل آیات 18 - 28 سوره مطففین از پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر و بیان مصداق «مقربون» نقل شده است:

مقربان بارگاه خدا عبارتند از پیامبر صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان علیه السلام، امامان اهل بیت علیهم السلام که پس از علی علیه السلام، یکی پس از دیگری خواهند آمد فاطمه علیها السلام دختر رسول الله و خدیجه علیها السلام دختر خویلد. (3)

3. همچنین در تفسیر قمی آیه «السابقون السابقون اولئك المقربون؛ پیش گامان پیش گامند آن ها مقربانند!» (4) به رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام، علی بن ابی طالب علیه السلام و ذریه ایشان تفسیر شده است. (5)

4. علامه مجلسی از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ)؛ «پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان» (6) نقل می کند که مراد از «مؤمنین» علی علیه السلام و اصحاب پیامبر و مراد از «مؤمنات» خدیجه علیها السلام هستند. (7)

5. ذیل آیه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ)؛ «به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان آل عمران را بر مردم جهان برتری داده است» (8) فرات کوفی نقل می کند:

ص: 233

1- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 117

2- محسن فیض کاشانی، علم الیقین فی اصول الدین، ج 2، ص 986.

3- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 24، ص 3.

4- سوره واقعه آیات 10 و 11

5- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 439.

6- سوره محمد، آیه 19

7- بحار الانوار، ج 24، ص 321.

8- سوره آل عمران، آیه 33

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه علیها السلام و عایشه وارد شدند، در حالی که آن دو بر یک دیگر افتخار می کردند و صورت شان برافروخته بود. پس پیامبر صلی الله علیه و آله از حال ایشان جو یا شده ایشان بیان کردند پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا عایشه أو ما علمتان الله اصطفی آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران و علیاً و الحسن و الحسین و حمزه و جعفرأ و فاطمه و خدیجه علیها السلام علی العالمین»؛ «ای عایشه! آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، دودمان ابراهیم و خاندان عمران، وجود امیرالمؤمنین حسن و حسین حمزه، جعفر، خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام را بر جهانیان برگزید؟» (1)

بدین ترتیب، گر چه حضرت خدیجه علیها السلام سه سال پیش از هجرت از دنیا رفته و آیات مربوط به همسران پیامبر در مدینه نازل شده با استقصای کامل می توان یافت آیات متعددی از جانب پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره این شخصیت کم نظیر تفسیر شده است.

(د) جایگاه خدیجه علیها السلام در بین زنان برگزیده عالم

خانم استواسر در ذیل آیه 42 آل عمران و برگزیده شدن حضرت مریم بر زنان، عالم به نام و رتبه حضرت خدیجه علیها السلام در مباحث تفسیری مربوط به منزلت حضرت مریم در بین شخصیت های زن قرآنی و نیز در ارتباط با سه زن برگزیده از خانواده پیامبر (خدیجه عایشه و فاطمه) اشاره می کند و می کوشد با استناد به تفاسیر اهل سنت در ذیل آیه مذکور به عایشه همسر دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله توجه دهد؛ در صورتی که روایات ذیل آیه، تنها به جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارند.

در ذیل آیه (وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛ «و به یاد آورید هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است،» (2) مخاطب

ص: 234

1- فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص 23؛ بحار الانوار، ج 73، ص 63

2- سوره آل عمران، آیه 42

در این برتری کمال و پاکی حضرت مریم است؛ اما روایات تفسیری، گویای این واقعیت است که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق دیگر این آیه هستند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

فضلت خدیجه علیها السلام علی نساء امتی کما فضلت مریم علی نساء العالمین؛

همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شد، خدیجه علیها السلام نیز بر زنان امت من برتری داده شده است. (1)

غالب تفاسیر اهل سنت نیز در ذیل آیات مربوط به اصطفا‌ی مریم به برگزیده بودن حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارند نه عایشه زمخشری از پیامبر صلی الله علیه و آله و نقل می کند:

كَمُلَ مِنَ الرِّجَالِ كَثِيرٌ وَلَمْ يَكْمَلْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: آسیه بنت مزاحم امراه فرعون و مریم بنت عمران و خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله؛

بسیاری از مردم در زندگی به سوی کمال اوج گرفتند، اما از میان زنان این چهار زن نمونه رشد و اوج هستند، آسیه، مریم خدیجه علیها السلام و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و اله (2)

آلوسی از ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

اربع نسوة سادات عالم هن مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله و افضلهن عالماً فاطمه؛

چهار زن سالار زنان روزگار شدند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه علیها السلام دختر خویلد و فاطمه که افضل آن هاست. (3)

قرطبی نیز با استناد به سخن ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند:

افضل نساء اهل الجنة خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله

ص: 235

1- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج 2، ص 456.

2- زمخشری الکشاف، ج 4، ص 573.

3- آلوسی، روح المعانی، ج 3، ص 155؛ طبری شافعی، ذخائر العقبی، ص 44؛ سیوطی، درالمنثور، ج 2، ص 23.

و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم؛

برترین و پر فضیلت ترین زنان بهشت عبارتند از خدیجه علیها السلام، فاطمه دختر محمد، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم. (1)

سپس می نویسد:

ظاهر قرآن و احادیث، اقتضا می کند که حضرت مریم از تمام زنان برتر و پس از آن فاطمه و سپس خدیجه علیها السلام و بعد آسیه باشد.

(2)

وی در این بین سخنی از عایشه به میان نیاورده است.

ابن کثیر از امام علی علیه السلام چنین نقل کرده:

سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم خیر نساءها مریم بنت عمران و خیر نساءها خدیجه علیها السلام بنت خویلد؛

بهترین زنان مریم دختر عمران و خدیجه علیها السلام دختر خویلد هستند. (3)

همین عبارت از طبری و بغوی نیز نقل شده است. (4) هم چنین بغوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند:

حسبک من نساء العالمین: مریم بنت عمران و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امرأة فرعون

از زنان عالم مریم دختر عمران خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد و آسیه همسر فرعون تو را کفایت می کند. (5)

بنابراین در ذیل این آیات از بین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله فقط به برتری خدیجه علیها السلام در بین زنان عالم اشاره شده و نامی

از عایشه نیامده است

ه) جایگاه خدیجه علیها السلام در بهشت

نگارنده در انتهای مقاله به نقل از برخی تفاسیر اهل سنت و متون قصص

ص: 236

1- قرطبی، جامع لاحکام القرآن، ج 2، ص 82؛ بحار الانوار، ج 43، ص 9.

2- همان، ج 4، ص 83.

3- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 1، ص 312

4- حسین بن مسعود بغوی، معالم التنزیل، ج 1، ص 438؛ طبری، جامع البیان، ج 3، ص 180.

5- بغوی، همان، ج 1، ص 439

به روایاتی در منزلت خدیجه علیها السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده که مریم، فاطمه، خدیجه علیها السلام و عایشه را بهترین زنان جهان و سرور زنان بهشت می داند که این سخن نیز به بررسی نیاز دارد

نگارنده مقاله گر چه به کم بودن تعداد روایات مربوط به گنجاندن عایشه در بین بهترین زنان عالم اشاره کرده، در عین حال سعی نموده با توجه به کتب سیره، مقام و منزلت عایشه را در کنار خدیجه علیها السلام تأکید و اثبات کند. در صورتی که کتب سیره و تفسیر، همه در مورد جایگاه خدیجه علیها السلام و برتری او بر تمام زنان عالم و تمام همسران، پیامبر از زبان آن حضرت تأکید و تصریح دارند نه جایگاه عایشه روایات ذیل برتری حضرت خدیجه علیها السلام را در جهان و در بهشت بر سایر زنان بیان می کند:

- برید در حدیثی از امام صادق علیه السلام عن نقل می کند:

هنگام رحلت حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه علیها السلام که در حدود پنج سال داشت شدیداً بی تابی می کرد و به دور پدر بزرگوارش می چرخید و می گفت: «پدرجان! مادرم کجاست؟» پس جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند می فرماید: «سلام ما را به فاطمه برسان و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه علیها السلام در خانه های بهشتی با آسیه و مریم دختر عمران زندگی می کند»». (1)

- ابن حجر نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و اله در حدیثی با سند نیکو فرموده اند:

(لَقَدْ فَضَّلْتُ خَدِيجَةَ عَلَي نِسَاءِ أُمَّتِي)؛

خدیجه علیها السلام بر بانوان امت من برتری یافته است.

با این حدیث برتری خدیجه علیها السلام بر عایشه استدلال شده است. (2) هم چنین می نویسد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی صحیح السند فرمودند:

(أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ)؛

ص: 237

1- محمد بن اسماعیل صحیح بخاری، ج 2، ص 277

2- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج 7، ص 135؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 139.

برترین بانوان بهشت خدیجه علیها السلام، فاطمه، فاطمه، مریم و آسیه اند. (1)

آن گاه می گوید: «این حدیث صریح است و قابل تأویل نیست». (2)

ابن عساکر نیز برترین بانوان بهشتی را خدیجه علیها السلام دخت خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله می داند. (3)

- ابن کثیر نیز شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه علیها السلام را برشمرده، سپس می گوید:

برخی از اهل سنت غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه علیها السلام تفضیل می دهند (4)

بدین ترتیب با بررسی منابع اهل سنت این مطلب به دست می آید که روایات بیان گر جایگاه بهشتی حضرت خدیجه علیها السلام، در کنار حضرت مریم و آسیه است نه بیش تر از آن.

نتیجه

با توجه به متن مقاله، این نتیجه به دست می آید که نویسنده مقاله، خانم باربارا فریر استواسر، گرچه تتبع مناسبی درباره جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام ای داشته و به ابعاد مختلف شخصیت و زندگی آن بانو اشاره کرده عمده مشکل وی این است که فقط به برخی از منابع اهل تسنن و پاره ای از منابع شرق شناسان استناد کرده و به منابع شیعی کم توجهی نموده به همین دلیل در مورد این بانو مرتکب کاستی و خطا شده و مطالبی را ذکر کرده که با تاریخ قطعی سازگار نیست که با تتبع کامل در منابع تاریخی و روایی شیعه و حتی اهل سنت، این اشتباهات را می توان برطرف نمود.

ص: 238

1- همان؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمیز الصحابه، ج 4، ص 366؛ حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 297

2- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج 7، ص 135.

3- ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج 74، ص 84.

4- ابن کثیر، البدايه والنهاية، ج 3، ص 129

قرآن كريم.

1. ابن حجر عسقلاني، أحمد بن علي الاصابه في تميز الصحابه ، بيروت، دار الكتب العلمية، 1415ق.
2. -،فتح الباري، بيروت، دارالمعرفة، بي تا
3. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب ، بيروت، دارالاضواء، 1412 ق.
4. ابن كثير اسماعيل بن عمر تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلمية، 1419 ق.
5. -،البداية والنهاية، دار احياء التراث العربي، 1408 ق .
6. ابن عساكر، علي بن حسن، تاريخ دمشق، داراحياء التراث العربي، 1421 ق.
7. ابوالقاسم كوفي، علي بن احمد الاستغاثه في بدع الثلاثه ، نجف، انتشارات اعلمى، 1368 ق.
8. احمد بن ابي يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، بي تا.
9. آلوسى، سيد محمود، روح المعانى، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1405 ق
10. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، بيروت، دار ابن كثير، 1410 ق
11. بروجردى، سيد محمد ابراهيم تفسير جامع تهران ، انتشارات صدر 1366 ش
12. بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن ، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1420 ق
13. بلاذرى، احمد بن يحيى ، أنساب الأشراف، بيروت، دارالفكر، 1420 ق.
14. حاكم حسكاني، عبيد الله ، شواهد التنزيل مجمع احياء الثقافه الاسلاميه

15. حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1414 ق.
16. حنبلی، ابن عماد شذرات الذهب في اخبار من ذهب، بیروت، داراحیاء التراث العربی بی تا
17. خصیبی، حسین بن حمدان الهدایة الكبرى، بیروت، مؤسسه البلاغ 1426 ق.
18. دائره المعارف، لیدن ترجمه جمعی از نویسندگان انتشارات حکمت
19. بیهقی، احمد بن حسین دلائل النبوة، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1405 ق
20. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، بیروت، مؤسسه الرساله، 1413 ق.
21. زمخشری، محمود بن عمر الکشاف، دار الکتب العربی، بیروت، 1407 ق .
22. سیوطی، جلال الدین، الدر المنشور في تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ق.
23. طبری، شافعی، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی في مناقب ذوی القربی قاهره مطبعه القدسی، 1356 ق.
24. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1412 ق.
25. طوسی، محمد بن حسن التبیان في تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا
26. عامری، یحیی بن ابی بکر بهجه المحافل، مدینه منوره المكتبة العلمیة بی تا.
27. عاملی، سید جعفر مرتضی، بنات النبی ام ربائبه، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام، بی تا.

28.-، الصحيح من سيرة النبي الأعظم، قم، دارالحديث، 1426 ق.

29. فرات كوفي ابوالقاسم فرات بن ابراهيم تفسير فرات كوفي، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، 1410 ق.

30. فيض كاشاني، ملأ محسن، علم اليقين في اصول الدين، بيروت، دارالبلاغه، بي تا

31. قرطبي، محمد بن احمد، تفسير جامع الاحكام القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربي بي تا

32. قمي، علي بن ابراهيم تفسير قمي، قم، دارالكتاب، 1367 ش.

33. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفا، 1403 ق.

.Encyclopaedia of the Quran

ص: 241

*سیمای خدیجه کبری علیها السلام در شعر فارسی با تأکید بر سروده های آیینی معاصر: سیدجمال الدین موسوی (1)

چکیده

حضرت خدیجه کبری علیها السلام همسر فداکار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله از برترین زنان جهان نخستین زن، مسلمان حامی مادی و معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. وی به دلیل خدمات بزرگی که برای گسترش توحید انجام داد در پیشگاه خدا و رسولش به جایگاه و منزلت مهم دست یافت به همین دلیل سیما و شخصیت و فضایل ایشان در متون، تاریخی روایی و ادبی مدح شده است در ادب، فارسی شاعران فارسی سرا با بهره گیری از منابع تاریخی و روایی سیمای مبارک او را در قالب های شعری گوناگون با شیوه ها و رویکردهای متفاوتی به شعر کشیده اند معرفی خدیجه کبری علیها السلام به عنوان الگوی برتر ستایش و بیان فضایل و مناقب ایشان را به دلیل جایگاهی که در تاریخ اسلام، دارد دو رویکرد اساسی در سروده های فارسی به ویژه دوره معاصر می توان برشمرد شاعران فارسی سرای، آیینی با آن که در معرفی شخصیت و تبیین زندگی نامه و در توصیف فضایل و مناقب ایشان اشاره های مشترکی داشته اند در مواردی نیز کوشیده اند به یکی از عرصه های حیات این بانوی بزرگ به طور خاص توجه کنند و در سروده های شان معرفی سازند.

ص: 242

خدیجه کبری علیها السلام، فضایل و مناقب، توصیف، شعر فارسی، شعر آیینی

مقدمه

تکریم و بزرگداشت شخصیت های دینی در تمامی ادیان و فرهنگ ها رایج است در اسلام به دلیل تأکید بر کرامت انسانی افراد به حفظ احترام شخصیت انسان تأکید شده اما در این میان قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان، دین برخی از شخصیت های دینی و مذهبی و اجتماعی را به دلیل جایگاه و خدمات شان که در راه اصلاح و پیشرفت جامعه انسانی ستوده اند.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام یکی از این شخصیت های بزرگ به شمار می آید که در تاریخ حدیث و ادب ستوده شده است. شعر یکی از بخش های مهم دنیای ادبیات است و به لحاظ موضوع و محتوا به دسته های مختلف تقسیم می شود و هر بخش آن با رویکرد خاصی به وجود آمده است؛ از جمله شعر دینی و آیینی که شاعر شخصیت های ممدوح و مورد نظرش را با آن می ستاید. حضرت خدیجه کبری علیها السلام، از جمله کسانی است که شاعران و سرایندگان بزرگ با استفاده از منابع تاریخی و روایی، شخصیت، فضایل و مناقب، مصائب و خدمات این بانوی بزرگ را ستوده اند.

نوشتار حاضر از سه بخش اصلی تشکیل شده است. در بخش نخست اجمالی از زندگی نامه و شخصیت حضرت خدیجه کبری علیها السلام با استفاده از کتاب های تاریخ و سیره گزارش می شود. بخش دوم نیز دربردارنده تعریف و تبیین انواع شعر فارسی و بازشناسی شعر آیینی است. بخش سوم که بخش اصلی این نوشتار به شمار می آید، با مراجعه به سروده های شاعران فارسی سرای قدیم و معاصر درباره آن بانو به بازخوانی و توصیف محتوایی آن ها پرداخته است.

در معرفی سروده ها، سعی شده عنوان سروده ذکر گردد و اجمالی از

زندگی نامه سراینده در پاورقی توضیح داده شود. از آن جایی که سروده‌ها بیش تر طولانی بودند ناگزیر شدیم ابیات و بخش‌هایی از آن‌ها را گزینش نماییم در برخی موارد سرچشمه‌های تاریخی سروده‌های شاعران را به متن‌های تاریخی و روایی ربط داده‌ایم در تهیه سروده‌ها و زندگی‌نامه‌های شاعران، از مجموعه‌های شعری دیوان‌های شاعران، وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌های شاعران و وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌های تخصصی در عرصه شعر و ادبیات فارسی بهره‌گرفته‌ایم. از میان هفده شاعر که سروده‌های‌شان ذکر شده به جز خاقانی و سنایی که به سده‌های پیشین تعلق دارند بقیه متعلق به دوره معاصر هستند.

نامه حضرت خدیجه علیها السلام و شخصیت والای ایشان

خدیجه کبری علیها السلام دختر خویلد بن اسد و فاطمه بنت زائده در سال 68 قبل از بعثت در مکه به دنیا آمد. (1) خانواده ایشان از تبارهای اصیل عرب بودند و پدرش از شجاعان طایفه اسد به شمار می‌رفت. هم‌چنین برخی از بستگان او مانند ورقه بن نوفل پسر عمویش و ابوالعاص خواهرزاده و دامادش در دوران جاهلیت به دلیل برخورداری از کمالات والای شخصیتی چون: علم، امانت‌داری، و راستگویی شهرت داشتند. (2) آن بانو در دهم ربیع الاول سال بیست و پنجم عام الفیل یعنی پانزده سال پیش از بعثت ازدواج نمود و مدت 25 سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زندگی کرد. حاصل این ازدواج و زندگی مبارک تولد شش فرزند به نام‌های: قاسم، عبدالله، رقیه، زینب، ام‌کلثوم، و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. (3)

حضرت خدیجه علیها السلام به سبب نجابت، شرافت و تربیت خانوادگی‌اش به القاب و کنیه‌هایی چون، مبارکه، طاهره غراء، سیده نساء قریش، سیده نساء العالمین، أم‌هند أم‌المومنین، و أم‌الزهرا علیها السلام مفتخر است. (4) از اعتقادات آن

ص: 244

1- السید احمد زینی دحلان، السیره النبویه والآثار المحمدیه، ج 1، ص 226.

2- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 62

3- ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 20

4- السیره النبویه والآثار المحمدیه، همان، ج 1، ص 106.

بانو پیش از اسلام چیزی در منابع تاریخی نیامده اما بر اساس برخی گزارش ها وی خدا پرست و پاک سرشت بوده است. ایشان با این که زنی ثروتمند و زیبا بود تا هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ، با آن که دو مرتبه ازدواج نمود، اما به لهو و لعب رایج در جامعه عرب جاهلی عصرش آلوده نگشت. وی در مجالس لهو و لعب زنان اشراف عرب که در نزدیکی های خانه اش برگزار می شد شرکت نمی کرد و در کار تجارت نیز از برخورد بیش از حد با مردان کناره می گرفت و بیش تر اوقات میسر غلامش را برای رسیدگی به امور تجاری می فرستاد. او به سبب داشتن چنین فضایل اخلاقی به «طاهره» ملقب شد لقبی که بعدها حتی مایه افتخار اخلاف او شد و آنان به «بنو طاهره» ملقب شدند. (1)

ایشان پیش از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و اله، به دلیل داشتن شرافت خانوادگی و مکنت دنیوی مورد توجه مردان بزرگ در شبه جزیره عربستان قرار داشت بر اساس برخی روایات تاریخی وی پیش از ازدواج با پیامبر کرم صلی الله علیه و آله، در آغاز با ابوهاله هند بن نباش بن زراره ازدواج کرد که حاصل این ازدواج فرزندی با نام های هند طاهر حارث هاله و دختری به نام زینب بود. (2) البته درباره هاله اختلاف نظر وجود دارد و برخی وی را دختر ابوهاله دانسته اند. (3) دومین ازدواج وی با پسر عمه اش عتیق بن عائذ بن عبدالله بن مخزوم بود. (4) از ازدواج دومش صاحب دختری به نام هند و پسری به نام عبدالله شد. (5)

حضرت خدیجه علیها السلام ، از زنان ثروتمند جزیره العرب بود که پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، تمامی ثروتش را در راه اسلام مصرف کرد. (6) وی هم چنین اولین زن مسلمان بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آیین ایشان ایمان آورد و از مریبان

ص: 245

- 1- ابن جریر طبری، تاریخ طبری، ج 7، ص 567.
- 2- ابن حزم اندلسی، جوامع السیره و خمس رسائل آخری، ص 32؛ الروض الانف، ج 2، ص 246.
- 3- أبی عبد الله أبی المصعب بن عبد الله بن المصعب الزبیری، نسب قریش، ص 22.
- 4- ابن جریر طبری، پیشین، ج 3، ص 161؛ أبی المنذر هشام الكلبي، جمهرة النسب، ج 1، ص 90.
- 5- عبدالرحمان سهيلي، الروض الانف في شرح السیره النبويه لابن هشام، ج 2، ص 246.
- 6- محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 16، ص 71

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بود حضرت علی علیه السلام خاطره روزهای نخستین بعثت و ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام را چنین بیان می فرماید:

در آن روزگار جز رسول خدا صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام، کسی به اسلام نگرویده بود و من سومین آن ها بودم (1)

این بانوی بزرگ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علاقه شدیدی داشت؛ به طوری که در تمامی دردها و سختی های دوران بعثت تا آخرین لحظات حیات خویش، شریک سختی ها و رنج های ایشان بود. (2) رحلت جان سوز حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابو طالب علیها السلام، در یک مقطع تاریخی در ماه شوال یا ذی قعدة سال دهم بعثت رخ داد ایشان هنگام جان سپردن شصت و پنج سال داشت و این مصیبت بزرگ برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار سخت تمام شد، به طوری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن سال را «عام الحزن» نامیدند. (3)

شعر فارسی

شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته باشد. از منظر این تعریف عناصر سازنده شعر عبارتند از: عاطفه، تخیل، زبان موسیقی و شکل شعر فارسی به قدیم (کلاسیک) و نو (معاصر) تقسیم می شود. هم چنین شعر فارسی کلاسیک دارای قالب های مختلف چون قصیده، غزل، قطعه، مثنوی، رباعی، دوبیتی، ترجیع بند و ترکیب بند، مسمط، مستزاد، و چهارپاره است. (4) شعر فارسی کلاسیک نیز خود به حماسی، عرفانی وصفی و مدح و مراثی دسته بندی می شود (5)

ص: 246

- 1- نهج البلاغة، تصحیح دکتر صبحی صالح خطبه قاصعه، ص 300-301.
- 2- امین الدین طبرسی، اعلام الوری فی اعلام الهدی، ص 60
- 3- عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 1، ص 507.
- 4- دکتر حسن احمدی گیوی و دیگران زبان و نگارش فارسی، ص 132-133.
- 5- اکرم محرابی زندگی نامه شاعران ایرانی، ص 20-24

شعر آیینی، یکی از دسته‌ها یا یکی از اقسام شعر فارسی است. دیدگاه‌های متفاوتی در مورد ماهیت شعر آیینی و این که چه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی دارد عرضه شده است. محمد کاظم کاظمی شاعر و نویسنده سرشناس معاصر، سه رویکرد در مورد شعر آیینی بیان کرده است:

رویکرد اول: شعر آیینی یعنی شعری که سروده شدن آن بر آموزه‌های دینی مبتنی باشد.

رویکرد دوم: که معمولاً در بین مردم رایج است، این که شعر آیینی یعنی شعری که درباره موضوعات دینی و به خصوص در مورد شخصیت‌های دینی و ائمه اطهار علیهم السلام سروده شود. این تلقی شعر آیینی را به ستایش ائمه مذهب و دین محدود نمی‌سازد بلکه موضوعات دیگری نیز می‌تواند سوژه آن باشد.

رویکرد سوم: در این رویکرد که دیدگاه بینابین و دقیق‌تری از شعر آیینی عرضه می‌کند؛ شعر آیینی یعنی شعری که موضوع آن به نحوی با آموزه‌ها و شخصیت‌های دینی پیوند بخورد. (1)

برخی دیگر شعر آیینی را این گونه تعریف کرده‌اند:

شعر آیینی کلامی است، مُخَيَّل آهنگین و معنوی که به لحاظ محتوایی و مقوله‌های معنوی، متأثر از منابع اسلامی و باورهای دینی است و وجه تمایز آن با اشعار دیگر در موضوعاتی است که به آن می‌پردازد و در خصوص عناصر شعری با آن‌ها تفاوتی ندارد. (2)

بازخوانی رویکردهای سروده‌های فارسی و آیینی درباره حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

سرایندگان فارسی سرا در سروده‌های شان نسبت به حضرت خدیجه کبری علیها السلام رویکردهای متفاوتی داشته‌اند این رویکردها را در توصیف شخصیت و بیان، فضایل و مناقب آن بانوی بزرگ به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم نمود:

ص: 247

1- درباره شعر آیینی و بلاگ محمد کاظم کاظمی: mkkazemi.persianblog.ir

2- محمد علی مجاهدی پروانه سیری در قلمرو شعر نبوی، ص 28

الف) برخی جدا از جایگاه دینی حضرت خدیجه علیها السلام، به شخصیت والای ایشان به عنوان یک انسان فرهیخته و با همت تأکید داشته اند. این دسته، با توصیف شخصیت آن، بانو سعی نموده اند از این طریق ممدوح شان را به خوبی وصف کنند.

ب) گروه دیگر که اکثریت را تشکیل می دهند به دلیل داشتن تعلق خاطر به دین و شخصیت های دینی این بانوی بزرگ را به عنوان فرد شاخص و شخصیت تاثیرگذار عصرش یاد کرده اند و به جایگاه ویژه اش در اسلام و گسترش پیام توحید تأکید داشته اند.

جستجویی که این نوشتار در سروده های برخی شاعران فارسی سرای سده های پیشین و معاصر داشته به سروده های کوچک و بزرگ گوناگونی برخورد کرده که از میان آن ها هفده مورد را با این دو رویکرد یافته است که در ذیل به بازخوانی محتوایی آن ها پرداخته می شود.

1. زینت بخش روزگار

جد من مصطفی امان زمان *** پدرم مرتضی امین جهان

جده من خدیجه زین زمان *** مادرم فاطمه چراغ جنان (1)

ابیات فوق سروده بخشی از سرودهای سنایی غزنوی (2) است که در بیان سبب و نحوه شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام است. سنایی با بهره گیری از تناسب و جناس (امین و امان) از قول امام حسن مجتبی علیه السلام حضرت خدیجه علیها السلام را

1. 2. ص: 248

1- تک ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، حدیقة الحقیقة، ص 262

2- سنایی شاعر و عارف بزرگ در سال 463 یا 473 قمری در غزنین به دنیا آمد با تلاش و کوشش فراوان، با دانش های زمانش آشنا شد و در برخی از آن ها تبحر یافت سنایی در سال 525 یا 535 قمری در 62 سالگی در غزنین درگذشت آثار او عبارتند از: 1. دیوان اشعار شامل، قصیده غزل ترکیب و ترجیع بند قطعه و رباعی؛ 2. مثنوی حدیقة الحقیقه؛ 3. مثنوی طریق التحقیق؛ 4. مثنوی کارنامه بلخ؛ 5. مثنوی سیر العباد الی المعاد؛ 6. مثنوی عشق نامه و عقل نامه؛ 7. سه مکتوب منشور؛ 8. رساله منشور (اکرم محرابی، پیشین، ص 94-98).

زینت بخش روزگار وصف کرده است. (1)

2. بخشندگی با مال و جان

تحفه بزم اوست مریم وار *** هر چه طویی به نوبر افشاندست

آن خدیجه است کز ارادت حق *** مال و جان بر پیمبر افشاندست (2)

این دو بیت برگرفته از قصیده ای طولانی است که خاقانی شروانی (3) در مدح صفوة الدین بانوی شروان شاه سروده است. خاقانی برای برانگیختن سخاوت ممدوحش، سخاوت او را به سخاوت حضرت خدیجه علیها السلام تشبیه نموده است. (4)

از سر زهد و صفا در شخص او *** هم خدیجه هم حمیرا دیده ام

آن خدیجه همّتی کز نسبتش *** بانوان را قدر زهرا دیده ام (5)

خاقانی در این ابیات نیز در وصف ممدوح خویش، با کلام نسبتاً اغراق آمیز و با آراسته نمودن کلام به تناسب این گونه ممدوح را در آینه حضرت خدیجه علیها السلام مشاهده کرده است بر این اساس وی حضرت خدیجه را آینه تمام نمای زهد و صفا می داند. (6)

3. روایت منظوم ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام

روایت منظوم در بیان عشق خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای ازدواج ایشان و رخدادهای پس از آن اثر شاعر ناشناخته فارسی سرای است که در زمان

ص: 249

1- محمد گلابی سیمای یاران حضرت رسول در متون ادبی و عرفانی، ص 172.

2- افضل الدین بدیل خاقانی، دیوان به کوشش محمدتقی مدرس رضوی، ص 82

3- خاقانی شروانی ملقب به حسان العجم در سال 520 قمری در شروان به دنیا آمد و در سال 595 قمری در تبریز درگذشت خاقانی از بزرگ ترین قصیده سرایان در تاریخ شعر و ادب فارسی به حساب می آید. از خاقانی آثاری چون: دیوان اشعار شامل، قصاید ترجیعات مقطعات و رباعیات . تحفة العراقین مثنوی در 3200 بیت . و منشآت شامل نامه های خاقانی به بزرگان، زمانش بر جای مانده است. (اکرم محرابی، پیشین، ص 98-102).

4- محمد، گلابی، پیشین، ص 172

5- خاقانی، پیشین، ص 273

6- محمد، گلابی، پیشین، ص 173

قبل از سده دوازدهم قمری در شبه قاره هند می زیسته است. (1)

این سروده طولانی، تقریباً بزرگ ترین نظم نامه درباره عشق حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکدیگر محسوب می شود که برگرفته از روایات بحار الانوار (2) در این باره است. شاعر در این نظم، نامه مسائلی چون: شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام دارایی و جایگاه اجتماعی، او تجارت پیشگی او چگونگی آشنایی او با پیامبر صلی الله علیه و آله، هم کاری پیامبر صلی الله علیه و آله با کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، چگونگی خواستگاری و ازدواج ایشان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، حمایت های معنوی و کمک های مالی خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله در راه گسترش اسلام برخوردار زنان مکه با خدیجه علیها السلام قبل و بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، تولد حضرت زهرا علیها السلام و... را انعکاس داده است. ابیات ذیل بخشی از این سروده طولانی است: (3)

روایت را به اسناد از مفضل *** رسانیدست اسناد مکمل

از او پرسیدم از روی ارادت *** که چون بودست زهرا را ولادت

تفحص چون ز صدق دل نمودم *** چنین از جعفر صادق شنودم

که چون جفت پیمبر شد خدیجه *** به آن بی مثل همسر شد خدیجه

چو کاری این چنین دیدند از وی *** زنان مکه ببریدند از وی

از آن خورشید برگشتند یکسر *** از و چون سایه برگشتند یکسر

نمی رفتند دیگر جانب او *** نمی بودند دیگر طالب او

سلام او نمی کردند هرگز *** به سوی او نمی کردند هرگز

ص: 250

1- محمد علی خان گویا از کاتبان بنام قرن دوازدهم قمری در شبه قاره هند، این مجموعه را که بخش از سروده های (جنگ) نوزده بندی است با خط نستعلیق زیبا در اندازه (27×14/5) سانتی متر و با استفاده از کاغذ ترمه که در چهار ستون جدول بندی شده و در 197 برگ شانزده سطر، کتابت و تنظیم کرده است. وی در مثنوی ها تصرفاتی انجام داده و برخی از آن ها را برگزیده است بند دوازدهم این مجموعه نوزده بندی، ماجرای عشق و ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام است که با بهره گیری از روایات بحار الانوار انشاد شده است. (محمد محمدپور پیراشته، نقش ام المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، ص 121 به نقل از فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، ج 8، ص 437-440)

2- محمد باقر مجلسی، پیشین، ج 16، ص 81

3- محمد محمود پور پیرپشته پیشین، ص 121 - 135

همین نی خود از و محروم بودند *** که منع دیگران هم می نمودند

از این معنی خدیجه وحشتی داشت *** ولی در اصل از این رودهشتی داشت

که پیغمبر از آن در هم نباشد *** دل شادش اسیر غم نباشد

چو زهرا در شکم پیدا شد او را *** انیس خاطر شیدا شد او را

به تنهایی به او همراز می گشت *** به او همراز و هم آواز می گشت

به دفع آن غم و اندوه صوری *** به او می کرد تلقین صبوری (1)

با نگاه اجمالی در این ابیات می توان دریافت واژگان به کار برده شده در، آن با قواعد نگارشی فارسی سده های پیشین سازگاری دارد. واژگان مانند «رسانیدست» و «باسناد» که در تعبیر ادبی امروزمین «رسانده است» و «به اسناد» نگاشته می شود

سلسله اسناد روایی که شاعر شعرش را در این ابیات مستند ساخته، می رساند که وی پیرو مذهب جعفری بوده است؛ زیرا وی این روایت را از بحار الانوار از طریق مفضل ابن عمر که از راویان حدیث ائمه در عصر امام جعفر صادق علیه السلام بوده به شعر کشیده است. وی در این ابیات برخورد نامناسب زنان مکه را با حضرت خدیجه علیها السلام بیان می دارد و در آن مقطع از تاریخ که آن بانو با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج نمود و آن حضرت پس از این که به رسالت مبعوث شد، زنان مکه مانند مردان آن جا با پیامبر صلی الله علیه و آله و با خدیجه علیها السلام بدرفتاری می کردند. خدیجه علیها السلام از بی اعتنایی زنان مکه نسبت به خودش، از آن جهت اندوهگین که باعث رنجش خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله می شد و در این راه می کوشید تا بود پیامبر صلی الله علیه و آله از این ماجرا آزاده خاطر نشوند. خدیجه علیها السلام و بارداری حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، سوژه ای دیگر است که شاعر حضرت زهرا علیها السلام را مایه آرامش خاطر رفیق رازهای لحظه های تنهایی و کاهنده رنج ها و اندوه های مادرش معرفی می کند

ص: 251

قصیده بود از هر زنی برتر خدیجه، سروده شاعر آیینی و دل سوخته اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام حبیب الله چایچیان «حسان» (1) است. وی در این سروده با نگاه، آیینی شخصیت فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام را وصف کرده است:

همین وارستگی شایسته ای اوست *** چو زهرا را بود مادر خدیجه

کشد بار عطای آسمانی *** چو باشد مادر کوثر خدیجه

چه کوثر آن که یکتا همچو طاهاست *** صدف شد بر چنین گوهر خدیجه

ز نامش مادران بر خود ببالند *** که دارد یک چنین مادر خدیجه

چه خوش باشد غلام خود بخواند *** «حسان» را در صف محشر خدیجه (2)

شاعر در این ابیات به مقام شامخ آن بانو از این زاویه تأکید کرده که او مادر برترین زن جهان یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود بانویی که خداوند در مورد او به پیامبرش فرمود:

لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی علیه السلام لما خلقتک و لولا فاطمه لما

ص: 252

1- حبیب الله چایچیان متخلص به «حسان، شاعر و مرثیه سرای بزرگ اهل بیت عصمت و طهارت علیه السلام در سال 1302 شمسی در شهر تبریز متولد شد. در کودکی به همراه خانواده اش به تهران آمد. تحصیلاتش را در مدرسه ایران و آلمان گذراند سپس در بانک ملی ایران استخدام شد. چایچیان از معروف ترین شاعران عاشورا سراسر است که در تمامی مناطق فارسی زبان سروده هایش طرف دار و خواننده دارد وی نخست به جز اشعار آیینی و عاشورایی در عرصه های دیگر نیز شعر می سرود اما با سفر به کربلاء معلی و نجف اشرف، فقط در مدح و مرثیه اهل بیت عصمت و طهارت اکتفا نمود (محمد لی مجاهدی، کاروان شعر عاشورا، ص 580؛ و مرضیه محمد زاده، دانشنامه شعر عاشورایی، ج 2، ص 1216). گل های پرپر خزان گلریز باغستان، عشق، سایه های غم، ای اشک ها بریزید (جلد اول دیوان اشعار) خلوتگاه راز (جلد دوم دیوان اشعار) چهل حدیث جالب از علی بن ابی طالب علیه السلام و جلد سوم دیوان اشعار از جمله آثار او است. وی کتاب «بَطَلَةُ کربلا» اثر «دکتر بنت الشاطی» را با نام «زینب علیها السلام بانوی قهرمان کربلا» به فارسی ترجمه کرده است. این شاعر دل سوخته اهل بیت علیهم السلام با عالم مشهور شیعه علامه عبدالحسین امینی نویسنده کتاب گران سنگ الغدیر ارتباط داشته و به تأثیر پذیری از اندیشه های علامه سید مرتضی عسکری نیز اقرار کرده است (محمد علی، مجاهدی، پیشین، ص 580؛ مرضیه محمد زاده، پیشین، ج 2، ص 1216).

2- علی کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیه السلام، ص 562-565

اگر تو نبودی، موجودات را نمی آفریدم، و اگر علی علیه السلام نبود، تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه، نبود شما دو نفر را نمی آفریدم.

5. فخر بانوان

فخر بانوان عنوان مسدسی است از شاعر مشهور آیینی در دوره معاصر مرحوم علی اکبر خوش دل تهرانی (1) که در آن از آغاز آشنایی حضرت خدیجه کبری علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله هم کاری در کاروان تجاری، او ازدواج با ایشان و... تا رحلت آن بانوی بزرگ را به تصویر کشیده است. جلوه ویژه ای که از زندگی و شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در سروده خوش دل تهرانی دیده می شود به بخشی از اجر و پاداش الهی اشاره دارد که در قبال زحمات و خدمات این بانوی بزرگ به او عطا شد که در راه انتشار رسالت انجام داد این پاداش در وجود نازنین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تجلی یافته است. ابیاتی از این بخش از مسدس چنین است:

خدیجه در ره آیین این مرد *** همه هستی خود از جان فدا کرد

خدا هم در ازای هستی او *** گرامی گوهری بروی عطا کرد

چه گوهر به ز اعطینا و کوثر *** چه اختر بهتر از زهرای اطهر

در آن روزی که آن فرخنده دختر *** به بطن مام والایش مکان داشت

ببرد تا از دلش اندوه با وی *** حکایت های نغز و داستان داشت

که ای مادر ز بی یاری نرنجی *** که من چون گوهری داری و گنجی

ص: 253

1- علی اکبر خوشدل تهرانی (1332 - 1365 ش) فرزند حاج رحیم صلح، خواه در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتداییه و متوسطه اش را در مدرسه تدین تهران و مدرسه ثروت (ایران شهر) و علوم قدیمه (صرف، نحو، فقه و اصول، معانی، بیان و بدیع) را در مدرسه مروی، کتاب مطول تقنازانی و معنی ابن هشام را از آقا شیخ علی رشتی آموخت. وی حکمت و منطق را در اصفهان و شیراز فرا گرفت و سپس به سیرو سیاحت پرداخت. خوشدل تهرانی در قالب های، غزل، قصیده قطعه و مثنوی شعر می سرود و در غزل که مهارت خاص داشت از طائب تقلید می کرد دیوان کامل، وی چند روز پیش از وفاتش در 820 صفحه منتشر شد. دیوان غزلیات (جزء اول: 1356 ق)؛ دیوان منتخبات (1332 ش)؛ عمده الاسرار (مجموعه شعر، 1356 ق)؛ گلشن خوشدل (مجموعه شعر، 1365 ق). مجموعه آثار وی است. قبر وی در آستانه شیخ صدوق در ری قرار دارد. (وب سایت راسخون <http://ptth/734295>://wohs/rihahsam/ten.noohkesar).

در پایان نیز شاعر از عفت و شجاعت حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای احتجاج او با خلیفه اول در قضایای پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاد نموده که این عفت و شجاعت را به دخترش زینب کبری علیها السلام در قرائت خطبه های آتشین در کوفه و شام آموزش داده است:

در آن روزی که زهرا با ابوبکر *** نمودی احتجاج بی قرین را

به زینب دختر خود یاد می داد *** بیان خطبه های آتشین را

زن اسلام آزاد است و بیدار *** ولیکن پاک دامن است و دین دار (1)

آزادگی، بیداری پاک دامنی و دینداری از نگاه شاعر، مهم ترین ارکانی است که شخصیت زن مسلمان را تشکیل می دهد و این ارکان را شاعر در وجود حضرت زهرا علیها السلام و بی بی زینب کبری علیها السلام که پیشوایان زنان مسلمان هستند عالم نمایان می بیند. بی شک فخر بانوان خدیجه کبری علیها السلام در متجلی شدن این عفت و شجاعت بی نقش نبودند.

6. همسر رسول الله صلی الله علیه و آله

مثنوی خدیجه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله سروده زنده یاد استاد ژولیده نیشابوری (2) است که در آن شخصیت فضایل و خدمات آن بانو را در راه اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه به تصویر می کشد:

خدیجه اولین بانوی اسلام *** کز او زن را به نامش زنده شد نام

2. ص: 254

1- محمد صحتی سردرودی، فاطمه زهرا علیها السلام در شعر فارسی از ولادت تا شهادت 126-129 به نقل از خوشدل تهرانی، دیوان خوشدل تهرانی، ص 591

2- محمد حسن فرحبخشیان مشهور به ژولیده نیشابوری در سال 1320 شمسی در نیشابور به دنیا آمد. در دوران کودکی به سبب شرکت در مراسم های مذهبی و عشق به اهل بیت عصمت و طهارت علیها السلام به شعر و ادبیات آیینی علاقه مند شد. وی بیش تر اشعارش را در زمینه های مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده است. ژولیده نیشابوری به دلیل داشتن روحیه انقلابی حدود سه سال و اندی از عمرش را در زندان های دوره طاغوت سپری نمود وی سرانجام در سال 1386 شمسی در ورامین درگذشت. از مرحوم ژولیده حدود سی اثر در قالب کتاب و جزوه برجای مانده است گلبانگ، عشق، ای قلب ها بسوزید ای چشم ها بگریید و چه کنم دام ها می سوزد مشهورترین مجموعه های شعری اوست. (وب سایت شبکه اینترنتی آفتاب: moc.ribatfa.www).

یگانه همسر پیغمبر است او *** به قدر و رتبه از مردم سر است او

خدا را بین زن ها او یگانه است *** که در تاریخ نامش جاودانه است

ز ایثارش کرم شرمنده گشته *** کرم پیش سخایش بنده گشته

به سهم خویش دین خود ادا کرد *** تمام ثروت خود را فدا کرد. (1)

شاعر در این مثنوی فضایل و مناقب مختلفی را برای حضرت خدیجه کبری علیها السلام بر شمرده که از مهم ترین آن ها مسأله ایمان اوست. به گواهی تاریخ، آن بانو اولین زن مسلمان بود که به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به همراه آن حضرت و امام علی علیه السلام نماز گزارد. (2)

7. عطیه حق

عطیه حق عنوان غزلی است از محمد عابد تبریزی (3)، شاعر آئینی اهل بیت عصمت و طهارت در ابیاتی از این غزل که در ذیل می آید، مقام زن و به ویژه مقام حضرت خدیجه علیها السلام عالی را ستوده شده است:

زن است روح منزه، زن است جان مصطفی

به شرط آن که ملبس بود به جامه تقوی

بهترین عطیه حق است زن به عالم هستی

علی الخصوص زنی هم چنان خدیجه کبری

زنی که گوی سبق برده از فحول به همت

ص: 255

1- ژولیده نیشابوری، ای چشم ها بگریید اشعار مذهبی با مقدمه استاد محمد باقر صدرا، ص 125.

2- اعظم رحمت آبادی، پیشین، ص 88

3- محمد عابد (1314 - 1385 ش) در محله خیابان تبریز به دنیا آمد. پدرش شاعر بود و در شعر «یتیم» تخلص می کرد، در کودکی نزد پدرش تحصیل نمود و در اول جوانی در بازار تبریز مشغول کار شد و در سال 1344 شمسی کارمند رسمی بانک تجارت گردید و در سال 1374 بازنشسته شد. وی با علوم و معارف اسلامی از جمله: فقه و اصول، فلسفه و عرفان ادبیات عرب و پارسی و تفسیر قرآن آشنایی داشت و با شخصیت هایی چون: عمران، صلاحی، دکتر مرتضوی دکتر خیام، پور دکتر ترجانی زاده و آیت الله سلطان القرایی و... مرآوده علمی و ادبی داشت. وی از کودکی حافظ قرآن و به نهج البلاغه علاقه مند بود و در شعر و ادبیات به مولانا، حافظ، سعدی و نظامی توجه بیش تری داشت. وی سراینده سروده های آئینی بود. (وبلاگ عابد خلوت نشین انجمن ادبی استاد محمد عابد تبریزی:

زنی که نادره ماسوا بود به سجایا
چراغ بیت نبوت به ماه چهره تابان
صفای باغ رسالت به سرو قامت رعنا
زنی که بود کنارش امان «مأمن هستی»
زنی که بود سرایش ملاذ «ملجأ دنیا»
پی رواج شریعت به منتهای مناعت
نثار کرد به پای نبی طلا و مطلا
همه شدائد دعوت همه مصائب امت
ز لطف او به نبی بود جمله نوش و مهتا
کسی نبود حمایت کند ز نفس رسالت
به جز خدیجه که بودش، انیس با تن تنها
سخن چگونه توان گفت در مدیحت آن زن
که هست همسر خیرالانام و مادر زهرا
برفت و دیده احمد گریست در غم هجرش
نه مصطفی که همه کائنات گشت معزی (1)

شاعر در این سروده به شخصیت والای تاریخی و اخلاقی حضرت خدیجه علیها السلام تأکید دارد و او را به سبب صفات و خدماتی چون: وارستگی زهد، همت مناعت طبع ایثار جانی و مالی در راه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، و... می ستاید شاعر تأکید می کند هر قدر بخواهیم خدیجه کبری علیها السلام را مدح کنیم همسری پیامبر صلی الله علیه و آله و مادری زهرا علیها السلام، بزرگ ترین افتخار برای این بانوی بزرگ است که با همه ستایش ها برابری می کند غم و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله در فقدان خدیجه علیها السلام، در نگاه نازک خیالانه شاعر بر عالم هستی تأثیر گذاشت و به سبب حزن پیامبر صلی الله علیه و آله، عالم هستی با آن نفس قدسی و ولی اولیا همراه شد. این بزرگ ترین شاهد بر عظمت خدیجه علیها السلام است

1- محمد صحتی سردرودی ، پیشین، ص 124 به نقل از محمد عابد تبریزی ، مهر در، شفق، ص 40 .

گنج در ویرانه، عنوان غزلی است از شاعر و نویسنده معاصر مرحوم منصور امینی (1) از محتوای این سروده چنین بر می آید که شاعر آن را هنگام حضور در مدفن حضرت خدیجه کبری علیها السلام سروده است. شاعر با تجسم شخصیت آن بانو، رابطه خود با او را این گونه به شعر در آورده است:

مادرم این جاست در این شعب بوطالب دفین است

مادر بر حق من مادر به حق حق همین است

نیست او گر مادر من پس بگوید ای عزیزان

تار و پودم جان و قلبم از چه با مهرش عجین است

مادر ای مادر که شیرم داده ای معذور دارم

مهر تو جسم است و مهر او مرا ایمان و دین است

این که این جا بر مزارش اشک می بارم چو باران

روح عشق و جان یک رنگی ست ام المؤمنین است

عفت و مهر و وفاداری از او رونق گرفته

ص: 257

1- منصور امینی (1310 - 1385 ش) مهندس نویسنده، مترجم و شاعر مشهور در خانواده نسبتاً فقیر در باغبادران ساحل زاینده رود اصفهان به دنیا آمد. تحصیلاتش را در زمینه الکترونیک و علوم فنی در مدارس شرکت پالایشگاه آبادان به همراه آموزش زبان انگلیسی به پایان رسانید وی پس از 35 سال کار در پست های مهم فنی پالایشگاه آبادان با آغاز جنگ تحمیلی عراق بازنشسته شد. از این زمان به بعد، با جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان مجتمع فولاد مبارکه و بخش الکترونیکی ارتش همکاری نمود. امینی شاعری را از پدرش که متخلص به «فانی» بود به ارث برد و در کنار فعالیت های علمی در زمینه های مختلف از جمله: نگارش کتاب هایی در بررسی و نقد مستشرقان درباره تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و ترجمه گزیده تفسیر نمونه و برخی کتاب های دینی به زبان انگلیسی مجموعه های شعری مختلف را منتشر نمود. اولین مجموعه شعری وی در 22 سالگی چاپ شد. اشک عاشق خدای نامه، یاران محمد، فلسفه الهی، خود را بیش تر بشناس، تاریخ 4 هزار ساله فولاد ایران و دیوان، منصور از آثار منظوم وی است. (روزنامه کیهان، ش: 18559 ت: 1385/4/152 ش، ص 11 بخش: شهرستان ها و وب سایت انجمن فرهنگی و هنری شیدا //: www.anjoman- http/ sheida.com/info.php?links-pageid=39id2-7

عشق را این پاک باز دهر مفهوم آفرین است

جانم را غم بدعهدی خوبان گرفته

خوب می دانم چه گنجی اندر این ویران زمین است

فاطمه خیرالنساء العالمین را مادر است او

همسر بی مثل و بی همتای ختم المرسلین است

آه «منصور» آن که این جا خفته او را می شناسی

گنج در ویرانه یا تاج سرش عرش برین است. (1)

شاعر در این غزل از جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام سخن به میان آورده و او را مادر مؤمنان و مادر حقیقی خویش دانسته است و محبت به مادرش را عاطفی و محبتش به حضرت خدیجه علیها السلام را دینی و ایمانی می داند.

9. پیوند دو نور

پیوند دو نور، عنوان مثنوی نسبتاً طولانی از سید مرتضی میرفخرایی جندقی (2) است. وی در این مثنوی نخست نسب خانوادگی حضرت خدیجه علیها السلام، سپس ماجرای خواستگاری مجلس عقد و پیوند نبی اکرم صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه کبری علیها السلام را به شعر درآورده است. ابیات زیر بخشی از این مثنوی طولانی است که در آن ها فضایل و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام بازتاب یافته است:

مظهر پاکی و جمال خداست *** نور رحمت ز چهره اش پیدا است

در وصول مرام همسر خویش *** گذرد از زر و دهد سر خویش

ص: 258

1- محمد صحتی سردرودی، پیشین، ص 130 به نقل از منصور امینی دیوان منصور امینی، ص 193.

2- سید مرتضی فخرایی میرجندقی از شاعران و منبریان، تهران تحصیلات دانشگاهی اش را در رشته های فلسفه و علوم تربیتی در دانشکده معقول و منقول و دانش سرا در تهران به پایان رساند تحصیلات حوزوی اش را در زمینه های فقه حکمت و عرفان نزد پدرش سید محمد باقر فاضل جندقی، محمود شهابی، سیدکاظم عصار، میرزا مهدی، آشتیانی و الهی قمشه ای فراگرفت وی مدت 25 سال در وزارت فرهنگ به تدریس پرداخت و بیش از پنجاه سال در تهران به منبر و ارشاد عموم اشتغال داشت مجموعه سروده های سید مجتبی میرفخرایی جندقی در زمینه تاریخ اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مناقب و فضایل خاندان عترت با عنوان سیمای رسول الله منتشر شده است. (سید مرتضی میرفخرایی، جندقی، سیمای رسول الله، تلخیص از ص 9-18).

هست با تابناکی آئینه اش *** تا شود وحی حق معاینه اش

چون خدیجه جمال احمد دید *** در جمالش کمال ایزد دید

لیک راه عبور آن همه نور *** بود چشمان روشن آن هور

که ز چشمان او بچشم امین *** می شد آن نور پاک جایگزین

دیده را به دیده اش وا کرد *** عالم غیب را تماشا کرد (1)

یکی از بارزترین ویژگی‌هایی که شاعر در این ابیات برای حضرت خدیجه علیها السلام بر شمرده، توانایی او در درک حقیقت است. درک حقیقت و واقعیت نیز به سبب کمال نهفته در وجود آن با نوست حضرت خدیجه علیها السلام کمال الهی را در جمال پیامبر صلی الله علیه و آله می بیند و برای دست یافتن به مرام و مقصود همسرش که همان تحقق یکتاپرستی است از تمام دارایی خویش می گذرد و در این راه جان فشانی می کند در نگاه شاعر حضرت خدیجه به سبب داشتن طینت پاک و آراسته بودن به درک نور رحمت (یگانه پرستی) توانست نور حقیقی را از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله بخواند و عالم غیب را بنگرد.

10. سرچشمه کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام سرچشمه، کوثر عنوان یکی از غزلیات شاعر آیینی سید رضا مؤید خراسانی (2) است شاعر در این غزل با نگاه نازک خیالانه حیات جاودانه و خدمات فراموش ناشدنی آن بانورا با زبان شعری این گونه بیان می کند.

خیمه عشق را عمود تویی *** صفت مهر را نمود تویی

ص: 259

1- همان، تلخیص از ص 264 - 268 .

2- سیدرضا مؤید خراسانی در سال 1321 شمسی در مشهد به دنیا آمد وی عضو شورای شعر انجمن ادبی رضوی مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی است. مؤید در سرودن شعر، به ویژه اشعار مذهبی دارای قریحه سیال و روان است؛ به نحوی که آیات و روایات به همراه سیر زندگی اهل بیت و داستان های تاریخی در شعرهای وی بسیار به چشم می خورد. سروده های وی در موضوعات: مدح و منقبت اهل بیت علیهم السلام، مضامین انقلابی حماسه های دفاع مقدس است. از آثار او می توان به گل های اشک، جلوه های رسالت، نغمه های ولایت سفینه های نور چکامه عشق و باران نور اشاره کرد (زندگی نامه سیدرضا مؤید، خراسانی مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، <http://aqart.ir>).

در کنار تمامی رحمت *** مظهري بر تمام وجود تویی

فاطمه گوهر وجود بود *** مخزن گوهر وجود تویی

اولین زن که از لبان رسول *** سخن وحی را شنود تویی

اولین زن که با رسول خدا *** به رکوع آمد و سجود تویی

با سلام پیمبری به رخس *** اولین کس که در گشود تویی

مادری که چهار قابله اش *** آمد از آسمان فرود تویی

آن که با جبرئیل در هر وحی *** آمدش از خدا درود تویی

منعمی را که با تهی دستی *** کردگارش بیازمود تویی

آن که در خانه بود و یک دم هم *** غافل از رهبرش نبود تویی

باغبانی که شد گل یاشش *** بین دیوار و در کبود تویی

به علی و محمد و زهرا *** اشفعی یا خدیجة الغرا (1)

از مهم ترین فضایل و مناقبی که در این غزل برای حضرت خدیجه می توان بر شمرد، مظهر تام بودن و منبع گوهر وجودی فاطمه زهرا علیها السلام، اولین زنی که کلام وحی را از زبان مبارک نبی اکرم صلی الله علیه و آله شنید اولین زن که به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز گزارد و محبت و پایداری او نسبت به نبی رحمت است.

11. گمشده

گمشده عنوان غزلی است که محمد کاظم کاظمی (2) شاعر نام آشنای معاصر

ص: 260

1- سیدرضا مؤید، باران، نور، ص 363

2- محمد کاظم کاظمی فرزند حاجی محمد کاظم در سال 1346 شمسی در خانواده نسبتاً متوسط و نامدار در عرصه فرهنگ و ادب در شهر هرات به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی متوسطه و دبیرستان را در هرات و کابل سپری نمود پس از به پایان رساندن دبیرستان در سال 1363 به دلیل حاکمیت کمونیست ها بر افغانستان و اوضاع سخت دینی و مذهبی وی به همراه خانواده به ایران. کوچید با سکونت در شهر مشهد، دوره کارشناسی را در رشته مهندسی عمران در دانشگاه فردوسی گذراند کاظمی همزمان با تحصیل در دانشگاه و پس از آن تاکنون با نشریات و نهادهای فرهنگی و ادبی افغانستانی و ایرانی مختلف همکاری داشته است. (احمد شاه فرزانه، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، ص 123-125) وی علاوه بر سرایش شعر در زمینه های آموزش شعر، نقد، شعر، نویسندگی ویرایش کتاب و

مقاله فعالیت داشته است. وی به تازگی عضو ناپیوسته فرهنگستان زبان فارسی ایران شده و بیش از ده اثر در زمینه شعر و ادبیات منتشر ساخته است گزیده غزلیات بیدل، مرقع صد رنگ، کلید در باز، شمشیر و جغرافیا، کفران، پیاده آمده بودم و روزنه، نمونه آثار کاظمی است که تاکنون منتشر شده است. وی بیشترین کتاب های انتشارات عرفان در تهران و مجموعه آثار دکتر علی شریعتی را ویراستاری کرده است.

(وبلاگ محمد کاظم کاظمی <http://mkkazemi.persianblog.ir>)

افغانستان آن را در شب وفات حضرت خدیجه کبری علیها السلام سروده است. کاظمی در این غزل نخست گفتگوی میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بی بی خدیجه کبری علیها السلام را به تصویر کشیده، سپس به مسائلی چون جان فشانی آن بیبی در راه خدا و رسول خدا رحلت جان گداز و سوز و گداز پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق یار دلسوزش و مقام و مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره می کند

تن و جان و سرو و مالم به فدای قدمت

ای شریک دو جهانم! کم ما و کرمت

از تماشای چه گلزار فراز آمده ای؟

بوی گل می دهد امروز، دم و بازدمت

دست تنهای بشر! دست مرا هم بپذیر

و از این دست مبادا برسد هیچ غمت

شعب دلخواه! من و رنج مرا در بر گیر

شهر گمراه! تو خوش باش به سنگ و صنمت

کفنی نیست اگر پیرهن دوست که هست

مرگ محتوم! بیا با دل و جان می خرمت

دخترم! بخت تو خوش باد که تا دامن حشر

عالمی سینه زنانند به گرد علمت

من میان دل مردان و زنان گم شده ام

از تو گم گشته اگر سنگ مزار و حرمت. (1)

در لابه لای این ابیات دو نکته مهم از جان فشانی های حضرت خدیجه علیها السلام را می توان دریافت:

ص: 261

اول: حضرت خدیجه علیها السلام از ثروتمندان حجاز بود و پس از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آغاز رسالت، تمام ثروت خویش را در راه گسترش توحید و فراگیر شدن دین اسلام به مصرف رساند و حامی مالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان گردید. (1) بیت «تن و جان و سرو مالم به فدای قدمت - ای شریک دو جهانم! کم ما و کرمت»، به همین نکته اشاره دارد.

دوم: ماجرای نزول فرشته وحی برای نخستین بار بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. این مساله در روز 27 ماه رجب در چهل سالگی حضرت محمد صلی الله علیه و آله رخ داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله طبق روای همیشگی در غار حرا مشغول عبادت و نیایش خداوند بودند که جبرئیل امین برایشان نازل شد و نخستین آیات سوره مبارکه علق (2) را بر ایشان نازل کرد (3).

تغییر حالات روحی و معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از نزول فرشته وحی برای نخستین بار با آن چه پیش از این در عبادت با خداوند برایشان رخ می داد، متفاوت بود. بر همین اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از غار حرا ماجرا را با همسر دانا و مهربانش در میان گذاشتند و او با مشاهده حالات روحی ایشان، دریافت که حقیقت مهم که همان برانگیخته شدن ایشان به رسالت بود تحقق یافته است. (4) بیت «از تماشای چه گلزار فراز آمده ای؟ بوی گل می دهد امروز دم و بازدمت» به نزول فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و معطر شدن ایشان به عطر رسالت و نبوت از زبان حضرت خدیجه علیها السلام حکایت دارد.

12. تکیه گاه خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله

مثنوی (ای تکیه گاه ختم رسل نخل وجودت)، اثر شاعر و ذاکر اهل بیت عصمت

ص: 262

- 1- مجلسی، پیشین، ج 4، ص 36.
- 2- سوره مبارکه علق آیات 1-6.
- 3- مجلسی، پیشین، ج 16، ص 11.
- 4- گروهی از نویسندگان، همسر آفتاب، ص 29.

و طهارت غلامرضا سازگار «میثم» (1) است که آن را از بهترین سروده ها در معرفی شخصیت فضایل و مناقب و خدمات حضرت خدیجه علیها السلام را در راه اسلام و پیامبر رحمت می توان بر شمرد در بخش های از این ابیات چنین آمده است:

ای قامت مردان جهان خم به سجودت

ای تکیه گه ختم رسل نخل وجودت

ای مکه ز خاک قدمت خلد منخلد

ای عصمت معبود و امید دل احمد

آن روز که افتاد خزان در چمن تو

پر زد به جنان طوطی روح از بدن تو

تا بوی گل احمدی آید ز تن تو

شد جامه پیغمبر اکرم کفن تو

با مرگ تو آغاز شد ای عصمت سرمد

بی مادری فاطمه تنهایی احمد

بردار سر از خاک و ببین همسر خود را

بنگر هدف سنگ سر شوهر خود را

باز آ و ببین اشک فشان دختر خود را

برگیر به بر دختر بی مادر خود را

بی روی تو گردون به نظر تیره چو دود است

برخیز که بی مادری فاطمه زود است

برخیز که بر ختم رسل فخر زمانه

ص: 263

عصمت و طهارت به شعر و مرثیه سرایی آیینی علاقه مند گردید. سازگار در حال حاضر از مرثیه سرایان و از ذاکران نام دار اهل بیت علیهم السلام در ایران به حساب می آید مجموعه سروده های آیینی استاد سازگار با عنوان نخل میثم منتشر شده است. (زندگی نامه استاد غلامرضا سازگار «میثم»، مندرج در: پایگاه اطلاع رسانی نخل میثم: nakhlemeysam.ir).

شاعر در این ابیات از شدت علاقه رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام سخن به میان آورده است. همان گونه که آن بانو به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عشق و علاقه وافر داشت و جدا از فداکاری هایی که در راه دین و رسالت انجام داد برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله همسری بسیار مهربان و فداکار بود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به آن بیبی عشق و علاقه فراوان داشتند.

پس از رحلت جانگناه خدیجه کبری علیها السلام در سال دهم بعثت در مکه مکرمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در سوگ او که سه روز پس از وفات حضرت ابوطالب رخ داد بسیار اندوهناک شدند؛ (2) زیرا فراق آن بانو غم بزرگی بود که تحمل آن برای پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام بی نهایت سنگین بود از این به بعد پیامبر صلی الله علیه و آله تکیه گاهی نداشتند که دردهای تبلیغ راه خدا را با او در میان بگذارند.

13. بانوی دین و دنیا

شاعر و ذاکر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام عباس عنقا تهرانی (3) در غزلی که آن را در وصف حضرت خدیجه کبری علیها السلام، سروده ایشان را بانوی دین و دنیا وصف کرده است. وی در این غزل به برخی از ویژگی ها و فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام اشاره نموده که در زیر به برخی از آن ها اشاره می گردد.

بزرگ بانوی اسلام و دین و دنیا بود

3. ص: 264

1- همان

2- احمد صادقی اردستانی، پیشین، ص 67

3- عباس عنقا تهرانی در سال 1329 شمسی در خانواده ای مذهبی و علاقه مند به شعر و ادبیات مذهبی تهران به دنیا آمد و رشد یافت. به همین جهت وی به سرایش شعر آیینی و مذهبی علاقه مند شد. وی علاوه بر سرودن شعر، به ردیف خوانی آواز و مداحی اهل بیت علیهم السلام نیز فعالیت داشته است. عنقا هم اکنون دبیر انجمن نغمه سرایان مذهبی شرق تهران است. اشعار چاپ شده وی بیش تر مذهبی و در قالب های: دوبیتی، رباعی غزل و مثنوی است. وی علاوه بر شعر مذهبی و آیینی اشعاری در موضوع: شهیدان، آزادگان و دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران سروده که در مجله پیام انقلاب منتشر شده است. برگ سبز، طلوع دو خورشید، گلبرگ گل سرخ، زمزمه های دلجو و اشک و خون دفترهای شعری اوست. (زندگی نامه عباس عنقا تهرانی، مندرج در: وبلاگ باللثارات الحسین علیه السلام: www.madahanmosahebe.blogspot.com).

نهال دین حق از همتش برومند است

سلام حق به خدیجه، امین به احمد داد

نگر مقام، خدیجه، به پیش حق چند است

به دامنش به جهان پرورنده زهرا را

که قلب کون و مکان، زین ودیعه خرسند است

شرف ز احمد و زهرا و مرتضی دارد

که قدر و منزلت، او رهین فرزند است

اگر چه شعر و سخن در زمانه بسیار است

کلام و مدحت «عنقا» به کام ما قند است (1)

از مهم ترین فضایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام که در این ابیات به آن تأکید شده، درود خداوند به آن بانوست که از طریق جبرئیل امین به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از آن حضرت به آن با نورسیده است. از دیدگاه، شاعر، این مقام بزرگی است که حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگاه خداوند دارد امام باقر علیه السلام به حمران، زراره و محمد بن مسلم فرموده اند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شبی که در معراج بودم، هنگام بازگشت از سفر روحانی به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل آیا حاجتی داری؟» جبرئیل پاسخ داد: «حاجت من این است که از طرف خدا و من به خدیجه علیها السلام سلام برسانی». چون رسول خدا صلی الله علیه و آله پیغام جبرئیل را به خدیجه رسانیدند، آن حضرت پاسخ داد: «همانا خدا سلام است و سلام از اوست و سلام به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد!» (2)

14. رها تر از نسیم

غزل رها تر از نسیم اثر شاعر انقلابی معاصر، خانم سمین دخت وحیدی (3) است.

ص: 265

1- میر سید حجت موحد ابطحی یادواره بزرگداشت خدیجه کبری، ص 211

2- همان، ص 151-152 به نقل از مجلسی، پیشین، ج 18، ص 385.

3- سمین دخت وحیدی در اسفند سال 1312 در جهرم به دنیا آمد دوران کودکی و تحصیلاتش همان جا گذراند و دیپلم ادبی گرفت. وی از سال 1329 به شعر روی آورد و شعرهایش پس از پیروزی انقلاب ایران تاکنون به صورت پراکنده در نشریات و مجموعه های شعری مختلف گردآوری شده و انتشار یافته است. وی قبل از انقلاب اسلامی ایران فعالیت های سیاسی و اجتماعی بسیاری داشته و پس

از انقلاب اسلامی نیز در حوزه شعر مقاومت و دفاع مقدس از پیشگامان این عرصه است شعرهای سیمین دخت وحیدی همگی در قالب کلاسیک و بیش تر به غزل متمایل است وی انجمن شعر ویژه زنان شاعر را تأسیس نموده و جلسات هفتگی انجمن را در منزل مسکونی خویش اداره و سرپرستی کرده است. (زندگی نامه و فعالیت های سیمین دخت وحیدی مندرج در: وب سایت صبح هنر: <http://sobhehonar.ir>).

که در آن عنصر خیال و عاطفه موج میزند شاعر در این غزل، شمایل حضرت خدیجه کبری علیها السلام او را با واژگان عاطفی و نگاه رمانتیک این گونه به تصویر می کشد:

مقصدت کجاست ای پرنده ای پرنده صبور

ای گشوده بال تا همیشه ای همیشه در عبور

سایه تو بر زلال آب سال هاست می رود

روی دست موج ها، روی دوش کوهی از بلور

باورم نمی شود که پر شکسته باشی و غمین

این چنین که می روی و بال می زنی به شوق و شور

ای هزار و چارصد بهار فاصله به هر بهار

می کند هنوز هم مدینه قصه تو را مرور

کافران هنوز هم به شانه تو سنگ می زنند

آه ای رها تر از نسیم، ای لطیف تر ز نور

ای گلی که تا همیشه عطر خاطر محمدی

مادر بهار! اولین یقین! قصیده شعور

تا همیشه جاری از فرازهای سبزی بی فرود

مقصدت خداست ای پرنده ای پرنده صبور (1)

شاعر با استفاده از استعاره و تشبیه خدیجه علیها السلام را در این غزل به پرنده ای تشبیه می کند که همیشه در حال پرواز است و مقصد نهایی این پرنده رسیدن

ص: 266

1- محمد صحتی سردرودی، پیشین، ص 129 به نقل از سیمین دخت، وحیدی مجموعه شعری موج های بی قرار، ص 122.

به پیشگاه خداوند است که با صبر و پایداری بدان دست می یابد. پرواز کنایه از زحمات او در راه انتشار رسالت نبوی صلی الله و آله و سایه کنایه از نقش خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام است که همانند آب زلال قرن هاست جریان دارد. موج نیز کنایه از حوادث تاریخی است که چهره درخشان حضرت خدیجه علیها السلام در آن هویدا است. در نگاه شاعر حضرت خدیجه علیها السلام مانند پرنده ای پر شکسته است که برای رسیدن به هدف خویش چنان پرواز می نماید که انسان باور نمی کند پراو شکسته باشد. این، تعبیر کنایه از بردباری این بانوی بزرگ است که در دفاع از همسر و سرور خویش هرگز دست نکشید. شاعر در هنر پردازی شعری اش خدیجه علیها السلام را لطیف تر از نور و رهاتر از نسیمی می داند که سنگ ها و کنایه های، کافران اثری در نابودی این نور و نسیم پاک ندارد.

15. بانوی ایثار

از خدا بر تو سلام آورده جبریل امین
ای خدیجه بانوی ایثار و خاتون یقین
هم طراز هاجر و حوا و مریم در مقام
خرمن فیض و کمالت را ملائک خوشه چین
در سخاوت گوی سبقت برده ای از آفتاب
در طواف تربت خورشید می بوسد زمین
روز سختی ها شدی سنگ صبور مصطفی
خاتم پیغمبران را نام تو نقش یقین
سینه ات شد گوهر ناب ولایت را صدف
مادر ام ایبهایی و ام المؤمنین
ریختی در پای پیغمبر، تمام هست خویش
چشم عالم خیره بر این عشق پاک و راستین
شمع جانت آب شد در التهاب درد ها

ساختی با غصه ها تا سوختی در پای دین

پنجه شعب ابی طالب، گلویت را فشرده

پر کشیدی تا خدا، در باغ فردوس برین

غربت و بی مادری بر دوش او آوار شد

فاطمه بعد از تو تنها ماند با قلبی حزین

سال مرگت را رسول الله عام الحزن خواند

بسکه سنگین بود داغت بر دل حبل المتین (1)

محمود شریفی کاشانی «کمیل»، (2) سراینده این غزل است. نکته نابی که این شاعر درباره حضرت خدیجه علیها السلام در این غزل به آن اشاره نموده، مقام بزرگ و رفیع آن بانو در پیشگاه خداوند است. حضرت خدیجه علیها السلام، حوا، هاجر و مریم چهار زن برگزیده جهان به شمار می آیند. البته در برخی روایات، چهار زن شامل خدیجه بنت خویلد علیها السلام، فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله، مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) برگزیده شده اند (3).

16. مادر و شفیع امت

دو بیتی های ذیل اثر شاعر جوان معاصر یوسف رحیمی (4) است که به

ص: 268

1- میر سید حجت موحد ابطحی، پیشین، ص 214

2- محمود شریفی متخلص به کمیل کاشانی در سال 1350 شمسی در شهر کاشان به دنیا آمد. وی تحصیلاتش را در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات فارسی گذارند در حال حاضر مشغول به تحصیل علوم دینی است. کمیل کاشانی از شاعران جوان آیینی و آزاد است مجموعه آثار منتشر شده از وی در زمینه شعر آیینی و آزاد دفترهای ذیل است شعر نینوای ناله مشهد آئینه ها، ناله های سوخته، ناله های زهرایی، ناله های پریشان کربلایی، دیگر، غریبانه (4 جلد)، یک سجده دیدار قبیله، قبله از نسل پرستوها، ما چون مسافریم، یاد آن روزها که زود گذشت زمزمه های شعله و دوباره محرم و چند جلد شعر کودکان (وبلاگ کمیل کاشانی:

<http://komailkashani.blogfa.com>.

3- گروهی از نویسندگان همسر آفتاب، ص 34 به نقل از مجلسی، پیشین، ج 13، ص 162.

4- یوسف رحیمی شاعر آیینی و از طلاب جوان حوزه علمیه قم است. از وی تاکنون نه دفتر شعر آیینی با عناوینی چون زخم سیب، نود پنج روز باران تا کربلا محراب شکسته، پنجره ای رو به اجابت، نور علی شلمچه کربلا از حرم تا بهشت، منتشر شده است. (وبلاگ کاروان دل «یوسف رحیمی»: WWW.karavanedel.blogfa.com).

شخصیت میت حضرت خدیجه کبری علیها السلام از زوایایی چون: همسر بودن برای پیامبر صلی الله علیه و آله، مادر بودن برای زهرای اطهر علیها السلام، مادر بودن برای مؤمنان، یار وفادار بودن برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سختی ها و پشتیبان دین بودن نگریسته شده است:

نبوت را نگینی یا خدیجه *** شفاعت آفرینی یا خدیجه

برایم مادری کن روز محشر *** تو ام المؤمنینی یا خدیجه

تو داری آن چنان حق عظیمی *** که در ایمان و دین ما سهمی

نه تنها دخترت! بعد از تو دیدند *** مسلمانان همه داغ یتیمی

نگاهت از غمی جانکاه می گفت *** ز صدها داغ با هر آه می گفت

میان کوچه خالی بود جای *** که زهرای تو «وا اُمّاه» می گفت (1)

شاعر با شناختی که از خدیجه کبری علیها السلام دارد این بانوی بزرگ را شفیع خویش در روز محشر خطاب می کند در باور شاعر حضرت خدیجه علیها السلام در آخرین لحظات عمر از سختی های جانکاه حکایت می کرد که مظلومیت های دخترش زهرای اطهر علیها السلام در این نگاه ها ریشه دارد

17. گل باغ بهشت

گل باغ بهشت عنوان سروده شاعر آیینی کنونی عباس براتی پور (2) است که آن را

ص: 269

1- همان.

2- عباسعلی براتی پور معروف به (عباس براتی پور) متولد سال 1322 شمسی در تهران از اواخر دوران تحصیل در دبیرستان به شعر و ادبیات روی آورد. از سال 1338 که به عضویت کتابخانه مجلس شورای ملی (آن زمان) درآمد پژوهش های ادبی و سرودن شعر را به صورت جدی تری دنبال نمود. وی در دوران تحصیل در خارج ایران نیز از سرودن شعر غافل نبود. وی در سال 1360 با حوزه هنری آستان قدس رضوی آشنا شد و از سال 1368 تاکنون اداره جلسات نقد و بررسی شعر این مرکز فرهنگی هنری را بر عهده دارد دبیری کانون شاعران بنیاد جانبازان به مدت شش سال عضویت شورای شعر وزارت ارشاد در آستان تهران و داوری مسابقات شعر در سطح کشوری از جمله فعالیت های وی است. از سال 1369 تاکنون مجموعه های شعری بهت نگاه وعده دیدار عطش عشق داغ تشنگی، سوار مشرقی، در ساحل علقمه، ماه در فرات، برجین صبح را منتشر ساخته است (وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی <http://>

در بیان فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام سروده است.

ای چراغ خانه شمس الیقین *** آسمان حلم ختم المسلمین

مهر تابان شبستان وجود *** مظهر احسان خلاق ودود

اسوه ایثار و تقوا و شرف *** گوهر عشق و فضیلت را صدف

همسر فرخنده ختم رسل *** یاور و یار پیمبر عقل کل

مونس دل محرم راز رسول *** مادر والای زهرای بتول

افتخار بانوان عالمی *** پاک دامن هم چو جان مریمی

نیست کس چون تو به آیین وفا *** غمگسار دردهای مصطفی

سیده بانوی نستوه قریش *** از تبار پاک و بشکوه قریش

اولین مؤمن به دین مصطفی *** آیت بدرالدجی، شمس الضحی

مظهر صبر و کرامت بوده ای *** چشمه سار استقامت بوده ای

گاه در شعب ابی طالب مقیم *** گاه از تیر ملامت دل دو نیم

هر چه بودت داده ای در راه دوست *** نقد جان در راه جانان بس نکوست

آیت کبرای حق نور مبین *** مظهر ایمان و ام المؤمنین

ای خدیجه ای گل باغ بهشت *** ای خدایی بانوی نیکو سرشت (1)

شاعر در این سروده از سه زاویه به سوژه شعری اش نگاه انداخته است:

اول تبیین صفات اکتسابی آن بانو مانند چراغ خانه پیامبر صلی الله علیه و آله، آسمان، بردباری، مهرتابان مظهر احسان الگوی فداکاری، گوهر عشق و....؛

دوم اشاره به زحمات و خدمات ایشان مانند یار و یاور پیامبر که عقل کل بشریت بوده و همراهی با چنین وجود نازنینی بزرگ ترین افتخار است که برای هر کسی میسر نیست. خدیجه علیها السلام نه تنها فقط یار و یاور آن حضرت، بلکه مونس

1- محمد صحتی سردرودی، پیشین، ص 124 و 125 به نقل از عباس براتی، پور مجموعه شعری دل و دریار، ص 114

و محرم رازهای عقل کل بشریت بود.

سوم اشاره به این که این بانوی بزرگ در راه رسیدن به حقیقت بندگی و انتشار پیام توحید همه دار و ندار خویش را فدا نمود و بدین سبب به مقام مظهر ایمان و مادر مؤمنان دست یافت

نتیجه

1. حضرت خدیجه کبری علیها السلام از زنان نام دار جهان بود، که در سیره و سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیها السلام، به پاکی طینت زهد، تقوا و پاک دامنی ایشان تأکید شده است به دلیل خدمات شایانی که در راه گسترش اسلام انجام داد جزء چهار زن برتر جهان در پیشگاه خداوند قرار گرفت. او تا زمان رحلت، در تمامی سختی ها و مرارت های نبی اکرم صلی الله علیه و آله یار و یاور ایشان بود.

2. از مهم ترین فضایل این بانوی بزرگ که در تاریخ اسلام امر مسلم به حساب می آید سبقت ایشان در ایمان سعی و تلاش در حمایت های اقتصادی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یار و یاور بودن برای ایشان در سختی ها، مادر بودن برای والا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و برترین زن جهان در فضیلت و جایگاه است. از این جهت در منابع تاریخی روایی تفسیری و ادبی فضایل و مناقب فراوان برای آن بانو بر شمرده اند.

3. شعر و ادب فارسی که خود دارای مؤلفه ها و بخش های گوناگون است، یکی از عرصه های توصیف شخصیت های برجسته تاریخ به شمار می آید. حضرت خدیجه کبری علیها السلام از جمله شخصیت های برجسته تاریخ است که سیمای نورانی اش در شعر و ادب فارسی بازتاب یافته است شاعران فارسی سرای معاصر با مرور تاریخ و روایات کوشیدند تا زندگی شخصیت، فضایل و مناقب آن بانورا با رویکردهای متفاوت در قالب های شعری گوناگون به تصویر بکشند. از میان رویکردهای مختلف شعری به دو رویکرد در این نوشتار پرداختیم:

در رویکرد نخست برخی از شاعران به حضرت خدیجه کبری علیها السلام به عنوان

الگوی شاخص برای ترغیب ممدوح شان توجه کرده اند تا از این طریق ممدوح خویش را به الگوگیری از ایشان و روی آوردن به صفات نیک ایشان ترغیب کنند.

در رویکرد دوم که رویکرد غالب بود و سروده های آیینی را شامل می شد، شاعران با در نظر گرفتن گوشه هایی از حیات طیبه و جاودانه این بانوی بزرگ فضایل و مناقب و مصائب اش را به شعر درآوردند و ایشان را به عنوان شخصیت محوری دانسته اند که در شکل گیری پیشرفت و امتداد دین اسلام نقش اساسی داشته و نزد خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت دارای جایگاه ویژه بوده اند.

4. شاعران آیینی که در این نوشتار سروده های ایشان را درباره حضرت خدیجه علیها السلام بازخوانی کردیم در ضمن این که اشاره های مشابه و مشترکی به فضایل و مناقب این بانوی بزرگ داشته اند در عین حال از زاویه های متفاوت نیز به توصیف و برشماری مناقب و فضایل ایشان پرداخته اند. این زاویه دید در مواردی با خیال پردازی شاعرانه و با به کارگرفتن استعاره و تشبیه همراه بوده است. برخی از شاعران از آن جایی که جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام را نزد خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رفیع دریافته اند، او را با صفاتی چون: مادر، امت سرچشمه، کوثر نگین، نبوت برترین زن زینت بخش روزگار و شفیع و مددگار خویشان خطاب کرده اند.

ص: 272

1. ابن اثیر، عزالدین الكامل فی التاریخ، بیروت، داراحیاء التراث العربی الطبعة الرابعة، 1414 ق.
2. احمدی گیوی حسن و دیگران، زبان و نگارش فارسی، انتشارات سمت، تهران 1389 ش.
3. اندلسی، ابن حزم، جوامع السیرة و خمس رسائل اخرى، تحقیق و مراجعه: الدكتور احسان عباس الدكتور ناصر الدین الاسد احمد محمود شاکر دار المعارف، مصر، بی تا.
4. پور پیراشته، محمد محمود، نقش امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیم سال دوم 1377 - 78 ش.
5. خاقانی افضل الدین، بدیل، دیوان اشعار به کوشش ضیاء الدین سجادی، تهران، انتشارات زوار، ج 9، 1388 ش.
6. رحمت آبادی، اعظم، مدخل حضرت خدیجه علیها السلام، مندرج در: دانشنامه فاطمی، زیر نظر علی اکبر رشاد، به اهتمام پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، 1393 ش.
7. زبیری، ابی عبدالله المصعب بن عبد الله بن المصعب، نسب قریش، دار المعارف للطباعة والنشر بی تا.
8. زینی دحلان، السید احمد السیرة النبویة والآثار المحمدیة، بیروت، المكتبة الاسلامیة، بی تا.
9. ژولیده نیشابوری ای چشم ها بگریید اشعار مذهبی، با مقدمه استاد محمدباقر صدرا، تهران انتشارات سنایی، 1378 ش.
10. سنایی، محدود بن آدم، حدیقة الحقیقه، به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی چ 6، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1383 ش.

11. سهیلی، عبدالرحمان، الروض الاصفی فی شرح السیره النبویه لابن هشام، تحقیق، تعلیق و شرح عبدالرحمان الوکیل دارالکتب الحدیثه، بی تا.
12. صادقی اردستانی، احمد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام، انتشارات فجر قرآن، قم، 1385 ش.
13. صالح، صبحی، ضبط النص، و ابتکار الفهارس العلمیه للنهج البلاغه، بیروت، 1387 ق.
14. صحتی سردودی، محمد، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت، انتشارات پرتو خورشید، قم، 1387 ش.
15. طبرسی، امین الدین، اعلام الوری فی اعلام الهدی، دار المعرفه للطباعة و النشر، بیروت، 1399 ق.
16. طبری، ابن الجریر، تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم دار سویدان، بیروت: 1387 ق.
17. فرزانی، احمد شاه، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، آهنگ قلم، مشهد، 1389 ش.
18. کرمی فریدنی علی فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، نسیم انتظار (حاذق)، قم، 1383 ش.
19. کلبی ابی المنذر هشام جمهره النسب، تحقیق: الدكتور ناجی حسن، مکتبه النهضه، العربیه، بیروت، 1407 ق.
20. گروهی از نویسندگان همسر، آفتاب، کتاب طه تهران، 1385 ش.
21. گلابی، محمد، سیمای یاران حضرت رسول در متون ادبی و عرفانی، انتشارات، مرسل، تهران، 1392 ش.
22. مجاهدی، پروانه محمد علی، سیری در قلمرو شعر نبوی صلی الله علیه و آله، معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، تهران، 1387 ش.
23. مجاهدی، محمد علی، کاروان شعر عاشورا، پژوهشگاه تحقیقات اسلامی انتشارات زمزم هدایت، قم، 1386 ش.

24. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، الطبعة الثانية المصححة، مؤسسه الوفاء، بیروت، 1403 ق

25. محرابی، اکرم زندگی نامه شاعران ایرانی انتشارات دل آگاه، تهران، 1387 ش

26. محمدزاده مرضیه دانشنامه شعر عاشورایی (انقلاب اسلامی در شعر شاعران عرب و عجم)، سازمان چاپ و انتشارات تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1383 ش.

27. موحد ابطحی میرسید حجت یادواره بزرگداشت حضرت خدیجه کبری علیها السلام، انتشارات یاران خدیجه کبری اصفهان، 1386 ش.

28. مؤید، سیدرضا، باران، نور انتشارات آرام دل، تهران، 1391 ش.

29. میرفخرایی جندقی، سیدرضا سیمای رسول الله، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تهران، 1383 ش.

30. یعقوبی، ابن واضح تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، 1379 ق.

وب سایت ها و وبلاگ های اینترنتی

31. زندگی نامه استاد محمد عابد تبریزی مندرج در وبلاگ عابد خلوت نشین انجمن ادبی استاد محمد عابد تبریزی (دسترسی: 1395/8/23 ش) <http://www.abedetabrizi.blogfa.com>

32. زندگی نامه ژولیده نیشابوری مندرج در: وب سایت شبکه اینترنتی آفتاب، (دسترسی در 1395/8/23 ش): www.aftabir.com

33. زندگی نامه سیدرضا موئید، خراسانی مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، (دسترسی در 1395/8/23 ش): www.aqart.ir

34. زندگی نامه عباس عنقا تهرانی مندرج در وبلاگ یالثارات الحسین علیه السلام، (دسترسی در 1395/8/23 ش) www.madahanmosahebe.blogspot.com

35. زندگی نامه علی اکبر خوش دل تهرانی مندرج در وب سایت راسخون،: (دسترسی در 1395/8/23 ش): show/592437
<http://rasekhoon.net/mashahir/> 36
36. زندگی نامه محمود کمیل، کاشانی مندرج در: وبلاگ کمیل کاشانی، (دسترسی در 1395/8/23 ش)
<http://komailkashani.blogfa.com> 37
37. زندگی نامه و رباعیات یوسف رحیمی درباره حضرت خدیجه علیها السلام، مندرج در: وبلاگ کاروان دل «یوسف رحیمی»،
(دسترسی در 1395/8/23 ش): www.karavanel.blogfa.com.
38. زندگی نامه و فعالیت های دکتر منصور امینی مندرج در: روزنامه کیهان، ش: 18559 تاریخ نشر: 1385/4/15 ش، ص 11، بخش:
شهرستان ها
39. زندگی نامه و فعالیت های سمین دخت، وحیدی مندرج در وب سایت صبح هنر (دسترسی 1395/2/23 ش)
<http://sobhehonor.ir>
40. زندگی نامه و فعالیت های عباس برات پور مندرج در: وب سایت مؤسسه آفرینش های هنری آستان قدس رضوی، (دسترسی:
[http://aqart\(82=ir/ArtistDetail.aspx?ID](http://aqart(82=ir/ArtistDetail.aspx?ID) (ش 1395/8/23
41. غلامرضا سازگار (میثم)، پایگاه اطلاع رسانی نخل میثم، (دسترسی در 1395/8/2 ش): nakhlemeysam.ir
42. محمد کاظم کاظمی، گمشده (عزل نذر حضرت خدیجه «س»)، مندرج در: وبلاگ محمدکاظم کاظمی، (دسترسی در
mkkazemi.persianblog.ir: (ش 1395/8/23
43. وب سایت انجمن فرهنگی و هنری شیدا، زندگی نامه و فعالیت های دکتر منصور امینی (دسترسی در: 1395/8/23 ش)
<http://www.anjoman-sheida.com/info.php> 7

*بررسی مقاله "خدیجه علیها السلام" در دائره المعارف قرآن لیدن: جعفر هوشیاری، محمدحسن زمانی (1) (2)

چکیده

خانم باربارا استواسر مقاله « خدیجه علیها السلام » را در دائره المعارف قرآن لیدن نگاشته که دارای نقاط قوت و ضعف است. کلیت مقاله از شناخت ناکافی نویسنده از تاریخ اسلام به ویژه زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام حکایت می کند. محتویات، مقاله نشان می دهد که نویسنده بیش تر با تکیه بر منابع اهل سنت و کم توجهی به آرا و منابع شیعی اقدام به نگارش مقاله کرده است. عدم جامعیت منابع به عنوان ضعفی زیربنایی باعث سوگیری در پژوهش، ایجاد پیش فرض و در نهایت باعث بروز ضعف های محتوایی متعددی شده است؛ از جمله عدم جامعیت در ذکر فضایل حضرت خدیجه علیها السلام. اغراق در مورد تقدم اسلام آن بانو بر حضرت علی علیه السلام، اغراق در نقش و جایگاه عایشه بزرگ نمایی شخصیت و نقش ورقه بن نوفل در ابتدای بعثت و سیر آشنایی و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله. نقاط قوت مقاله عبارتند از: اذعان به تقوا پاک دامنی شرافت و ایثار حضرت خدیجه علیها السلام در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله، هم نشینی با آسیه و مریم در بهشت و این که خداوند متعال ایشان را جزو زنان برگزیده آورده است

ص: 277

1- دانشجوی دکتری قرآن و روان شناسی و عضو گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی -Mah
deh1359@yahoo.com

2- استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه

دائرة المعارف قرآن لیدن، خدیجه علیها السلام، ورقة بن نوفل باربارا استواسر.

مقدمه

اسلام به عنوان یک دین، زنده پویا و دارای قدرت نفوذ در میان جوامع و طرف داران ادیان، دیگر همیشه توجه دو دسته شرق شناسان منصف و مغرض را به خود جلب که حاصل آن تألیفات متعدد عرضه شده در دائرة المعارف ها و مجلات علمی است. دائرة المعارف قرآن لیدن (1) تنها بخشی از تلاش شرق شناسان است که نزدیک هفتصد مدخل به زبان انگلیسی از سال 2001 تا 2006 میلادی در انتشارات بریل در لیدن هلند در پنج جلد چاپ و منتشر شده است. سر ویراستار این مجموعه خانم جین دمن مک اولیف، (2) استاد دانشگاه جرج تاون امریکاست و دیگر ویراستاران اصلی آن عبارتند از: کلود ژیلیو استاد دانشگاه اکس - آن - پروانس فرانسه ویلیام گراهام استاد دانشگاه هاروارد و شیکاگو و اندرو ریپین استاد دانشگاه ویکتوریای کانادا متصدیان این دائرة المعارف کوشیده اند اثری نسبتاً جامع در حوزه مطالعات قرآنی پدید آورند.

خانم باربارا استواسر (3)، یکی از نویسندگان مقالات این دائرة المعارف، شرق شناس و استاد زبان عربی در دانشکده ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون است وی در فاصله سال های (1993 - 1999) مدیر مرکز مطالعات معاصر عربی در همین دانشگاه بود و به مدت دو سال (1998 و 1991) نیز ریاست انجمن مطالعات خاورمیانه را بر عهده داشت. علاوه بر عضویت در انجمن های مختلف در حوزه مطالعات اسلامی زنان و خاورمیانه، از جمله سر ویراستاران دو مجله مهم خاورشناسی به نام های جهان اسلام و خاورمیانه است. وی در

ص: 278

1- Encyclopaedia of the Quran

2- Jane Demmen Mco Auliffe

3- Barbara Freyer Stowasser

مدت تحصیل خود شاگرد افرادی چون: نجاتی لوغال در آنکارا هلموت ریتز در فرانکفورت آلمان فون گرونباوم در دانشگاه کالیفرنیا و هانس ور در مونستر آلمان بوده است. او فوق لیسانس خود در رشته مطالعات خاورمیانه را از دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و دکتری خویش را در مطالعات تطبیقی اسلامی و سامی از دانشگاه مونستر دریافت کرده است. وی تألیفات زیادی را در حوزه شرق شناسی منتشر نموده؛ از جمله کتاب زنان در قرآن، سنت و تفسیر که به بررسی شخصیت زنان معروف در تاریخ انبیای پیش از اسلام همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و مسائل بحث برانگیز زنان در قرآن و سنت از منظر متفکران جدید مسلمان می پردازد. هم چنین مقالات متنوعی در مجله های امریکایی، آلمانی، عربی و ترکی منتشر کرده است. (1) در جلد دوم دایره المعارف قرآن لیدن (ص 80-81) مقاله ای از او در مورد حضرت خدیجه علیها السلام چاپ شده که به ترجمه نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

ترجمه مقاله

[حضرت] خدیجه علیها السلام دختر خویلد از طایفه اسد از قبیله قریش اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله مادر همه فرزندان او به جز یک فرزند و اولین فردی بود که به رسالت پیامبر ایمان آورد [حضرت] خدیجه علیها السلام سه سال قبل از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه از دنیا رفت و آیات قرآنی مربوط به اهل بیت پیامبر در مدینه نازل شده اند؛ بنابراین نام خدیجه علیها السلام به ندرت در تفاسیر به چشم می خورد (نک: تفسیر قرآن: کلاسیک و قرون وسطا) با این حال، نام وی در سیره های مختلف [حضرت] محمد (نک: سیره، سیره و قرآن) و آثار مربوط به «داستان های پیامبران» (قصص الانبیا) حضور پررنگی دارد. وی در میان مردم نیز به تقوا و پاک دامنی شهرت داشت.

ص: 279

1- مرتضی کریمی نیا «زنان در قرآن سنت و تفسیر: نگاهی به کتاب باربارا فرید استواسر»، مجله گلستان قرآن، ش 124، ص 34 - 36،

[حضرت] خدیجه علیها السلام یک بانوی اشرافی ثروتمند و تاجر مکی بود که از دو ازدواج قبلی خود دو پسر و یک دختر داشت. زمانی که وی بیوه بود از خدمات [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله به عنوان مباشر تجاری در سفر تجاری شام بهره مند گردید و گفته می شود طی این سفر پسر جوانی به نام میسره از خانواده خدیجه علیها السلام، شاهد چندین معجزه بود که نبوت [حضرت] محمد را بشارت می داد. این سفر تجاری موفقیت آمیز بود و [حضرت] خدیجه علیها السلام که تحت تأثیر شخصیت عالی و امانت داری [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله قرار گرفته بود، به وی پیشنهاد ازدواج داد. منابع حدیثی بیان می دارند [حضرت] محمد و عموی او حمزه بن عبدالمطلب این پیشنهاد را به عرض پدر خدیجه علیها السلام یعنی خویلد اسد رساندند (1) یا این که عموی خدیجه علیها السلام به نام عمرو بن اسد او را به ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله در آورد. (2) اکثر احادیث سن پیامبر صلی الله علیه و آله را هنگام ازدواج با خدیجه علیها السلام 25 و سن خدیجه علیها السلام را چهل ذکر کرده اند [حضرت] خدیجه علیها السلام حداقل پنج فرزند- چهار دختر (زینب ام کلثوم، فاطمه و رقیه) و یک یا احتمالاً دو پسر (قاسم و عبدالله که احتمالاً هر دو آن ها یکی بودند و القاب طاهر و طیب عموماً القاب عبدالله تلقی می شوند) (3) برای پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آورد. حمایت مادی، عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله، برای موفقیت رسالت وی، بسیار حیاتی بود. تفاسیر قرآن عموماً آیه 8 سوره ضحی «آیا تو را فقیر نیافت و غنی ساخت» را به ازدواج [حضرت] محمد و خدیجه علیها السلام نسبت می دهند. [حضرت] خدیجه علیها السلام اولین تجارب اعجاز آمیز، محمد به ویژه دعوت به نبوت را به اطلاع پسر عموی مسیحی خود به نام ورقه بن نوفل رساند و او این تجارب را به حادّثه حضرت موسی علیه السلام شبیه دانست که طی آن حضرت موسی احکام تورات را از خداوند دریافت نمود. (4) طبق اکثر احادیث خدیجه علیها السلام اولین فردی

ص: 280

-
- 1- ابن اسحاق گیوم، ص 82-83
 - 2- ابن سعد، ج 1، ص 132-133.
 - 3- ابن اسحاق گیوم، ص 82-83.
 - 4- ابن اسحاق گیوم، ص 83 و 107؛ نک: تورات؛ فرمان ها؛ احتمال دیگر این است که ورقه جزئیات دین مسیحیت را در اختیار [حضرت] محمد قرار داده با اثر اسپرنگر زندگی و آموزه های محمد، ج 1، ص 124-134 مقایسه شود.

بود که به خدا رسول او و حقانیت رسالت او ایمان آورد. این امر بدان معناست که خدیجه علیها السلام اولین پیرو [حضرت] محمد و پس از خود پیامبر صلی الله علیه و آله، دومین مسلمان است. براساس احادیث دیگر علی ابن ابی طالب علیه السلام پسر عموی، پیامبر دومین مسلمان و خدیجه علیها السلام سومین مسلمان بوده است. خدیجه علیها السلام تا زمان وفاتش تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و حامی اصلی او در جنگ های متعدد با دشمنان مکی بود (1).

[حضرت] خدیجه علیها السلام جزو زنان برگزیده از سوی خداوند است و در واقع اهمیت جهان شناختی وی در تفاسیر آیات 11 و 12 سوره تحریم و آیه 42 سوره آل عمران به اثبات رسیده است. در سیاق آیات 11 و 12 سوره تحریم [حضرت] خدیجه علیها السلام هم نشین همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران ذکر شده که سرمشقی برای مؤمنان هستند؛ زیرا خدمات زیادی به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد. در خصوص تفسیر آیه 42 سوره آل عمران که در آن فرشتگان به مریم می گویند خداوند او را بر همه زنان عالم برتری داده است نام خدیجه علیها السلام عمدتاً در مباحث تفسیری درباره مقام مریم در میان زنان مذکور در قرآن و در ارتباط با سه زن برگزیده اهل بیت پیامبر - خدیجه علیها السلام و همسر بعدی پیامبر یعنی عایشه دختر ابی بکر و فاطمه دختر پیامبر و خدیجه علیها السلام - آمده است. در این مورد تعداد زیادی از احادیث موجود در تفاسیر و قصص الانبیا به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله اثبات می کنند که مریم، فاطمه خدیجه علیها السلام و آسیه بهترین زنان عالم و زنان برتر بهشت هستند. گر چه تعداد احادیث مربوط به قرار گرفتن عایشه در میان این زنان معدود است اکثر اقوال مدح آمیز بیان می دارند که مریم، آسیه، خدیجه علیها السلام و عایشه، همراهان [حضرت] محمد در بهشت هستند و در آن جا خانه بهشتی خدیجه علیها السلام بین خانه مریم و آسیه خواهد بود. (2)

ص: 281

-
- 1- ابن اسحاق، گیوم، ص 11-114
 - 2- طبری، تفسیر، ج 6، ص 393-400؛ رازی، تفسیر، ج 8، ص 45-46؛ بیضاوی، انوار، ج 1، ص 155؛ ابن کثیر، قصص، ج 2، ص 375-383

منابع اصلی: بیضاوی، انوار؛ ابن اسحاق- گيوم؛ ابن کثير، قصص الانبياء، قاهره 1968؛ ابن سعد، طبقات، بيروت 1957 - 1958، ج 1، ص 131-134، 156-157؛ ج 8، ص 19-14. تفسير رازی، به ویرایش م. محیی الدین؛ تفسير طبری، ویرایش شاکر.

منابع ثانویه: سيد الف. الف، رضوی، خدیجه علیها السلام الکبری، الف اسپرنگر، زندگی و آموزه های محمد سه جلد، برلین، 1869، ج 1، ص 81، و 124-134 (در باب ورقه بن نوفل) باربارا فرایر استواسر، زنان در قرآن، احادیث و تفسیر، نیویورک 1994 دبلیو ام وات محمد در مکه، آکسفورد 1953 ویرایش شده، محمد در مدینه، آکسفورد 1956 (پایان مقاله).

بررسی و نقد مقاله

الف) نقاط قوت و جنبه های مثبت

مهم ترین نقاط قوت مقاله بدین شرح است:

1. نویسنده در ابتدای مقاله به درستی اشاره کرده که حضرت خدیجه علیها السلام جز یکی از فرزندان پیامبر اسلام مادر تمام فرزندان اوست. سپس شهرت ایشان به پاک دامنی و تقوا در بین مردم را مطرح کرده است.

2. نگارنده در بخش میانی، مقاله پیشنهاد ازدواج و اظهار علاقه حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اسلام را مطرح کرده است (1) این مطلب، دیدگاه مغرضانه «ازدواج به خاطر ثروت خدیجه علیها السلام را رد می کند. (2)

3. وی در ادامه به حمایت مادی عاطفی و معنوی خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و ایشان را تا زمان وفاتش تنها همسر و حامی پیامبر در

ص: 282

1- کشف الغمه، ج 2، ص 139؛ سیره حلبی، ج 1، ص 138؛ تاریخ الخميس، ج 1، ص 264؛ ترجمه الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج 1، ص 341.

2- برخی ادعا کرده اند پیامبر صلی الله علیه و آله بخاطر ثروت حضرت خدیجه علیها السلام با او ازدواج کرد. (النبوه، ص 63).

جنگ ها و از عوامل موفقیت پیامبر اسلام در رسالتش دانسته است.

4. خانم استواسر به نحو شایسته ای بخش پایانی را با این مطلب شروع کرده: «خدیجه علیها السلام جزو زنان برگزیده از سوی خداوند است» و در اهمیت جایگاه ایشان به تفاسیر آیات 11 و 12 سوره تحریم و آیه 42 سوره آل عمران استناد کرده و مقاله اش را چنین به پایان می برد که، آسیه، مریم خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام جزو بهترین زنان عالم و زنان برتر بهشت هستند.

ب) نقاط ضعف و اشکالات

درعین وجود نقاط قوت مقاله دارای ضعف های زیادی است؛ از جمله:

1. عدم جامعیت در منابع

کم توجهی به آرا و منابع شیعی استناد زیاد به نویسندگان غربی، اقتباس از دایره المعارف اسلام و ضعف علمی نویسندگان از اشکالات زیربنایی و کلی دایره المعارف قرآن لیدن است (1) که مقاله مذکور نیز از آن ها پیراسته نیست. عدم جامعیت در منابع اسلامی از جمله ضعف های زیربنایی مقاله است. منابع کهن، مقاله بیش تر شامل کتب روایی و تفاسیر معروف اهل سنت مانند تفسیر انوار التنزیل و اسرار التاویل بیضاوی (قرن هفتم هجری)، ابن کثیر، کسائی سیره ابن اسحاق، طبقات ابن سعد می شود؛ اما کم تر از منابع شیعی استفاده کرده است؛ (2) میراث شیعی که در آن زنان بزرگی چون خدیجه علیها السلام، فاطمه و

ص: 283

1- محمد حسن زمانی، «نقدی بر دایره المعارف قرآن لدن» مجله پژوهش های فلسفی - کلامی؛ پاییز و زمستان 1382، ش 17-18.
2- مانند اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن الحسن الطبرسی، 1399ق؛ اعلام النساء، علی محمد علی دخیل، 1422ق؛ اتمتنا، علی محمد علی دخیل، 1402ق؛ سیره الائمة الاثنی عشر، هاشم معروف الحسینی، 1411ق؛ سیره المصطفی نظره جدیده، هاشم معروف الحسینی، 1364ش؛ تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب الکاتب المعروف بابن واضح الاخباری، 1358ق؛ دایره المعارف تشیع، مؤسسه دایره المعارف تشیع، 1368؛ بحار الانوار علامه مجلسی، ج 16، 14 و...؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی؛ تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک، لابی جعفر محمد بن جریر طبری؛ فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد الی اللحد، محمد کاظم القزوینی، 1397ق، ص 70 از منابع فارسی مانند مادر نمونه اسلام غلامعلی رحیمیان، 1346

زینب نقش بسیار مهمی ایفا می کنند نیز دیدگاه های نویسندگان متأخر شیعه درباره جایگاه زن در اسلام، بیان نشده است.

2. عدم جامعیت در بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام

نسب حضرت خدیجه علیها السلام، (1) ملقب به طاهره بودن در جاهلیت (2) مقام الهی (3) و جایگاه ایشان نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (4)، سبقت در اسلام، (5) مادری و تربیت حضرت زهرا علیها السلام و ده ها نقطه درخشان زندگی ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام (6) همگی در این مقاله مغفول یا مستور مانده اند پدر و مادر آن بانو با چند واسطه به «لوی بن غالب» جدّ اعلای پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد و مادر مادر خدیجه علیها السلام «هاله» دختر عبد مناف از اجداد پیامبر اسلام به شمار می آید؛ بنابراین خدیجه علیها السلام

ص: 284

1- نک: لاصابه، ج 4، ص 281 - 282؛ ذهی، تاریخ اسلام ج 2، ص 152؛ سیر اعام النبء ج 2، ص 111؛ الروض الانف ج 1، ص 215؛ تاریخ الخمیس ج 1، ص 264؛ ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم ج 1، ص 341؛ ذبیح الله محاتی، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1374 ق، ج 2، ص 207؛ سید محمد صادق موسوی گرمارودی، آخرین پیام آور ج 1، ص 213

2- حضرت خدیجه علیها السلام هم از جانب پدر و هم از جانب مادر با پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نسبت داشت. ایشان از جانب پدر به قی ابن کلاب جد چهارم پیامبر و از جانب مادر به لوی بن غالب جد هشتم پیامبر می رسد. (تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمه یوسف بن قرغی البغدادی سبط بن الجوزی، 1426 ق، ص 170)

3- . اسد الغاب، ج 5، ص 438 «سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسان»

4- پیامبر به دلیل فضایل بسیار زیاد حضرت خدیجه علیها السلام به ایشان لقب کبری دادند. محمدحسن خان اعتماد السلطنه، خیرات حسان ص 111؛ ابی عبدالله الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین 1411 ق، ج 3، ص 184؛ علی بن محمد بن احمد المالکی المکی الشهیر بابن الصباغ، الفصول المهمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، ص 129، 1422 ق.

5- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «خدیجه علیها السلام سابقه نساء العالمین الی الایمان بالله و بمحمد». بحار الانوار، ج 14، ص 27؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 438 قال حسین ابن علی علیه السلام: «... هل تعلمون ان جدتي خدیجه علیها السلام بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاماً». بحار الانوار، ج 44، 316. اعلام النساء، ج 1، ص 29، 1422 ق.

6- ابن هشام، سیره نبوی، ج 1، ص 201 تاریخ طبری، ج 1، ص 521 و ج 2، ص 208؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 13، ص 197؛ نک. فضائل حضرت خدیجه علیها السلام، علی، امامی، مجله مبلغان مسلسل، 59 مهر و آبان 1383، ص 16؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج 3، ص 77، 1423 ق؛ محمد کاظم القزوینی، فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد، ص 70، 1397 ق.

هم از طرف پدر و هم از سوی مادر با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم نسب بود. (1) آن بانو مورد سلام خداوند متعال (2) و محبوب ترین همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می رفت. بنابر حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه 42 آل عمران خطاب به امام علی علیه السلام، خدیجه علیها السلام یکی از چهار زن برتر دنیا بوده است. (3)

3. خطا در تفسیر معنای اهل بیت

اهل بیت اصطلاحی، قرآنی حدیثی و کلامی است که در معنا و شمول این، مفهوم، میان مفسران محدثان و متکلمان اختلاف نظر وجود دارد: برخی از مفسران اهل سنت، اعتقاد دارند که در آیه (وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (4) به قرینه جمله های قبل و بعد که درباره همسران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است این آیه تنها شامل همسران آن حضرت می شود. (5) نویسنده مقاله با بیان تقدم رحلت حضرت خدیجه علیها السلام بر زمان نزول آیه به این نظر اشاره کرده و به صورت ضمنی، نتیجه گرفته است که آیه شامل حضرت خدیجه علیها السلام نمی شود؛ لذا از آن جا که کتب اهل سنت منابع پژوهشی وی بوده دچار چنین نتیجه گیری خطایی شده است.

همه بزرگان شیعه و بسیاری از کتب بزرگان و مفسران اهل سنت، به استناد

ص: 285

1- تک شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج 1، ص 379.

2- عن زراره و حمران بن أعین و محمد بن مسلم عن أبي جعفر. قال: حدث أبو سعيد الخدري أن رسول الله صلى الله عليه و آله قال إن جبرئيل قال لي ليله أسرى بي و حين رجعت فقلت: يا جبرئيل هل لك من حاجة فقال: حاجتي أن تقرأ علي خديجه عليها السلام من الله و مني السلام. و حدثنا عند ذلك أنها قالت حين لقيها نبي الله صلى الله عليه و آله فقال لها الذي قال جبرئيل، قالت: إن الله هو السلام و منه السلام و إليه السلام و علي جبرئيل السلام. (تفسير العياشي، ج 2، ص 280؛ بحار الأنوار، ج 18، ص 313).

3- ابن اسحاق، السير و المغازي، ج 1، ص 245، دارالفكر، 1978، چاپ افسست قم 1368ش؛ ابن عبدالبر، همان، ج 4، ص 1821، بيروت 1992/1412؛ بحار الأنوار، ج 43، ص 36.

4- سوره احزاب، آیه 33.

5- جامع البيان، ج 22، ص 7

شواهد، قراین و روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ام سلمه، (1) عایشه، (2) ابوسعید خدری، ابن عباس و دیگر اصحاب، اعتقاد راسخ دارند که آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء (حضرت محمد علی، فاطمه، حسن و حسین) نازل شده و منظور از اهل بیت آن ها هستند. (3) این مطلب از نظر روایات قطعی است. (4)

4. بیوه بودن حضرت خدیجه علیها السلام

گرچه قول مشهور این است که ایشان قبل از پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله دو بار ازدواج کرده، شواهد زیادی، ازدواج های قبل از وصلت با پیامبر صلی الله علیه و آله را رد کرده اند. (5) علامه مجلسی در جلد ششم بحار الانوار، در باب زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و هم چنین ابن شهر آشوب در مناقب احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی در کتاب خود، سید مرتضی در کتاب شافی و ابو جعفر طوسی در تلخیص الشافی آورده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام ازدواج نمود، در حالی که او دوشیزه بود. (6)

5. وحی تجربه نبوی!

«خدیجه علیها السلام اولین تجارب اعجاز آمیز [حضرت] محمد، به ویژه دعوت به نبوت را به اطلاع پسر عموی مسیحی خود به نام ورقه بن نوفل رساند و او این

ص: 286

-
- 1- محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج 5، ص 699
 - 2- صحیح مسلم، ص 1049، ح 2424؛ حسکانی، شواهد التنزیل، ج 2، ص 36
 - 3- تفسیر فخر رازی، ج 25، ص 210؛ محمد بن احمد قرطبی، الجامع الاحکام، ج 14، ص 183؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل القواعد التفصیل، ج 2، ص 21؛ علی بن محمد بن مغازلی شافعی، مناقب علی بن ابی طالب، ص 304، ح 384؛ احمد بن شعیب النسائی، خصائص امیر المؤمنین، ص 33، 35؛ المرفق بن احمد المکی الخوارزمی، المناقب، ص 61؛ ابو عبد الله حاکم نیشابوری، المستدرک الصحیحین، ج 2، ص 416؛ جامع البیان عن تأویل آیات القرآن، ج 13، ص 6؛ ابن ابی الحدید معتزلی، تفسیر القرآن العظیم، ج 9، ص 3133، نیشابوری، اسباب النزول، ص 295؛ سنن ترمذی، ج 5، ص 663؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور ج 6 ص 603 نک مقاله؛ ایلقار اسماعیل زاده، «تفسیر تطبیق آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت علیهم السلام و اهل سنت»، فصلنامه تخصصی مذاهب و فرق، اسلامی شماره 8 و 9، 1383
 - 4- بحار الأنوار، ج 36، ص 336، ح 199
 - 5- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 138 الصحیح من سیره النبی الاعظم، ص 121 - 129.
 - 6- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 159 ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 1، ص 349

تجارب را به حادثه حضرت موسی علیه السلام شبیه دانست». نویسنده با این جمله به تجربه دینی اشاره دارد که یکی از رویکردهای شرق شناسان در تحلیل وحی است.

وحی در ادیان ابراهیمی جایگاه رفیعی دارد و سنگ بنای آن‌ها محسوب می‌شود که قرآن مجید تبلور اصیل آن است. از دید مسلمانان، لفظ، حروف، کلمات، جملات و صوت، قرآن همگی از خداوند متعال است که جبرئیل امین به پیامبر خاتم افاضه کرده؛ اما مدتی است که برخی روشن فکران مسلمان (1) به تبع دانشمندان مسیحی وحی را تجربه دینی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانند. فردریک شلایر مآخر یکی از نظریه پردازان تجربه دینی ادعا کرده است که "نمی‌توان آن را تعریف کرد". اما از مجموع آرای طرف داران این دیدگاه، می‌توان چند ویژگی اساسی تجربه دینی را به دست آورد که عبارتند از: امری عمومی است و به پیامبران اختصاص ندارد مصون از خطا نیست تعبیرات در آن همواره بشری است، مجموعه باید و نبایدها (شریعت) نیست بلکه به هست و نیست ها مربوط است شخصی است و برای دیگران الزام آور نیست.

نقد و بررسی این دیدگاه را به منابع تفصیلی در این زمینه واگذار می‌کنیم (2) فقط چند نکته را به اجمال می‌آوریم:

تجربه دینی با وحی تفاوت اساسی دارد؛ از جمله ناسازگاری در حقیقت همگانی بودن آن انسانی بودن تعابیر و معجزه نبودن آن علاوه بر اینکه التزام به تجربه دینی پیامدهای منفی دارد؛ مانند لغو ارسال رسل، تنزل دادن مقام وحی، کثرت ادیان تعمیم، نبوت عدم حجیت معارف الهی به حاشیه رفتن وحی و خطا پذیری وحی (3)

ص: 287

1- چنان که دکتر سروش، وحی و دین را امری بشری دانسته و از آن به عنوان الفاظ و تعبیرات شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله یاد کرده است. (سروش، بسط تجربه نبوی پیش گفتار)

2- تک محمد اشرف شجاع «نقدی بر رهیافت تجربه دین خاورشناسان بر وحی»، ص 121-138؛ محمد حسن زمانی مستشرقان و قرآن، ص 215، 1385.

3- سبحانی نیا، ص 79-102

علامه مرتضی عاملی در جاهای مختلف کتاب ارزشمند خود با دلایل متعدد، حضور ورقه بن نوفل در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام و جریان خواستگاری و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را به کلی رد کرده و آن را از اسرائیلیات دانسته است. (1)

روایات در مورد ورقه بسیار متعارض هستند (2) مضمون بسیاری از روایات که در منابع اهل سنت، آمده این است که پیامبر در ابتدای رسالت، هنگامی که صدای پیک وحی را شنید بسیار ترسید فرار کرد و نمی دانست این چه صدایی است؛ در مواردی تصمیم گرفت خود را از بالای بلندی پرت کند و خودکشی نماید تا اینکه حضرت خدیجه علیها السلام متوجه شد و به ایشان گفت: «هر زمان فرشته آمد بیا روی ران من بنشین تا فرشته برود!» چند بار این کار تکرار شد، اما فرشته نمی رفت تا این که یک بار خدیجه علیها السلام حجاب برداشت و موی سر خود را عریان کرد تا این که فرشته رفت. (3) در روایات دیگری آمده است:

پیک وحی پیامبر را گرفت به او گفت: بخوان! او گفت: «خواندن نمی دانم». باز چنان ایشان را فشرده که بی رمق افتاد (4) روایات دیگری گفته اند، خدیجه علیها السلام جریان را به اطلاع ورقه رساند؛ او گفت: «این نشانه های نبوت است» و با پیامبر صحبت کرد و حضرت بعد از آن دیگر ترسید. (5) عده ای هم نقل کرده اند، خدیجه علیها السلام به نزد نسطور و بحیرای راهب مسیحی رفت و یا نامه نوشت و حالات پیامبر را گزارش کرد و آن ها گفتند: این نشانه های نبوت است». (6)

ص: 288

-
- 1- الصحيح من سیره النبي الاعظم، ج 3، ص 9-40
 - 2- محققان را به منابع تفصیلی ارجاع می دهیم از جمله:
 - 3- سیره دحلان، ج 1، ص 83؛ سیره حلبی، ج 1، ص 244 - 255؛ سیره مغلطای، ص 15؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 255؛ تاریخ خمیس، ج 2، ص 283؛ المصنف صنعانی، ج 5، ص 323
 - 4- صحیح بخاری، ج 1، ص 3؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 100.
 - 5- سیره ابن هشام، ج 1، ص 254؛ سیره حلبی، ج 1، ص 239؛ سیره دحلان، ج 1، ص 82.
 - 6- المستدرک الصحيحین، ج 3، ص 112؛ المناقب خوارزمی، ص 21؛ الجامع الصحيح، ج 5، ص 640

الف) سند روایات

مهم ترین سند این روایت در کتاب های صحیح بخاری و مسلم آمده و دیگر مجامع روایی از زهری و او از عروه بن زبیر نقل کرده اند. زهری از عوامل امویان بوده (1) و امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سب می کرده در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي». (2) عروه نیز در زبان عبد الله بن عمر به منافق توصیف شده و اسکافی او را از تابعانی شمرده که در ذم علی علیه السلام جعل اخبار می کرده است. (3) چگونه می توان روایت چنین اشخاصی را پذیرفت؟

ب) تناقض آشکار روایات

تعارض و تناقض روایات در حدی است که هیچ گونه جمعی بین مضامین آن ها ممکن نیست به علاوه، نشانه های جعلی بودن در سراسر آن ها نمایان است. (4) تناقض دیگر این که بعضی روایات نقش اصلی در جریان بعثت و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را ورقه آورده اند و بعض دیگر به عداس نصرانی غلام عتبه بن ربیع اشاره کرده اند. (5)

ج) سؤالاتی در مورد مضامین روایات

1. چطور می شود جبرئیل پیامبر صلی الله علیه و آله را تا سرحد مرگ فشار و شکنجه بدهد؟ بخاری در جایی نقل می کند: «در جریان حضرت موسی با فرشته درگیر شد و چنان سیلی به صورت فرشته نواخت که نزدیک بود چشم او درآید». (6) آیا پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانست مانند موسی علیه السلام فرشته را سیلی بزند؟

ص: 289

- 1- كشف الغمه، ج 2، ص 317.
- 2- المستدرک الصحیحین، ج 3، ص 121.
- 3- صفه الصفوه، ج 2، ص 85.
- 4- الصحیح من سیره النبی، ج 3، ص 10.
- 5- تاریخ الخمیس، ج 1، ص 284؛ سیره حلبی، ج 1، ص 243.
- 6- صحیح بخاری، ج 2، ص 159؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 100.

2. چطور می شود کسی برگزیده باشد اما فرشته وحی را نشناسد، از او بترسد و فرار کند اما ورقه او را آرام سازد؟ مگر در سخن وی چه استدلالی بود که توانست پیامبر صلی الله علیه و آله را آرام کند؟

3. نسطور و بحیرای راهب در نزدیکی شام سکونت داشتند؛ پس چگونه خدیجه علیها السلام به نزد آن ها رفت و یا نامه نوشت و حالات پیامبر صلی الله علیه و آله را گزارش داد و آن ها تأیید کردند که حالات نبوت است! در حالی که در جای دیگری از همان روایات آمده که خدیجه علیها السلام روز دوم بعثت به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام نماز خواند. (1)

4. ورقه و بحیرای راهب که از جریان نبوت و بعثت اطلاع داشتند و چندین سال بعد از بعثت نیز زنده بودند چرا ایمان نیاوردند؟ (2) با وجودی که روایات به ایمان نیاوردن ورقه تأکید بسیاری دارند پس چگونه نقل کرده اند که او بهشتی است؟ (3)

5. اشکال دیگر در مورد کشف حجاب حضرت خدیجه علیها السلام است. در بعض کتب اهل سنت آمده که حجاب در مدینه واجب شد؛ پس اگر حجاب واجب نبوده کشف حجاب چه معنایی دارد؟ اگر هم حجاب وجود داشته چنین کاری از زنی با آن فضایل بعید به نظر می رسد؛ به علاوه، مگر نگاه کردن به زنان بر ملائک حرام است؟

دیدگاه درست

بر اساس مجامع روایی، شیعه حضرت جبرئیل در غار حرا بر پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 290

-
- 1- المستدرک الصحیحین، ج 3، ص 112؛ المناقب خوارزمی، ص 21؛ الجامع الصحیح، ج 5، ص 640.
 - 2- ابن عساکر کسی را نمی شناسم که گفته باشد ورقه بن نوفل ایمان آورده است. (الاصابه، ج 3 ص 633) ورقه مسیحی مرد در حالی که چندین سال از بعثت پیغمبر خاتم را درک کرد. (فتح الباری، ج 1، ص 26؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 148).
 - 3- نک: المستدرک الصحیحین، ج 2، ص 609؛ سیره مغلطای، ص 15؛ سیره حلبی، ج 1، ص 250؛ اسد الغابه، ج 5، ص 89.

نازل شد و ایشان می دانستند که پیک حق و فرشته وحی است. زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: «وقتی پیک وحی نازل، شد پیامبر چگونه ترسید؟» حضرت فرمودند: «هر گاه خداوند یکی از بندگانش را به رسالت برگزیند، به او آرامش می دهد». (1)

هم چنین از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «پیامبران چگونه از رسالت خود مطلع می شوند؟» حضرت فرمودند: «پرده از آنان برداشته می شود و حقایق بر آنان عیان می گردد». (2) مرحوم طبرسی (3) و قاضی عیاض (4) تأکید کرده اند که پیامبران هنگام نزول فرشته وحی او را می شناسند امر بر آنان مشتبه نمی شود و نمی ترسند.

تعدادی از کتب شیعی، حضور ورقه در سیر ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را بدون هیچ گونه نقدی، نقل کرده اند. (5) عده ای نیز بدون ذکر نام وی واسطه ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله را زنی از بستگان خدیجه علیها السلام به نام نفیسه دانسته اند. (6)

بنابراین در جمع بندی نهایی باید گفت: ما منکر سنگینی دریافت وحی نیستیم اما موضوع جهل پیامبر صلی الله علیه و آله به، وحی ترس و اضطراب، ایشان فرار از پیک وحی و اقدام به خودکشی پذیرفتنی نیست از سوی دیگر، با ملاحظه تمام دلایلی که علامه مرتضی عاملی برای اثبات اسطوره و جعلی بودن شخصیت ورقه آورده (7) و با بررسی روایات مذکور (8) محقق به اطمینان می رسد که گر چه شاید نتوان وجود خارجی شخصی به نام ورقه را منکر شد، با استناد به ایرادات

ص: 291

1- بحار الانوار، ج 18، ص 262؛ تفسیر عیاشی، ج 2، ص 201.

2- بحار الانوار، ج 11، ص 56.

3- مجمع البیان، ج 10، ص 384.

4- رساله شفاء، ص 112

5- از جمله جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج 1، ص 196.

6- هاشم معروف الحسینی، سیره الائمه الاثنی عشر، ج 1، ص 47، 1411ق؛ تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 375؛ محمد ابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص 70.

7- الصحیح من سیره النبی، ج 3، ص 9-40.

8- همان.

اسناد روایات تعارض های لفظی و محتوایی روایات و نشانه های ساختگی بودن بعضی از آن ها می توان گفت: در مورد مقام و جایگاه او، نقش او در ابتدای بعثت و ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، جعل و بزرگ نمایی شده است (1).

7. اول مسلمان حضرت علی علیه السلام یا خدیجه علیها السلام

متأسفانه با وجود روایات متعدد و قراین واضح عده ای کوشیده اند، نه به خاطر حضرت خدیجه علیها السلام بلکه به دلیل دشمنی با امام علی علیه السلام سابقه امام در اسلام را مخدوش کنند. لذا ایمان خدیجه علیها السلام را بر آن حضرت مقدم می دارند. نویسنده این مقاله نیز به هر دلیل در بخشی از مقاله اش آورده است:

طبق اکثر احادیث خدیجه علیها السلام اولین فردی بود که به خدا، رسول او و حقانیت رسالت او ایمان آورد. این امر بدان معناست که خدیجه علیها السلام اولین پیرو [حضرت] محمد و پس از خود ایشان، دومین مسلمان است.

نویسنده در ادامه آورده:

بر اساس احادیث دیگر پسر عموی، پیامبر علی ابن ابی طالب دومین مسلمان و خدیجه علیها السلام سومین مسلمان بوده است.

البته در این باره تحقیق جامع و موشکافانه ای انجام نشده زیرا به نظر اکثر قریب به اجماع تاریخ نویسان امام علی علیه السلام اولین فردی بودند که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آوردند و با ایشان نماز خواندند. (2)

نویسنده کتاب الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله به بیان اهداف این جعل و بزرگ نمایی پرداخته است که از نقل آن ها خودداری می کنیم. (الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله، ج 3، ص 35-39).

ص: 292

1- نویسنده کتاب الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله به بیان اهداف این جعل و بزرگ نمایی پرداخته است که از نقل آن ها خودداری می کنم (الصحیح من سیره النبی صلی الله علیه و آله، ج 3، ص 35 - 39)

2- نک: سیره حلبی، ج 2، ص 268 275 خوارزمی، المناقب، ص 18-20؛ سیره دحلان، ج 1، ص 91؛ الغدیر، ج 3، ص 220 - 236؛ حلیه الاولیاء، ج 1، ص 186؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج 3، ص 407؛ ترجمه 220-236؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 418 صدر، ص 89. قال حسین ابن علی علیه السلام: هل تعلمون ان جدتي خدیجه علیها السلام بنت خویلد اول نساء هذه الامه اسلاماً. (بحار الانوار، ج 44، ص 316؛ علی محمد علی دخیل، اعلام النساء، ج 1، ص 29).

8. برترین همسر رسول خدا کیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

از مردان بسیاری به حد کمال رسیدند ولی از زنان به جز چهار نفر به حد کمال نرسیدند: اول آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون، دوم مریم دختر عمران، سوم خدیجه علیها السلام دختر خویلد و چهارم فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و اله بودند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پیامبر با پانزده زن ازدواج کردند که بهترین آنان خدیجه علیها السلام دختر خویلد بوده است. (2)

سیوطی مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر الدر المنثور آورده که احمد و طبرانی و حاکم (وی حدیث را صحیح دانسته) از ابن عباس روایت کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

افضل زنان اهل بهشت خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و اله، مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون است و در فضیلت او همین بس که خدای تعالی داستانش را در قرآن برای ما ذکر کرده که گفت: (رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ). (3)

شرافت، طهارت، رفعت مقام و معنویت و ایشار آن بانوی گرامی، باعث شده بود که پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله در زمان حیات و وفات ایشان را به غایت گرامی بدانند به حدی که باعث حسادت دیگران شده بود عایشه اعتراف می کند:

به هیچ یک از همسران رسول خدا صلی الله علیه و اله، همانند خدیجه علیها السلام حسادت نکردم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله همیشه از او به نیکی و بزرگی یاد می کردند و برای

ص: 293

1- تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 320؛ ترجمه المیزان، ج 19، ص 581؛ خصال شیخ صدوق، باب خصال اربعه

2- خصال، همان؛ اسد الغابه، ج 5، ص 437؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1821

3- أخرج أحمد و الطبرانی والحاكم و صححه عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم أفضل نساء أهل الجنة خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد صل الله علیه و اله و مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم امرأة فرعون . (الدر المنثور في تفسیر المأثور، ج 6، ص 246؛ تفسیر الصافی، ج 5، ص 199).

9. سن حضرت خدیجه علیها السلام

اختلافات فراوانی درباره سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد و قول چهل سال قطعی نیست افراد زیادی متوسط سن ایشان را 25 تا 35 سال تخمین زده اند. (2)

نتیجه

بر اساس این نوشتار می توان چنین نتیجه گرفت حضرت خدیجه علیها السلام گر چه مشمول آیه تطهیر، نبود ویژگی های برجسته ای داشت که او را در آسمان ها معروف و مشمول سلام خداوند متعال و جبرئیل و در زمین محبوب و مورد تکریم پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله گردانید. بارزترین ویژگی های ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام عبارتند از: ملقب به طاهره بودن در جاهلیت، حمایت عاطفی و معنوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ایثار جان و مال خویش در راه رسالت ایشان عظمت جایگاه و مقام ایشان نزد پروردگار عالم و پیغمبر خاتم صلی الله علیه و اله، سبقت در اسلام و ایمان به امامت و جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مادری و تربیت حضرت زهرا علیها السلام، سن حضرت خدیجه علیها السلام و دوشیزه بودن ایشان هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، پیش قدم شدن در اظهار علاقه و خواستگاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر تمام فرزندان آن حضرت جز یکی این ها از نکات مهم و قابل توجه است.

ص: 294

-
- 1- صحیح بخاری، ج 5، ص 48 وج 7، ص 47 وج 8، ص 10 وج 9، ص 155؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 133 134؛ اسد الغابه، ج 5، ص 438؛ المصنف صنعانی، ج 7، ص 493؛ الاستیعاب، ج 4، ص 286؛ صفه الصفوه، ج 2، ص 8؛ ذهبی، تاریخ اسلام، ج 2، ص 153؛ البدایه النهایه، ج 3، ص 128؛ ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و اله، ج 2، ص 106.
 - 2- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 71؛ البدایه والنهایه، ج 2، ص 294؛ شذرات الذهب، ج 1، ص 14؛ انساب الاشراف، ج 1، ص 98؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج 1، ص 303؛ سیره حلبی، ج 1، ص 140؛ تاریخ الخمیس، ج 1، ص 264؛ نک: ترجمه الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 344

1. ابن اثیر، علی بن ابوالکرم، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، 1380.
2. ابن اسحاق، السیر والمغازی قم دارالفکر، چاپ افسر، 1368 ش.
3. ابن الصباغ علی بن محمد بن احمد المالکی المکی، الفصول المهمه فی معرفه الائمہ علیہم السلام، حقه و وثق اصوله و علق علیہ سامی الغریبی، قم: دار الحدیث، 1422 ق.
4. ابن جوزی، صفه الصفوه، حیدرآباد هند: دارالوعی، حلب، سوریه، 1390 ق
5. ابن جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی تذکره الخواص من الامه بذكر خصائص الائمہ تحقیق حسین تقی زاده تهران المجمع العالمي لاهل البيت علیہم السلام مرکز الطباعه و النشر، 1426 ق.
6. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: چاپخانه علمیه، 1376 ش.
7. ابن کثیر، البدایه والنہایه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، مکتبه المعارف، 1413 ق.
8. ابوالحسن علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، کشف الغمه، بیروت، دار الاضواء، 1985 م.
9. ابوالحسن مسلم بن حجاج بن مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، 1334 هـ
10. ابو نعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، بیروت، دار الكتاب العربی، 1387 ق.
11. ابی یعقوبی، احمد بن جعفر بن وهب الکاتب المعروف بابن واضح الاخباری، تاریخ یعقوبی، نجف مکتبه المرتضویه، 1358 ق.
12. احمد زینی دحلان، سیره النبویه وآثار المحمديه، بیروت، لبنان: دارالمعرفه

13. اسماعیل زاده، ایلقار «تفسیر تطبیقی آیه تطہیر از دیدگاه مذهب اہل بیت علیہم السلام و اہل سنت»، فصلنامہ تخصصی مذاہب و فرق اسلامی قم مدرسہ عالی امام خمینی (رحمہ اللہ)، شمارہ 8-9، سال 1383
14. امامی، علی، فضائل حضرت خدیجہ علیہا السلام، مبلغان، مسلسل 59، مهر و آبان 1383، ص 16.
15. امینی، عبدالحسین نجفی، الغدیر فی الكتاب والسنة والادب، بیروت: دار الكتاب العربی، 1397هـ.
16. آل یاسین، شیخ محمد حسن النبوه، بیروت، دارالمکتبہ الحیاء، 1392 هـ.
17. آیتی، محمد ابراہیم، تاریخ پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ تجدید نظر و اضافات و کوشش ابوالقاسم گرجی با تجدید نظر و اضافات تہران: دانشگاه تہران، 1366.
18. ترمذی، محمد بن عیسیٰ، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاہرہ: دارالحدیث، بی تا
19. جعفر مرتضیٰ عاملی، الصحیح من سیرہ النبی الاعظم صلی اللہ علیہ و آلہ، بیروت، 1415ق.
20. حاکم نیشابوری، ابی عبد اللہ، المستدرک علی الصحیحین، مع تضمینات الامام الذہبی فی التخلیص والمیزان دراسہ و تحقیق مصطفیٰ عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیہ، 1411ق.
21. حسکانی، شواہد التنزیل، ج 2، ص 36. مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات بیروت چاپ اول، 1974 م.
22. حسین بن محمد بن حسن دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، مصر، 1383هـ.
23. خوارزمی، موفق بن احمد بکری مکی حنفی، المناقب، قم: انتشارات جامعہ مدرسین، 1411.

24. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان تاریخ الاسلام قاهره: دارالکتاب، المصری، 1407ق.

25. رحیمیان، غلامعلی، مادر نمونه اسلام، قم: انتشارات امیر 1346ش.

26. زمانی محمدحسن «نقدی بر دایرة المعارف قرآن لیدن» مجله پژوهش های فلسفی - کلامی شماره 17-18، 1382.

27. زمانی محمد حسن، شرق شناسان و قرآن نقد و بررسی آراء شرق شناسان درباره قرآن قم: بوستان کتاب قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، 1385ش.

28. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت: تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ویراست 2 با تجدید نظر و اضافات و ویرایش قم: حوزه علمیه قم دفتر تبلیغات، اسلامی مرکز انتشارات، 1372ش.

29. سروش، عبدالکریم، بسط تجربه، دینی چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی، صراط 1378ش.

30. سروش، عبدالکریم، فصلنامه پژوهش قرآنی فراره، سال اول، شماره 1 زمستان 1377

31. سهیلی الروض الانف، مصر: الطباعة الفنية المتحدة و مؤسسه نبع الفكر العربي للطباعة، 1291ه.

32. سیوطی جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404 ق.

33. شبلی، محمود، حیاة ام المؤمنین خدیجه علیها السلام، بیروت: دارالجمیل، 1409ق.

34. شجاع، محمد اشرف، «نقدی بر رهیافت تجربه دینی خاورشناسان بر وحی»، دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره 5، پاییز و زمستان 1387ش.

35. صحیح مسلم، ص 1049، ح 2424، دار احیاء تراث الاسلامی، بیروت: چاپ اول، 2000 م.

36. صنعتی، ابوبکر عبدالرزاق، المصنف، بیروت، لبنان: المجلس العلمي

ص: 297

37. الطاهر البسيوني، حامد احمد، موسوعه آل البيت و احفاد النبي صلى الله عليه و اله: سيره كامله آل بيت النبي صلى الله عليه و آله، حكم آل البيت و مواعظهم، ماساه آل البيت، مرقد آل البيت، قاهره المكتبه التوفيقيه، 1424ق.
38. طبرسى فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، 1372ش.
39. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفه، 1412 ق.
40. طبرى، ابى جعفر محمد بن جرير، تاريخ الطبري (تاريخ الامم والملوك)، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: بى نابى تا
41. عبدالقادر بدران، تهذيب تاريخ دمشق، بيروت، لبنان: دارالمسيره.
42. عبدالوهاب شعرانى، كشف الغمه عن جميع الامه، دار الكتب العربيه الكبرى، 1332 هـ.
43. عسقلانى، احمد بن على بن حجر، الاصابه في تمييز الصحابه، بيروت: دار الكتب العلميه، 1415
44. العلايلى عبدالله مثلهن الاعلى السیده خديجه عليها السلام بيروت دار الجديد، 1992م.
45. على بن برهان الدين حلبى، شافعى، سيره حلبى، بيروت، لبنان: دار المعرفه، 1400 هـ.
46. على دخيل، على محمد اعلام النساء، بيروت: دارالهادى، 1422 ق.
47. على دخيل على محمد، ائمتنا، مزيده و منفحه، بيروت: دارالمكتبه الامام الرضا عليه السلام دارالمرتضى، 1402 ق.
48. عياشى، محمد بن مسعود، التفسير تهران: چاپخانه علميه، 1380 ق.
49. الفضل بن الحسن الطبرسي، ابى على اعلام الورى باعلام الهدى، صححه و علق عليه على اكبر الغفاري بيروت: دار المعرفه، 1399 ق.

50. فیض کاشانی ملامحسن، تفسیر، الصافی، روایی، تهران: انتشارات الصدر 1415 ق .
51. قرطبی، یوسف احمد بن عبدالله، الاستیعاب، مصر: دارالمعارف مصر، 1412 ه .
52. قزوینی، محمدکاظم، فاطمه الزهراء علیها السلام من المهد الى اللحد، بیروت: دار الصادق علیه السلام، 1397 ق.
53. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران: نشر فراهانی
54. کریمی، نیا، مرتضی «زنان در قرآن سنت و تفسیر: نگاهی به کتاب باربارا فرییر استوارس انتشارات دانشگاه آکسفورد، 1994»، مجله گلستان قرآن، شماره 124 مهر 1381.
55. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدارک محمدرضا المامقانی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، 1423 ق.
56. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، 1403 ق.
57. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1374 ق.
58. محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره، بخاری، صحیح بخاری، بیروت: دار الفکر، 1981
59. محمد صادق صدر، امیرالمؤمنین علیه السلام در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله، ترجمه دکتر سید جمال موسوی
60. محمد عمر عبدالمنعم، خدیجه علیها السلام ام المؤمنین نظرات فی اشراق فجر الاسلام، مصر: الهیئه المصریه العامه للکتاب، 1994 م.
61. مذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، بیروت: مؤسسه الرساله، 1406.
62. معروف الحسینی هاشم، سیره الائمه الاثنی عشر، بیروت: دارالتعارف

63. معروف الحيسني، هاشم سيره المصطفى نظره جديده، قم: الرضى، 1364.

64. موسوى گرمارودى، سيد محمد صادق آخرين پيام آور، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1381 ش.

65. موسوى همدانى سيد محمد باقر، ترجمه تفسير الميزان، قم: انتشارات جامعه مدرسين، 1374 ش.

66. هاشمى، عبدالمنعم، ام المؤمنين خديجه عليها السلام بنت خويلد، بيروت: دار البحار، دارالتيسير، 1421 ق.

تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری

*تحلیل گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام: ابرار حیدری (1)

چکیده

در عظمت شخصیت خدیجه کبری علیها السلام و نقش و تأثیر ایشان در پیشبرد اهداف بعثت تردیدی نیست تکریم و نکو داشت آن بانو در رفتار و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهور داشته و این مفهوم به مناسبت های متعدد به جامعه القا شده که از آن به حسن عهد و یا حفظ عهد (2) یاد شده است. با این حال گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام مسأله ای فراتر از وفاداری و نکوداشت معمول است که بایست اهدافی خاص برای آن جست جو نمود در این نوشتار سعی شده است ستایش های گفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واکاوی گردد و به این پرسش پاسخ داده شود که با توجه به اوضاع حاکم بر جامعه چه تحلیلی می توان از این روایت ها نمود؟ بررسی گزاره پرتکرار بهشتی بودن در روایت های ستایشی عام علاوه بر استفاده از شخصیت های قرآنی، آشنا نشان می دهد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دنبال نهادینه کردن اصل جایگاه الگویی حضرت خدیجه کبری علیها السلام در جامعه نخستین اسلامی بودند نه فقط بیان ویژگی های شخصیتی ایشان.

واژگان کلیدی

ص: 301

1- دانشجوی دکتری، تاریخ اهل بیت علیهم السلام مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی.

2- «حسن العهد ای الوفاء والخفاره و رعایه الحرمه» حسن عهد به معنای وفاداری، توجه و حرمت داری است. (مناوی، ج2، ص566). هنگامی که عایشه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علت توجه ایشان به دوستان خدیجه را جو یا می شود حضرت می فرماید: «یا عائشة آنها كانت تأتینا زمان خدیجة و إن حسن العهد من الایمان».

مقدمه

با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خدیجه کبری علیها السلام همسر ایشان، نخستین زنی بود که دعوت آن حضرت را پذیرفت و با ایشان همراهی کرد. آن بانو در سال های نخستین و دشوار مبارزه در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت و اندوخته مالی و اجتماعی خویش را در این راه صرف کرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از رحلت آن بانو یاد ایشان را بسیار گرامی می داشتند و در موقعیت های گوناگون، از ایشان به نیکی یاد می کردند گرامی داشت خدیجه کبری علیها السلام در رفتار و گفتار آن حضرت در منابع ضبط گردیده و روایت های متعددی از ایشان نقل شده است.

اما این وفاداری و یاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از یک توجه معمول فراتر رفت و بر اساس روایاتی موجبات ناراحتی عایشه گردید. گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ستایش خدیجه کبری علیها السلام، حاوی نکاتی است که با واکاوی و تحلیل آن امید می رود پرده از این ابهام برداشته شود نوشته های موجود درباره آن بانو اغلب به بیان این روایت ها و عظمت جایگاه ایشان پرداخته و تحلیلی در زمینه ستایش خدیجه کبری علیها السلام وجود ندارد.

گونه شناسی روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام

اشاره

ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خدیجه کبری علیها السلام، و بزرگداشت او در موقعیت های مختلف به صورت گفتاری بیان شده و اصحاب نقل کرده اند. این ستایش ها در منابع تاریخی و روایی مسلمانان با تعابیر مختلف و گاه ذیل عنوان "مناقب خدیجه" ضبط شده (1) و اغلب در کتاب های روایی اهل سنت و

ص: 302

1- کتاب هایی که عنوانی خاص برای مناقب و یا فضایل خدیجه کبری اختصاص داده اند: این بطریق عمده عیون صحاح الاخبار، ص 391؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص 75؛ السنن الکبری، ج 5، ص 94؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج 7، ص 23؛ مغزلی، مناقب علی ابن ابی طالب، ص 347؛ صحیح مسلم، ج 7، ص 132؛ متقی هندی، ج 12، ص 130؛ قندوزی، ج 2، ص 330.

گاه منابع تاریخی پیشین آمده است می توان روایت های ستایش گفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را با توجه به اغراض اهداف و نوع ستایش به دو دسته تقسیم نمود:

دسته اول روایات عام

دسته اول ، روایاتی است که ستایش هایی عام و شمولی نسبت به خدیجه کبری بیان می دارد. به این معنا که روایت به نوعی فضیلتی جایگاهی و یا شأن و منزلتی برای ایشان تعریف و بدان اکتفا می کند. عبارت های توصیفی در این ستایش عام و قابلیت توسعه مفهومی دارد و بر موارد و مصادیق فضایی بسیار منطبق است؛ ولی در روایت به این موارد تصریح نشده است. این دسته از روایات، خود در سه گروه طبقه بندی می شوند:

1. روایت هایی با مضمون برتری خدیجه کبری نسبت به زنان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تعابیری، متعدد به برتری و بزرگی خدیجه کبری اشاره فرموده اند. فضیلت آن بانو در روایات در کنار فرزند ایشان حضرت زهرا علیها السلام، هم چنین مریم فرزند عمران و آسیه همسر فرعون نسبت به زنان عالم و یا زنان اهل بهشت بیان شده و در روایت های دیگری گاه از برتری کامل ایشان نسبت به زنان عصر خویش سخن به میان آمده است:

«عن علی قال النبی صلی الله علیه و آله خیر نسائها مریم بنت عمران و خیر نسائها خدیجة» (1) حضرت علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این روایت را نقل می کند که «برترین زنان مریم فرزند عمران و خدیجه هستند». احتمال می رود ضمیر "ها" در هر دو عبارت به زنان عصر اشاره کرده؛ یعنی، مریم برترین زنان عصر خویش بود؛ چنان که خدیجه برترین زنان عصر خویش به شمار می آید. (2) برخی نیز ضمیر

ص: 303

1- نسائی ، السنن الکبری، ج 5، ص 93؛ بخاری، ج 4، ص 138 و 230؛ دولابی ، الذریه الطاهره النبویه ، ص 61؛ طبرانی، همان، 23 / 7؛ ابن عبد البر، ج 4، ص 1823؛ ابن عساکر، ج 36، ص 131؛ بلاذری، ج 1، ص 406.

2- ابن حجر با استناد به روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، خطاب به فاطمه زهرا علیها السلام این تفسیر را بر می گزیند: قال: «یا بنیة ، ألا ترضین أنك سیده نساء العالمین؟» قالت: «یا أبت فأین مریم بنت عمران؟» قال: «تلك سیده نساء عالمها» ج 8، ص 132؛ ابن جوزی، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ج 1، ص 180.

را به معنای دنیا دانسته اند در این صورت روایت به معنای برترین زنان عالم خواهد بود. (1) این روایت در همه منابع از حضرت علی علیه السلام نقل و در کوفه از ایشان شنیده شده است. (2) به نظر می رسد این عبارت بخشی تقطیع شده از کلام آن حضرت باشد که در ایام خلافت ایشان بیان شده و بخش های دیگر آن در منابع نیامده است.

در کنار این روایت، روایت های دیگری در منابع آمده که نشان می دهد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، چهار زن از جمله خدیجه کبری را برترین زنان بهشتی معرفی می فرماید همراه با تأکیدی نمایشی که تداعی خاصی را در ذهن مخاطب ایجاد می کند:

عن ابن عباس قال خط رسول الله صلى الله عليه وآله في الارض اربع خطوط ثم قال هل تدرون ما هذا قالوا الله ورسوله اعلم فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم افضل نساء اهل الجنة خديجة بنت خويلد وفاطمة بنت محمد و مريم بنت عمران و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون؛ (3)

ابن عباس می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چهار خط راست بر زمین کشیدند، سپس فرمودند: «که آیا معانی آن را دریافتید؟» اصحاب گفتند: «خدا و رسولش آگاه ترند» پس ایشان فرمودند: «برترین زنان بهشتی، خدیجه فرزند خویلد و فاطمه فرزند محمد و مریم فرزند عمران و آسیه فرزند مزاحم (همسر فرعون) هستند».

این روایت در منابع متعدد نقل گردیده و با دو طریق در کتاب های روایی و تاریخی بسیار تکرار شده است

روایت دیگر به برتری ایشان بر همه زنان اشاره می کند و با دو تعبیر «حسبک من نساء العالمین» و «خیر نساء العالمین» در منابع از انس و جابر بن عبدالله از

ص: 304

1- الاغانی، ج 13، ص 232؛ نویسنده آن را تفسیر قرطبی دانسته است.

2- مقریزی، امتاع الاسماع، ج 10، ص 269

3- طبرانی، همان، ج 5، ص 266؛ بخاری، ج 4، ص 138؛ ابن عبد البر، ج 4، ص 1821؛ ابن کثیر، ج 2، ص 77

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است: (1)

عن أنس أن النبي صلى الله عليه وآله قال حسبك من نساء العالمين مريم بنت عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد و آسية امرأة فرعون؛ (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت برتری را متعلق به این چهار زن دانسته و در مقایسه با زنان عالم فضیلت آنان را بی نیاز کننده برشمرده اند.

روایت های این دسته نوعی ارتباط خاص میان خدیجه کبری و سه تن از زنان شناخته شده (فاطمه زهرا مریم و آسیه) برقرار می کند. این ارتباط که در همه روایت های ستایش خدیجه کبری دیده می شود، در پی هدفی خاص است که در بخش بعدی به واکاوی آن خواهیم پرداخت

2. روایاتی با مضمون درود جبرئیل به خدیجه کبری علیها السلام

روایاتی با اختلاف در الفاظ از ابلاغ درود جبرئیل به خدیجه کبری حکایت دارد که در زمان حیات ایشان بوده است:

عن بن عباس قال بينما رسول الله صلى الله عليه وسلم جالس مع خديجة إذ أتاه جبريل عليه السلام فقال يا محمد اقرأ خديجة مني السلام؛ (3)

ابن عباس می گوید که هنگام مصاحبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه کبری علیها السلام جبرئیل توسط آن حضرت به ایشان سلام و درود می فرستد. روی من و جوه أن النبي صلى الله عليه وآله قال: يا خديجة، إن جبرئيل عليه السلام يقرئك السلام. (4)

در نقل دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیغام درود جبرئیل را به خدیجه کبری علیها السلام

ص: 305

1- بلاذری این قسمت را از عایشه نیز نقل می کند (همان، ج 1، ص 412).

2- طبرانی، همان، ج 23، ص 7.

3- السنن الکبری، ج 5، ص 93، ج 6، ص 101؛ المصنف، ج 7، ص 529؛ مسند ابی یعلی، ج 1، ص 477؛ الطریه الطاهره، ج 61؛ المعجم الکبیر، ج 11، ص 243؛ الاستیعاب، ج 4، ص 1821 با طرق متعدد صحیح بخاری، ج 4، ص 138.

4- نسائی، السنن الکبری، ج 6، ص 101؛ ابن هشام، ج 1، ص 241، طبرانی، ج 11، ص 243، ابن عبد البر، ج 4، ص 1821.

می رساند و در نقلی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این سلام را از جانب خداوند توسط جبرئیل به خدیجه کبری ابلاغ می فرماید و ایشان با درود و ستایش پاسخ می دهد. (1)

طرق این روایت، متعدد و از ابن عباس ابهریره، عبدالرحمان بن ابی لیلی و دیگران روایت شده است در برخی روایت ها بشارت خانه بهشتی به همراه آن آمده و برخی دیگر پاسخ سلام توسط خدیجه کبری بیان شده است.

این رویداد در زمان حیات خدیجه کبری علیها السلام بوده، اگر چه ممکن است بعدها پیامبر اکرم بازگو کرده باشند بیان آن حضرت چه در زمان حیات آن بانو و چه پس از آن از جمله ستایش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ایشان به شمار می آید. ابلاغ سلام الهی و یا سلام جبرئیل از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، متوجه افراد معدودی بود که جایگاه خاصی در جامعه اسلامی یافتند و مورد توجه خاص آن حضرت قرار داشتند.

3. روایاتی با مضمون برخورداری خدیجه کبری علیها السلام از خانه ای بهشتی

قال رسول الله صلی الله علیه و آله أريت في الجنة بيتا لخديجة من قصب، (2) لا صخب فيه ولا نصب؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: خانه ای مرواریدی در بهشت برای من نمایان شد که از آن خدیجه است و در آن شلوغی و سختی دیده نمی شود.

این روایت با وجود کثرت و تعدد ناقلان که بخش زیادی از روایت های ستایش را تشکیل می دهد در لفظ مشترک است و در بیان ویژگی های خانه بهشتی اختلافی در الفاظ دیده نمی شود این روایت در موقعیت های متعددی بیان شده است. تعدد راویان حدیث هم به این مسأله تأکید می کند. صدر

ص: 306

1- «و بعضهم يروي هذا الخبر أنّ جبرئيل قال: يا محمد، اقرأ على خديجة من ربّها السلام، فقال النبي صلی الله علیه و آله: يا خديجة هذا جبرئيل يقرئك السلام من ربك فقالت خديجة: الله هو السلام، ومنه السلام، و على جبرئيل السلام» (ابن عبد البر، ج 4، ص 1821).

2- «قال ابن هشام القصب هنا الولؤ المجوف» (دولابی، همان، ص 61).

روایت اغلب با سلام حضرت جبرئیل به ایشان آغاز شده، ولی به نظر می‌رسد که بشارت بهشتی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بوده و در جهت تبیین جایگاه خدیجه کبری و یا دلداری (1) حضرت این پیغام به ایشان ابلاغ شده حال آن که سلام الهی در زمان حیات آن بانو صادر شده است.

می‌توان گفت: روایات خانه بهشتی نوعی بیان تکمیلی نسبت به روایات بهشتی است؛ یعنی خدیجه کبری علیها السلام از جمله برترین زنانی است که جبرئیل برایشان درود فرستاده و خداوند خانه‌ای در بهشت به ایشان اختصاص داده است. به همین جهت این سه گروه از روایات که ستایش را با مفهومی عام و کلی بیان می‌کند، در یک دسته طبقه‌بندی می‌شود و به نظر می‌رسد هدفی مشترک را دنبال می‌کند

دسته دوم، روایات خاص

این دسته از روایات برخلاف دسته اول نگاهی تفصیلی در ستایش خدیجه کبری داشته ایشان را با توصیفات خاص می‌ستاید. به جهت آن که این ستایش‌ها در پی رویدادی و یا وقایعی خاص گفته شده، شایسته است در فضای خاص خود تحلیل و بررسی شود روایت‌ها از زبان عایشه نقل شده که در مضمون بسیار شبیه هم است. در ذیل این روایت‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله خدیجه کبری علیها السلام را به نیکی یاد می‌کنند و سه یا چهار صفت از فضایل خدیجه را بر می‌شمارند:

قالت عائشة كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا ذكر خديجة لم يكن يسأم من ثناء عليها والاستغفار لها فذكرها ذات يوم واحتملتي الغيرة إلى أن قلت قد عوضك الله من كبيرة السن قالت فرأيت رسول الله صلى الله عليه وآله غضب غضبا سقط في جلدي فقلت في نفسي اللهم إنك إن أذهبت عني غضب

ص: 307

1- «و لما توفيت خديجة جعلت فاطمة تتعلق برسول الله و هي تبكي و تقول: أين أمي؟ أين أمي؟ فنزل عليه جبريل فقال: قل لفاطمة إن الله تعالى بنى لي بيتا في الجنة من قصب لا نصب فيه ولا صخب». (يعقوبي، همان، ج 2، ص 35).

رسول الله صلى الله عليه و اله لم أذكرها بسوء ما بقيت فلما رأى رسول الله صلى الله عليه و سلم الذي قد لقيت قال كيف قلت والله لقد آمنت بي إذ كفر بي الناس و صدقتني إذ كذبتني الناس و رزقت مني الولد إذ حرمتني مني؛ (1)

عایشه می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن هنگام که خدیجه را یاد می نمودند، بسیار ایشان را ستوده بروی استغفار می کردند؛ چنان که روزی ایشان را یاد کردند. بنابراین بروی رشک بردم و به پیامبر عرض کردم: «خداوند به جای آن زن مسن همسری جوان به شما عطا نمود». آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان غضب نمودند که پشیمان شدم و در دل گفتم: «پروردگارا اگر خشم پیامبر خدا را فرو نشاندی تا آن زمان که زنده باشم به بدی از وی یاد نکنم». چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حالت من را مشاهده نمودند فرمودند: «چگونه این سخن راندی؟ حال آن که وی به من ایمان آورد، آن هنگام که مردم مرا تکذیب نمودند، مرا تصدیق نمود، آن زمان که مردم مرا تکذیب کردند و از او صاحب فرزند شدم آن گاه که تو از جانب من صاحب فرزند نشدی».

در روایات دیگر، عبارت «و واستتی بمالها» در کنار سه وصف مذکور نیز بیان شده است. (2) هم چنین اتفاقی که به اعتراض و بیان و در نتیجه ستایش منجر گردید، در منابع مختلف به صورت های متعددی بیان شده که در مسأله اهتمام و توجه به خدیجه کبری مشترک است. (3) برخی منابع، همان الفاظ صدر روایت را بدون ذیل آن نقل کرده و به گفتار عایشه در کثرت ذکر خدیجه و رشک

ص: 308

-
- 1- طبرانی، المعجم الکبیر، ج 23، ص 8.
 - 2- مسند ابن حنبل، ج 6، ص 117؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 117؛ متقی هندی، همان، ج 12، ص 32 «عن عائشة قالت كان النبي صلى الله عليه و آله إذا ذكر خديجة أحسن عليها الثناء فقلت ما تذكر منها وقد أبدلك الله بها خيرا قال ما أبدلني الله بها خيرا منها صدقتني إذ كذبتني الناس و واستتی بمالها إذ حرمني الناس و رزقني الله منها الولد إذ لم يرزقني من غيرها».
 - 3- ورود یکی از دوستان خدیجه کبری نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهتمام ایشان به این فرد (طبرانی، همان، ج 23، ص 14)؛ توجه و خوشامدگویی آن حضرت به هاله خواهر خدیجه کبری (طبرانی، همان، ج 23، ص 12؛ ابن هشام، همان، ج 1، ص 241؛ ابن کثیر، همان، ج 3، ص 128)؛ ارسال هدایا به دوستان خدیجه و دلجویی از آن ها (طبرانی، همان، ج 23، ص 11؛ ابن عبد، آلبر، همان، ج 4، ص 1822).

او اکتفا نموده اند. (1) به نظر می‌رسد این روایت،‌ها از همان جریان کاملی حکایت دارد که به صورت تقطیع شده ضبط گردیده است.

می‌توان گفت: روایت در سه مورد مشخص و معین یعنی ایمان و تصدیق انفاق مالی و بالاخره فرزند آوری خدیجه کبری توجه دارند و آن بانورا می‌ستایند این اوصاف، بر خلاف دسته اول عام نبوده و ویژگی‌هایی خاص در ستایش ایشان بیان شده است.

تحلیل گزاره‌های «اهل بهشت» و «خانه بهشتی»

برای دست‌یابی به تبیین علمی وقایع تاریخی و پاسخ به چرایی آن‌ها، توجه به دو مقوله در باب تحلیل، گفتار اهمیت دارد. ابتدا، فهم و درک راستین گفتار که در شناخت‌گوینده، تفکرات، بینش قصد و اهداف وی نهفته است. دوم، بررسی بستر و اوضاع حاکم بر آن زمانه است. اوضاع حاکم و دریافت و فهم جامعه از سخن جهت و قالبی فراخور به گفتار می‌دهد که لازمه شناخت سخن است. بی‌شک بدون شناسایی جایگاه و موقعیت حقیقی‌گوینده هم چنین بی‌توجهی به موقعیت‌ها و بسترهای اجتماعی، درک و فهم گفتار، تاریخی واقع‌بینانه نخواهد بود.

آموزه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مبین ارزش‌ها و بینش‌های ایشان و از طرف دیگر مشخص‌کننده وظایف ایشان در قبال جامعه بشری است. این آموزه‌ها پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را رهبری می‌داند که در برابر انتقال ارزش‌های الهی به جامعه و بنای جامعه‌ای رستگار متعهد و مسئول است. ایشان در این راه، تلاشی مداوم داشتند و همواره دنبال تغییر ارزش‌های حاکم و تأسیس مبانی دین اسلام در جامعه حرکت می‌نمودند.

این نوشتار در صدد اثبات این موضوع و بیان تلاش‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست؛ زیرا امری مفروض دانسته شده است برجسته نمودن افراد شاخص در

ص: 309

جامعه که از نظر اسلام در سطوح بالای فردی و اجتماعی قرار دارند در ضمن تلاش هایی است که برای رسیدن به جامعه آرمانی صورت گرفته و همواره مورد توجه قرآن کریم (1) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. ولی باید توجه داشت، ایجاد ارتباط میان الگو و افراد جامعه زمانی فراگیر و مؤثر است که تعریف و شناسایی فرد مورد نظر در قالب گفتار (2) مورد علاقه جامعه صورت پذیرد مسأله ای که سبب توجه عموم افراد به الگو شده حرکت جامعه به سمت آرمان های مطلوب را سرعت می بخشد.

آموزه های دینی اسلام در نظام معرفتی باور به زندگی جاوید متناسب با واقعیت های وجودی افراد را ضروری می داند انسان ها با توجه به درک و باورشان و رفتار و کردار فردی و اجتماعی خویش حیات ابدی خود را رقم می زنند برترین، آن بهشتی است که پاداش انسان های نیکوکار خواهد بود. بهشت و بهشتی شدن آرمانی بود که جامعه آن روزگار متأثر از آموزه های قرآنی، به تمنای یافت، آن شوق، انگیزه و حرکت می نمود. (3)

اگر چه واقعیت های معنوی همانند تکامل روحی قرب الهی، اقتدار سیاسی عزت فردی و اجتماعی اهدافی مطلوب و عموماً برانگیزاننده و در ادواری بسیار تأثیرگذار به شمار می آمدند، تصور آن است که در گام های اولیه آشنایی جامعه حجاز با اسلام بهشت و نعمت های بهشتی از جمله بیش ترین گزاره های تأثیرگذار در ایجاد انگیزه و تلاش و شوق مسلمانان به انجام دادن تکالیف فردی و اجتماعی خویش به شمار می آمد

ص: 310

-
- 1- نک: مقاله سید حسن سعادت مصطفوی، سید محمد صالح هاشمی گلپایگانی، عباس اشرفی، «ارائه الگو: راه کاری قرآنی برای تقویت انگیزه های عالی و تضعیف انگیزه های دانی در زیست اخلاقی» (1393) پژوهش های اخلاقی دوره 4، شماره 15
 - 2- منظور از گفتار در این عبارت مقبولیت عمومی ناشی از انس ذهنی جامعه نسبت به واژه و در نهایت کثرت کاربردی آن است.
 - 3- آیات بسیاری به وصف بهشت و نعمت های بهشتی می پردازد؛ برای نمونه نک: سوره بقره، آیه 265؛ سوره سبأ، آیه 15 سوره حجر، آیه 15؛ سوره حاقه، آیه 22؛ سوره غاشیه آیه 10؛ سوره زمر آیه 73؛ سوره زخرف، آیه 70؛ سوره رعد، آیه 24

البته این دیدگاه به معنای نادیده گرفتن حقیقتی که ورای این امر وجود دارد و یا فقدان مؤلفه های تأثیرگذار دیگر در جامعه اسلامی نیست. بلکه تصور آن است که فضای غالب عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا پایان نیم قرن اول (1) از غلبه این انگیزش نسبت به دیگر مقولات آرمانی حکایت دارد توجه به کارکرد تاریخی واژه «اهل بهشت» در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و مدتی پس از آن مؤید این معناست

استناد جریان های متعدد به روایت های اهل بهشت برای بزرگان خویش (2) در موقعیت های حساس و تأثیرگذار (3) برای جذب افکار عمومی، نشانه تأثیرگذاری این واژه و ارتقای جایگاه افراد آن در جامعه است؛ به نحوی که مرجعیت علمی و سیاسی آنان تأیید و پذیرفته می شد (4) با وصف، بهشتی، جایگاه فرد در جامعه ارتقا می یافت و در موقعیتی تأثیرگذار قرار می گرفت. (5)

همین مساله، زمینه ساز «جعل روایت» در این مورد خاص را فراهم آورد و روایت های ساختگی «اهل الجنة» با هدف برجسته نمودن افرادی و یا سپردن موقعیت هایی به آنان، وضع گردید. آن گاه که قدرت نیازمند تقویت و تأثیرگذاری حضور عبد الله بن سلام را پیدا کرد روایت بهشتی بودن وی در جامعه پراکنده گردید. (6)

بی شک نمی توان نقش و تأثیر انتشار روایت «العشره المبشره» (7) را در شکل گیری

ص: 311

- 1- زمان تحکیم قدرت امویان.
- 2- توجه کنید به دو روایت "الحسن والحسين سيدا شباب اهل الجنة" و "انهما (ابوبکر و عمر) سيدا كهول اهل الجنة" که در جهت اثبات مشروعیت و مرجعیت سیاسی مورد استناد فریقین بوده است.
- 3- استناد خلیفه دوم به روایت "العشره المبشره" برای توجیه شورا. (طبری، همان، ج 4، ص 228؛ ابن سعد، همان، ج 8، ص 179).
- 4- نک: روایات متعدد منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حضور ناگهانی یک فرد بهشتی در جمع اصحاب. (واقدی، همان، ج 1، ص 330؛ ذهبی، همان، ج 3، ص 636؛ ابن سعد، همان، ج 3، ص 130 و 3؛ ابن اثیر، همان، ج 3، ص 606).
- 5- فارغ از جعلی یا حقیقی بودن وصف بهشتی بررسی کارکرد و تأثیر تاریخی آن مورد توجه نویسنده است.
- 6- ابن عبد البر در ذیل عنوان «عبدالله بن سلام و انه من اصحاب الجنة» این روایت ها را نقل می کند (همان، ج 3، ص 922).
- 7- این روایت با برخی اختلاف ها از اهل بهشتی بودن ده صحابی حکایت دارد: «عن عبد الرحمان بن عوف: قال: أن النبي صلى الله عليه وآله قال: أبو بكر في الجنة، وعمر في الجنة، وعلي في الجنة، وعثمان في الجنة، وطلحة في الجنة، والزبير في الجنة، وعبد الرحمان بن عوف في الجنة، وسعد بن أبي وقاص في الجنة، وسعيد بن زيد في الجنة، وأبو عبيدة ابن الجراح في الجنة. (نسائی، السنن، ج 5، ص 56؛ بلاذری، همان، ج 10، ص 62؛ ابن اثیر، همان، ج 2، ص 307).

شورا و یا مشروعیت جملیان (1) نادیده گرفت و یا تأکید حقانیت خلافت به دلیل وجود روایاتی در اتصاف صاحبان آن به اهل بهشت آن هم با ترتیبی معنادار منطبق بر ترتیب جانشینی خلفا. (2)

تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اهل بهشت بودن حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، با تأکید بر لفظ سیادت که معنای خاصی را القا می کند در این رهیافت قابل ارزیابی است. (3) استفاده مکرر اهل بیت (4) از این روایت در احتجاجات، بلکه عموم مسلمانان در نکوهش عملکرد یزید (5) نشانه کارایی این وصف خاص در آن دوره است. (6) تا جایی که مسلمانان تصور می کردند که این توصیفات برای دیگر اقوام نیز شوق برانگیز و عامل توجه آنان به اسلام خواهد بود. از این رو، سرداران فاتح در دعوت پیش از پیکار از گزاره بهشت بسیار کمک می گرفتند. (7)

ص: 312

1- به دلیل وجود طلحه و زبیر که از جمله العشره المبشره در سپاه جمل، بودند هم چنین روایات منفردی که درباره بهشتی بودن طلحه نقل شده است. (واقدی، همان، ج 1، ص 255؛ ذهبی، همان، ج 3، ص 636).

2- قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یطلع علیکم رجل من أهل الجنة. قال: فترأینا من یطلع، فطلع أبو بکر رضی الله عنه، فقمنا فبشّرناه بما قال رسول الله صلی الله علیه و آله، ثم سلم ثم ردّوا علیه ثم جلس ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یطلع علیکم رجل من أهل الجنة. فترأینا من یطلع من خلال السعف. فطلع عمر بن الخطاب رضی الله عنه، فقمنا فبشّرناه بما قال النبی صلی الله علیه و آله فسلمّ ثم جلس ثم قال: یطلع علیکم رجل من أهل الجنة. فنظرنا من خلال السعف، فإذا علی علیه السلام قد طلع. (واقدی، همان، ج 1، ص 33؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 3، ص 606؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 8، ص 74).

3- تا جایی که وجود روایت سیدالکهل در مقابل، برای جلب رضایت عمومی، نیاز مؤکد آنان در جامعه آن روزگار به شمار می رفت.

4- احتجاج امام حسین علیه السلام به این روایت، در وقایع پس از شهادت و دفن امام حسن مجتبی علیه السلام (باذری، ج 3، ص 60) و در واقعه عاشورا (طبری، ص 5425؛ ابن سعد، ج 1، ص 471) و احتجاج زینب کبری در خطبه کوفه (باذری، همان، ج 5، ص 121) 5- ابن اعثم، همان، ج 5، ص 129؛ طبری، همان، ج 8، ص 188

6- ام ایمن در مواجهه با خلیفه اول و برای مشروعیت بخشی به سخنانش، از روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص بهشتی بودن خویش بهره برد.

7- نک: خطبه شرحبیل در مواجهه با رومیان (واقدی، فتوح الشام، ج 1، ص 206) و سخن خالد ابن الولید در نبرد با رومیان. (واقدی، همان، ج 1، ص 90؛ ابن اعثم، همان، ج 1، ص 188)

با توجه به این مقدمات، می توان تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی و گزینش افرادی با وصف بهشتی را در جهت ایجاد زمینه های تأثیرگذاری و انگیزه بیش تر در افراد جامعه دانست. شخصیت هایی که ویژگی های فردی آن ها نسبت به جامعه آرمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، والا و برتر است. حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام حضرت زهرا علیها السلام، (1) حمزه و یا جعفر طیار (2) افراد برجسته ای بودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مناسبت های مختلف آنان را بهشتی خوانده اند تا با توجه به تأثیر گزاره بهشت بر جامعه زمینه های تأثیرگذاری شخصیتی آنان را در جامعه فراهم نمایند. (3)

همین تحلیل، در تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر بهشتی بودن خدیجه کبری پذیرفتنی است. توجه به روایات ستایش خدیجه کبری علیها السلام و نوع گزاره های به کار رفته درباره ایشان و تأکید بر بهشتی بودن و بهره مندی از خانه بهشتی به جهت گسترده کردن زمینه های تأثیرگذاری شخصیت ایشان بر جامعه اسلامی ارزیابی می شود.

در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این توصیفات زمینه های علاقه عاطفی افراد جامعه به آن بانو و در نتیجه آشنایی و فهم ابعاد شخصیتی خدیجه کبری و در مراتب بعدی گسترش آن ها در جامعه اسلامی را فراهم می نمودند. بنابراین تصور می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص واژه و گزاره بهشتی، دنبال ایجاد زمینه های ارتباطی و آن موقعیت تأثیرگذار شخصیتی خدیجه کبری علیها السلام در برابر جامعه اسلامی بودند نه صرف معرفی بهشتی بودن و یا صرف بیان شأن و مقام ایشان

ص: 313

1- علاوه بر روایات «سيدات اهل الجنة» روایات جداگانه ای درباره ایشان وارد شده است. (ابن عبد البر همان، ج 4، ص 1894؛ بلاذری، ج 1، ص 405؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 317).

2- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: دخلت البارحة الجنة فإذا فيها جعفر يطير مع الملائكة، وإذا حمزة مع أصحابه» (ابن عبد البر، همان، ج 1، ص 244)

3- «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: نحن ولد عبد المطلب سادة أهل الجنة: أنا و حمزة و جعفر، و علی، و الحسن، و الحسين و المهدي (ابن بطریق، ص 52).

مؤید این تحلیل نام هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار نام خدیجه کبری قرار دادند؛ افرادی که شخصیت الگویی آنان در قرآن تصریح شد شده است. (1) این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید داشتند که ایشان را همانند حضرت زهرا، آسیه و مریم یک ضلع از مربع رسم کنند و یا یک خط مساوی در راستای سه خط شناخته شده دیگر (2) ممکن است نشان از تساوی غایت پیامبر صلی الله علیه و آله در بزرگ داشت این زنان، باشد نه تساوی در مقام و منزلت. (3)

هم چنین در روایت دیگری آمده که خانه بهشتی خدیجه کبری، بین دو منزلگاه مریم و آسیه در بهشت است. (4) بنابراین می توان گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همان تعابیر قرآنی که برای افراد جامعه مأنوس و خوشایند بود، استفاده نموده اند تا اذهان مؤمنان را به پذیرش واقعیت الگویی ایشان آماده سازند. به همین جهت روایت های بهشتی بودن و خانه بهشتی داشتن بیش ترین نقل ها و طرق روایی را دارد و مبین اهمیت این موضوع در تبیین های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است

تحلیل گزاره درود جبرئیل

دو جهت را در بررسی درود و سلام جبرئیل به خدیجه کبری می توان واکاوی نمود: ابتدا بعد معنوی و فردی این درود که نشان از مقام معنوی والای ایشان دارد و دیگری بعد اجتماعی و تربیتی آن که در ابلاغ این درود نهفته است.

ابراز و اعلام این درود به مسلمانان معنایی خاص دارد که مورد توجه پیامبر اسلام است. شاید بتوان روایت های سلام را روایاتی در نطقی محدودتر نسبت به روایات اهل الجنة و در همان زمینه بر شمرد و تحلیل نمود. افرادی مورد تحیت و سلام الهی و جبرئیل معرفی شدند که دارای ویژگی هایی خاص از نظر

ص: 314

1- سوره تحریم، آیه 11.

2- نک: به دسته اول از روایات ستایش

3- در روایات دیگری بر افضلیت حضرت زهرا علیها السلام بر همه زنان عالم تأکید شده است.

4- ابن کثیر، تفسیر، ج 4، ص 417.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند. ایشان با استفاده از این اوصاف تلاشی فراوان در تأکید این جایگاه برای جامعه اسلامی داشتند. ذهبی از ابن عباس روایت می کند که در پی ولادت فاطمه زهرا علیها السلام، جبرئیل نازل شد و برایشان و پدر بزرگوارش سلام و درود فرستاد. (1) هم چنین روایت های بسیاری درباره حضرت علی علیه السلام و جایگاه ایشان و درود جبرئیل برایشان ضبط شده است. (2) تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت نهادینه کردن جایگاه حضرت علی علیه السلام در میان مسلمانان، امری پذیرفتنی و مؤکد است. همان گونه که توجه به جایگاه فاطمه زهرا علیها السلام نیز بر همان مبنا و هدف صورت می پذیرد

این که روایات سلام جبرئیل به خلیفه اول (3) و عایشه (4) برای تعظیم و تکریم آنان نسبت داده شده دلیل اهمیت خاص و برداشت ویژه ای است که از این تعبیر می شد؛ موضوعی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پی تثبیت آن برای خدیجه کبری علیها السلام بودند در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این، تعابیر دنبال تبیین اصل عظمت خدیجه کبری علیها السلام و جایگاه خاص ایشان در جامعه بودند. قرار دادن نام آن بانو در کنار بزرگان (5) در روایتی که از فریقین نقل شده است این مسأله را تأیید

ص: 315

1- «عن ابن عباس قال: لما ولدت فاطمة بنت النبي صلى الله عليه وآله سماها المنصورة، فنزل جبرائيل فقال: الله يقرئك السلام و يقرئ مولودك السلام» (ميزان الاعتدال، ج 2، ص 400).

2- «محمد بن إسماعيل باسناده عن عبد الله بن عباس أنه قال: قدم علي عليه السلام من بعض غزواته المباركة. فقال له النبي صلى الله عليه وآله: يا علي إن جبرائيل يقرئك السلام، وأخبرني أنه عنك راض». (قاضی نعمان، همان، ج 2، ص 411).

3- «طعن أبي هريرة قال: كنا عند النبي صلى الله عليه وآله فالتفت وأبو بكر الصديق عن يمينه وقال: هنيئا لك يا أبا بكر تحية من عند الله إياك! هبط جبريل فقال: يا محمد! من هذا المتخلل بالعباءة عن يمينك؟ فقلت: هذا أبو بكر، أنفق ماله علي قبل الفتح و صدقني و زوجني ابنته، فقال: يا محمد! أقرئه السلام من الله و قل له: أراض أنت عنى فى فقرك هذا أم ساخط؟ فبكى أبو بكر طويلا ثم قال: رضيت و سلمت لقضاء الله و قدره» (متق هندی، همان، ج 12، ص 505).

4- «و من فضائلها ان جبريل عليه السلام اذا كان يقرئها السلام و يبلغها رسول الله صلى الله عليه وآله فيقول لها: يا عائشة هذا جبريل هو يقرأ عليك السلام فتقول: و عليه السلام و رحمة الله ترى ما لا نرى» ابن راهويه، همان، ج 2، ص 21).

5- طبرانی، همان، ج 3، ص 67؛ قاضی نعمان، همان، ج 2، ص 375، «عن ابن عباس قال صلى رسول الله صلى الله عليه وآله صلاة العصر فلما كان فى الرابعة أقبل الحسن و الحسين حتى ركبا على ظهر رسول الله صلى الله عليه وآله فوضعهما بين يديه و أقبل الحسن فحمل رسول الله صلى الله عليه وآله و آله الحسن على عاتقه الأيمن و الحسين على عاتقه الأيسر ثم قال أيها الناس ألا أخبركم بخير الناس جدا و جدة ألا أخبركم بخير الناس عما و عمة ألا أخبركم بخير الناس خالا و خالة أو أخبركم بخير أناس أبا و أما هما الحسن و الحسين جدهما رسول الله صلى الله عليه وآله و جدتهما خديجة بنت خويلد و أمهما فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وآله و أبوهما على بن أبى طالب و عمهما جعفر بن أبى طالب و عمتهما أم هانئ بنت أبى طالب و خالهما القاسم ابن رسول الله و خالتهما زينب و رقية و أم كلثوم و بنات رسول الله صلى الله عليه وآله جدهما فى الجنة أبوهما فى الجنة و جدتهما فى الجنة و أمهما و عمهما فى الجنة و خالتهما فى الجنة و خالهما فى الجنة و هما فى الجنة و أختهما صلى فى الجنة».

می کند.

اگر روایات اهل بهشت و خانه بهشتی را در کنار این روایت قرار دهیم، باید گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این ستایش ها تلاش نمودند تا جایگاه الگویی آن بانو در جامعه اسلامی را با استفاده از گزاره های تأثیرگذار و مورد علاقه جامعه اسلامی آن زمان نهادینه کنند.

تحلیل روایات دسته دوم

توجه به این روایت، ها از چند بعد اهمیت دارد:

نخست آن که آیا این روایات از یک رویداد با مضامینی متفاوت حکایت دارد و یا آن که از یک روند و جریانی مستمر و تکرار شده در منزل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرده بر می دارد؟ یعنی آیا سخنانی که به غضب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می انجامید، مکرر بیان می شد و ایشان بارها غضب می نمودند؟ و یا اتفاقی بود که با مضامین متعددی بیان شده است؟

تصور آن است که این روایت ها هم زمان و از جهتی از یک جریان مستمر حکایت دارد و در بعدی دیگر از یک رویداد واحد گزارش می دهد.

نکته پر تکرار، روایت از جهت رخداد، تاریخی اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وانی به ابراز شخصیت خدیجه کبری است که در عبارت «کان یكثر» ظهور دارد؛ بنابراین آن حضرت با توجه به اهدافی که بیان شد دنبال معرفی و برجسته نمودن شخصیت خدیجه کبری بودند؛ به همین جهت، در رفتار و گفتار، دایم از ایشان یاد می کردند و جایگاه ایشان را برجسته می نمودند.

ص: 316

اما بخش بعدی، روایت از یک حادثه واحدی حکایت دارد که ناشی از تکرار است ابراز نارضایتی عایشه از توجه پیامبر صلی الله علیه و آله که با تعبیری مشترک در روایات آمده موجب ناراحتی یا خشم پیامبر صلی الله علیه و آله می شود و همین امر باعث پشیمانی گوینده شده ابراز می کند که در پیشگاه خداوند متعهد شده چنین سخنی را بر زبان نراند (1)

تصور آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با توجه به ویژگی های شخصیتی خدیجه کبری و فارغ از رابطه همسری که با ایشان داشتند، برجسته نمودن این شخصیت را ضرورت و نیاز جامعه می دانستند مسأله ای که ممکن بود برای اغلب افراد جامعه و از جمله همسر ایشان قابل درک نباشد. همین ابهامات عامل ایجاد حساسیت و یا نارضایتی قلبی شد و در یک رویدادی به مناسبت با تعبیری که نشان دهنده همین ابهام است، بیان گردید.

مؤید این تحلیل عبارت هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ذیل این روایت و در پاسخ به این اعتراض بیان می دارند ایشان از زیبایی و وجاهت و یا مکتب مالی خدیجه کبری علیها السلام سخن نگفتند؛ چنان که تصور سؤال کننده بوده و کنایتا به آن اشاره کردند (2) بلکه ویژگی هایی را بیان کردند که از همراهی آن بانو با ایشان در رسالت حکایت دارد از این رو ایشان در حقیقت با این ستایش ها علت توجه، معرفی و بزرگ داشت خدیجه کبری علیها السلام را برای رفع ابهام بیان می دارند. بنابراین احتمال می رود که این واقعه، امری گذرا بود که با قاطعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به جهت اهمیت خاص موضوع در بعد اجتماعی آن متوقف گردید.

هم چنین عبارت های متعددی در منابع فریقین و در ذیل برخی از این روایات

ص: 317

1- «فقلت في نفسي اللهم إنك إن أذهبت عني غضب رسول الله صلى الله عليه و سلم لم أذكرها بسوء ما بقيت». (طبرانی، همان، ص 12).

2- «فقلت ما تذكر من عجوز من عجائز قریش حمراء الشدقین» (ضحاک، همان، ج 5، ص 386 و «قد عوضك الله من كبرة السن» (طبرانی، همان، ج 23، ص 13) و «هل كانت إلا عجوزا» (ابن عبدالبر، همان ج 4، ص 1824)

آمده که نشان می دهد عایشه پس از این واقعه جز به مدح خدیجه کبری سخن نگفت گویا او به نوعی این حقیقت را می پذیرد که جایگاه خدیجه نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فراتر از علاقه و توجه همسران است. (1)

از طرف دیگر روایت منقول از عایشه در حقیقت بیانی دیگر از ستایش و جایگاه خدیجه کبری علیها السلام نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که با استمرار ناراحتی ها و حساسیت ها سازگاری ندارد علاوه بر آن چنین تعبیری از هیچ یک از زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده و جایگاه خدیجه کبری نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت جایگاه ایشان در مکتب اسلام برای آنان تا اندازه ای روشن و یا محتمل بوده است. (2)

از این رو باید گفت کثرت ستایش با توجه به نگاه پیامبر اکرم نوعاً حساسیت برانگیز نبوده اگر چه ممکن است به دلیل ابهاماتی برای برخی ایجاد حساسیت و ناراحتی را به همراه داشت.

دومین مورد در تحلیل روایت نکاتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین ویژگی های خدیجه کبری صلی الله علیه و آله اشاره می فرماید با توجه به قراین موجود در روایت که همان ابهامات به وجود آمده برای سؤال کننده است. بنابراین به نظر می رسد ویژگی های مذکور درصدد پاسخ گویی و رفع ابهام، بیان شده که با روایت های دسته اول که ابتدئاً به ستایش می پردازد، متفاوت است؛ همان تفاوتی که میان فعل و علت فعل وجود دارد. یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله به بیان ویژگی های شخصیتی خدیجه کبری در مرتبه دوم و پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان در جامعه اسلام توجه داشتند.

ص: 318

1- «فما زلت أتقرب إلى رسول الله صلى الله عليه وآله بذكرها» (مجلسی، همان، ج 16، ص 8)؛ «والذي بعثك بالحق لا أذكرها بعد هذا إلا بخير» (الطبرانی، همان، ص 14)؛ «والله لا أعتبك فيها بعد اليوم» (ذهبی، همان، ج 2، ص 117)؛ «و لا أذكرها بعيب أبدا» (قندوزی، همان، ج 3، ص 331).

2- بلکه تصور آن است که همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عموماً به جایگاه ایشان توجه داشتند و ابراز محبت می کردند مانند روایتی که ام سلمه از جایگاه خدیجه کبری علیها السلام نقل می کند و می گوید: «فهنها الله بذلك و جمع بیننا و بینها فی درجات جنته و رضوانه و رحمته خداوند آن را برایش گوارا قرار دهد و ما را هم نشین ایشان در بهشت فرماید و مشمول رضوان و رحمت پروردگار باشیم».

به تعبیر دیگر آن بانو دارای ویژگی‌هایی خاص بودند که برای یک جامعه آرمانی و الهی مورد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مطلوب بود این ویژگی‌ها، باید با بررسی زندگانی خدیجه کبری کشف و الگوگیری شود به همین جهت، ستایش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قدم اول دنبال نهادینه کردن اصل الگو بودن خدیجه کبری در جامعه اسلامی است تا پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان، بعدها جامعه اسلامی با توجه به درک معرفت و بینش خویش به کشف ابعاد شخصیتی ایشان پردازد به همین جهت در تحلیل این گزاره‌ها تصور می‌شود که این ستایش‌ها در جهت حصر و تعیین، نبوده بلکه روشن کننده بعدی از ابعاد مورد توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طرح الگو به شمار می‌آید.

نتیجه

روایات ستایش خدیجه کبری به دو دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول روایاتی است عام که خدیجه کبری علیها السلام را با اوصافی کلی و شمولی می‌ستاید این روایات خود سه دسته هستند روایاتی که برتری ایشان نسبت به همه زنان را بیان کرده و یا ایشان را از جمله زنان برتر اهل بهشت معرفی می‌کند دوم روایات مبین برخوردار بودن ایشان از خانه‌ای بهشتی و سوم روایاتی که ابلاغ سلام جبرئیل به ایشان از جانب رسول اکرم را نشان می‌دهد. این روایت‌ها به دلایل ذیل با هدف نهادینه نمودن شخصیت الگویی خدیجه کبری تبیین شده است:

- بررسی کارکرد واژه بهشت و بهشتیان در جامعه اسلامی دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و میزان تأثیرگذاری و نقش آن در هدایت افکار عمومی جامعه، نشان دهنده علت تکرار عبارت اهل بهشت برای خدیجه کبری است.

- یادآوری و تکرار نام آن بانو در کنار زنانی که قرآن آنان را الگو برای کل جامعه معرفی می‌فرماید

- استفاده از واژه‌های قرآنی و مورد علاقه مسلمانان همانند خانه بهشتی در

جهت ایجاد پیوند و ارتباط عاطفی با خدیجه کبری؛

- اختصاص سلام و درود جبرئیل به حضرت علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و خدیجه کبری علیها السلام در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان دهنده تأکید ایشان در تقویت جایگاه خدیجه کبری است. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله نهادینه کردن و تثبیت جایگاه حضرت علی علیه السلام توجه داشتند.

بنابراین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با استفاده از الفاظ مورد علاقه و تأثیرگذار جامعه اسلامی خدیجه کبری را می ستودند تا پس از تثبیت موقعیت و جایگاه الگویی ایشان، بعدها جوامع اسلامی به تناسب درک و معرفت خویش، به تبیین و تعیین فضایل ایشان توجه نمایند.

روایت های دسته دوم از وقوع یک رویداد در نتیجه اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تکرار یادآوری ایشان حکایت دارد آن حضرت برای رفع ابهامات حاصل شده در ذهن مخاطب علت توجه به خدیجه کبری را جایگاه ایشان در اسلام بیان فرموده، در این زمینه ایشان را می ستایند. ستایش هایی خاص که برای رفع ابهام و به نحو غیر تعیینی بیان شده است.

تصور نویسندگان آن است که بعدها تلاش هایی برای پررنگ نمودن این رویداد و انعکاس آن در منابع، برخلاف آن چه بوده صورت پذیرفته است. تصویری که ستایش خدیجه کبری را در حد یک نزاع درون خانه ای میان همسران پایین آورد و اهداف بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بی ثمر گرداند.

هم چنین انتظار می رود با توجه به بلوغ فکری و دینی موجود در جامعه اسلامی، امروز تحلیل و درک ابعاد شخصیتی خدیجه کبری که متوجه جامعه اسلامی بوده و در پی تلاش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نهادینه کردن جایگاه الگویی ایشان، تحکیم یافت به آن توجه گردد و از ابزارهای معرفتی پیشرفته برای درک این ابعاد استفاده شود.

1. ابن اثير (م 630)، ابوالحسن الجزري، اسدالغابه في معرفه الصحابه، دارالفكر، بيروت، 1409 ق.
2. ابن اعثم (م 314)، احمد، الفتوح، تحقيق على شيرى، دارالاضواء، بيروت 1411 ق .
3. ابن بطريق (م 600) شمس الدين، عمدة عيون صحاح الاخبار في مناقب امام الابرار، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1407 ق .
4. ابن جوزى (م 597)، عبدالرحمان بن ابى الحسن، المنتظم في تاريخ الامم والملوك، تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى هبدالقادر عطا، تصحيح نعيم زرزور، دارالكتب العلميه، بيروت 1412ق.
5. -كشف المشكل من حديث الصحيحين، تحقيق على حسين البواب، دار الوطن للنشر، الرياض 1418 ق.
6. ابن حبان (م 354) محمد، صحيح، تحقيق شعيب الارنؤوط، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، 1414 ق.
7. ابن حجر عسقلانى (م 852)، احمد بن على، الاصابه، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، دارالفكر العلميه، بيروت 1415 ق .
8. ابن سعد (م 230)، محمد، الطبقات الكبرى، دارصادر، بيروت بى تا.
9. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، الاستيعاب، تحقيق على محمد البجاوي دار الجيل، بيروت 1412 ق.
10. ابن كثير (م 774) اسماعيل بن عمر، البدايه والنهايه، تحقيق على شيرى، داراحياء التراث العربى، بيروت 1408 ق .
11. -تفسير القرآن العظيم، تحقيق يوسف عبدالرحمان المرعشى، دارالمعرفه للطباعه والنشر، بيروت 1412 ق .
12. ابن هشام (م 218) عبدالملك، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و

ابراهيم الأياري و عبدالحفيظ شلبي، دارالمعرفة، بيروت، بي تا.

13. اصفهاني (م 356) ابوالفرج، الاغانى، داراحياء التراث العربي، بيروت، بي تا.
14. بلاذري (م 279) احمد بن يحيى انساب الاشراف، تحقيق محمد حميد الله، دارالمعارف مصر 1959 م.
15. بيهقي (م 458) احمد بن الحسين، السنن الكبرى، دارالفكر، بي جا، بي تا.
16. حموي (م 626)، ياقوت، معجم البلدان، داراحياء التراث العربي، بيروت 1399 ق.
17. دولابي (م 310) محمد بن احمد الذرية الطاهرة النبوية، تحقيق سعد المبارك الحسن، دار السلفيه الكويت 1407 ق.
18. ذهبي (م 748) شمس الدين ميزان الاعتدال، تحقيق على محمد البجاوي، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بيروت 1382 ق.
19. - سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط مؤسسه الرساله چاپ نهم، بيروت 1413 ق.
20. ضحاک، ابن ابى عاصم (م 287)، الاحاد و المثانى، تحقيق باسم فيصل و احمد الجوابرة، دار الدراية، 1411 ق.
21. طبرانى (م 360) سليمان بن احمد، المعجم الاوسط، دار الحرمين، 1415 ق
22. طوسى (م 460)، محمد بن الحسن الامالى تحقيق مؤسسه البعثه، دار الثقافه للطباعة و النشر، قم 1414 ق.
23. عيني (م 855)، بدرالدين، عمدہ القارى شرح البخارى، داراحياء التراث العربى، بيروت، بي تا.
24. قندوزى (م 1294)، ينايع الموده، تحقيق سيدعلى جمال اشرف الحسينى دارالاسوه للطباعة و النشر، 1416 ق.

25. متقی هندی (م 975)، علاء الدین ، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال ، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا، مؤسسه الرساله، بیروت 1409 ق.
26. مجلسی (م 111) محمد باقر، بحار الانوار تحقیق محمدباقر بهبودی، مؤسسه الوفا، بیروت 1403 ق .
27. مقریزی (م 845)، تقی الدین، امتاع التسماع بما للنبي من الاحوال والاموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید، النمیس، دارالکتب العلمیه، بیروت 1420 ق.
28. موصلی (م 307) احمد ابو یعلی، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم، اسد دارالمأمون للتراث، بی تا.
29. نسایی (303)، السنن الکبری عبد الغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت 1411 ق.
30. واقدی (207)، محمد بن عمر، فتوح الشام، دارالجلیل، بیروت، بی تا.
31. یعقوبی (م 284)، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، دار صادر، بیروت، بی تا.
32. سعادت مصطفوی، سید حسن هاشمی گلپایگانی، سید محمد صالح اشرفی، عباس «ارائه الگو: راهکاری قرآنی برای تقویت انگیزه های عالی و تضعیف انگیزه های دانی در زیست اخلاقی» پژوهش های اخلاقی، دوره 4، شماره 15، 1393 ش.

*سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان امام علی علیه السلام: بهاره رحیمی خلیل الهی (1)

چکیده

ذکر و وصف شخصیت خاندان عصمت و طهارت به ویژه خدیجه کبرا علیها السلام، از موضوعات مهمی بوده که در کانون توجه ائمه اطهار علیها السلام قرار داشته است ایشان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام را یادآور می شدند و در احادیث گهربار خود از این بانوی بزرگوار یاد می کردند از جمله امام علی علیه السلام. پژوهش حاضر بر آن است تا قصیده ای را که ایشان در مدح و رثای بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیها السلام سروده اند از نظر زیبایی شناسی محتوایی و ساختاری بررسی کند و نوع نگاه حضرت را به خدیجه علیها السلام تبیین نماید امام علی علیه السلام در دیوان، خود با اشاره به احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام را پاک دامن و یاری گر رسول خدا صلی الله علیه و آله و زن اولین مسلمان می دانند و حضرت را با لقب «سیدة النساء» مدح می کنند. شایان ذکر است که امام علی علیه السلام در بیان اوصاف و فضایل خدیجه علیها السلام از فنون سخنوری و بلاغت کاملاً بهره برده و اشعار روان و دل نشینی را در مدح ایشان سروده اند.

واژگان کلیدی

امام علی علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام، احادیث، مدح.

ص: 324

احادیث فراوانی در کتب حدیثی در شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که در آن به فضایل و فداکاری های حضرت در راه اسلام اشاره شده است. تاریخ نگاران آورده اند که امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در رجز خویش، به جده خود خدیجه علیها السلام اشاره فرمودند که این امر نشان دهنده بزرگی مقام و منزلت آن بانو نزد ائمه است. امام علی علیه السلام نیز در دیوان خویش، به زندگانی آن حضرت اشاره فرموده اند. هدف این پژوهش بررسی دیدگاه امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان در مورد ام المؤمنین علیها السلام و معرفی ایشان از دریچه شعر و ادب به مخاطبان است؛ زیرا شعر یکی از بهترین وسیله های تأثیرگذار بر افکار دیگران به شمار می آید. امام علی علیه السلام در عصری که دوره شکل گیری و تثبیت عقاید دینی مسلمانان بود کوشیدند تا با بیان روان و دلنشین خود به دفاع از عقاید اسلام به ویژه به بیان سیمای حضرت خدیجه علیها السلام پردازند.

مواد و روش پژوهش

دیوان منسوب به امام علی علیه السلام و مصادر و منابع مرتبط با حضرت، از مهم ترین مواد مورد استفاده در پژوهش حاضر است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با تحلیل شواهد درون متنی و مراجعه به منابع کتابخانه ای و اینترنتی انجام می گیرد. بدین ترتیب که ابتدا به استخراج قصیده امام علیه السلام در مدح و رثای خدیجه علیها السلام و سپس به شرح و تحلیل مضامین آن و زیبایی شناسی محتوایی و ساختاری آن پرداخته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش های بسیاری در مورد امام علی علیه السلام و دیوان ایشان صورت گرفته که در این جا به ذکر برخی از آن ها بسنده می کنیم: پایان نامه لیلا خوش نویسان با عنوان «بررسی مضامین دیوان منسوب به امام علی علیه السلام با نهج البلاغه» (1389)

که در آن به بررسی مضامین دیوان منسوب به امام با نهج البلاغه می پردازد. نویسندگان معتقد است که صحت انتساب اشعار منسوب به حضرت علی علیه السلام از زوایای مختلف قابل بررسی است؛ زیرا ابیات مذکور از جهت منابع و وجود مضمون و واژگان مشترک با سخنان امام علی علیه السلام یکسان نیستند؛ به گونه ای که بخشی از آن ها در دیوان شاعران عرب دیده می شود و یا در منابع عربی به گویندگان دیگری نسبت داده شده است. هم چنین پایان نامه عاطفه اقتصادی رودی با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای امام علی علیه السلام در دیوان ابن حسام خوسفی و ناصر خسرو» (1389) که به اعتقاد، نویسندگان حضرت علی علیه السلام نزد عموم مسلمانان از جایگاهی ویژه برخوردارند. شاعران ادب پارسی اعم از شیعه و سنی در ابراز ارادت و محبت خود به آن بزرگ مرد دادگری و جوان مردی اشعار بسیاری سروده و دیوان های خویش را به ستایش او مزین نموده اند. ابن حسام خوسفی شاعر شیعی دوازده امامی قرن نهم هجری و ناصر خسرو شاعر توانمند اسماعیلی مذهب قرن پنجم هجری از جمله این شاعران هستند که در ابیات بسیاری به بازتاب سیمای امام علی علیه السلام پرداخته اند. در مورد خدیجه کبری علیها السلام نیز پژوهش هایی صورت گرفته که در این جا به ذکر برخی از آن ها اکتفا می کنیم: مقاله سید جواد حسینی با عنوان «کجا مثل خدیجه می توان یافت» (1387) که به بررسی نسب و فضایل ایشان می پردازد نیز مقاله محمد محسن طبسی با عنوان «حضرت خدیجه علیها السلام مادر امت» (1378) که به بررسی فضایل و فداکاری های حضرت می پردازد.

گذری بر زندگی امام علی علیه السلام

اولین ستاره فروزان آسمان ولایت در روز سیزدهم رجب، سی سال پس از عام الفیل در شهر مکه و در خانه خدا طلوع کرد و امام اول شیعیان و نور چشم پدر پا به عرصه وجود گذاشت و در سال چهارم هجری شب نوزدهم ماه رمضان، وقت طلوع فجر با شمشیر ابن ملجم مرادی ضربت خورد و شب بیست و یکم همان

ماه به شهادت رسید زندگی امام علی علیه السلام برای اسلام بسیار پربرکت بود، بلکه برای بشریت ایمان حضرت را نمی توان درک کرد عمر هنگام انتخاب اعضای شش نفره شورا برای تعیین خلیفه، سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره امام را تکرار کرد: «ای علی اگر ایمان همه خلائق را با ایمان تو مقایسه کنیم، ایمان تو بر آن ها برتری دارد». (1) سخن امام در نهج البلاغه که می فرمودند: «سلونی»، نشان دهنده علم بی نظیر ایشان است. کتب تاریخی تمام فضایل و کرامت های انسانی را برای ایشان ثبت کرده اند

گذری بر زندگی حضرت خدیجه علیها السلام

در حدود سی سال قبل از ظهور اسلام فرزندی متولد شد که خانواده او بر خلاف رسم سیاه و منحط، زمانه مقدم او را گرامی داشتند و ضمن تبریک ولادت او به پدرش «خوید» و مادرش «فاطمه»، نام نوزاد خویش را «خدیجه» به مفهوم برگزیده و گسسته از ناپسندی ها و نازیبایی ها و نارواها برگزیدند. (2) ایشان پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب دو پسر به نام های قاسم و عبدالله و چهار دختر به نام های ام کلثوم، زینب، رقیه و فاطمه شدند. ایشان تمام اموال خود را به رسول خدا صلی الله علیه و آله واگذار کردند و بیست و چهار سال و یک ماه با آن حضرت زندگی نمودند و سرانجام در ماه رمضان سه سال قبل از هجرت، درگذشتند و پیامبر ایشان را در حجرت مکه مکه به خاک سپردند. (3)

پردازش تحلیلی موضوع

سیمای حضرت خدیجه علیها السلام در شعر امام علی علیه السلام

قرآن کریم از ویژگی هایی چون پاک دامنی و عفاف، اسلام و ایمان، اقامه نماز یاری گری نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله سخن گفته و آن ها را ستوده است. از آن جایی که

ص: 327

- 1- مظاهری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص 47-50.
- 2- کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ص 31-33.
- 3- محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 202

همسر پیامبر نیز باید این ویژگی‌ها را داشته باشد تا شایسته این همسری باشد، حضرت خدیجه نیز در این امور زبانزد خاص و عام است و مولا- علی نیز این ویژگی‌های ایشان را در قالب کلماتی روان و دلنشین و استوار به تصویر کشیده‌اند و این شخصیت محبوب و مورد اعتماد رسول اکرم صلی الله علیه و آله را این گونه ستوده‌اند:

1. بی بدیل بودن حضرت خدیجه علیها السلام

امام علی علیه السلام قصیده‌ای چندبیتی در رثای حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابوطالب علیه السلام، پدر بزرگوارشان سروده‌اند که ابیات آن نشان دهنده ذوق هنری و تصویرسازی بسیار دقیق امام و ارادت خاص حضرت به این دو بزرگوار است. امام علی علیه السلام با مخاطب قرار دادن چشم‌های شان و با کلماتی که سرشار از غم و اندوه است، قصیده را آغاز می‌کنند و از چشم‌ها می‌خواهند که در فراق ایشان فراران بگریند؛ زیرا این دو تن نمونه‌اند و در شرافت این دو تن همین بس که ابوطالب پدر امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام مادر فاطمه زهرا علیها السلام بودند؛ زهرایی که ما در یازده پیشوای امت اسلامی هستیم و گریه فراوان در غم از دست دادن شان شایسته است:

اعینی جودا بارك الله فيكما *** على الهالكين لا تری لهما مثلاً (1)

«ای دو چشم من! خدا به شما برکت دهد برای دو فردی که از دنیا رفتند و نمونه ندارند اشک بریزید!»

امام علی علیه السلام در این بیت با مخاطب قرار دادن چشم‌ها از صنعت تشخیص (2) استفاده نموده که در زیباسازی کلام و رساندن پیام تأثیر بسزایی دارد. هم چنین مولا علی علیه السلام که بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین عرب پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند، از تأثیر بار اصوات بر بافت شعر و جلب توجه مخاطب آگاه بوده‌اند و از واج آرایی در حرف «الف» برای تحقق این امر بهره‌برده‌اند زیرا تکرار فراوان «الف» در این

ص: 328

1- مصطفی زمانی ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359.

2- آدم گونگی یا تشخیص آن است که گوینده عناصر بی جان یا امور ذهنی را به رفتار آدمی بیاراید که با نسبت دادن حالتی آن را هم چون موجودی انسانی تصویر کرده است. (داد، 1378، ص 1).

بیت آه و اندوه را به نمایش می گذارد

به نظر می رسد، امام علی علیه السلام در سرودن مصرع اول بیت یاد شده، به این بیت «خنساء» شاعر عصر جاهلی، نظر داشته اند:

أعینی جُودًا وَلَا تَجَمُّدًا *** أَلَا تَبْكِيَانِ لَصَخْرِ النَّدَى (1)

«ای دو چشم من! گریه کنید و خشک نباشید و این که برای صخر (برادر شاعر) گریه نکنید!»

اگر دو مصرع اول را با هم مقایسه کنیم در می یابیم که ایشان به جای «لا تَجَمُّدًا» از «بارك الله فيكما» استفاده نموده اند و کاربرد جمله دعایی در بیت امام علیه السلام، باعث تأثیرگذاری بیش تر بر مخاطب شده و رنگ و بوی اسلامی به شعر داده و به تثبیت اعتقاد مسلمانان و این که مردم از خداوند یکتا خواسته های شان را بخواهند، کمک نموده است.

2. خدیجه علیها السلام سرور زنان و اولین زن نمازخوان

احمد بن محمد بن حنبل شیبانی در مسند و طبرانی و دیگران با سندهای خود از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود:

خيرُ نساءِ العالمين اربعٌ: مريمُ بنتُ عمرانَ و آسيةُ بنتُ مزاحمَ و خديجة بنتُ خويلدَ و فاطمة بنتُ محمدَ صلی الله علیه و آله؛

بهترین زنان جهان چهار نفرند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام از جهات عدیده بر مریم و آسیه فضیلت دارد؛ زیرا ویژگی هایی چون بذل، مال علم، عبادت، معرفت، صبر، شکیبایی، حضانت، اولاد، تدبیر منزل و خوب شوهرداری کردن ملاک فضیلت زنان است. آن چه برای خدیجه علیها السلام فراهم بود برای آن ها یعنی آسیه و مریم فراهم نبود. (2)

ص: 329

1- الخنساء، دیوان، ص 31

2- محلاتی، ریاحین الشریعه، ص 203

ابن اثیر در کتاب الکامل فی التاریخ درباره اسلام آوردن حضرت از قول ابن اسحاق چنین می گوید:

اولین کسی که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و ایشان را تصدیق کرد همسرش، خدیجه دختر خویلد بود (1)

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه کامل و عملی این آیه بودند که می فرماید: (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ) (2) «(متقین) کسانی هستند که به غیب ایمان دارند و نماز را به پای می دارند و از آن چه به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند».

حضرت خدیجه علیها السلام هم به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان داشت و هم نماز می خواند. وی اولین زنی بود که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله نماز خواند. و تمام اموال خود را به آن حضرت هدیه داد تا در راه گسترش اسلام مصرف فرماید.

امام علیه السلام در ادامه، قصیده به صورت تلمیحی و با اقتباس از آیه شریفه و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نماز خواندن و بزرگی مقام حضرت خدیجه علیها السلام اشاره فرموده اند:

علی سید البطحا (3) و ابن رئیس ها *** و سیده النسوان (4) اول من صلی (5)

«بر سید مکه و پسر رئیس آن و بر سرور زنان عالم و اولین زنی که نماز خواند گریه کنید!»

مولا علیه السلام در این بیت از مجاز مفرد مرسل (6) به علاقه محلیه در واژه «بطحا» بهره

ص: 330

1- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 1، ص 650

2- سوره بقره، آیه 3.

3- بطحاء: سرزمینی است که بخشی از قبیله قریش پیش از اسلام در آن جا زندگی می کردند.

4- النسوان جمع الجمع النساء.

5- مصطفی زمانی ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359

6- مجاز لفظی است که در غیر آن چه برای آن وضع شده به کار رفته و این کاربرد، به جهت پیوند و مناسبتی است که میان معنای حقیقی و مجازی وجود دارد و همراه با قرینه است که مانع از اراده معنای وضعی آن می شود (الهاشمی، 1386: 311-312). مجاز مرسل، مجازی است که علاقه میان دو طرف استعمال معنای حقیقی و معنای مجازی غیر مشابهت است. (شفیعی کدکنی موسیقی شعر، ص

برده اند. زیرا ایشان با آوردن محل زندگی مردم، قریش خود مردم را اراده فرموده اند. بی شک استفاده از واژگان متضاد در زبان ضمن برجسته سازی آن ها در منتقل کردن مفهوم مؤثر افتاده، هر کدام معنای دیگری را تقویت می کند. (1) ایشان در این بیت از نقش تضاد موجود در دو واژه «سید» و «سیده» در تأکید و تقویت کلام بهره برده اند همچنین لفظ «نسوان»، معنا را دو برابر می کند امام علی علیه السلام آن را با صیغه جمع به کار برده تا بلیغ و رسا شود و خواننده به کثرت آن ها پی ببرد؛ زیرا «نسوان» عمیق تر و وسیع تر از «نساء» و «إمراة» مفرد آن است و صفت کثرت و شمول به آن می دهد به کارگیری چند نکته بلاغی در یک بیت، نشان دهنده قدرت و توانایی فنی امام علیه السلام است.

3. خدیجه، پاک طینت و خوش اخلاق

بخاری در صحیح خود می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت می فرماید: (خدیجه کانت من احسن النساء جمالاً و اکملهن عقلاً و اتمهن رأياً و اکثرهن عفةً و حياءً و مروءة و مالاً)؛ خدیجه از بهترین زنان از نظر زیبایی و کامل ترین از نظر عقل و درایت و اندیشه و بیش ترین از نظر پاک دامنی و حیا و جوان مردی و مال بود. (2)

معنای پاک دامنی انزوا نیست؛ بلکه رعایت پاکی در رفت و آمد طبیعی و عادی است (3) پاک دامنی و پاکیزگی برترین ارزش است. (4) و یاد علم خدا به پنهان و آشکار مایه حیا و پاک دامنی ماست (5) از آن جایی که حضرت خدیجه علیها السلام به خداوند ایمان داشت، ایمان او باعث نیکو شدن اخلاقش شده بود. امام علیه السلام با آگاهی از این نکته با اقتباس از سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن بانورا پاک دامن

ص: 331

1- انصاری، سیفی، «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» مجله ادب عربی، ص 10.

2- محلاتی ریاحین الشریعه، ص 204

3- قرآنی، تفسیر نور، ج 4، ص 98.

4- همان، ج 1، ص 481

5- همان، ج 4، ص 355

می دانند و معتقدند که خداوند اخلاق ایشان را نیکو گردانیده است:

مهذبۃٌ قد طیب الله خیمها *** مبارکةٌ والله ساق لها فضلاً (1) (2)

«پاک طینت بود و خدا اخلاق وی را شایسته و مبارک قرار داده و برتری را به سوی او گسیل داشته بود».

طینت پاک و اخلاق نیکوی حضرت در این بیت محور اصلی توصیف قرار می گیرد. امام علی علیه السلام در این بیت از ایجاز حذف بهره برده و مسندالیه را حذف نموده اند؛ زیرا ایشان معتقدند که خدیجه علیها السلام همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مادر حضرت زهرا علیها السلام از چنان پاکی و اخلاق نیکویی برخوردار بودند که هیچ زنی جز ایشان شایسته صفت «پاک طینت» نیست؛ لذا به سبب وضوح، از ذکر نام آن حضرت خودداری نمودند.

بزرگی مصیبت از دست دادن آن دو بزرگوار

فبت اقاسی منهما الهم و الثکلا *** مصابهما ادجی الی الجو و الهوی (3)

«شب که می خوابم غم و مصیبت آنان مرا فرا می گیرد و مصیبت آنان میان آسمان و زمین را تاریک می گرداند».

امام علی علیه السلام در این بیت علتی هنرمندانه برای تاریکی شب می آورند و معتقدند که غم و مصیبت آنان زمین را تاریک می گرداند. حزن و اندوه امام برای مرگ آن دو بزرگوار بیان گر به کارگیری عنصر عاطفه است که از ارکان عناصر ادب محسوب می شود.

5. یاری گر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

قران کریم می فرماید: (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ (4) «و تهی دستت یافت پس

ص: 332

1- مهذبۃ: پاک طینت؛ خیم: اخلاق؛ ساق: گسیل داشت.

2- مصطفی زمانی ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359

3- همان.

4- سوره الضحی، آیه 8.

کلمه «عائل» به معنای تهی دستی است که از مال دنیا چیزی ندارد رسول خدا صلی الله علیه و آله همین طور بودند و خدای تعالی ایشان را بعد از ازدواج با خدیجه بی نیاز فرمود خدیجه علیها السلام تمامی اموالش را با همه کثرتی که داشت به آن جناب بخشید (1) حسین مظاهری در ذیل معرفی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام درباره خدیجه این گونه می گوید:

اسلام مرهون زحمات آن بزرگوار است مادری که سه سال، مسلمانان محصور در شعب ابی طالب را اداره کرد و همه اموال خود را در این راه خرج کرد؛ مادری که چندین سال در مکه با آن مصیبت های کمرشکن ساختو دوش به دوش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اسلام را یاری فرمود و در این راه سنگ ها به بدن مبارکش فرود آمد؛ بی حرمتی ها به او وارد شد؛ شماتت ها در این راه دید و هر چه این اتفاقات بیش تر می شد صبر و استقامت او زیادتر می گشت. (2) امام علی علیه السلام که شاهد کرامت ها و بزرگواری ها، یاری گری های این دو بزرگوار نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام، بودند، در بیت زیر با اقتباس از قرآن به این امر اشاره می فرمایند

لقد نصرنا فی الله دین محمد *** علی بغی فی الدین قدر عیالا دجی (3)

«ابوطالب و خدیجه در راه خدا دین محمد را یاری کردند و در برابر کسانی که علیه دین به پا خاسته بودند مقاومت کردند و پیمان خود را با خدا و محمد صلی الله علیه و آله حفظ نمودند».

یاری گری و نصرت حضرت در این بیت محور اصلی کلام است. امام برای تأکید بر سخن خود از «لقد» بهره می گیرد که از حروف تأکید است.

پایان یافتن ابیات قصیده با مصوت «1» نیز می تواند به نوعی تحسر شاعر را تداعی کند از این روی «1» در کنار تناسب آوایی با مضمون مورد نظر شاعر

ص: 333

1- طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 20، ص 524.

2- مظاهری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام ص 38

3- مصطفی زمانی، ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، ص 359.

نتیجه

- ذکر فضایل و مناقب حضرت خدیجه علیها السلام همیشه کانون توجه ائمه اطهار علیهم السلام بوده است.

- امام علی علیه السلام اولین پیشوای شیعیان حضرت خدیجه علیها السلام و فداکاری های او را می ستایند

- ذکر فضایل اخلاقی حضرت دارای بسامد بالایی است.

- حضرت خدیجه علیها السلام در دیوان، حضرت بانویی پاک دامن مسلمان نمازخوان و یار رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معرفی می گردد.

- امام علیه السلام به سبب از دست دادن، حضرت غمگین شده اند و این نشان دهنده والایی منزلت حضرت خدیجه علیها السلام در نزد امام علی علیه السلام است.

- امام علیه السلام در بیان فضایل حضرت از قرآن و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله اقتباس نموده اند.

ص: 334

1- انصاری و سیفی، «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» مجله ادب عربی، ص 61.

قرآن کریم.

1. ابن اثیر، الكامل في التاريخ تحقيق: عمر عبد السلام تدمری، چاپ اول بیروت: دارالکتب العربی 1417 ق.
2. اقتصادی، رودی، عاطفه، بررسی تطبیقی سیمای امام علی علیه السلام در دیوان ابن حسام خوسفی و ناصر خسرو، پایان نامه کارشناسی ارشد، 1389 ش.
3. انصاری نرگس، و سیفی طیبه «شعر جواهری از منظر تحلیل ساختاری» مجله ادب عربی ش، 2، سال ششم، 1393 ش.
4. حسینی سیدجواد «کجا مثل خدیجه می توان یافت»، نشریه پاسدار اسلام ش 321، 1387 ش.
5. الخنساء، دیوان، تحقیق: عمر فاروق الطباع، بیروت: شركة دار الأرقم بن ابی الأرقم، بی تا.
6. خوشنویسان لیلا «بررسی مضامین دیوان منسوب به امام علی علیه السلام با نهج البلاغه» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، 1389 ش.
7. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی چاپ اول. تهران: مروارید، 1371 ش.
8. زمانی مصطفی، ترجمه دیوان علی بن ابی طالب علیه السلام، قم: پیام، اسلام 1369 ش.
9. شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر چاپ چهارم تهران: آگاه 1373 ش.
10. طبسی، محمد محسن «خدیجه علیها السلام مادر امت» فرهنگ کوثر، شماره 34، 1378 ش.
11. قرائتی، محسن، تفسیر نور تهران مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1383 ش.
12. کریمی فریدنی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، قم: دفتر فرهنگی

نسیم انتظار، 1385 ش.

13. محلاتی، ذبیح الله ریاحین الشریعه، ج 2، تهران: دارالکتب الاسلامیه بی تا.

14. مظاهری حسین زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، چاپ ششم تهران: پیام آزادی، 1378 ش.

موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1374 ش.

15. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه فی المفانی والبیان والبدیع، چاپ اول، قم: قدس، 1386 ش.

ص: 336

تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری

اشاره

*تطور گزارش های تاریخی درباره حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت تا قرن پنجم هجری: رویا باقری (1)

چکیده

این نوشتار به منظور دست یابی به چگونگی توجه تاریخ نگاران اهل سنت به سیر گزارش های زندگی حضرت خدیجه علیها السلام تدوین شده و درصدد پاسخ به این سؤال است که گزارش های تاریخی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله ، در سه دوره «همراهی شغلی»، «همراهی در زندگی مشترک» و «همراهی در جریان بعثت» چه فرآیندی داشته است؟ برای پاسخ از روش استقرا در گردآوری داده های تاریخی و مقایسه آن ها با یک دیگر در یک روند تاریخی به منظور کشف شباهت ها و تمایزها استفاده شده است کتاب های تاریخ سیره دلایل نگاری و تراجم منابع مورد بررسی در این موضوع است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام ، پیامبر صلی الله علیه و آله ، همراهی شغلی، بعثت اهل سنت

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویلد فرزند اسد فرزند عبدالعزی فرزند قصى

ص: 337

1- پژوهش گر و مدرس جامعه الزهرا علیها السلام.

بود (1) زندگی این بانو در یک بازه تاریخی رنگ خاصی به خود گرفته و با جریان رسالت گره خورده است. این بازه زمانی تقریباً سال های 25 عام الفیل تا 10 بعثت را پوشش می دهد و مقارن با ورود حضرت خدیجه علیها السلام به زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله تا هنگام وفات ایشان است. رخدادهای مهمی در این برهه تاریخی اتفاق افتاده که به مناسبت آن واقعه حضور آن بانو را در این گزارش ها می توان دنبال کرد. این نوشتار سه عنوان مهم این بازه زمانی را دنبال می کند که عبارتند از: «همراهی شغلی»، «همراهی در زندگی مشترک» و «همراهی در جریان رسالت» این سه عنوان در منابع سیره تاریخ انساب، دلایل نگاری و تراجم، تا قرن پنج هجری پیگیری می شود. در برخی از منابع مانند: اخبار الطوال دینوری (م. 282) (2) و تاریخ خلیفه بن خیاط (م. 240) (3) که در این محدوده زمانی قرار دارد مطلبی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت نشد.

از آن جا که به موضوع نوشتار حاضر برای اولین بار به عنوان مسأله پژوهش توجه شده طبیعی است که پیشینه خاص نداشته باشد. اما منابع سیره و تاریخ پیامبر صلی الله علیه و آله و کتاب هایی که به شرح حال خدیجه علیها السلام پرداخته اند، مانند الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد اثر شیخ غالب السیلاوی (4) را می توان به عنوان پیشینه عام معرفی کرد. مقالاتی چون: «ام المؤمنین الطاهره خدیجه بنت خویلد» (5) و «مناسبات اقتصادی و روابط شغلی خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» (6) نیز وجود دارد که هیچ یک از آنان با محوریت موضوع این

ص: 338

-
- 1- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 398؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 8، ص 11.
 - 2- کتاب اخبار الطوال نیز بعد از ذکر اولاد آدم علیه السلام و پادشاهان وارد بحث فتوحات اسلامی از زمان ابوبکر شده است. (نک: دینوری، اخبار الطوال، ص 1)
 - 3- کتاب تاریخ خلیفه بن خیاط بعد از ذکری مختصر از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله، وارد وقایع سال اول هجرت شده است. نویسنده در مقدمه نه این که کتاب تاریخ خود را از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کرده، اشاره داشته است. (نک: تاریخ خلیفه بن خیاط، مقدمه کتاب)
 - 4- غالب السیلاوی، الانوار الساطعه، ناشر مؤلف، 1421.
 - 5- حائری شیخ جعفر عباس، مجله علوم الحدیث، ش 11، ص 11755، سال 1423
 - 6- منصوره اعتمادی بانوان، شیعه، ش 13 و 14، ص 173-200، سال 1386.

نوشتار به نگارش در نیامده و این نکته ضرورت پژوهش در این موضوع را نمایان می کند.

همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله

اولین بار ابن اسحاق در کتاب سیره ضمن مباحث تاریخ زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ابعادی از شخصیت حقیقی و حقوقی حضرت خدیجه علیها السلام را به تصویر کشیده است. وی گزارش خود درباره آن حضرت را با همراهی شغلی آن بانو با پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می کند که بعدها با تفاوت هایی در منابع روبه رو می شود به طوری که می توان این تفاوت ها را در ضمن سه دیدگاه به تصویر کشید (1)

دیدگاه اول

بر اساس این نظر همکاری و مشارکت شغلی به شکل مضاربه بوده است. برخی منابع بدین نکته تصریح دارند. (2) در گزارش ابن هشام (م. 218) که در واقع همان خبر ابن اسحاق (م 151) است ضمن اشاره به مضاربه ای بودن همکاری به دو نکته توجه داده که تأییدی بر این نوع همکاری است:

خدیجه علیها السلام زنی صاحب مال و بازرگان بود و از سوی دیگر قریش نیز مردمی بازرگان بودند به همین سبب وی مردان را در مقابل سهمی از سود کاروان با خود شریک می کرد لذا دنبال حضرت فرستاد تا همکاری شغلی خود را با ایشان آغاز کند پیشنهاد خدیجه علیها السلام این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله برای سفر تجاری به شام بروند و سرمایه آن بانو را در اختیار گیرند. (3)

بنا به این گزارش وجود صفاتی چون راستگویی امانت داری و بزرگواری

ص: 339

1- ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، الأخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی، 1368 ش.

2- «كانت خديجة بنت خويلد امرأة تاجرة ذات شرف و مال تستأجر الرجال في مالها وتضاربهم إياه، بشيء تجعله لهم». (السيرة النبوية، ج 1، ص 188).

3- «فعرضت عليهن يخرج في مال لها الى الشام تاجرا». (ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 188).

در پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را تشویق کرد تا خود پیشنهاد همکاری با حضرت را طرح کند.

ابن سعد (م2300) خبری را از واقدی بدین مضمون آورده که راوی آن نفیسه دختر منیه است:

ابوطالب به دلیل سختی و مشکلات روزگار و اینکه نمی توانست پیامبر صلی الله علیه و آله را از نظر مالی تأمین کند به پیامبر صلی الله علیه و آله و عرض کرد: «کاروان تجاری قوم تو به طرف شام می رود و خدیجه علیها السلام مردانی از قومت را به کار گرفته است».

در این خبر نیز مانند خبر قبل بیش تر بر بازرگان بودن، قریش کار کردن مردانی از قریش برای خدیجه علیها السلام و این که آن بانو آن ها را در کاروان خود به شکل مضاربه استخدام می کرد، تأکید می شود. (1)

تاریخ نویسان بعدی چون: طبری (2) و بیهقی نیز این گزارش را بدون هیچ تفاوتی از ابن اسحاق نقل می کنند و به مضاربه بودن همکاری اشاره دارند. (3)

ابونعیم اصفهانی (م4300ق) نیز گزارش خود را بر مبنای خبر واقدی قرار داده که با نشان دادن سلسله سند کامل در نهایت به نفیسه دختر امیه (4) می رسد پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشنهاد ابوطالب مبنی بر رفتن نزد خدیجه علیها السلام را نپذیرفتند و معتقد بودند شاید خدیجه علیها السلام کسی را نزد آنان فرستد در نهایت نیز چنین شد. واسطه خدیجه علیها السلام، دلایلی چون: آگاهی خدیجه علیها السلام از گفت گوی ابوطالب و پیامبر صلی الله علیه و آله، راست گویی امانت داری و اخلاق کریمانه پیامبر صلی الله علیه و آله را انگیزه آمدن نزد آن حضرت و دعوت از ایشان برای همکاری تجاری با آن بانو، ذکر کرد.

ص: 340

1- «کانت تستأجر الرجال و تدفع المال مضاربه» . (ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج 8، ص 12).

2- طبری گزارش خود در مورد همکاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را به شکل مسند و بدون هیچ تفاوتی از ابن اسحاق نقل کرده است. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 280)

3- گفتنی است که طبری و بیهقی گزارش دیگری نیز آورده اند که بر اجیر بودن پیامبر صلی الله علیه و آله دلالت دارد که در دیدگاه سوم مطرح می شود. (طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 281-282؛ بیهقی دلائل النبوة، ج 1 ص 90)

4- در گزارش های دیگر، نفیسه بنت منیه است.

دیدگاه دوم

این دیدگاه بیان گر آن است که نحوه همکاری بر اساس وکالت بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خدیجه علیها السلام وکیل شدند تا به تجارت پردازند.

بلاذری (م. 279) در کتاب انساب الاشراف از روایات واقدی (م. 207) و ابن سعد (م 230) استفاده زیادی کرده و در بحث همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله با کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، دو گزارش آورده که در دو قالب مرسل و مسند بیان شده است روایت مسند به نقل از واقدی، اما بدون ذکر حلقه واسط است. اولین خبر در مورد حضرت خدیجه علیها السلام، به جریانی اشاره دارد که به ازدواج وی با حضرت رسول صلی الله علیه و آله انجامید. خبر به صورت مسند بدون ذکر نام راوی و با عنوان «قالوا» آمده است. این گزارش نسبتاً کوتاه در کلیت با دیگر روایات تفاوتی ندارد؛ اما در بردارنده مطالب مهمی چون: تجارت وسیع خدیجه علیها السلام، پیشنهاد ابوطالب علیه السلام در مورد کار کردن پیامبر صلی الله علیه و آله در کاروان، بیان ویژگی هایی چون: امانت داری پاکی و درستکاری و وفاداری است که نیاز خدیجه را تأمین می کرد و در نهایت به این نکته تصریح می کند که صحبت در مورد همکاری پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام، بر مبنای وکالت برخی از امور تجاری به حضرت بود. (2) خبر دیگر جریان ازدواج را بیان می کند که در ضمن آن، بسیار مختصر به سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه اشاره شده است

ص: 341

1- ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوة، ج 1، ص 173

2- «قال له ابوطالب: يا ابن أخي إنّ خديجة بنت خويلد امرأة موسرة ذات تجارة عريضة، و هي محتاجة إلى مثلك في أمانتك و طهارتك و وفائك فلو كلمناها فيك فوكلتك ببعض أمرها و تجارتها. فقال صلی الله علیه و اله: افعل يا عمّ ما رأيت . فسعى ابوطالب إليها ، فكلّمها في توكيل رسول الله صلی الله علیه و آله ببعض تجارتها». (بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 97).

بر مبنای این نظر پیامبر صلی الله علیه و آله در کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، اجیر و استخدام شده بودند. ابن سعد بار دیگر از قول واقدی، خبری را نقل کرده که گزارش گر آن نفیسه دختر منیه است. در این گزارش ابوطالب به فقر خود و سختی روزگار اشاره داشته و پیشنهاد رفتن نزد خدیجه علیها السلام را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان می گذارد. آن بانو از این گفت گو آگاهی می یابد و کسی را نزد آن ها می فرستد که «من دو برابر حق الزحمه ای را که به خویشانت می دهم به تو خواهم داد». بنا به نقلی، دیگر ابوطالب به اجرت دو شتر راضی نشد. نزد خدیجه علیها السلام رفت و چهار شتر را پیشنهاد داد و خدیجه علیها السلام نیز پذیرفت. گر چه به دلیل سود زیاد کاروان در این سفر دو برابر آن چه قرار گذاشته بودند به حضرت داد. (1) در این نقل تصریح شد که پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل کار در کاروان تجاری خدیجه علیها السلام، چهار شتر دریافت کردند که نشان می دهد همکاری به شکل مضاربه نبوده است. (2)

طبری گزارشی مسند و کوتاه آورده که سند آن به زهری منتهی می شود او بیان کرده که سفر تجاری دیگری به «حباشه» انجام شده و فرد دیگری غیر از میسره همراه حضرت بوده است (3).

از قرن چهارم هجری قالب جدیدی برای نگارش سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام عرضه شد که تجلی آن را در کتاب هایی با عنوان «دلایل نگاری» می توان دید. سیر تحول و تغییر گزارش های تاریخی در این مدل از آثار بیان گر اوضاع اجتماعی - سیاسی است که نویسندگان را به سمت این نوع نگارش سوق داده است. هدف اصلی نگارش چنین کتاب هایی اثبات نبوت یا امامت با استفاده از ابزاری غیر از وحی و نص بود پرداختن به کرامات و معجزات در این

ص: 342

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 104.

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 104 براساس این نقل همکاری به نحو مضاربه نبوده، زیرا در مضاربه سهم طرفین مشخص و قرارداد بسته می شود نه این که تعداد قید گردد. مگر این که بگوییم در آن زمان مضاربه به شکل امروز نبوده است

3- طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 2، ص 281-282

مهم راه گشا بود نمود این تغییر و تحول گزارش ها را که در برخی موارد چهره ای اغراق آمیز به رخدادها داده می توان در اخبار مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام نیز مشاهده کرد.

خرگوشی (م. 406) (1) در کتاب شرف النبی به گفت گوی ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مشکلات مالی و اشتیاق ابوطالب به سر و سامان دادن زندگی آن حضرت اشاره می کند. در این خبر آمده:

خدیجه علیها السلام افرادی را برای کار استخدام کرد و خداوند بدین سبب، خیر بسیاری نصیب هر دو طرف نمود پیشنهاد ابوطالب این بود که هر دو نزد خدیجه علیها السلام رفته در این مورد صحبت کنند.

گزارش خرگوشی در مورد همکاری تجاری خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، بیان گر کار کردن آن حضرت برای خدیجه و دریافت دو شتر به عنوان دستمزد است. (2) ابوبکر بیهقی (م. 458) به شیوه ای روایی و با ذکر روایات گوناگون به توصیف رخدادها پرداخته و سه گزارش در مورد همکاری خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، که یکی از آن ها بدون سند به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. این سفر تجاری در گزارش بیهقی نکات جدیدی را نمایان می سازد:

بر اساس این روایت همکاری تجاری بیش از یک سفر بوده است؛

- این بار مقصد کاروان تجاری شام نیست بلکه بازار حباشه (3) بوده که در تهامه قرار داشت؛ (4)

- به جای میسره فرد دیگری همراه حضرت است؛

ص: 343

1- عبدالملک بن ابی عثمان محمد بن ابراهیم نیشابوری که به دلیل سکونت در محله «خرگوش» در نیشابور، بدین نام منسوب شد. (نک: مقدمه کتاب شرف النبی، ص 18).

2- نک: شرف المصطفی، ج 1، ص 407-408.

3- حباشه به ضم حاء، بزرگ ترین بازار تهامه در مکه بود. (حموی، معجم البلدان، ج 2، ص 210؛ البکری، معجم ما استعجم، ج 2، ص 418)

4- بیهقی، دلائل النبوة، ج 1، ص 90 در سیره حلبی نیز گزارش سفر به بازار حباشه به نقل از جامع الصغیر و امتاع الاسماع ذکر شده است. به اعتقاد حلبی سفر اول تجاری به حباشه بوده و سفر دوم به شام. وی معتقد است این سفرها چهار یا پنج بار تکرار شده است (نک: حلبی، السیره الحلبیة، ج 1، ص 197).

- عبارت «استأجرتة و استأجرت معه رجلا من قريش» در گزارش وجود دارد که بیانگر استخدام حضرت و مرد قریشی از طرف خدیجه برای کار است؛

- جمله پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «ما رأیت من صاحبه أجد خیرا من خدیجه، ما کنا نرجع أنا و صاحبی إلا وجدنا عندها تحفه من طعام تخبوه لنا» (1) نیز بیان گر تکرار سفر تجاری و منحصر نبودن آن در یک بار است

بیهقی خبر دیگر را با استناد به روایتی از صحیح بخاری، به نقل از ابی زبیر از جابر بن عبدالله نقل کرده که تصریح دارد هم کاری شغلی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در یک سفر منحصر نبوده است و پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام اجرت گرفتند

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «أجرت نفسی من خدیجه سفرتین بقلوص؛ دو سفر برای خدیجه انجام دادم که اجرت هر یک ماده شتری بود». (2)

خبر سوم بیهقی نیز با سلسله سند کامل آمده و همان گزارش ابن اسحاق است که تاریخ نویسان بعد از وی از او گرفته اند.

استیعاب ابن عبدالبر (م. 463) از دیگر کتاب هایی است که در آغاز قرن پنج هجری به نگارش درآمد و از نظر تاریخی در بردارنده اطلاعات مهمی در زمینه تاریخ است. سیر تحولی در گزارش های مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام در این کتاب نمودار است. اطلاعات با تفصیل بیش تر و در همه جوانب ذکر شده است مطالب در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در این کتاب از چند جهت اهمیت می یابد:

- نقل ها همه به صورت مسند با سلسله سند کامل است؛

- استفاده از منابع تاریخ، سیره و انساب؛

ص: 344

1- «من صاحب کاری بهتر از خدیجه ندیده ام هر گاه من و همراهم برای گزارش کارهای بازرگانی نزد او می رفتیم بهترین خوراک را که برای ما اندوخته بود حاضر می کرد» بیهقی، دلائل النبوه، ج 1، ص 90).

2- قال: أخبرنا أبو سعید: أحمد بن محمد بن زیاد البصری بمكة، قال: حدثنا الهیثم بن سهل التستری، قال: حدثنا محمد بن فضیل، قال: حدثنا الربیع بن بدر، عن أبي الزبیر عن جابر بن عبدالله، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «أجرت نفسی من خدیجة سفرتین بقلوص» (بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 66).

- ذکر منابع نقل ها و چگونگی استفاده از آن ها؛

- جمع آوری، اقوال اشاره به اختلاف نقل ها و در نهایت داوری در مورد آن خبر با تعابیری چون: «هذا هو الصحيح وغيره خلیط»، «فلاصح القول الاول» و «هذا هو الصواب فی اسناد هذا الحدیث و متنه»؛

- در مواردی نیز علاوه بر ابراز نظر به دلیل پذیرش آن قول اشاره می کند. مانند سن حضرت خدیجه علیها السلام در زمان ازدواج که گفته است: «قول قتاده عندنا اصح لما حدثنا احمد بن فتح»؛

- توجه دادن به موارد مشترک و ادعای اجماع و عدم خلاف مانند عدم ازدواج حضرت با زنی جز خدیجه در دوران حیات وی داشتن چهار فرزند دختر اولین، مسلمان با تعابیری چون «اجمعوا علی ذلك»، «هذا مما لا خلاف فیه» و «لا یختلفون»

- اشاره به ویژگی های شخصیتی و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در منابع قبل به آن توجه نشده است. ابن عبدالبر در قالبی، کلی به حمایت های جدی خدیجه از پیامبر صلی الله علیه و آله هم دردی آن بانو با ایشان و در مواردی به شکل خاص با عباراتی چون: «طاهره بودن در جاهلیت»، «اولین مسلمان»، «خیر نساء العالمین»، «افضل نساء اهل الجنة» و «سیده نساء العالمین» به این فضائل در ضمن پانزده گزارش توجه داده است. (1)

نکته مهمی در مورد دیدگاه های مطرح شده وجود دارد؛ به طوری که می توان گفت: اختلاف دیدگاه ها ناشی از تفاوت در رویکردهای کلامی تاریخ نویسان است؛ زیرا برخی بر این باور تأکید داشته اند که اجیر شدن و کار کردن برای دیگران با شئون پیامبری مناسبت ندارد هر چند این استدلال قابل نقد است زیرا این واقعه قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و بیش تر به شخصیت حقیقی حضرت ناظر است؛ ضمن آن که بر اساس آیات قرآن، (2) حضرت موسی علیه السلام

ص: 345

1- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1822 .

2- (قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَابٍ فَإِنْ أَتَعَمَّتْ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِ) (سوره قصص، آیه 26).

که پیامبر صلی الله علیه و آله اولوالعزم بوده در برابر دریافت اجرت برای حضرت شعیب کار کرده است.

همراهی در زندگی مشترک

مورد دوم از رخدادهایی که در بازه زمانی تعیین شده می توان بررسی کرد، جریان همراهی خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک است. در منابع اهل سنت آغاز جریان ازدواج با سفر تجاری گره خورده است. همه منابع، به رغبت و میل خدیجه علیها السلام و تلاش وی برای این امر اشاره کرده اند. ابن هشام به نقل از ابن اسحاق، عواملی چون: آشنایی قبلی همکاری شغلی، نقش میسره غلام خدیجه علیها السلام و وقایعی را که در سفر تجاری رخ داد و از طریق میسره برای خدیجه بازگو شد، (1) در ترغیب خدیجه علیها السلام برای ازدواج مؤثر دانسته است. گزارش گر از حضرت خدیجه علیها السلام نیز با اوصافی چون: «امرءه شریفه حازمه لبیبه» یاد نموده و در بخشی دیگر به ویژگی هایی چون: «اوسط نساء قریش»، «اعظمهن شأنًا»، «اکثرهن مالا»، «کل قومها کان حریصا علی نکاحها» اشاره کرده است. در کنار این اوصاف، به انگیزه های طرح پیشنهاد ازدواج از طرف خدیجه علیها السلام مانند «قربانتک»، «وسطتک فی قومک»، «امانتک»، «حسن خلقک و صدق حدیثک» نیز اشاره نموده است. (2) این شواهد نشان می دهد که راوی در صدد بیان هم کفوی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه در امر ازدواج است. گویا ابن هشام، در صدد بیان این کفویت و رضایت الهی به این ازدواج با عبارت «مع ما اراد الله بها من کرامته» است؛ زیرا خداوند از ازدواجی رضایت دارد که هر دو طرف کفوی یک دیگر باشند و ابن هشام با شمارش صفات پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام، در صدد بیان این کفویت است. بر اساس این نقل خدیجه علیها السلام خود پیشنهاد ازدواج را با حضرت در میان گذاشت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خویند، رفت جریان را

ص: 346

1- جریان نشستن پیامبر صلی الله علیه و آله زیر سایه درخت در نزدیکی صومعه ای و پیش گویی راهب در مورد پیامبری ایشان و سایه انداختن دو فرشته در گرما بر بالای سر حضرت، که با عبارت «فیما یزعمون» نقل شده است

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 189 190

مطرح کرد و خطبه آن ها با قرار دادن مهریه بیست شتر خوانده شد. (1) اما در این گزارش هیچ اشاره ای به چگونگی گفت گوهای قبلی و توافق های مقدماتی و رسوم جاری نشده است.

ابن سعد اخبار را در این باره با تفصیل بیش تری ذکر کرده است نقش راهب مسیحی و مردی از بت پرستان وضوح بیش تری در این خبر دارد. خبر نقل شده با سند کامل از قول نفیسه دختر منیه است. وی علاوه بر گزارش ملاقات نسطور راهب، دو نشانه بر پیامبری حضرت ذکر می کند: فرود آمدن در زیر درختی که فقط پیامبران زیر آن می نشینند و دیگر سرخی ای که در چشم پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد. هم چنین به درگیری پیامبر صلی الله علیه و آله با مردی در بازار و درخواست وی مبنی بر سوگند خوردن به لات و عزی و ابراز تنفر حضرت از این بت ها اشاره کرده است. آن مرد قسم می خورد که این شخص پیامبر است. در این گزارش خدیجه نیز فرشتگانی را که بالای سر حضرت سایه انداخته اند دیده و آن ها را به زنان دیگر نشان داده و آنان متعجب شده اند.

ابن سعد در جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، از واسطه ای به نام نفیسه دختر منیه نام می برد و گزارش خود را با سندی کامل به همین شخص می رساند. خدیجه بعد از بازگشت حضرت از سفر تجاری شام، نفیسه را نزد ایشان فرستاده تا پیشنهاد ازدواج را مطرح کند نفیسه در سخنان خود، پیامبر صلی الله علیه و آله را به سه ویژگی، شرف جمال و مال در خدیجه علیها السلام توجه می دهد. در سخنان نفیسه نیز تأکید بر کفویت این دو شده است. ابن سعد با دادن سه سند که یکی به نفیسه و دو مورد دیگر با تفاوت راویان به ابن عباس ختم می شود از عموی خدیجه علیها السلام، عمرو بن اسد یاد کرده که خدیجه را به عقد رسول خدا در آورد. وی معتقد است پدر، خدیجه قبل از جنگ فجار از دنیا رفته بود. (2)

ص: 347

1- همان.

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 105 106.

در دو گزارش نیز مطالب عجیبی ذکر شده که نشان می دهد خواهر خدیجه علیها السلام و واسطه ازدواج بوده که از طرف وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفته و نظر حضرت را جویا شده و بعد از رضایت خدیجه علیها السلام به پدرش شراب می دهد تا بتواند موافقت او را به دست آورد! ابن سعد در نهایت از قول واقدی، هر دو گزارش را رد کرده آن را دروغ می داند؛ زیرا نزد اهل علم ثابت شده پدر خدیجه در این زمان زنده نبوده است.

طبری (م3100) گزارش خود را از جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و حوادث قبل از آن به نقل از ابن اسحاق آورده است وی تلاش داشته ماجرا را کاملاً منطبق با گزارش ابن هشام و در مواردی نقل های ابن سعد بیان کند. تا جایی که حتی به نظر و نقد واقدی در مورد حضور پدر خدیجه علیها السلام در مراسم عقد و نوشاندن شراب به وی نیز اشاره کرده است. (1)

خرگوشی با پنج گزارش مقدمات جریان ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله ، را با تفصیل بیش تری به تصویر کشیده و برخی مطالب را با نگاهی جزئی تر دنبال کرده است. در گزارش وی به نکاتی اشاره شده که در منابع پیشین بدین گونه طرح نشده است؛ مانند ملاقات بحیرا با پیامبر صلی الله علیه و آله در بین راه، (2) بوسه بحیرا بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله و زمزمه ایمان آوردن و شهادت او به رسالت، توصیف وی از پیامبر صلی الله علیه و آله با عبارت «النبی الامی الهاشمی العربی المکی صاحب الحوض و الشفاعة، صاحب لواء الحمد که همان تصویری است که انجیل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ارائه می دهد. میسره مشاهدات خود را برای خدیجه علیها السلام بیان می کند و خبر نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را از قول بحیرا به خدیجه علیها السلام می دهد. می دهد. سرانجام این توصیفات، موجبات آزادی وی را فراهم می کند. خرگوشی ماجرای را با عنوان «قیل» مطرح کرده که در روز عید و جشنی رخ داده که زنان قریش در جاهلیت داشتند این ، خبر پیشینه علاقه خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و

ص: 348

1- طبری ، تاریخ الامم و الملوک، ج 2، ص 280.

2- نام راهب مسیحی که در راه سفر تجاری به شام پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات ، کرد در منابع قبل «نسطور» بیان شده بود

تصویری را بیان می کند که وی در اثر پیش گویی فردی یهودی نسبت به آینده در ذهن خود داشتند. (1)

در بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر تجاری، خدیجه علیها السلام ایشان را از دور می بیند. در این قسمت از گزارش مطالب عجیب و اغراق آمیزی نقل شده که پذیرش این بخش از گزارش را با مشکل مواجه کرده است (2) به پیشنهاد خدیجه علیها السلام، ابوطالب وی را از عمویش عمرو بن اسد خواستگاری می کند خطبه ابوطالب در مجلس خواستگاری و عقد قابل توجه است. (3) مطالبی چون: دف و رقص کنیزان به امر خدیجه علیها السلام، نوشاندن شراب به عمویش و جملات ابوطالب در پاسخ خدیجه علیها السلام جای تأمل دارد. (4)

بیهقی به دو خبر شاذ و غیر مشهور استناد کرده که بر اساس یکی از آن ها ازدواج خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله را حاصل ملاقاتی اتفاقی در بازار مکه می داند. در این روایت مسند ماجرای ازدواج به نقل از عمار یا سراسر است. در این گزارش، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام واسطه ازدواج است این خبر بیان می کند که مردم در مورد این ازدواج زیاد سخن می گفتند و زمانی که عمار متوجه این مطلب شد به دلیل هم سنی و دوستی صمیمی با پیامبر صلی الله علیه و آله خود را بهتر از دیگران در ترسیم چگونگی این ازدواج دانست و راوی این گزارش شد. مخالفت پدر خدیجه علیها السلام با این وصلت و شراب خواری وی و خروج بنی هاشم برای راضی

ص: 349

1- «و یقال: کان لנساء قریش عید یجتمعن فیہ فی الجاہلیۃ، فإذا هن بیهودی فی ذلک العید فقال: ویحکن یا معشر نساء قریش ویحکن، إنه لیوشک أن یبعث فیکن نبی، فأیتکن استطاعت أن تكون له أرض یطأها فلتفعل، فحصبته و طردنه و قر ذلك القول فی قلب خدیجة رضی الله عنها» (خرگوشی، شرف المصطفی ج 1، ص 415).

2- همان، ص 411

3- با توجه به مضمون سخنان ابوطالب در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان، ایشان می توان بسیاری از خبرهایی را که در منابع بررسی شده، آمده به بوته نقد کشاند.

4- در این گزارش بسیار بر فقر و نداری و یتیم بودن پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید شده است. ابوطالب در پاسخ به خدیجه علیها السلام گفت: «یا خدیجة، لا- تستهزئی بی، لو کانت أمة لك ما زوجت من ابن أخی». به طوری که ابوطالب نیز باور نمی کند زنی با موقعیت خدیجه علیها السلام حاضر به ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد و گمان می کند خدیجه علیها السلام قصد تمسخر وی را دارد! (خرگوشی شرف المصطفی، ج 1، ص 412).

کردن پدر خدیجه علیها السلام از مطالب موجود که در این خبر است. (1) خبر دیگر که زهری نقل کرده جریان ازدواج را بعد از بازگشت حضرت از سفر تجاری حبشه می‌داند. پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه خدیجه علیها السلام با کاهنه ای روبه رو شدند که متوجه علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام شده بود. او پیامبر صلی الله علیه و آله را به ازدواج تشویق کرد. بر اساس این نقل پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج را پیشنهاد کرده اند. (2)

همراهی در جریان بعثت

مورد سوم از بازه زمانی، مورد نظر همراهی و حضور خدیجه در گزارش های بعثت است ابن اسحاق در نقل سه گزارش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، به همراهی خدیجه علیها السلام اشاره می‌کند هنگامی که آن، بانو مشاهدات میسر را برای عموزاده اش «ورقه بن نوفل» گفته که نصرانی بود و کتب پیشین را مطالعه کرده بود، وی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پیامبری دانست که منتظر ظهورش بود. ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام طواف با ورقه سخنان وی در تأیید رسالت حضرت و اشاره به وقایعی که در آینده برای ایشان رخ می‌دهد، از دیگر سخنان ابن اسحاق است. در این گزارش اشعاری نیز در مدح و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله از قول ورقه ذکر شده است. (3)

در گزارش های ابن هشام از بعثت، نقش خدیجه علیها السلام بسیار پررنگ نمایش داده شده است. این بانو بار دیگر نزد ورقه رفته و او بشارت نزول ناموس اکبر را داده که بر موسی نیز فرود آمده و از وقایعی چون: تکذیب و آزار حضرت به وسیله، قریش بیرون کردنش از مکه و جنگیدن با وی یاد می‌کند خبر دیگر از اسماعیل بن ابی حکیم نقل شده:

خدیجه علیها السلام آزمایشی انجام داد تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت نماید فرشته جبرئیل بروی نازل شده و شیطان در او راهی نداشته است.

ص: 350

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 71 - 72.

2- همان، ج 1، ص 90

3- ابن هشام، السیرة النبویة، ج 1، ص 192

راوی در تأیید گزارش خود خبری از عبدالله بن حسن از قول مادرش فاطمه دختر امام حسین علیها السلام به همین مضمون می آورد ایمان خدیجه علیها السلام و تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اولین مسلمان و پشتیبانی و دلگرمی دادن به حضرت از دیگر نکات در گزارش ابن هشام است. (1) ابن اسحاق در ضمن خبری از قول «حدثني بعض اهل العلم»، به جریان آموزش وضو به پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله جبرئیل توجه داده است. پیامبر صلی الله علیه و آله چگونگی انجام دادن وضو را به خدیجه علیها السلام نیز یاد دادند و هر دو نماز گزار شدند.

ابن سعد چهار گزارش در بحث نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله آورده که در آن ها نیز حضور و نقش خدیجه علیها السلام جدی است. گزارش اول به طلوع وحی اشاره دارد که نسبتاً طولانی تر از دیگر خبرها و از واقدی به نقل از عایشه است. در دیگر سندها نام عروه بن زبیر یحیی بن عباد و ابراهیم بن اسماعیل با واسطه از ابن عباس به چشم می خورد در همه این نقل ها بر ترس و نگرانی حضرت از جنون و کهانت تلاش بسیار خدیجه علیها السلام در برطرف کردن تشویش و نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله، رفتن وی نزد ورقه و تأیید رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از جانب وی تأکید شده است. (2)

طبری چهار گزارش از جریان نزول وحی و نقش خدیجه علیها السلام آورده که سند همه آن ها به عایشه خاندان زبیر یا موالی آنان می رسد. گزارش اول را با سند کامل از احمد بن عثمان معروف به ابی الجوزاء نقل کرده است راوی خبر عایشه است. این گزارش به تصویری که ابن هشام و ابن سعد ارائه داده اند شبیه است. خدیجه علیها السلام بعد از شنیدن ماجرا از پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را دل داری می دهد و صفات و کارهای نیکش را یادآوری می نماید تا این اندیشه را تقویت کند که خداوند حضرت را رها نخواهد کرد. سپس نزد ورقه میرود و او نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید می کند

طبری گزارش دیگر را با ذکر سند کامل از ابن اسحاق آورده است. در این خبر

ص: 351

1- همان، ص 240

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 153

عبدالله بن زبیر از عبید بن عمیر در مورد چگونگی شروع وحی و نزول جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسد و او در پاسخ جریان را شرح می دهد. این خبر، طولانی تر از دیگر اخبار است و به جزئیات بیش تری اشاره دارد اما در مورد حضرت خدیجه هیچ اطلاعات جدیدی به خواننده نمی دهد و می توان گفت ثبت مشابهی از همان رویدادی است که ابن اسحاق از اسماعیل بن ابی حکیم نقل کرده است. در این خبر علاوه بر دیدار خدیجه علیها السلام با ورقه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هنگام طواف کعبه با ورقه دیداری دارند که وی با جمله «والذی نفسی بیده آنک نبی هده الامه» حضرت را تأیید می کند و از رخدادهایی خبر می دهد که در آینده اتفاق می افتد. آزمایش خدیجه علیها السلام برای اطمینان از نزول فرشته و عدم تصرف شیطان، از دیگر مطالب عجیبی است که در این خبر وجود دارد. طبری گزارش های کوتاه دیگری در بحث اولین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، از قول راویان دیگر آورده که سند آن ها غالباً به عایشه خاندان زبیر و موالی آن ها می رسد و در همه فقط به بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا به نزد خدیجه علیها السلام و جمله «زملونی فذرونی» اشاره شده است. ادعای اجماع بر تقدم خدیجه علیها السلام در اسلام، جریان آموزش وضو و خواندن نماز نیز از دیگر مطالب طبری است. (1)

ابونعیم اصفهانی چهار گزارش با سندی کامل از جریان بعثت آورده که در آن ها همراهی خدیجه علیها السلام به چشم می خورد که دو مورد آن، نقل عروه بن زبیر از عایشه است. محتوای این دو خبر به مواردی چون: نقش خدیجه علیها السلام در زدودن نگرانی و ترس پیامبر صلی الله علیه و آله، رفتن خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ورقه، معرفی اجمالی ورقه و بیان اطلاعاتی در مورد او پیش گویی های ورقه و ... اشاره می کند که در منابع پیشین ذکر شده است. این بار در گزارش ابونعیم، اطلاعات بیش تری می توان دید وی به فترت وحی و نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله و ماجرای شق صدر نیز اشاره کرده است. بر اساس این گزارش پیامبر صلی الله علیه و آله نذر کردند که همراه خدیجه علیها السلام، به مدت یک ماه که مصادف با ماه رمضان شد، در غار

ص: 352

حرا معتکف، شوند وی این اعتکاف را در جهت سنت «تحنث» (1) می داند که در میان اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله مرسوم بود (2) در یکی از همین شب ها فرشته وحی بر ایشان نازل شد. خدیجه علیها السلام و به محض بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را با «السلام عليك يا رسول الله» خطاب کرد.

روایت دیگر ابونعیم، به نقل از ام سلمه، از خدیجه علیها السلام است. محتوای آن همان آزمایشی است که خدیجه علیها السلام انجام داد تا معلوم شود شیطان در جریان وحی دخالتی نداشته و فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است. جریان این آزمایش در روایت عروه بن زبیر از عایشه به گونه ای دیگر نیز نقل شده که جای تأمل بیش تری دارد آموزش وضو به خدیجه علیها السلام و نماز وی با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در این خبر آمده است

بیهقی در جریان طلوع وحی و حضور خدیجه علیها السلام، گزارش های متعددی نقل کرده که دو مورد از آن ها با سندی متصل به ابوعبدالله حافظ می رسد. راوی در یک خبر عایشه و در دیگری جابر بن عبدالله است. گزارش عایشه همان خبر تکراری است که کلمه به کلمه از منابع پیشین ذکر شده است. بیهقی در پایان نقل، تأکید دارد که این جریان را بخاری و مسلم در صحیح خود آورده اند. گزارش دیگر به فترت وحی اشاره دارد.

بیهقی گزارشی بدون سند از ابن شهاب با عبارت «کان فیما بلغنا» ذکر می کند بدین مضمون که پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا همه وقایع در مورد فرود آمدن جبرئیل و نزول وحی را در خواب دیدند و سپس برای خدیجه علیها السلام بازگو نمودند. بعد از آن به بیابان رفتند و ماجرای «شق صدر» رخ داد؛ سپس نزول وحی انجام

ص: 353

1- در لغت به معنای خداوند را عبادت کردن و دست از بت پرستی برداشتن است: «تحنث اذا تعبد و تحنف» و در حدیث نیز آمده: «أن رسول الله صلی الله علیه و آله، قبل أن یوحی إليه کان یُخلو بغارِ حراءٍ فیتَحَنَّثُ فِيهِ اللَّيْلِي». (ابن منظور، لسان العرب، ج 2، ص 138؛ الزبیدی، تاج العروس، ج 3، ص 199). این سنت میان قریش و اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله مرسوم بوده است. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که هلال رمضان را می دیدند به غار حرا می رفتند و تا پایان ماه آن جا بودند. (سهیلی، الروض الأنف، ج 2، ص 380؛ الکلاعی، الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله، ج 1، ص 164)

2- ابونعیم، دلائل النبوة، ج 1، ص 214 - 215.

گرفت. (1) بیهقی از مطرح شدن گزارش شق صدر به دنبال ماجرای نزول تعجب کرده و پس از نقد آن چنین توجیه می کند:

شاید به طریق نقل از دوران طفولیت حضرت و شق صدر ایشان باشد و یا احتمال دارد واقعه شق صدر چند بار رخ داده که یک مورد آن در جریان نزول وحی بوده است!

در ادامه گزارش خدیجه علیها السلام بعد از شنیدن ماجرا نزد عداس نصرانی رفت و در مورد جبرئیل از او اطلاعاتی خواست وی حضرت را امین بین خدا و پیامبران و صاحب موسی و عیسی خواند خدیجه علیها السلام نزد ورقه رفته، همان سؤالات را پرسید در این خبر نقش زید بن عمرو بن نفیل در کنار ورقه به عنوان کسانی ذکر شده که از بت پرستی دست برداشته بودند (2) بیهقی از ابو عبد الله حافظ جریان آزمایش خدیجه علیها السلام را نقل کرده که سند آن به عبدالملک بن عبدالله ثقفی می رسد. از آن جا که بیهقی بیش تر نظرش بر ارهاصات و معجزاتی بوده که قبل از بعثت یا همزمان با آن رخ داده و برای پرداختن به این مطالب، به ذکر اصل ماجرای بعثت نیاز داشته بیش ترین حجم اخبار در این مورد در کتاب او آمده است. (3) در بحث اولین آیاتی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، دوباره گزارش ها تکرار گردیده که بیش تر آن ها بر محور حضور جدی خدیجه علیها السلام است. هم چنین گزارش ابو عبد الله حافظ تکرار می شود که سند آن به عمرو بن شرحبیل می رسد اما مطالب جدیدی در بر دارد که در منابع قبل بدان اشاره نشده است. این بار در کنار نام ورقه نام ابوبکر نیز برده می شود به گونه ای که خدیجه علیها السلام از ابوبکر می خواهد تا همراه پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ورقه برود! پیامبر صلی الله علیه و آله از ترس و فرار خود در هنگام شنیدن صدایی می گوید که او را «یا محمد یا محمد» خطاب می کند و ورقه دستورالعملی به حضرت می دهد. (4) زمانی که حضرت تنها شدند، دوباره

ص: 354

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 142.

2- همان، ص 144

3- این گزارش ها صفحات 135 - 158 را به خود اختصاص داده است.

4- دلائل النبوة، ج 2، ص 158

ندایی شنیدند که می گفت: «یا محمد قل بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمین...» بیهقی در پایان این گزارش، نقد و توجیهی می آورد که سند این روایت منقطع است و به فرض پذیرش درستی، سند، ممکن است منظور نزول سوره حمد بعد از آیات اول سوره علق و مدثر باشد. (1) به نظر می رسد نقش ابوبکر در این گزارش، الهام گرفته از تعصب اهل سنت باشد.

بر اساس نقل اسماعیل بن ابی حکیم که از موالی آل زبیر بود، خدیجه آزمایشی انجام داد تا ثابت کند فرشته وحی بر حضرت نازل شده و شیطان تصرفی در این واقعه ندارد بیهقی در این مورد چنین تحلیل کرده که خدیجه علیها السلام این اقدام را برای اطمینان خاطر خود انجام داد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آن چه بر او نازل شده بود اطمینان داشت و دچار شک و تردید نبود و نشانه هایی که دیده بود، بیان گر همین موضوع بود. (2) آن چه در روایات بیهقی مهم می نماید، بیان دو گزارش از فضایل خدیجه علیها السلام است. عایشه از حسادت خود به خدیجه علیها السلام و از بشارتی که خداوند از خانه ای که برای خدیجه علیها السلام در بهشت در نظر گرفته هم چنین از سلام خداوند بروی خبر داده است. (3)

مرور گزارش های، بیهقی حکایت از رویکردی جدید در این باره دارد؛ زیرا وی درصدد بررسی و تحلیل برخی گزارش ها با استفاده از استدلال های عقلی در کنار واقعیت های تاریخی است.

ابن عبدالبر نیز به آزمایشی که خدیجه علیها السلام انجام داد تا ثابت شود فرشته وحی بر حضرت نازل شده نه شیطان به شکل مرسل از اسماعیل بن ابی حکیم (م 1300 ق) نقل کرده است. (4)

ص: 355

1- همان، ص 268.

2- همان، ص 152.

3- همان، ص 351

4- ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج 4، ص 1820.

با بررسی سیر تحول گزارشهای تاریخی در مورد حضرت خدیجه علیها السلام تا قرن پنجم به مناسبات خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در سه بازه زمانی: همراهی شغلی همراهی در امر ازدواج و همراهی در جریان بعثت پرداخته شد. در جریان همکاری شغلی، سه دیدگاه: مضاربه وکالت و اجیر بودن بررسی گردید که در نگاه تاریخ نویسان این محدوده زمانی دیدگاه اول دارای اولویت بوده و بیش تر مطرح شده است. گرچه نوع عبارت ها بیان گر آن است که مضاربه در آن زمان به معنایی نبوده که امروزه در فقه رایج است و بیانگر نوع خاصی از قرارداد و عقود اسلامی را بیان می کند در برخی گزارش ها نیز شواهدی وجود دارد که ادعای تکرار سفر تجاری را قوت می بخشد

در بازه زمانی دوم که محور گزارش ها بر جریان ازدواج و مقدمات قبل از آن است، منابع متقدم، به عواملی چون: آشنایی قبلی، همکاری شغلی و نقش میسرره در توصیف رخدادهای سفر اشاره داشته اند که به امر ازدواج سرعت ببخشید ذکر برخی اوصاف خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات به منظور نشان دادن کفویت آن ها در ازدواج است.

با این که تاریخ نگارانی چون: ابن هشام ابن سعد بلاذری و ...، از نظر تدوین رخدادهای تاریخی نسبت به اوضاع در اوج بودند، در دادن برخی آگاهی ها ضعیف عمل کردند. تاریخ نویسان بعدی با نگاهی جزئی به گزارش ها، توانستند ضعف سابق را جبران کنند و در قدم بعدی به بررسی و نقد برخی از گزارش ها پردازند.

در دو کتاب دلائل النبوه ابونعیم و بیهقی نیز تکیه بر همان گزارش های منابع پیشین است. با توجه به وضعیت زمانی این دو نویسنده، سیر نگارش گزارش های مربوط به خدیجه علیها السلام در این دو کتاب هم سو بوده، در به تصویر کشیدن نقش خدیجه علیها السلام، می کوشد تا شواهدی از دلایل پیامبری آورد. در همه منابع مورد بحث در این بخش از گزارش ها مطالب اغراق آمیز و عجیبی ذکر

شده که پذیرش برخی از گزارش‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

ابن عبدالبر در کتاب استیعاب از روایاتی بهره برده که بیان‌گر ویژگی‌ها و فضایل خدیجه علیها السلام مانند طاهره بودن در جاهلیت اولین مسلمان، «خیر نساء العالمین»، «افضل نساء اهل الجنة» و «سیده نساء العالمین» است و در منابع پیشین به آن توجه نکرده‌اند. وی بسیار مختصر و گذرا به تجارت پیامبر صلی الله علیه و آله برای خدیجه علیها السلام اشاره کرده بدون این که به نحوه همکاری توجه داده باشد. گزارش ازدواج نیز در حد بیان تاریخ و سن ازدواج آن‌هاست. از گزارش همراهی خدیجه علیها السلام در جریان بعثت نیز غفلت شده است.

در بخش سوم گزارش‌ها که با محوریت همراهی خدیجه علیها السلام در جریان بعثت است حضور خدیجه علیها السلام بسیار جدی است و رقه در تمام گزارش‌های عمده نزول وحی دخالت دارد و این دخالت از طریق خدیجه علیها السلام انجام می‌شود. به نظر می‌رسد نقش ابوبکر در این گزارش‌ها گرفته از تعصب اهل سنت باشد. در بحث سفر تجاری و پیش‌گویی‌های رقه بحیرا یا نسطور و عداس نیز اندیشه ضمنی تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله مسیحیان القا شده است.

گزارش‌های بی‌هقی از رویکردی جدید حکایت دارد که بیان‌گر بررسی و تحلیل برخی گزارش‌ها با استفاده از استدلال‌های عقلی در کنار واقعیت‌های تاریخی است. بی‌هقی بعد از دادن گزارش آزمایش خدیجه علیها السلام برای اثبات نزول جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله، حضور پدر خدیجه علیها السلام حضور پدر خدیجه علیها السلام در مراسم ازدواج و شراب‌خواری وی، ماجرای نزول وحی و سوره حمد و طرح جریان شق صدر در کنار وقایع بعثت به بررسی و نقد آن‌ها نیز پرداخته است.

در نهایت موارد ذیل را در پاسخ به سؤال اصلی این نوشتار می‌توان لحاظ کرد:

زندگی حضرت خدیجه علیها السلام در هیچ یک از منابع مورد نظر، به طور مستقل کاوش نشده است. نوع نگاه این منابع به حضرت خدیجه علیها السلام، استطرادی و حاشیه‌ای بوده و فقط در رخدادهای تاریخی مربوط به زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها هم

نه به شکل جدی دنبال شده است. همین مساله موجب شده تا تاریخ نویسان از دیگر ابعاد زندگی این بانو غافل شوند.

در این پنج قرن تحول خاصی در سیر تدوین گزارش های تاریخی مربوط به خدیجه علیها السلام حاصل نشده و منابع متأخر، آگاهی جدیدی به خواننده نمی دهند و در تدوین روایات مربوط به خدیجه علیها السلام عیناً از منابعی نقل کرده اند که در اختیار داشته اند. این نقل ها بیش تر بر روایات ابن اسحاق، واقدی و ابن سعد مبتنی است حتی تاریخ نویسان بعدی در چینش گزارش ها نیز ابتکار خاصی نشان نداده اند.

به جز گزارش، بییهقی که در برخی موارد نگاهی جدید به گزارش ها داشته و یا نقد و بررسی ارائه کرده سایر گزارش ها غالباً خالی از تجزیه و تحلیل و صرف توصیف رخدادهاست.

ص: 358

1. ابن سعد، محمد بن سعد (م 230)، الطبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر، عطا بيروت، دار الكتب العلمي، 1410ق.
2. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله، (م.463ق)، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق على محمد الجاوي، بيروت، دارالجيل، 1412ق.
3. ابن منظور، محمد بن مكرم (م 711)، لسان العرب، چاپ سوم، بيروت، 1414 ق.
4. ابن هشام عبدالملك بن هشام (م 218ق)، السيره النبويه، تحقيق مصطفى السقا و ابراهيم الأبياري و عبد الحفيظ شلبي، بيروت، دارالمعرفه، بي تا.
5. ابى هبيرة، الليلى خليفه بن خياط، (م 240)، تاريخ خليفه، تحقيق فواز بيروت، دار الكتب العلميه، 1415ق.
6. اصفهاني ابونعيم (م430ق)، دلائل النبوه، چاپ سوم، بيروت، دار النفائس، 1412 ق.
7. بكرى الاندلسي عبدالله بن عبدالعزيز (م 487)، معجم ما استعجم، تحقيق مصطفى السقا، چاپ سوم، بيروت، نشر عالم الكتب، 1403ق.
8. بلاذرى، محمد بن يحيى، (م.279ق)، انساب الاشراف، تحقيق محمد حميد الله، مصر، دار المعارف، 1959 م .
9. بيهقي، احمد بن الحسين، (م 458ق)، دلائل النبوه و معرفه أحوال صاحب الشريعه، تحقيق عبدالمعطى قلجى، بيروت، دارالكتب العلميه، 1405ق.
10. حلبي على بن ابراهيم (م 1044)، السيره الحلبيه، بيروت، دارالكتب العلميه، 1427 ق.
11. حموى، ياقوت بن عبد الله (م. 626)، معجم البلدان، بيروت، داراحياء التراث العربي 1399ق.
12. خرگوشى، عبدالملك بن ابى عثمان، (م. 406ق)، شرف المصطفى، مكه،

13. دينورى، احمد بن داوود، (م 2820)، اخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم عامر، قم منشورات الرضيريا، 1386ش.
14. زيدي، مرتضى حسيني (م.1205)، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارالفكر، 1414 ق.
15. سهيلي، عبدالرحمان، (م.581)، الروض الأنف، داراحياء التراث العربي، 1412 ق.
16. طبرى، محمد بن جرير، (م 310 ق)، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق محمد أبو الفضل، ابراهيم چاپ دوم، بيروت، دارالتراث، 1387ق.
17. كلاعى سليمان بن موسى (م.634)، الاكتفاء بما تضمنه من مغازى رسول الله صلى الله عليه وآله و ثلاثه الخلفاء، بيروت، دار الكتب العلميه، 1420 ق.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

